

السلامة والسلامة

وقف ميرزا جوادان

فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی

سال بیست و یکم - زمستان ۱۳۹۲

شماره ۸۴



سازمان اوقاف آموزشی

وقف

میراث جاویدان

مشخصات فصلنامه

صاحب امتیاز: سازمان اوقاف و امور خیریه

مدیر مسئول: علی محمدی (نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه)

سر دبیر: احمد شرفخانی (معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه)

سرگروه نویسندگان و اجرا: سید احمد سجادی

ویراستار: سید امیرحسین کامرانی راد

صفحه آرا و طراحی داخلی: سید علی علوی

طراح جلد: سعید عظیمی

تهیه و نشر: مؤسسه فرهنگی هنری نور راسخون

(به سفارش سازمان اوقاف و امور خیریه)

نشانی مجله: تهران خیابان حافظ خیابان نوفل لوشاتو - کوی شهید واعظی پلاک ۱۰

تلفن: ۶۶۷۴۷۸۱۵ - ۰۲۱ - ۶۶۷۰۷۹۵۴ - ۰۲۱

مشخصات نرم افزار

متن کامل مجله به صورت TXT

تصاویر کامل مطالب

گوشش کامل مقالات، قابل اجرا در دستگاه‌های رایانه و MP3

ارائه موضوعات مقالات به صورت ساختار درختی و یکجا

قابل انتقال به دفترچه یادداشت و چاپگر

جستجوی ویژه در عناوین، پاورقی و متن

برنامه نویسی: مهدی اثنی عشران

گوشش مقالات: محمد رضا کبیری

فهرست مطالب

جستارهایی از تاریخ وقف در ایران به ویژه اصفهان (با تکیه بر نوشته‌های عبدالحسین سپنتا) ۱۷

محمد حسین ریاحی

بررسی تأثیر موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه بر اقتصاد کشور ۶۳

عفت خوشنودی

تغییر نام موقوفات از منظر اخلاق ۸۳

دکتر سید حسن اسلامی

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی؛ زنان آمل) ۹۹

معصومه یدالله‌پور

وقفنامه قنات حسینیّه تهران ۱۲۷

مرضیه مرتضوی

مجموعه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و موقوفات آن ۱۳۷

مهدی بختیاری

امامزاده اسماعیل علیه‌السلام (همدان) ۱۵۵

زهرا پورشعبانیان

پیوند وقف با آموزش عالی در مصر جدید ۱۶۷

دکتر ابراهیم بیومی غانم ترجمه: حسین علینقیان

معرفی کتاب فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر پنجم: شهرستان یزد و حومه ۱۹۷

سید امیرحسین کامرانی‌راد

چکیده‌های عربی ۲۰۴

علی زاهدپور

چکیده‌های انگلیسی ۲۱۰

فرزانه عالی نژادیان

باسمه تعالی

در طول ماه‌های گذشته علیرغم تأکید مقام معظم رهبری بر فرهنگ دینی، توهین به مقدسات اسلام، و فرهنگ مردم بارها توسط اشخاص یا گروه‌های مختلف با گرایش‌های به اصطلاح ملی یا اصلاح طلبانه در تریبون‌ها و رسانه‌های نزدیک به این طیف‌ها مطرح شده است. زیر سؤال بردن ولایت حضرت علی علیه السلام، رد نص صریح قرآن درباره مسأله ارث زن، غیر انسانی خواندن حکم اسلامی قصاص و... نمونه‌های بارزی از هجمه به اصطلاح روشنفکران در طول این مدت بوده است. این موضوع در کنار سهل انگاری نهادهای فرهنگی دولتی و غیردولتی، موجب بروز واکنش‌های متعدد از سوی علما و مردم شد تا آنجا که رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان فرمودند:

«بنده هم در این نگرانی [از مسائل فرهنگی] با شما سهیم هستم و امیدوارم که مسئولین فرهنگی توجه داشته باشند که چه می‌کنند. با مسائل فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد، بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود [آن را] جمع کرد.»

مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری را می‌توان منشور انقلاب دانست که برنامه آینده انقلاب را برای دوستداران به

تصویر کشید و دغدغه‌ها و راه حل‌هایی که در این مسیر وجود دارد توسط معظم‌له بیان شد.

بعد از ابراز نگرانی رهبر معظم انقلاب در مورد مسائل فرهنگی در کشور، این سؤال به وجود می‌آید که چه اتفاقی در عرصه فرهنگ در حال شکل‌گیری است که ایشان را به اعلام نگرانی علنی کشانده است؟

این سؤال از آن جهت مهم است که بر مبنای سیره عملی مقام معظم رهبری، ایشان قبل از هر تذکر علنی چندین بار به طور خصوصی به مسئولین مربوطه تذکرات لازمه را ابراز نموده آنان را از حساسیت موضوع و بحران‌های پیش رو مطلع می‌نمایند.

برای درک عمیق علل نگرانی معظم‌له و علمای اعلام خصوصاً مراجع عظام تقلید، چاره‌ای نیست جز این که نگاهی کوتاه به برخی رویدادهای چند ماه اخیر عرصه فرهنگ و هنر بیندازیم.

در عرصه مطبوعات حرکت خزنده بی‌حرمتی به ارزش‌ها و مقدسات در ماه‌های اخیر بروز آشکار داشته است، از جمله روزنامه بهار که با زیر سؤال بردن واقعه غدیر خم و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نصب امیرمؤمنان علیه السلام به جانشینی خویش، موجبات نگرانی و گلایه‌های علما را فراهم گشت و خشم مردم از زیر سؤال بردن اصلی‌ترین محور ولایت و رهبری را برانگیخت.

چندی بعد روزنامه آسمان که قصاص یعنی حکم صریح قرآن کریم را غیر انسانی خوانده بود. این اقدام موهن نیز واکنش علما و مردم را در پی داشت. چنانچه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در ابتدای درس خارج فقه خود در اعتراض به این یادداشت موهن، فرمودند:

«نویسنده گستاخ در این روزنامه حرف‌های بسیار زشتی نوشته بود، روزنامه توقیف شده است ولی نباید به این هم قناعت شود. برخی‌ها فکر نکنند که دولت جدید آمده و آزادی است و هر کسی هر کاری می‌خواهد بکند و هر چه خواست



بنویسند؛ باید به این مسئله جداً توجه داشته باشند.»

حضرت آیت الله العظمی سبحانی نیز در درس خارج خود فرمودند:

«این روزها مجلات و روزنامه‌ها چیزهای می‌نویسند، که انسان تعجب می‌کند، در نشریه‌ای به امیرالمؤمنین علیه السلام توهین شده و یا احکام نورانی قرآن را زیر سوال می‌برند! ذره‌ای نباید نسبت به فعل و عمل و کارکردهای این نشریات راضی باشیم، چرا که قلب انسان یا جایگاه شیطان است و یا جایگاه حق و حقیقت.»

علامه مصباح یزدی هم در واکنش به این اقدامات موهن، فرمودند:

«علی‌رغم این که بزرگ‌ترین منبع غنی فرهنگ که همان اسلام است در اختیار ماست، از آن استفاده شایسته نمی‌کنیم و لذا مشکل فرهنگی بزرگ‌ترین بلای کشور شده است. برخی از مسئولین فرهنگی کشور دور شدن از فرهنگ اسلامی را نشانه پیشرفت دانسته و برخی از مصادیق آن را ترویج می‌کنند. همه ما باید در حوزه مسئولیت خود، مسائل فرهنگی را تقویت کنیم، وگرنه با قانون، بودجه و ساختمان، مسائل فرهنگی قابل حل نیستند. همه جرائم و مفاسد را معلول فقر انگاشتن و حل آنها را در گرو حل مسائل اقتصادی دانستن، می‌تواند دامی شیطانی باشد، و از بعد سیاسی نیز می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای فتنه‌ای که بتوانند نظام را تهدید کنند.»

ترویج اباحه‌گری، مطرح کردن افراد بدسابقه و مسئله‌دار، تلاش مداوم برای تطهیر چهره آمریکا و به تعبیر رهبری کم رنگ کردن دشمنی دشمن و تلاش برای احیای برخی از نهادها و انجمن‌های صنفی افراطی و منحل، تنها چند نمونه از رخدادهای نگران‌کننده برخی مطبوعات در شش ماه گذشته است.

در عرصه سینما نیز در ماه‌های اخیر نشانه‌های متعددی از تحرک یک جریان خزننده ضد فرهنگی دیده شده است. مسائلی که در حواشی جشنواره فجر در زمینه مطرح شدن چهره‌های فاسد زمان پهلوی رخ داد، تجلیل از افراد بد سابقه و منحرف، تعریف و تمجید از برخی فیلم‌های سیاه‌نما و یا حامی جریان فتنه، برخورد منفعلانه مسئولین مربوط فرهنگ با سخنان گستاخانه برخی افراد، حمایت آشکار و

پنهان از کسانی که درباره فرهنگ انقلاب هیچ دغدغه‌ای ندارند، بی توجهی و کم توجهی به نیروهای مؤمن عرصه هنر و زمینه سازی برای اباحه گری، نمونه‌هایی از رویدادهای سئوال برانگیز عرصه سینما و هنر در چند ماه اخیر است.

در بخش کتاب نیز زیر سئوال بردن ممیزی قبل از چاپ، بحث دادن مجوز به کتاب‌های دارای انحراف، برگزاری جشنواره و گرامی‌داشت برای چهره‌هایی که در ضدیت با انقلاب اسلامی و حتی اسلام سابقه مشخصی دارند، اعلام رسمی بی توجهی به سوابق نویسندگان حتی نویسندگان ضد انقلاب و ضد اسلام در دادن مجوز کتاب، از جمله موارد متعددی است که نشان می‌دهد جریان خاصی در سایه کم توجهی مسئولان مربوط و حمایت برخی چهره‌های سیاسی در حال شکل‌گیری مجدد است.

همان‌گونه که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نمودند برای رفع نگرانی‌های رهبر معظم انقلاب و طبعاً مردم تلاش می‌نمایند، اگر این گونه اقدامات با تجدید نظر جدی مسئولین مربوط در سیاست‌ها و روش‌ها همراه شود، می‌تواند دغدغه‌های عمومی در زمینه فرهنگ را کاهش دهد و امیدها در سطح قابل قبولی افزایش یابد.

ما اگر باور داریم که ریشه این انقلاب، فرهنگ است، بلکه ریشه سعادت انسان در دنیا و آخرت فرهنگ اسلامی است، باید سعی کنیم که به موضوع فرهنگ اهمیت دهیم.

البته جامعه ابعاد دیگری هم دارد، ابعاد نظامی، بین‌المللی، اقتصادی، حقوقی و... همه اینها سر جای خودش؛ ولی ریشه‌ای که همه این ابعاد را تغذیه می‌کند، فرهنگ اسلام است. در این صورت اگر حرکت سیاسی، علمی و اقتصادی انجام دهیم، باید برخاسته از این فرهنگ باشد.

اگر باور داشته باشیم که اساس انقلاب ما، فرهنگی است، در این صورت نسبت به فرهنگ حساس خواهیم بود؛ خطری که متوجه فرهنگ باشد، از هر خطر نظامی



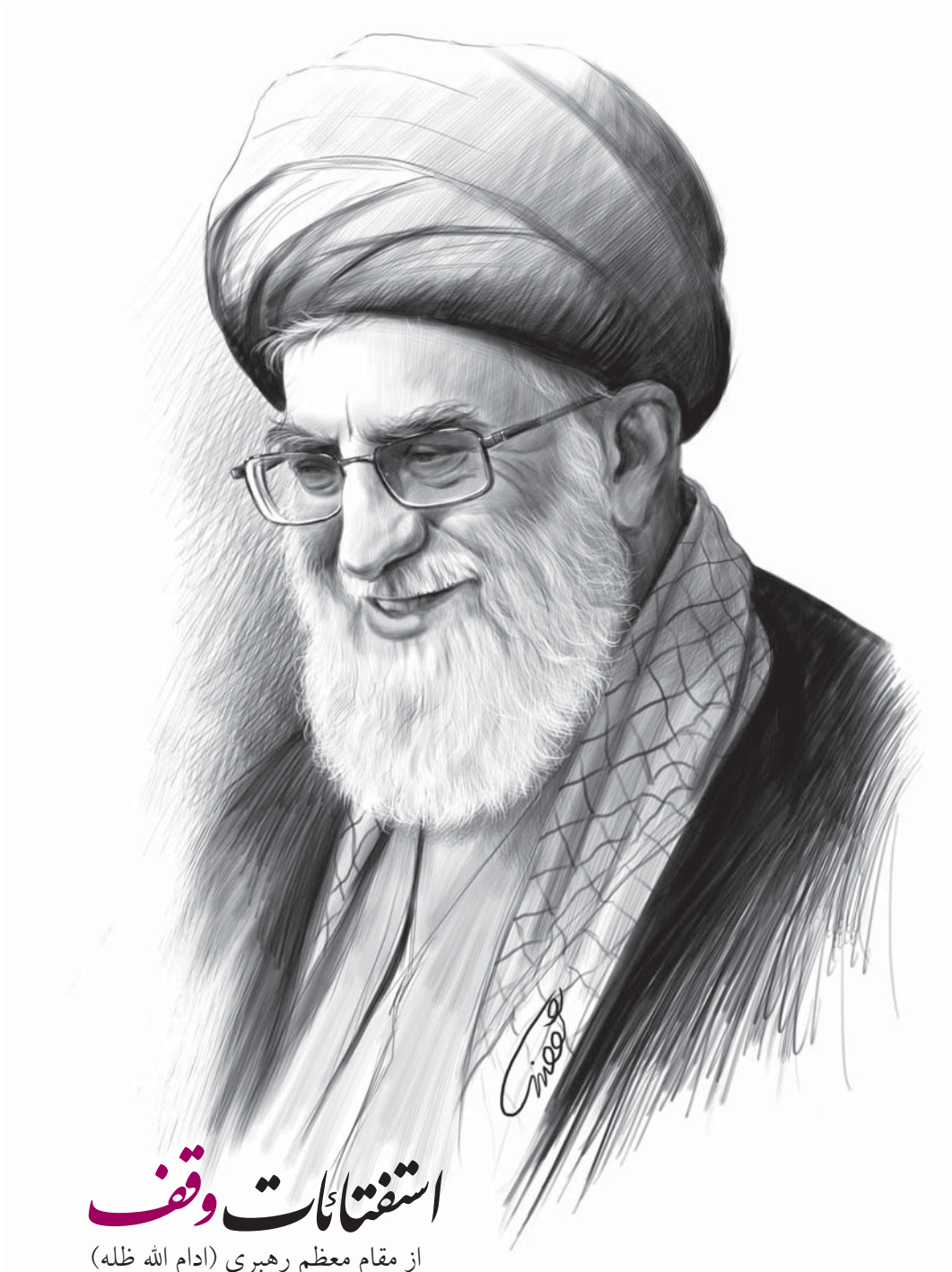
و اقتصادی برای ما مهم تر است؛ و خدمتی که در جهت فرهنگ اسلامی باشد، را از هر خدمتی بالاتر می دانیم.

سازمان اوقاف و امور خیریه نیز وظیفه خود می داند همچون گذشته در راستای فرامین مقام معظم رهبری به امر فرهنگ و امور فرهنگی اهتمام ویژه نموده و برنامه سال ۱۳۹۳ را بر پیشبرد فرهنگ متعالی وقف، قرآن و اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

علی محمدی

نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه




استفتائات وقف

از مقام معظم رهبری (ادام الله ظلّه)

استفتاء: طبق وقفنامه‌ای که واقف عرصه‌ای را وقف به صورت یک عشر صرف روشنایی روضه متبرکه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و مابقی آن بر اولاد نسلاً بعد نسل می‌باشد که اکنون اینجانب احدی از متولیان موقوفه فوق الذکر می‌باشم و در وقفنامه قید شده است که اجاره بیش از یک سال بر متولیان مجاز نمی‌باشد و متخلف دچار لعن خداوند قرار گیرد، آیا متولیان قبلی یا فعلی می‌توانستند یا می‌توانند مخالف نظر واقف حتی قسمتی از عرصه را بیش از یک سال اجاره داده یا بدهند. (ضمناً حضرت امام علیه السلام در تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۷۴، کتاب اجاره، مسأله ۱۱، فتوایی در این خصوص مرقوم نموده‌اند)

بِسْمِ
 مَرَّةٍ حَقِّ نَدَارٍ بِرِخْلَتِ شَرْطِ وَقْفِ
 هَر كَنْدِ نَسَبِ بَا عَارِ مَبْرَارِ كَلِ
 دَر فَرَضِ سَوْأَلِ تَوْلِيَتِ نَدَارِ، ر
 لَذَا اِرْتِبَاطِي بَاسْأَلِ تَحْرِيرِ نَدَارِ
 ۱۵۹۳۳



بسمه تعالی

متولی حق ندارد بر خلاف شرط واقف عمل کند و نسبت به اجاره بیش از یک سال در فرض سؤال تولیت ندارد، و لذا ارتباطی با مسأله تحریر ندارد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای



استفتاء: زمین کشاورزی از قدیم الایام موقوفه بوده و منطقه به موقوفه بودن او شهادت می دهند حتی از پدرانشان نقل می کنند اشخاصی هم به عنوان متولی سهم مقرری از کشاورز گرفته به قول خودشان خیریه کرده اند و بعد از فوت پدرانشان ورثه آن ها به همین منوال سهم را در یک قرن گذشته گرفته اند و حالا ورثه، منکر موقوفه بودن می باشند و سند وقف هم در دست نیست؛ آیا می توانند همین زمین را تصرف نموده و به عنوان ملک شخصی خود همه را به مصرف شخصی خود برسانند؟ خواهشمند است حکم شرعی را مرقوم فرمایید.

بِسْمِ تَعَالَى
 با فرض شهرت به وقفیت، زمین مذکور
 حکم وقف را دارد، و تصرف در آن بدون
 اذن متولی شرعی موقوفه حکم غصب را دارد
 ۱۵۸۰۷



بسمه تعالی

با فرض شهرت به وقفیت، زمین مذکور حکم وقف را دارد، و تصرف در آن بدون اذن متولی شرعی موقوفه حکم غصب را دارد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

استفتاء: منزلی در جنب مسجد بوده که صاحب آن دودانگ منزل خود را وقف مسجد نامبرده کرده که صحنی داشته باشد و صیغه وقف خوانده شده، بعد از فوت او عیالش کلیه منزل را فروخته

و مبلغ سیصد هزار تومان به امانت مسجد داده. آیا تکلیف چیست می توان این پول را به مصرف دیگر مسجد رساند یا این که زمین به حال وقف باقی است، خواهشمند است تکلیف شرعی را مرقوم فرمایید که مورد لزوم است.

بسمه تعالی
 واقف اگر پس از انشاء وقف زمین موقوفه را
 به قبض متولی شرعی موقوفه یا همت وقف داده
 وقفیت آن تمام و فروشن آن باطل است زمین
 باید به وقف برگردد و پول پرداختی فروشنده به او
 مسترد شود و خسارت مشتری یا فروشنده
 ضمانت است، ولی اگر قبض موقوفه در حالت
 واقف حاصل نشود یا نباشد با فوت او وقف
 باطل گردید و زمین جزو بیاترک او محسوب می
 گردد و در صورت بیگانه و در این صورت پول پرداختی
 فروشنده اگر تبرع برای مصارف مسجد باشد صرف
 آن در امور مسجد مانع ندارد
 ۱۶۳۰۶



بسمه تعالی

واقف اگر پس از انشاء وقف، زمین موقوفه را به قبض متولی شرعی موقوفه

یا جهت وقف داده، وقفیت آن تمام و فروش آن باطل است. زمین باید به وقف برگردد و پول پرداختی فروشنده به او مسترد شود و خسارت مشتری را فروشنده ضامن است، ولی اگر قبض موقوفه در حیات واقف حاصل نشده باشد، با فوت او وقف باطل گردیده و زمین جزو ماترک او محسوب و به تمام ورثه می‌رسد، و در این صورت پول پرداختی فروشنده اگر تبرع برای مصارف مسجد باشد، صرف آن در امور مسجد مانع ندارد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: قسمتی از مدرسه علمیه که وقف بوده تخریب گردیده و جهت احداث ساختمان تجاری واگذار گردید که قسمت اعظمی از آن به عللی به وقف برگشته و بخش کمتری در ملکیت اشخاص باقی مانده، آن قسمت که به وقف برگشته به وسیله متولیان و یا اداره اوقاف اجاره بندی و اکنون هم در تصرف مستأجرین متصرف قرار دارد.

سؤال: آن قسمت که به وقف برگشته که در اجاره متصرفین فعلی می‌باشد، می‌شود تجدید اجاره نمود و متصرفین همانند گذشته استیفای منافع نمایند یا باید خلع ید نمود و مغازه‌ها را تخریب و عرصه آن را ضمیمه مدرسه مذکور نمود.

بسم الله الرحمن الرحیم
 مدرسه موقوفه و عرصه آن که وقف استغناج بوده و
 بعد از آن وقف بنفست بصورت مغازه و غیره شرعاً
 جایز نیست، بلکه باید آنرا به حالت سابق برگرداند
 و ابقاء مآنه‌های تصرف در بصورت مغازه و غیره
 و دریافت اجاره بها، از تصرفین صورت شرعی ندارد
 و شرعاً جایز نیست
 ۱۸۶۱۹



بسمه تعالی

مدرسه موقوفه و عرصه آن که وقف انتفاع بوده و هست تبدیل به وقف منفعت به صورت مغازه و غیره شرعاً جایز نیست، بلکه باید آن را به حالت سابق برگردانند و ابقاء مساحت‌های تصرف شده به صورت مغازه و غیره و دریافت اجاره بها از متصرفین صورت شرعی ندارد و شرعاً جایز نیست.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: مکانی است که حدود یکصد سال قبل به منظور استفاده مطلق فقراء و دیگر مسافران رهگذر به عنوان کاروانسرا و خیرات وقف شده است، بعضی از وارثان صاحب خیرات به علت ندانستن مسأله و یا داد و ستدهایی که بین یکدیگر داشته‌اند، به دیگران فروخته و در تصرف ورثه خریداران است؛ این گونه معاملات و تصرفات ورثه خریدار در این مکان چگونه است؟

بسمه تعالی
متولی شرعی جایز نیست، و تصرف در وقف بدون اذن
۱۶۳۲۹



بسمه تعالی

وقف قابل خرید و فروش نیست، و تصرف در وقف بدون اذن متولی شرعی جایز نیست.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: سهم الارث خانه و باغچه «غرسی و اعیانی» شخصی از موقوفه حضرت سید الشهداء علیه السلام خریداری و پس از تعمیر، تجدید بنا، غرس اشجار، آبیاری، مراقبت و ... به حکم اضطرار در آن ساکن و همه ساله اجاره معینه را به اوقاف پرداخته‌ایم چون متولی ندارد و هم اکنون چند سوال زیر برای ما مطرح می‌باشد:

(۱) انجام عبادات، فرایض و سکنی در ملک مذکور؟

بسمه تعالی
موقوفه قابل خرید و فروش و استملاک نیست ولی اجاره آن از متولی شرعی موقوفه الاستولی ها من
داشته باشد و در آن اجاره شرعی یا نهاییه مجاز و مانع ندارد و بعد از اجاره کردن از متولی موقوفه
تصرفات استغنائی در آن مجاز و در اشکال است



بسمه تعالی

موقوفه قابل خرید و فروش و استملاک نیست ولی اجاره آن از متولی شرعی موقوفه اگر متولی خاص داشته باشد وگرنه از حاکم شرع یا نماینده مجاز او مانع ندارد و بعد از اجاره کردن از متولی موقوفه تصرفات انتقاعی در آن جایز و بی اشکال است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

۲) آیا اینجانبان «خریداران» در فروش، رهن، اجاره یا صلح اعیانی مذکور با اداره اوقاف، حسینیه‌ها، مدارس، مراکز آموزشی و اولاد و اشخاص ذی صلاح مجازیم یا خیر؟

بسمه تعالی
گذشت که خرید و فروش موقوفه با رضایت، و رهن یا اجاره یا صلح اعیانی تابع
ملکوتی قرارداد اجاره موقوفه از متولی شرعی است



بسمه تعالی

گذشت که خرید و فروش موقوفه جایز نیست، و رهن یا اجاره یا صلح اعیانی تابع چگونگی قرارداد اجاره موقوفه از متولی شرعی است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

۳) و در فرض فروش اعیانی مذکور، ارزش تقریبی ملک مذکور را کدام مرجع باید تعیین نماید و در شیراز چه کسی؟

بسمه تعالی
اعیانی از ملک شخصی است با رضایت یا نه تعیین قیمت مولک
به توافق او با مشتری است ولی استقال آن بیع موقوفه
تابع ملکوتی قرارداد اجاره موقوفه است
۱۶۵۹۲



بسمه تعالی

ایمانی اگر ملک شخصی مستأجر موقوفه باشد، تعیین قیمت موکول به توافق او با مشتری است ولی انتقال آن به تبع موقوفه تابع چگونگی قرارداد اجاره موقوفه است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: احتراماً استدعا دارد نظر مبارک راجع به ورود افراد اجنبی و اهل کتاب و غیر مسلمان به مساجد و اماکن مقدسه و باستانی به عنوان توریست و عکسبرداری و فیلمبرداری و تهیه گزارش را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی

مانعی از دخول کفار در مساجد غیر از مسجد الحرام و مسجد نبوی (ص) نیست
مگر در صورتی که مستلزم بنجیر مسجد یا تنگ آن یا روی مکتب جنب مسجد باشد



۱۶۵۲۲

بسمه تعالی

مانعی از ورود کفار در مساجد فی نفسه غیر از مسجد الحرام و مسجد النبوی (صلی الله علیه و آله) نیست مگر در صورتی که مستلزم تنجیس مسجد یا هتک آن یا موجب مکتب جنب در مسجد باشد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

جستارهایی از تاریخ وقف در ایران به ویژه اصفهان (با تکیه بر نوشته‌های عبدالحسین سپنتا)

محمد حسین ریاحی

چکیده:

سیر تاریخ وقف در ایران اسلامی از جمله دوران‌های کارساز و درخشان، می‌تواند نقش این نهاد ارزشمند را در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی بازگو کند. مرحوم عبدالحسین سپنتا از جمله کسانی است که نزدیک به نیم قرن پیش با تدوین اثری نسبتاً مناسب کوشیده تا با ارایه مطالب و اسنادی قابل توجه و کم‌نظیر به توصیف وقف در ایران اسلامی به ویژه شهرهایی مانند اصفهان بپردازد، هر چند که مطالعات وقف امروزه نسبت به گذشته متحول شده لیکن کار مرحوم سپنتا در «تاریخچه اوقاف اصفهان» قدمی مهم در تبیین اهمیت وقف در تاریخ تمدن اسلامی، ایران و به ویژه اصفهان است.

کلید واژه‌ها:

وقف، ایران، اصفهان، عبدالحسین سپنتا.

مقدمه:

با توجه به اهتمام دین مبین اسلام و تأکید قرآن کریم و احادیث و روایات برگرفته از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به امور خیر و وقف در بسیاری از مناطقی که در قرون نخستین هجری به دین مبین اسلام گرایش پیدا کردند وقف توسعه یافت، از جمله در ایران به ویژه در شهرهای آن این موضوع محسوس و قابل اعتنا بود شهرهایی مانند ری، اصفهان، بخارا، شیراز، اردبیل، همدان، نیشابور، طوس و بسیاری از بلاد دیگر.

در آثاری چون «تاریخچه اوقاف اصفهان» از مرحوم عبدالحسین سپینتا گامی مثبت جهت توصیف این سیر تاریخی در ایران و اصفهان است چرا که مؤلف از لابلای متون سعی بر ارایه اهمیت وقف و نقش و تأثیرگذاری آن در این خطه از جهان اسلام یعنی ایران و شهرهایی از آن مانند اصفهان دارد.

از جمله آثار و تألیفات در باب اوقاف که حدود نیم قرن پیش به چاپ رسیده کتاب مذکور است که توسط

اداره اوقاف اصفهان و به سال ۱۳۴۶ خورشیدی به چاپ رسیده است. کتاب در چهارصد و سی و هشت صفحه تألیف شده و دربرگیرنده اطلاعات خوب و جامعی درباره اوقاف اصفهان در ادوار مختلف و حتی زمینه اوقاف و موضوع وقف در ایران است به ویژه در ادوار قبل از صفویه که مؤلف با استناد به نوشته‌های مورخین و آثار، آن را در اثر خود درج نموده است. قبل از پرداختن به موضوعات و مندرجات تحقیق، شایسته است درباره مؤلف نیز مطالبی ذکر گردد.

عبدالحسین سپینتا در چهاردهم خرداد ماه ۱۲۸۶ خورشیدی در تهران متولد شد. پدرش غلامرضا طالب زاده شیرازی بود که به واسطه نام اجدادی اش «شیروانی» و با اقامت طولانی در رشت به «رشتی» شهرت داشت، غلامرضا خان، از ملتزمان دربار مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) بود و چون به زبان انگلیسی آشنایی داشت به عنوان مترجم دکتر «اداکاک» پزشک مخصوص شاه، در سفر

مظفرالدین شاه به اروپا جزو همراهان او بوده است. مادرش شوکت شیرازی از نوباوگان خاندان معروف امام جمعه شیراز بود. یکی از کسانی که در تربیت عبدالحسین سپنتا نقش عمده‌ای داشت دایی او میرزا محمدحسین شیرازی بود که به زبان‌های متعدد آشنا و با علوم مختلف سر و کار داشت. سپنتا با طی نمودن مراحل در مدارس جدید به هنر نمایش روی آورد و پس از مدتی جهت مطالعه و تحقیق راهی هندوستان گردید.

سپنتا پس از آن به حرفه روزنامه‌نگاری روی آورد و در عین حال به امور سینمایی و ساختن برخی فیلم‌های تاریخی پرداخت که شاید مهم‌ترین علت رویکرد او به ساختن این فیلم‌ها علاقه‌مندی وی به تاریخ بوده است.

پس از چند بار رفتن به هندوستان و اقامت در این سرزمین کار مطبوعاتی خود را توسعه داد و در این رهگذر نیز به تألیف کتاب روی آورد، اولین روزنامه سپنتا در شهر بمبئی هندوستان

تحت عنوان «دورنمای ایران» بوده است. اما مهم‌ترین کار روزنامه‌نگاری وی «نامه سپنتا» بوده است و به نقلی روزنامه او: مجموعه‌ای از آثار ذوق و ادب و نمونه‌ای از بهترین یادگار شاهکارهای شرق و غرب را ارایه نموده است. عبدالحسین سپنتا در هشتم فروردین ماه ۱۳۴۸ در اصفهان بر اثر سگته قلبی در گذشت و در مقبره خانوادگی‌اش واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

و اما این اثر یعنی «تاریخچه اوقاف اصفهان» فاقد فصل بندی است و دارای هفتاد و هشت مطلب جداگانه و مجزا درباره موقوفات در ایران به ویژه اصفهان است که عمده مطالب مربوط و مرتبط با دوران صفویه است که تصویری از مطالب و مندرجات کتاب در این نوشته ترسیم می‌شود ضمن این که اثر مذکور دارای چهل و یک تصویر است که عمدتاً مربوط به وقفنامه‌ها می‌باشد.

نویسنده در مقدمه به ضرورت پرداختن به موضوع وقف و اهمیت



آن اشاره نموده و در جایی، درباره انگیزه خود از تألیف اثر سخن گفته و آورده است: توقف ممتد در شهر تاریخی اصفهان و علاقه به آثار باستانی [تاریخی] این شهر بزرگ که گویی گنجینه جاودانی صنایع ایران از دوران بسیار کهن تا امروز می‌باشد مرا در این راه یاری کرد.^۱

مؤلف پس از آن در باب ارزش شناخت آثار و موقوفات آن را مطرح نموده و می‌نویسد: برای کسانی که هر گاه به ابنیه باستانی و مساجد و بقاع قدیمی می‌نگرند، تجلی روح و هنر گذشتگان را می‌بینند بسیار جالب و امیدبخش است که بدانند این آثار خیر مانند هزاران مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام، پل، دارالشفا، بیمارستان، کتابخانه، مکتب خانه، آب انبار، راه، رباط در سراسر ایران روی چه عقیده مقدس و برای چه هدف و نظر عالی انسانی به وجود آمده و بانیان و هنرمندان و استادانی که در این آثار با صرف مال و وقت و به کار بردن سلیقه و هنر خدمت کرده‌اند چه کسانی

بوده‌اند و با چه ایمان و عقیده راسخ این همه آثار بدیع را به وجود آورده و از خود باقی گذاشته‌اند و بانیان این ابنیه خیر برای بقا و تعمیر این آثار چه اراضی وسیع و املاک زیاد و موقوفات کثیر بر جا گذاشته و چگونه اسناد محکم برای مصون بودن آن املاک و موقوفات از دستبرد و تجاوز و ویرانی و تغییر و تبدیل تنظیم و باقی نهاده‌اند؛ زیرا آنان بدین حدیث شریف مؤمن بوده‌اند که: پس از مرگ آدمی کار او بریده می‌شود مگر از سه چیز، صدقه و بخشش جاری یا دانشی که از او سود برند یا فرزند صالحی که او را به نیکی یاد کند.

اگر شکاف و شکن طاق‌ها و دیوارهای این ابنیه نیمه ویران زبان داشت به صراحت می‌گفت که از سال ۱۰۱۴ هجری بسیاری بازارها، حمام‌ها و املاک و دیه‌های بزرگ وقف برای تعمیر و حفظ ما بود و به شهادت کتاب‌های مستندی مانند قصص الخاقانی و خلدبرین و عالم آراء عباسی و تاریخ عباسی این

موقوفات در دوران صفویه صدها هزار تومان قیمت داشت و عواید آن مبالغ شگفت‌آوری را تشکیل می‌داد، وقفنامه موقوفات سلطنتی را شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (معروف به شیخ بهایی) نوشت و رسیدگی به کار اوقاف را امثال میر جلال‌الدین حسن صلابی؛ میر محمد باقر داماد، ملا عبدالحسین کاشی، ملا محسن فیض و مولانا عبدالله شوشتری و شیخ لطف‌الله میسی عاملی و میرزا رضی‌ها عهده دار بوده‌اند و از عواید وقف مبالغی به ارباب علم و مستمندان اختصاص داده شده بود، به طوری که منجم باشی شاه عباس جلال‌الدین محمد یزدی می‌نویسد: در سال ۱۰۱۷ هجری مقرر شد هر ساله شش هزار تومان به مستحقین پرداخته شود و در تاریخ عباسی می‌نویسد: مبلغ یک هزار تومان وظیفه به ارباب علم داده می‌شد و بنا به قولی شاه عباس گفته است: آنچه اطلاق مالیت بر آن توان کرد حتی این دو انگشتر که در دست دارم وقف است لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب‌نمای

اشرف که متولی آنهاست اقتضا نماید در راه دین و دولت صرف نمایند، تاریخ زندگی شاه عباس و بعضی سلاطین دیگر صفوی حاوی بسیار مطالب در این باب است که متأسفانه امروز از بسیاری موقوفات آن عصر اثر و خبری نیست و ابنیه نیمه ویران ولی قابل تعمیری که باقیمانده به زبان حال به کسانی که به قول شاه عباس عواید اوقاف را در راه دین و دولت صرف نکرده‌اند، نفرین می‌فرستد.^۲

هنگامی که نویسنده (مرحوم عبدالحسین سپنتا) شروع به تهیه مدارک و مطالب برای تألیف این کتاب کرد با اشکالات چندی مواجه شد که مهم‌ترین آن نداشتن وقت کافی برای انجام این منظور بود. معهذا اغلب ایام تعطیل و ساعات اول شب را به این کار اختصاص داد و در نتیجه قریب یک سال کتاب مذکور را تقدیم علاقه‌مندان به موضوع تاریخ اوقاف ساخت.

در نگارش این اثر از پنجاه و چهار کتاب استفاده شد که اسامی آن کتب از صفحه ۹ تا ۱۴ این کتاب [تاریخچه



اوقاف اصفهان] ذکر شده است. به علاوه برای حفظ اصالت مطالب و مندرجات به منظور مراجعه، ذیل صفحات بدان کتب استناد جسته و هر جا و هر کس از دادن اطلاع و یا استنساخ و مقابله قسمتی از وقفنامه و یادداشت‌ها به وی کمک کرده، ذیل صفحات یا با ذکر نام از او تشکر کرده است.

به نظر نگارنده [عبدالحسین سپینتا] عدم تذکر نام و منابع مطالب برای هر نویسنده خیانتی غیرقابل عفو به شمار می‌رود زیرا حق دیگری را پایمال خود پسندی خویش ساخته و این عادت زشت را باید کسانی که قلم به دست گرفته و در تحقیقات تاریخی و علمی وارد می‌شوند از خود دور دارند.

در وقفنامه‌ها اغلب به مواردی برخورد کرده‌ایم که نویسندگان فقط به ذکر نام قراء ودیه‌ها اکتفا کرده و با جمله «هناک مشهوره معروفه مستغنیه من ذکر التحدید و التوصیف» گذاشته و گذاشته‌اند و به همین علت امروز محل و حدود بسیاری نقاط که در وقفنامه‌ها از آن نام برده شده، بر ما نامعلوم مانده

است. یکی از مشکلات خواندن بعضی وقفنامه‌ها این است که بدون نقطه و با جملات عربی و فارسی مخلوط و گاهی مغلوط نوشته شده و گاهی نیز در موقع نوشتن رونوشت وقفنامه‌ها کلمات و جملاتی از قلم افتاده که رشته مطلب را گسسته است.

در سراسر این کتاب منتهای سعی به عمل آمده که در متن وقفنامه‌ها به هیچ وجه تغییر و اصلاحی به عمل نیاید و عین آنچه به دست ما رسیده چاپ شود و هر جا به مطلبی برخورد کرده‌ایم که لازم و یا مربوط به موضوع کتاب نبوده است و یا قرائت آن ممکن نشده، به جای آن چند نقطه گذاشته شده است. وقفنامه‌هایی که در این کتاب به چاپ رسیده همان قدر که از لحاظ تاریخیچه اوقاف اصفهان جالب است از نقطه نظر اطلاع از سبک نگارش در دوره‌های مختلف نیز شایان توجه می‌باشد و دارای مضامین و مطالب جالب و مخصوصاً ثناخوانی‌های اغراق آمیز و شگفت انگیز است که در آن عصر ستوده به نظر می‌رسید.

عکس‌ها و تصاویری که در این کتاب چاپ شده همه از کتب و مأخذ تاریخی اقتباس گردیده که در دسترس عموم نیست، به علاوه عکس خط و امضاء و مهر برخی رجال و دانشمندان در این کتاب برای اولین بار چاپ شده است.

مطالبی که راجع به موقوفات از کتیبه‌های مساجد اصفهان اقتباس و نقل شده هم از لحاظ سبک نگارش زمان آنها و هم از نقطه نظر طرز تفکر وقف کنندگان و شرایط آنها جالب است.^۳

در وقفنامه‌ها مکرر به مواردی بر می‌خوریم که وقف کنندگان منتهای دقت را کرده‌اند تا از حیف و میل شدن عواید موقوفات و به مصرف صحیح رساندن آن جلوگیری کنند و با ذکر آیه ۱۸۱ سوره بقره ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ در اواخر وقفنامه کوشیده‌اند موجب تنبه متولیان را فراهم سازند و مکرر وصیت کرده‌اند که «بعد از واقف تولیت با اصلح اولاد

باشد^۴ و ذکر کرده‌اند که «به کلیه ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه به شرط آن که طلاب مشغول طلب علوم دینی باشند و بیکار نباشند و به فراخور استحقاق و صلاح و تقوی و فضل هر یک قسمت نمایند»^۵ و در پایان هر وقفنامه تغییر دهنده و متجاوز را به لعنت خدا و نفرین رسول و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم اجمعین) تهدید کرده‌اند و مخصوصاً تأکید کرده‌اند که «الوقوف تكون علی حسب ما یوقفها اهلها ان شاء الله» و تذکر داده‌اند که موقوفات به همان مصارفی برسد که وقف کننده نیت داشته و معین کرده است.

مرور در تاریخ و توجه به تاریخچه وقف در اصفهان به ما نشان می‌دهد که نه فقط بعضی موقوفات در اثر تجاوز افراد به حال املاک اختصاصی در آمده بلکه جنگ‌ها، کشتارها، انقلاب‌ها، زلزله‌ها و قحطی‌ها و آسیب دیدگی‌های ناشی از سیل و طوفان و بیماری وبا و طاعون نیز عامل مؤثری بوده است که نام و نشان موقوفات



چندی را از بین ببرد و تاریخچه آن را به دست فراموشی سپارد.

روزگاری بوده است که خدمات فرهنگی، بهداشتی، کمک‌های اجتماعی از طریق موقوفات انجام می‌گرفته، تشکیلات اوقاف آن زمان بهترین نمونه بشر دوستی و خدمات اجتماعی آن عصر را نشان می‌دهد، آن روز بهتر از آن وسیله‌ای برای توسعه علم و کمک به دانشمندان و مساعدت به ایتم و بیوه زنان و معالجه بیماران و درماندگان وجود نداشته است. برای اقناع این حس انسان دوستی بود که موقوفات و صدقات جاریه به وجود آمد و نگارش این مقاله به این منظور است که تجلیات آن عقاید و افکار مقدس را در آثار باقیمانده ابنیه موقوفه فعلی ظاهر گردانیم.

مرحوم سپینتا در اشاره به اهمیت وقف در تاریخ با استناد به نوشته دکتر باستانی پاریزی آورده است:

«اصولاً باید گفته شود که وقف از نظر اجتماعی از مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه است زیرا بر طبق

اصول و موازینی که برای موقوفات از قرن‌ها پیش در نظر گرفته شده، معمولاً ثروت‌ها بعد از هر چند سال از خانواده‌ای به خانواده‌ای و از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر انتقال پیدا می‌کند و تعدیل می‌شود بدون این که عامل عدم رضایت یا خونریزی و شورش را در پی داشته باشد و در واقع یک رفرم اجتماعی است بدین معنی که همیشه مقدار مهمی از املاک و درآمد آن در اختیار شخصی به نام متولی و ناظر و امثال آن قرار می‌گیرد و او سهمی برای خود دارد و بقیه را باید در راه‌های خیر عمومی به کار برد و چون معمولاً اکبر و ارشد اولاد و احفاد واقف متصدی این امر هستند، در واقع یک نوع بیمه بازنشستگی برای پیران یک خانواده محسوب می‌شود (البته به شرط آن است که حساب موقوفه خواران را از موقوفه مداران جدا کنیم)»^۶.

توجه دقیق به طرق انجام این نیت طی تاریخ ثابت می‌کند که در هر دوره و در هر نقطه خیر اندیشان با در نظر گرفتن موقعیت و نیازمندی‌های عصر

خود راه خیرات و میراث را تشخیص داده و تعیین کرده‌اند، کما این که در جنگ‌های بزرگ عواید املاک وقف را به خرید اسرای جنگی و زندانیان اختصاص می‌داده‌اند.

نگاهی به اوقاف در دوران آل بویه

از جمله موارد مطرح در این اثر بیان مختصری از دوره‌های مهم تاریخی وقف در ایران اسلامی است که از جمله قبل از صفویه ادوار سلسله‌هایی چون آل بویه یا دیلمیان و عصر سلجوقی بوده است وی در این رابطه با اوقاف دوره دیلمیان به ویژه در شهر اصفهان آورده است:

عضدالدوله در بغداد به ساختن ابنیه خیریه و مساجد و بازار و وقفیات پرداخت (۳۶۷ هجری) و برای پیشوایان مذهبی حقوق و مستمری معین کرد و قطعاً دیلمیان در اصفهان نیز به چنین امور خیر دست زده‌اند، مرکز فعالیت و زندگی دیلمیان در اصفهان حدود میدان کهنه فعلی اصفهان بوده که

می‌گویند از آنجا به قلعه طبرک که آن هم از بناهای دیلمیان بوده است نقب زده بودند و در زمان آنها نواحی پاقلعه، خواجه و ترواسگان (که امروز تل واسکان یا تل واژگون تلفظ می‌کنند) و حوالی مسجد جامع و میدان کهنه بسیار آباد بوده، بنا به قول مافروخی مسجد «جورجیر» یا جو جو (که امروز جوچه و جوجی تلفظ می‌کنند)^۷ که آن را مسجد جامع صغیر می‌نامیده‌اند در دوره دیلمیان ساخته شده^۸.

تنها یادگاری که از ابنیه و آثار دیلمیان فعلاً در اصفهان وجود دارد سردر این مسجد می‌باشد که پشت مسجد حکیم (حکیم محمد داود، طیب شاه عباس دوم در سال‌های ۱۰۶۷-۱۰۷۳ ه.ق) قرار گرفته است.

بعد از سردر مزبور که از لحاظ کتیبه و نقش مهم است و صنفه صاحب (صاحب بن عباد) و یکی دو ستون و یک قطعه کتیبه کوفی آجری منقوش در مسجد جمعه که آن را هم از دوران دیلمیان می‌دانند اثر دیگری از آنها باقی نیست^۹ ولی مسلم است در دورانی که



علاء الدوله کاکویه بارو بر گرد اصفهان می‌کشیده و شهر را توسعه می‌داده‌اند و به قول ما فروخی هزار کوشک و سرای می‌ساختند و کاروانسراها و مساجد بزرگ بنا می‌کردند و بزرگانی چون صاحب بن عباد و شیخ رئیس ابوعلی سینا در آن شهر وزارت و مقام عالی علمی و معنوی داشته‌اند قطعاً اوقاف زیادی با این توسعه و پیشرفت شهر توأم بوده و مخصوصاً در اطراف میدان میر و کوچه نمکی فعلی اصفهان، مساجد، بقاع و تکیه‌ها در دوران دیلمیان ساخته و پرداخته شده که اوقاف زیادی بر آن مترتب بوده و به مرور زمان بعد از قرن‌ها از بین رفته است.

جابری انصاری معتقد است مسجد کمرزرین نزدیک محل میدان میر در دوران دیلمیان ساخته شده و آن میدان هم از مؤید الدوله و امیر فخر الدوله می‌باشد.^{۱۰}

در آثار مسجد جمعه نائین نیز طرح‌های دیلمیان دیده‌اند و پوپ تاریخ‌بندی آن را ۳۵۰ هجری می‌داند^{۱۱} در طرف شرقی تخت پولاد محلی که

«لسان الارض» خوانده می‌شود نیز بقایای بناهای قدیمی وجود دارد که به سبک عصر دیلمیان [بوده] است^{۱۲} همچنین برخی قصر چمبلان یا جمیلان را از آثار دیلمیان می‌دانند.

اوقاف در دوره سلطنت ملکشاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام‌الملک

نویسنده همچنین درباره اهمیت، موقعیت و ویژگی‌های وقف در عهد سلجوقی به ویژه دوره سلطنت ملکشاه و صدارت خواجه نظام‌الملک نوشته است: ایران و مخصوصاً اصفهان در دوران سلطان ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ ه.ق) و وزیر کاردان او خواجه نظام‌الملک به آبادانی و وسعت فوق العاده رسید، مساجد و ابنیه این دوره نمودار زیباترین و در عین حال ساده‌ترین صنایع معماری ایران است، پس از درگذشت الب ارسلان، ملکشاه اصفهان را پایتخت خود ساخت و این شهر با بنای قصور و عمارات و تعمیرات و ساختمان مساجد و ایجاد

باغ‌ها شهرت جهانی یافت^{۱۳} و پس از آن دوران تا مدت‌ها مسافرانی که اصفهان را دیده بودند با حافظ شیراز هم صدا شده و می‌گفته‌اند «زنده رود و باغ کاران یاد باد».

خواجه نظام الملک یعنی حسن بن علی بن اسحاق قریب سی سال وزارت داشت و سید الوزراء ایران بود و در این مدت نه فقط در اصفهان بلکه در بغداد، هرات، طوس و نیشابور و حتی در خواف نیز مساجد و مدارس و بقاع خیریه ساخت که نظامیه بغداد مشهورترین آنها است.

موقوفات خواجه نظام الملک بسیار بوده ولی با آن موقوفات همان عملی شد که نسبت به باغ مقبره او روا داشتند زیرا از وضع ساختمان مقبره او به خوبی معلوم است که بنای قدیمی نیست و باغ و محوطه وسیع اطراف مقبره را که قطعاً وقف بوده (و الا جسد چنان وزیری را در آنجا به خاک نمی‌سپردند) مانند بسیاری از املاک وقف دیگر قطعه قطعه مجزا و تصاحب کرده‌اند و از آن باغ بزرگ

و دلکشی که در محله «کران» (محل دارالبطیخ فعلی) وجود داشته و نهرهای آب از آن می‌گذشته و هندوشاه بن سنجر از طراوت و سرسبزی آن باغ خرم حکایت می‌کند و آنجا را مدرسه ملکشاهی می‌نامد، خبر و اثری باقی نمانده است.

از سایر موقوفات نظام الملک نیز اثری نیست زیرا کسانی که با قبر او چنان رفتار کرده‌اند که حتی حدس می‌زنند سنگ مدفن او را هم عوض کرده باشند معلوم است که با سایر اوقاف او چه عمل انجام داده‌اند. در اطراف کوچه نمکی و میدان قدیم اصفهان بناها و مدارس و مساجد زیادی از دوران سلجوقیان و زمان نظام الملک بوده که به کلی آنها را از میان برداشته و به جای آن خانه‌های شخصی و مستغلات ساخته‌اند چنانچه هم اکنون ساختمان مسجدی را واقع در کوچه نمکی و چهار سوی آن را که خراب شده به خواجه نظام الملک نسبت می‌دهند.

نظام الملک چهار پسر به نام



ابوالحسن علی بن اسحاق و احمد و محمد و ابونصر داشته که قطعاً در نگهداری اوقاف بعد از نظام الملک توجه می‌کرده‌اند اگر چه ابونصر کوچک‌ترین فرزند او در طفولیت مرده است ولی ابوالحسن فرزند ارشد او بوده است.

نظام الملک سه مدرسه ساخت یکی در بغداد و یکی در بصره [نیشابور] و یکی در اصفهان و قاضی ارجانی سال‌ها در نظامیه اصفهان تدریس می‌کرده است، حسین بن محمد بن ابی الرضاء آوی (در ۷۲۹ هجری) راجع به نظام الملک می‌گوید:

«در مدت ایام دولت روزگار او هر هفته و هر ماه محلتی یا کوچه یا بازاری یا بقعه خیری یا عمارتی از عمارات بر عادت اهل مقدورات و ارباب عمارات اعادت می‌نمود و در محل تحدید، تجدید را ارزانی می‌فرمود چنان که مدرسه که اکنون معمور و قائم است بنا فرمود نزدیک جامع بزرگ بر محلت دردشت بر وضعی و اصلی هر چه خوش و هیأتی و شکلی هر چه

مرغوب‌تر در غایت رفعت از جهت صنعت و عمل و نهایت رتبت از طرف منزلت و محل ... خرج بی پایان بی حد بر آن صرف و ضیاع بی شمار بی عدد بر آن وقف چنان که هر سال مبلغ ده هزار دینار محصول و مستغلات و موقوفات بوده و اکنون آن را به کلی مستأکله ر بوده»^{۱۴}.

همچنین نویسنده فوق‌الذکر درباره مسجد عتیق اصفهان می‌نویسد:

«ومنضم و مضاف با آن چندین خانقاه مشهور رفیع و کاروانسراهای معمور منبع وقف بر ابناء سیبیل از غربا و مساکین و فقرا و محاذی آن کتب خانه و حجره‌ها و خزانه‌های آن که استاد رئیس ابوالعباس احمد ضبی بنا کرده بود و عیون کتب نامحصور در آن منضد گردانیده و فنون علوم مشهور مخلد گذاشته موقوف و مخیر بر فضلاء زمان سالف و ادباء اوان غابر، فهرست آن مشتمل بر سه مجلد بزرگ حجم از مصنفات در اسرار تفاسیر و غرائب احادیث و از مؤلفات نحوی و لغوی و مرکبات تصریف ابنیه و مدونات غر

اشعار و درر اخبار و ملتقطات سنن انبیاء و خلفا و سیر ملوک و امرا و مجموعه‌های اوایل از منطق و ریاضی و طبیعی و الهی و غیر آن از آنچه طالب فضل و راغب در تمیز میان علم و جهل بدان محتاج باشد»^{۱۵}.

محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی ضمن توصیف مسجد جامع عتیق اصفهان درباره شبستان آن می‌نویسد: «شبستان خواجه نظام الملک به وضع غریب و در استحکام مبالغه رفته است و اصلاً تا کنون خللی به آن راه نیافته است»^{۱۶}.

اما بیشترین مطالب و مباحث کتاب درباره وضعیت، ویژگی‌ها و مسایل وقفی مربوط به عصر صفویه است که در ابتدا به موضوع: «میزان عواید اوقاف پرداخته و بیشتر با استناد به متونی چون سفرنامه‌ها و یا منابع تاریخی فارسی آن دوره به این موضوع اشاره نموده است. که در این مورد می‌توان استفاده قابل توجه از سفرنامه شاردن و تاورنیه و یا توارینخی مانند تاریخ عالم آرای عباسی را ذکر کرد.

مؤلف اثر در تعریف اوقاف در زمان صفویه از نوشته شاردن کمک گرفته و آورده است: شاردن شیوه خیرات و میرات زمان صفویه را این طور تعریف می‌کند، نخست کاروانسرای بنا و آن را وقف سکونت رایگان و ابن السبیل می‌کنند، سپس گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغ بزرگی پدید می‌آورند و آنها را باجاره وا می‌گذارند و بعداً مدرسه‌ای بنا می‌نمایند و مال الاجاره ابنیه مذکور را وقف آن می‌کنند، بانیان مدارس، معمولاً متصدیان عایدات موقوفه منضمه به شمار می‌روند و آنان را ایرانیان، متولی نامند که یک اصطلاح عربی و مقصود شخصی است که تصدی اداره مؤسسه‌ای را به عهده خویش داشته باشد و مطابق فابریسیه (FAVRICIER) عضو شورای اداره اموال کلیسا) است^{۱۷}، تعیین مدیر و معلمین مدارس با متولی می‌باشد و قبول طلاب شبانه‌روزی نیز به اختیار مدیر مدرسه است پس از مرگ بانی مؤسسه، جانشین وی تخت متولی را اشغال می‌کند و هنگامی که اموال و دارایی بانی به نفع



شاه مصادره نمود زعیم بزرگ روحانی مملکت که صدر خوانده می‌شود، قیم و وکیل مدرسه می‌گردد. نکته شایان تذکر در این موضوع آن است که بانیان چنین موقوفات، دیگر مالک آن به شمار نمی‌روند و عایدات این املاک متعلق به مدرسه می‌باشد.

سپینتا از قول جلال الدین محمد یزدی منجم باشی شاه عباس در سال ۱۰۱۷ هجری می‌نویسد:

«هر سال شش هزار تومان از طریق اوقاف به مستحقین داده می‌شده است و از موقوفات حضرات معصومین علیهم‌السلام، روز به روز در تزايد است».^{۱۸}

پس از آن به نیت خیر واقف در وقف آثار اشاره نموده و تحت عنوان: «عمل وقف بدون تظاهر انجام می‌گرفته است» می‌نویسد:

«در قدیم اغلب بناها و مستغلاتی که وقف شده صرفاً برای ثواب اخروی و یا به منظور حفظ آن از تجاوز دیوانی بوده و اگر قسمتی از وقفنامه‌ها بر الواح سنگی منقور و در مساجد و مدارس و سایر نقاط نصب شده، از

بیم تجاوز و از بین بردن وقف بعد از زمان وقف کنندگان بوده است حتی کسانی بوده‌اند که بدون ذکر نام خود در تعمیر مساجد کوشیده‌اند مانند تعمیر کننده مسجد محله نو اصفهان که از آثار صفوی است و بر کتیبه بالای محراب آن مسجد چنین خوانده می‌شود «سعادت‌مندی از سلاله دودمان جناب مصطفوی اقدام در تعمیر و بناهای این مسجد نمود و متوقع است از شیعیان حضرت مرتضوی که او را به سوره توحید و دعای خیر یاد کنند» اعم از آن که نام تعمیر کننده شاید مصطفوی یا مرتضوی بوده ولی برخلاف بسیاری که نام چندین پشت پدران خود را در کتیبه‌ها ذکر کرده‌اند تظاهری در اینجا نشده است. کسانی هم بوده‌اند که برای هر کس در مسجد یا کاروانسرای که آنها جزئی تعمیر آنجا کرده‌اند برای آنها دعای خیر نکند، لعنت و نفرین روا داشته‌اند و با این دعای اجباری و زوری خواسته‌اند خود خواهی خودشان را نشان داده باشند از جمله بر دیوار کاروانسرای

مورچه خوار (مورچه خورت) بنای شاه عباس کبیر کتیبه‌ای از زمان محمد شاه قاجار با تاریخ ۱۲۵۱ هـ. ق به این مضمون باقی مانده است «به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود کسی که طلب مغفرت از برای نایب السلطنه مرحوم نفرستد و دعا به دولت قبله عالم نکند»^{۱۹}.

اوقاف در زمان شاه طهماسب صفوی

مرحوم سپنتا با توجه به موضوع موقوفات قبل از شاه عباس اول یعنی در دوران شاه طهماسب اول آورده است:

شاه طهماسب صفوی در اوایل شرح زندگی خود می‌نویسد: «منصب صدارت را به میرجمال الدین استرآبادی و میرقوام الدین نقیب اصفهانی دادم که چون منصب عالی است با یکدیگر به راه روند چرا که منصب بزرگ است و مبلغ‌های کلی می‌شود که می‌باید به مستحقان برسد و خود بهر ایام به مداخل و مخارج آن می‌رسیدم که مباد

العیاذبالله اگر اندک تقصیری واقع شود و در این امر موجب عقاب و مستحق عذاب الیم شوند و خواجه جلال الدین محمد بنا بر بعضی قبایح که از او صادر شده بود، مؤاخذ گشت و آخر سوختندش و در جای دیگر می‌نویسد: «سید زین العابدین مرد متقی و عالم است تولیت امامزاده واجب التعظیم و التکریم امامزاده حسین بن سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام با نقیب الاشرافی به او ارزانی داشتیم»^{۲۰}.

به طوری که از نوشته خود شاه طهماسب بر می‌آید امر صدارت را بسیار بزرگ و مقام شامخی می‌دانسته و به حساب اوقاف شخصاً رسیدگی می‌کرده تا غفلتی رخ ندهد و سعی می‌کرده است اشخاص درستکار و عالم به سمت تولیت گماشته شوند و در صورت سوء استفاده و غفلت در امر اوقاف آنها را به مجازات‌های سخت می‌کشانده است. و برای رسیدگی به این موضوع مسوولین امر را در حضور خود وادار به بحث و مذاکره در اطراف مسایل مورد اختلاف می‌ساخته است

چنان که درباره شیخ علی عبدالعالی و میرغیاث الدین منصور صدر به همین منوال رفتار کرد.

شاه عباس اول و وقف مایملک

با سلطنت شاه عباس اول به ویژه انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت اقدامات سران صفوی از جمله شاه عباس در مورد اوقاف بسیار قابل توجه است به طوری که نویسنده کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» در عنوانی از اثر تحت: «شاه عباس کلیه مایملک خود را وقف کرده» آورده است:

شاه عباس در سال ۱۰۱۵ ه.ق که بیست و یکمین سال سلطنت او بود به قول اسکندر بیک ترکمان کلیه املاک و رقیبات خاصه خود را که در تصرف داشت با عمارات و قیصریه ۲۱ و چهار بازار در میدان نقش جهان و حمام‌های شاهی، وقف چهارده معصوم نمود و تولید وقف مزبور را مادام الحیات به خود و بعد از آن به پادشاهان آینده تفویض کرد و وقفنامه مربوطه را شیخ بهاء الدین محمد (شیخ بهایی) نوشت

و به قول جلال الدین محمد یزدی منجم باشی صدارت اوقاف را شاه به میر جلال الدین حسن تفویض کرد، عالم آراء راجع به تقسیم عواید این موقوفات عیناً چنین می نویسد:

«اقل حاصل را منظور داشته چهارده حصه کردند بدین طریق که اول از ثانی و ثانی از ثالث و ثالث از رابع زیاده بوده باشد و همچنین تا چهاردهم این تفصیل و ترجیح منظور داشتند که حصه اول مخصوص حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و حصه چهاردهم به ترتیب مخصوص حضرت صاحب الامر علیه السلام باشد و آنچه به هر یک از حضرات اختصاص یافت چند محل را که حاصل آن بعد از وضع مؤونات زراعت موازی آن مبلغ تواند بود مخصوص آن حضرت ساختند شرایط این وقف در وقفنامه مزبور مسطور بوده و صارف مصروفی اوقاف مذکور را برای متولی منظور گردانیدند. بعد از وضع حق التولیه به مصلحت وقت و اقتضاء روزگار در مصارف هر سه کار و وجه معاش خدمه و

مجاورین و زوار و ارباب فضل و کمال و صلحاء و نقبا و طلبه علوم هر محل و آنچه رأی متولی اقتضاء نماید صرف کنند»^{۲۲}.

شاه عباس به اعتماد السلطنه حاتم بیگ و میرزا رضی صدر در اصفهان دستور داد چهارده مهر به اسم چهارده معصوم علیهم السلام تهیه کنند و آن مهرها را به میرزا رضی صدر سپرد تا کلیه داد و ستدهای اوقافی با آن مهرها ممهور شود، شاه عباس مخصوصاً اصرار داشت که هیچ یک از املاک و اراضی و خانه‌ها و سایر ممالک او از وقف خارج نماند و می‌گفته است:

«جمیع اشیاء سر کار من و آنچه اطلاق مالیت بر آن توان کرد حتی این دو انگشتی که در دست دارم وقف است لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب‌نمای اشرف که متولی آنها است اقتضا نماید در راه دین و دولت صرف نمایند»^{۲۳}.

شاه عباس کلیه کتاب‌های عربی و مذهبی موجود در کتابخانه سلطنتی را وقف آستانه مشهد نمود و به آنجا

فرستاد و مقداری کتاب فارسی از تاریخ و دواوین و مصنفات مختلفه را با کلیه ظروف چینی عبارت از «لنگری‌های بزرگ فغفوری و مرتبان‌ها و بادیه‌ها و ظروف دیگر غوری و فغفوری که در چینی خانه موجود بود»^{۲۴} وقف آستانه شیخ صفی در اردبیل کرده بدان جا فرستاد.

شاه عباس جواهرها و اشیاء مرصع و ظروف طلا و نقره و اسبان و اغنام و مواشی خود را نیز وقف کرد و برای هر یک مصرفی معین نمود. در توصیف آن، عالم آراء عیناً چنین می‌گوید:

«ایلخی‌های اسبان تازی اشقرنژاد و پاک‌نژادان رومی و بیاتی و گرجی، الشرهای بادپای حصارى و بدخشی و ماوراء النهری که در سر کار هیچ پادشاه ذیجاهی چنین فراهم نیامده و گله‌های شتر و مواشی و اغنام که از احصاء و شماره افزون از دایره تفکر و اوهام بیرون است وقف فرمود. جهت هر یک مصرفی معین فرموده است و چون قیمت کل اشیاء متملکات همایون اعلی



که رقم وقفیت بر آن کشیده‌اند زیاد از آن بود که مقومان صاحب بصارت مدقق تشخیص توانند داد یا اندیشه فکرت پیشه به تخمین و قیاس آن جرأت تواند نمود. بنابراین زبان قلم از اظهار آن خاموشی گزید» ولی درباره املاک و رقبات که شاه عباس وقف کرد، عالم آرای عباسی قیمت عادلانه آنها را بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل و عواید آنها را بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل و عواید آنها را (بعد از وضع مؤونات زراعت به تسعیر وسط) قریب به هفت هزار تومان می‌شمارد^{۲۵}.

معرفی موقوفات شاه عباس اول صفوی

فهرستی از موقوفات شاه عباس اول نیز از جمله مطالب اثر است که در آن مواردی از آن ذکر شده که مناسبت دارد در اینجا ذکر گردد.

جلال الدین محمد یزدی، منجم باشی شاه عباس موقوفات مذهبی شاه عباس را به این طریق ثبت کرده

است: ۲۶

«وقف حضرت رسالت پناه محمدی (صلوات الله و سلام علیه) که ثوابش از ثواب جنت مکان شاه طهماسب است از بابت مستغلات قزوین و کاشان و اصفهان و بعضی از محال اصفهان، ۱۵۴۹ تومان.

وقف حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که ثوابش از نواب علیین آشیانی شاه اسمعیل ماضی است، از بابت محصولات قزوین و کاشان و بعضی محال اصفهان، ۱۰۰۰ تومان.

وقف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که نصف ثواب آن از نواب علیه عالیه و نصفی از بلقیس الزمانی جنت مکانی والده نواب کلب آستان علی است، از بابت حاصل نطنز و جوشقان و اصفهان، ۵۰۰ تومان.

وقف حضرت سید مجتبی علیه السلام، ثوابش از نواب شهید مقتول سلطان حسن میرزا را در کلب آستان علی، از بابت حاصل محال اصفهان، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام شهید امام

حسین علیه السلام، ثوابش از نواب سعید سلطان حمزه میرزا برادر عیانی نواب کلب آستان علی، از بابت موقوفات محمود آباد برخوار سایر محال اصفهان، ۱۰۰۰ تومان.

وقف حضرت امام زین العابدین علیه السلام، ثوابش از نواب سکندرشان سلطان محمد والد نواب کلب آستان علی، از بابت حاصل وقفی اصفهان، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام محمدباقر علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد قطب الاولیاء صفی الاصفیاء شاه صفی، به شرط آن که به شاه جنت مکانی خیانت و بدی نکرده باشند، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد شاه صفی به شرط عدم خیانت به شاه جنت مکانی، ۳۰۰ تومان.

وقف حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، ثوابش از سایر اولاد شاه صفی به شرط عدم خیانت با نواب جنت مکانی از بابت حاصل موقوفات اصفهان، ۳۷۵ تومان.

وقف حضرت امام ثامن ضامن، امام رضا علیه السلام، و ثوابش از نواب جنت مکانیست از بابت حاصل موقوفات محال خراسان، ۷۰۰ تومان.

وقف حضرت امام محمد تقی علیه السلام، و ثوابش از اولاد شاه صفی، از موقوفات اصفهان، ۳۷۵ تومان.

در قسمتی دیگر از این اثر یعنی کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان، بناهای خیر موقوفات دوران شاه عباس اول صفوی مورد بررسی قرار گرفته است و مرحوم سپنتا در اینجا نیز با استناد به منافع متعدد به این آثار اشاره کرده که جهت مطالعه وقف در عصر صفوی می تواند حایز اهمیت باشد در این رابطه آمده است:

فهرستی از بناهای خیر شاه عباس اول

به طوری که گفتیم شاه عباس کلیه املاک و اموال خود را وقف کرد و امور خیر دیگری نیز انجام داده که در تاریخ ضبط است ولی متأسفانه بسیاری از آنها امروز وجود ندارد و فقط با



شنیدن و خواندن نام آن ابنیه عظیم که باقیمانده، می‌توانیم خود را دلخوش داریم. از جمله:

۱. صحن آستانه مشهد را توسعه داد و اطراف آن ایوان‌ها و عمارات احداث و تزیین و نقاشی کرد.

۲. در مقابل صحن، خیابانی احداث و نهر کشید و در داخل صحن حوض ایجاد کرد.

۳. گنبد خواجه ربیع الخیثم را در خارج شهر مشهد برپا داشت.

۴. قدمگاه شاهپور کسری و ایوان‌ها و عمارات متصله و حوضی که آب از کوه به فواره می‌ریزد و خیابان آنجا را احداث و درختان غرس کرد.

۵. در اردبیل: عمارات آستانه شیخ صفی‌الدین و محجر طلای صفا مقابل آرامگاه و محجر نقره و سایر زینت‌ها و تجدید عمارت مقبره شیخ زاهد گیلانی و عمارت شیخ شهاب‌الدین اهری.

۶. در اصفهان: مسجد شاه [امام] در میدان شاه [امام]، و مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه دارالشفاء،

حمام‌ها و قیصریه و بازار دور میدان و بالاخانه‌ها و کاروانسراها و عمارت پنج طبقه دولت‌خانه، خلوت‌خانه‌های زرنگار موسوم به سروستان، نگارستان گلدسته، عمارت پنج طبقه، و حوض‌خانه‌ها و خیابان چهارباغ و باغ‌های در دو طرف خیابان، عمارات عالی که در هر باغ ساخته شده بوده است، پل چهل چشمه روی زاینده رود شهر عباس آباد (برای سکونت تبریزیان)، باغ کومه، باغ وحش، رباط، گاوخانی، رباط در بیابان خرگوشی ما بین ورزنه و دیدشتن و ندوشن یزد.

۷. در قزوین: درگاه دولت‌خانه و خلوت‌خانه دو طبقه زرنگار موسوم به عمارت نو و کاروانسرای عالی و عمارت جهان‌نما واقع در شرق و غرب میدان سعادت.

۸. در کاشان: منازل و دولت‌خانه مشتمل بر چند عمارت با باغ‌ها و حمام و کاروانسرا و بند قهرود و رباط سنگین و رباط سیاه کوه و

فرش راه نمکسار و سیاه کوه که قریب ده هزار تومان در آن عصر صرف آنجا شده و چند فرسنگ با سنگ و آهک محکم کاری شده است.

۹. در مازندران: احداث فرح آباد در کنار دریا که رودخانه تجینه از آن میان می‌گذرد و پل و خیابان که آن خطه را به ساری وصل می‌کند و عمارات در هر باغ ساخته شده، دولت‌خانه و بازار و حمام‌ها و باغ‌ها، در ساری و آمل و دریاچه و عمارت بار فروش و در اشرف‌خانه‌ها و باغ و چشمه و حوض‌خانه که در بالاخانه عمارات آنجا ساخته شده و آب را به ارتفاع بالا برده به حوض نقره می‌ریخته‌اند و باغ‌ها و حمام‌ها و عمارات دیگر در نیم فرسنگی قصبه مزبور موسوم به «باغات» مشتمل بر تالارها و ایوان‌ها و دریاچه و فواره‌ها و حمام و باغچه.

۱۰. از اصفهان تا قصبه اشرف در محل چهار فرسنگی عمارتی مشتمل بر خانه‌های نشیمن و بیوتات و

باغچه‌ها ساخت که اکثر حمام دارد و شاه در مسافرت‌های خود از آنها استفاده می‌کرده است.

۱۱. در استرآباد، عمارت دولت‌خانه.
۱۲. در نطنز باغ تاج آباد با عمارات و بالاخانه‌ها و حمام و غیره.
۱۳. باغ عباس آباد ما بین نطنز و کاشان.
۱۴. در تبریز: عمارت آرامگاه عین علی و زین علی و تجدید بنای مسجد شاه.

۱۵. نزدیک همدان - شهر نوچمچال -، پای کوه بیستون رباطی جهت استفاده زوار کربلا.

این بود شمه‌ای از آثار و ابنیه شاه عباس که اکثر آنها را جزو موقوفات خود قرار داده بوده است^{۲۷}.

سرجان ملکم می‌گوید «آبادی و استحکام ایران در هیچ یک از سوابق ازمان و سواف ایام به قدر اواخر عهد شاه عباس بزرگ نبوده است»^{۲۸}.

در زمان شاه عباس محلی به نام دارالشفاء در جوار بازار اصفهان وجود داشته است، شاه عباس کبیر این دارالشفاء و کاروانسرای مسکران را



با هم بنا نمود که عایدات کاروانسرا صرف بیمارستان شود، در این شفاخانه یا دارالشفا تجویزات طبیب و مخارج دارو و غذای بیماران از عواید موقوفات بوده است^{۲۹} که اکنون قسمتی از ویرانه آن (دارالشفا) به صورت مسجدی کوچک به نام دارالشفا معروف است^{۳۰}. جابری انصاری پس از شرح مساجد و مدارس و موقوفات مهم صفویه می‌نویسد:

«بعد از صفویه که عباس آباد و مستهلک و چرخاب و صالح آباد و اطراف چهارباغ کهنه و نو، همه خانه بوده، مساجد و مدارس و تکایا بسیار داشته، در فتنه افغان و غضب نادر و درآمد و شد زندیه و بختیاریه و قاجاریه و قحطی‌ها و سختی‌های دوره آقا محمد خان و غیره همه از میان رفته و بس نامش مانده، دو مدرسه به زبان‌ها مشهور بود یکی از خانم و دیگری از دده، آثار هر دو محو شده و در محله خواجه مسجد خرابه ای است به مساحت دو جریب و کسری آثار قدیمه دارد. مساجد غیر مهمه دیگر هم

چه از عهد صفوی و قبل از آن چه بعد هست که به اسم اکتفاء می‌کنیم». جابری اسامی تعدادی از مساجد را می‌برد که جز نام از آن مساجد امروز چیزی در دست نیست^{۳۱}.

در مسجد شاه [امام] اصفهان سنگی نصب است که بر بالای آن فقط جمله: «بسم الله الرحمن الرحیم» باقی مانده می‌گویند و قفنامه موقوفات مسجد شاه [امام] بر آن سنگ منقور بوده و بعداً محو کرده‌اند. جابری انصاری درباره این سنگ می‌نویسد: نام موقوفات مسجد شاه [امام] که نادر گفت در رقبه دولتی بنویسند ممیز است ولی پس از نادر هم بسیاری از آن موقوفات مورد دخالت قرار گرفت بلکه از غیر موقوفه نیز به عنوان صرف روشنایی آنجا و جوهی سالیانه می‌گرفته‌اند^{۳۲}.

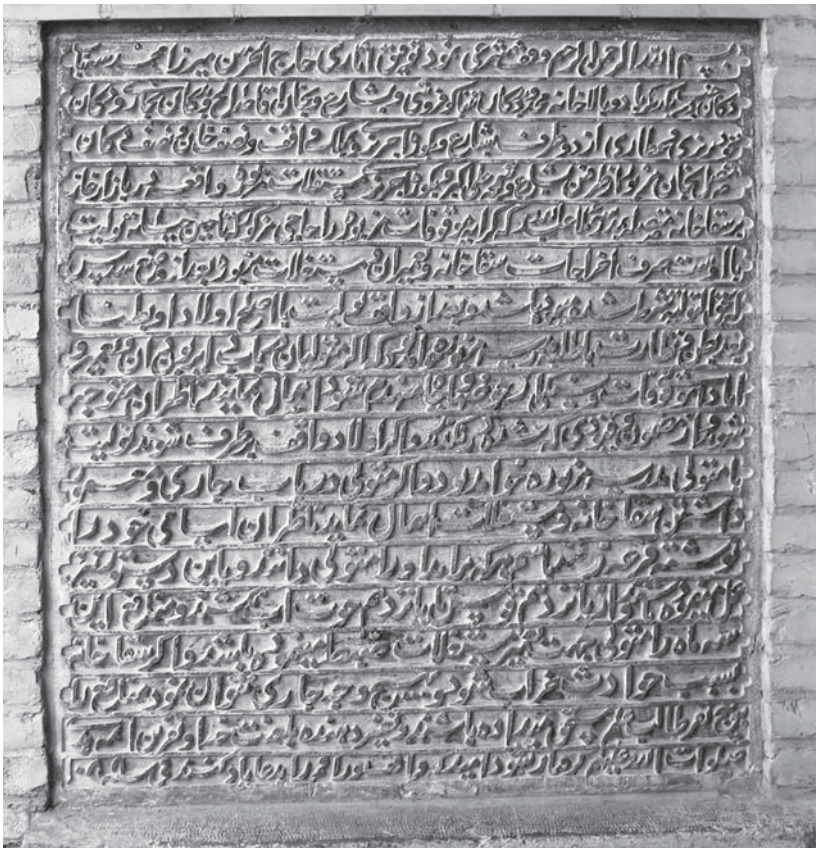
در این اثر [تاریخچه اوقاف اصفهان] به اسناد وقفی دیگری از زمان صفویه به ویژه در شهر اصفهان و اطراف آن اشاره رفته است از جمله می‌توان به وقف آب، کاروانسرا و محتوا و مندرجات بسیاری از قفنامه‌ها اشاره

نمود. از جمله: رونوشت منسوب به وقفنامه مسجد امام [مسجد شاه سابق]، وقفنامه مدرسه نوریه، وقفنامه مدرسه مریم بیگم، وقفنامه مدرسه سلطانی (چهارباغ)

در اصفهان غیر از موقوفات زیادی که بر مساجد و مدارس و سایر ابنیه و اماکن عام المنفعه اختصاص دارد، وقفنامه‌های بسیاری نیز در خانواده‌ها

ثبت موقوفات متفرقه بر لوحه‌های سنگی و کاشی

از جمله موارد قابل توجه در این



وقفنامه مدرسه ملاعبدالله



و اداره اوقاف و بر لوحه‌های سنگی که در مدارس و مساجد نصب است وجود دارد که نشان می‌دهد موقوفات این بناها تا چه اندازه زیاد بوده است. ذکر تمام این وقفنامه‌ها حتی اگر بنخواهیم فهرستی هم از آن تهیه کنیم بسیار مفصل خواهد شد بنابراین فقط به چند فقره اکتفا می‌کنیم:

۱. وقف چهار سو مقصود [که در] چهار جریب زمین ساخته شده بوده است که از سال ۱۳۲۰ به بعد جزو خانه‌های اشخاص قرار گرفته است.
۲. وقف مدرسه ملا عبدالله (از دوره شاه عباس کبیر و تزیین از شاه سلیمان در ۱۰۸۸ ه.ق) که طبق کتیبه سنگی زیر طاق جنوبی مدرسه مورخ به سال ۱۰۸۸ ه.ق واقف حاجی میرزا محمد است.
۳. وقف مسجد سرخی (مسجد سفره چی) از خلف بیک سفره چی شاه عباس اول، توسط رکن الملک (که خود را از نژاد بانی مسجد می‌دانسته) ۳۳ است.
۴. وقف بر مسجد علیقلی آقا (معاصر

شاه سلیمان)، موقوفات چهار سو علیقلی آقا، سرای علیقلی آقا، حمام علیقلی آقا.

۵. موقوفات مدرسه مریم بیگم (از مریم بیگم دختر شاه صفی)
۶. وقف بر مسجد علی اکبر (نزدیک سینه پایینی)، حمام علی اکبر ۳۴ در تبریز و بسطام و قزوین نیز موقوفاتی داشته است.
۷. وقف بر مدرسه نوریه در زمان شاه سلیمان، کبوتر آباد برآن با دکاکین و غیره‌ها (موقوفات خواجه جلال الدوله بوده است و میرزا نور الدین محمد جابر انصاری مجدداً وقفنامه‌ای بر آن تنظیم کرد).
۸. وقف بر مدرسه شاهزاده‌ها (بنای شهربانو دختر شاه سلطان حسین)، حمام شاهزاده‌ها.
۹. وقف بر مدرسه ترک‌ها (بنای عصر آقا قوینلو) در زمان قاجاریه که حاجی محمد ابراهیم تاجر تعمیر و موقوفاتی بر آن مدرسه معین کرد ۳۵.
۱۰. وقف بر مدرسه الماسیه (بنای حاجی الماس از غلامان دربار



واقع شده‌اند، مساجد و مدارس اصفهان می‌باشد که تبیین آن نشانگر اعتنای قابل توجه به وقف خصوصاً در جهات مقدس آن در عصر صفویه است. وسعت پایتخت صفویان و وجود اماکن مذهبی و علمی و توسعه آن و دارا بودن پشتوانه‌های وقفی قابل توجه است و در حقیقت این کتیبه‌ها که خوشبختانه هنوز با گذشت چندین قرن تعداد آنها کم نیست، تأثیر گذاری وقف را در آن دوره نشان می‌دهد که در اینجا به مواردی اشاره می‌گردد:

کتیبه‌هایی مبنی بر وقف در مساجد اصفهان

برای آن که از چند کتیبه سنگی حاکی از وقف که در دوره‌های مختلف بر دیوار مساجد اصفهان نصب شده ذکر کرده باشیم به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. در مسجد قطبیه که در زمان شاه طهماسب اول به وسیله امیر قطب الدین علی باب الدشتی بنا شده (۵۹۰ هـ) کتیبه‌ای به این مضمون

صفویه)، سرای الماسیه و چهار سو الماسیه که وقفنامه این مدرسه مورخ به سال ۱۱۰۴ هـ.ق موجود است^{۳۶}.
۱۱. وقف بر مدرسه میرزا حسین (از عصر شاه سلیمان در بازار بید آباد)، وقف کننده عزت نسا خانم دختر میرزا خانان تاجر قمی زن میرزا محمد مهدی که وقفنامه‌ای در سال ۱۱۰۴ و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ هـ.ق برای آن مدرسه نوشته شده است^{۳۷}.

۱۲. وقف بر مدرسه نم آورد (نیم آورد) و مدرسه کاسه گران (در زمان شاه سلطان حسین به وسیله حکیم الملک اردستانی و زنش زینب بیگم که در سال ۱۱۱۷ ساخته شده) در اردستان.

می‌نویسند حکیم الملک در هند دختر اورنگ زیب را معالجه کرد و زر و جواهر زیاد به او و زنش دادند، چون به اصفهان برگشت دو مدرسه مزبور را ساخت و معادل مصارف آن دو املاک و مستغلات خریده را وقف کرد^{۳۸}.

یکی از مهم‌ترین و قابل ملاحظه‌ترین مکان‌هایی که در آن کتیبه‌های وقفی

موجود است:

«چون توفیق الهی رفیق حال و کامل اقل العباد قطب الدین باب الدشتی شده خواست که از برای يوم المعاد ذخیره مائده احسان نماید که از خان (خوان) انعام او مستحقین بهره‌مند گردند بنابراین مزیت رقبات معینه را وقف نمود که از حاصل و نماء آن حقوق یک نفر قاری داده شود که تمام ایام به تلاوت کلام ملک علام اشتغال نماید از جهت واقف و تتمه به اطعام فقرا و مساکین و مترددین در آن صرف نمایند. مقرر آن که به علت رسم الصدراة و توزیعات و رقمات وقفی و مدد خرج نواب دیوان الصدراة و غیر هم طلبی از موقوفات مزبوره ننمایند و زیاده از یک سال به اجاره ندهند نه به عقیده واحد و نه به عقود متعدده فمّن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم».

۲. بر بالای کتیبه سر در مسجد ذوالفقار که در زمان شاه طهماسب اول شیخ محمد صفی در سال ۹۵۰

ه.ق ساخته چنین خوانده می‌شود:

«..وقف شرعی نمود عالیجناب حاجی الحرمین الشریفین سید السادات حاج میرزا اسدالله همگی دو باب دکان قصابی و نوار ... فروشی در جنب مسجد ذوالفقار»
 ۳. در مسجد طوقچی کتیبه‌ای بوده که با تاریخ ۱۰۴۴ که برای محافظت به دیوار جنوبی محل تالار اشرف فعلی انتقال داده شده و روی آن چنین خوانده می‌شود: «در زمان ... شاه صفی الحسینی ... حاجی یار بیک صباغ ... احداث مسجدی ... نموده بود به اتمام رسانید واقع در جنب شارع درب طوقچی و به ضلع شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه الله وقف نمود بر مسجد مزبور همگی و تمامی چهار درب دکان که یکی بقالیست و همه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه درست مقابل مسجد مزبور به ضلع غربی که در وقفنامه ثبت است همگی و جملگی یک باب خانه معینه واقعه در جنب مسجد مزبور

و همگی تمام یک درب خانه واقع در سکه «باب التبریزیه» مشهور به خانه فتح الله نساج به حدودی که در وقفنامه مسطور است و همگی و تمامی اعیان و عمارت دو دکان معینه یکی صباغی و یکی علافی که واقف مزبور خود احداث نموده در عرصه معینه که وقف است بر مزار کثیر الانوار سلطان اسد بن جنید متصل به یکدیگر واقع در محل طوقچی مزبور به حدی که در وقفنامه مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد مزبور و مزار مذکور و در وقفنامه شرط نموده که آنچه به علت نفع و اجاره عرصه مزبور و اعیان و اشیاء مذکور به هم رسد، منقسم بده قسمت نموده سه قسمت آن را صرف تعمیر و روشنایی مزار سلطان اسد مزبور نموده تتمه را صرف تعمیر و روشنایی و غیره مسجد مزبور نمایند به شروط واقف (در حاشیه) چون تولیت موقوفات مزبور مادام الحیات

متعلق به واقف مشارالیه و بعد از آن اولاد او و بعد از دیوان الصداره و ناظر آن و متصدیان واقف اجاره نود ساله نموده بود خانه باب التبریزیه را به جهت سکناى اولاد خود مشروط به آن که بعد از اخراجات تعمیر خانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و روشنایی مسجد مزبور نماید باز به همین دستور تولیت خانه مزبور متعلق است به اولاد واقف مشارالیه که بعد از تعمیر خانه مزبور آنچه زائد باشد به شرط واقف صرف تعمیر فرش و روشنایی مسجد مزبور نمایند تغییر دهنده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار باد».

۴. در مدرسه شفیعیه اصفهان (از بناهای زمان شاه عباس ثانی در محله دردشت که به وسیله محمد شفیع اصفهانی در سال ۱۰۶۷ هـ ق ساخته شده است) در مدخل ایوان بزرگ جنوبی وقفنامه‌ای است بر دو لوح سنگی که قسمت‌های مهم آن به شرح ذیل است:

وقف نمود ... محمد شفیع ابن جمال الدین محمد خوزانی اصفهانی کل این مدرسه حقیر محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوط به آن که بیوتات سطره مشتمل است بر سه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آن و غسلخانه مربوط به مدرسه و فضای دیگر که کر و چاه و مستراح در آن واقع است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطره و این چهار صغه و شبستان متصله به کریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مومنینی در غسلخانه مزبوره و طلب علوم دینیه در مساجد و مدرسه و بیوتات مزبوره نمایند و قفاً صحیحاً دائماً شرعياً و بعد ذلک وقف نمود قربه الی الله تعالی کفارہ لبعض سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف به عنوان ملکیت بلامنزعی در تصرف شرعی واقف بود از رقبات و عقارات که عبارت

است از هفت حبه و یک دانگ و نیم، یک حبه از کل هفتاد و دو حبه قریه معروف به محمد آباد قهاب و قاطبت، سه حبه و نیم از کل هفتاد و دو حبه موضع طاد لنجان و موازی شش سهم و چهار دانگ، یک سهم از جمله بیست و پنج سهم که بیست و پنج سهم عبارت است از چهار حبه از کل هفتاد و دو حبه قریه و سفاباد ماریین و کلیت شش سهم و چهار دانگ و نیم از جمله بیست و پنج سهم که بیست و پنج سهم عبارت است از کل سه حبه از هفتاد و دو حبه موضع امین آباد ماریین و تمامت سه حبه و دو دانگ و یک... شعیر از جمله یک حبه دیگر از کل هفتاد و دو حبه موضع کنگاز (جی) و همگی هفتاد و دو حبه تیمچه معینه مربوطه ... ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور و واقع ...»^{۳۹}.

۵. در مدرسه شفیعیه اصفهان بر ایوان جنوبی، لوحی نصب است که بر آن بقیه لوح قبلی نقر شده:

«ماه مبارک رمضان که همه ساله در

مدرسه مزبوره روضه الشهداء خوانده شود از رعایت قاری و اسراج و لوازم آن به همه جهت آنچه کرده شده شود.

... از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات و تنقیه قنوات و مرمت مستغلات وقفی و مسجد و مدرسه و غسلخانه مربوطه به مدرسه و بام اندود و تجدید بوری و مئونات زراعت ... و تکلفاتی که به حکام جور و عمال دیوانی و غیره در کار باشد و متضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هر گاه آن تکلف به عمل نیاید ضرری به موقوفات یا حاصل آن رسد یا امری به خلاف شرط واقف به عمل آید یا چیزی نزد مستأجران و زارعین وقف باقی ماند و ضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در کار و ضرر نموده باشد در مساجد و کریاس و دهلیز هر شب چراغ روشن کرده بعد از وضع اخراجات مزبور به ترتیبی که مذکور شده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه ساکنین حجرات

و بیوتات جنب مدرسه به شرط آن که طلبه مشغول به طلب علوم دینی باشد و بیکار نباشند فراخور استحقاق و صلاح و تقوی و فضل هر یک قسمت نمایند و همچنین شرط نمود که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و زیاده از سه سال به اجاره ندهند نه به عقدی واحد و نه به عقود متعدده و احدی از ارباب و حکام و ارباب مناصب دیوانی و ملازمان امراء و مقربان پادشاه و الاجاه عصر را مالک انتفاع از آنها نسازند به واسطه ... موقوفات را اصلاً به جهت ساکنین بیوتات و خانه و سکنی نمودن در آنها ... در مدرسه مدون سازند ... مزبوره بنای عمارت نکنند و به همین سنه و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت نمایند ... سنه تسع و ستین بعد الف من هجره النبویه کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی»

۶. در مسجد حاجی منوچهر (واقع در محله خواجوی اصفهان) در بالای سر کتیبه‌ای به این مضمون وجود دارد:

«در زمان ... شاه عباس ثانی صفوی الحسینی بهادرخان ... ابداً احیا نمود این مسجد را فی سبیل الله حاجی منوچهر و وقف مسجد نمود یک دکان بقالی، یک دکان نانوايي و یک دکان علافی که مجموع سه جسم بوده باشد و کرایه آنها را صرف روشنایی و ضروریات دیگر نموده و طمع کننده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان سنه ۱۰۷۲».

۷. در مسجد جمعه اصفهان بر دیوار مقابل در قدیمی شبستان اولجایتو بر لوح سنگی چنین خوانده می‌شود: «وقف شرعی نمود آقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی یک باب خانه معینه واقعه در محله تحت الشارح که به موجب وقفنامه علیحده وقف نموده (تولیت با میرزاخان ابن آقا رضا شوشتری) بر اولاد خود و غیره از جماعت مفصله ذیل بدین موجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمد کاظم و رجبعلی برادران واقف ثلث اولاد مسلمانان

صفیه بانو و کشور جان همشیره‌های واقف ثلث و شرط خدمه مسجد جامع قدیم اصفهان نمایند که صرف روشنایی شود؛ زمستان در شبستان طرف طنبی و تابستان در صفه سنگ تراشان سنه ثلاث و سبعین و الف» (۱۰۷۳ هـ).

۸. بر نمای خارجی دیوار غربی مسجدگز بر لوحی این کتیبه خوانده می‌شود:

«وقف نمود آقا علی ولد محمد علی یاور تمامی سه در دکان بقالی پای گلدسته را از برای خدا آنچه اجاره دکان به هم رسد محمد شریف گرفته صرف مسجد بزرگ گز کند. به لعنت خدا گرفتار شود تغییر دهنده ۱۰۸۵»^{۴۰}

۹. در مدرسه ملا عبدالله واقع در اول بازار زیر چهار سوی شاه که در زمان شاه عباس اول برای تدریس مولانا عبدالله شوشتری از علمای بزرگ و در زمان شاردن، محمد باقر از علمای معروف مدرس آنجا بوده»^{۴۱} در کتیبه‌های محل تاریخ

بنا وجود ندارد ولی بر در مشرف به بازار تاریخ ۱۲۱۸ هجری قمری دیده می‌شود.

وقف نامه ذیل بر لوح سنگی در این مدرسه موجود است:

«... وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج الحرمین میرزا محمد سه باب دکان در جنب یکدیگر با دو بالاخانه محدود به دکان تنباکو فروشی و به شارع و به خانه آقا صالح و به دکان نجاری و به دکان نخود بریزی و عطاری از دو طرف به شارع و به کوره آجرپزی مستغلات مزبوره واقع در بازار غاز بر سقاخانه متصله به مدرسه ملاعبدالله که کرایه موقوفات مزبوره را حاجی مذکور تا حین حیات تولیت با اوست صرف اخراجات سقاخانه و تعمیر آن و مستغلات مزبوره بعد از وضع سدس که به حق التولیه شرط شده می‌بوده باشد و بعد از واقف تولیت؛ اصلح اولاد او و بطناً بعد بطن و نظارت با طلبه مدرسه مزبوره خواهد بود که اگر متولیان درباره

دایر نمودن آن و تعمیر و آبادی موقوفات و سنگی از حوض‌ها و چاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند و از مضمون و قیودی که شده در نگذردند و اگر اولاد واقف برطرف شوند تولیت با متولی مدرسه مزبوره خواهد بود و اگر متولی در باب جاری و معمور داشتن سقاخانه و مستغلات اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند به اسم هر که برآید او را متولی دانند و به این دستور نیز عمل می‌نموده باشند و از پانزدهم قوس تا پانزدهم حوت آب نکشند و منافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر و مستغلات ضبط می‌نموده باشد و اگر سقاخانه به سبب حوادث خراب شود و به هیچ وجه جاری نتوان نمود منافع را به پنج نفر طالب علم مستحق می‌داده باشند و تغییر دهنده به لعنت خدا و نفرین ائمه هدی (صلوات الله علیهم) گرفتار شود. امید است که واقف و راقم را به دعا یاد کنند فی سنه ۱۰۸۸».



در مسجد جامع نطنز (۷۰۴-۷۰۷ ه.ق) لوحی به این مضمون وجود دارد:

«... به توفیق حضرت جناب استاد حیدر نجار ولد مظفر نطنزی به شرح وقفنامچه علیحده تمامت سه طاق از ممر قناتین دستجرده نطنز و باغ و ملک تابعه آن را وقف مسجد جامع نطنز نموده که متولی آن هر ساله حاصل آنها را بعد از وضع موضوعات در وقفنامچه مزبوره صرف تعمیر و بوری و روشنایی مسجد مذکور نماید ... ۱۱۰۳».

۱۰. در مسجد حاج محمد مهدی (واقع در محله خواجه که امروز به مسجد زاغی شهرت دارد و در سال ۱۱۰۷ ساخته شده) لوحی به این مضمون وجود دارد:

«بنا نمود ... حاجی محمد مهدی ولد ... حاجی محمد رضا ابن ... حاجی غیاث الدین محمد ابن مسجد را وقف نمود به جهت روشنایی و بوری و آب‌کشی یک باب خانه متصله به مسجد مزبور و به جهت

تعمیر و خدمه مسجد مزبور وقف نمود همگی و تمامی دو حبه اربابی از جمله هفتاد و دو حبه قریه مهر آبادجی مشهور به باب الحکمه متصله بقریه شهرستان و تغییر دهنده به لعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان المبارک من شهر سنه ۱۱۰۸».

۱۱. در مسجد آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی (واقع در محله چهار سوی اصفهان)، بر کاشی‌کاری جمله «بانی کاشی‌های خطی میرزا حسن بصیری رمضان ۱۳۶۳ خوانده می‌شود» و در ایوان جنوبی مسجد بر لوح سنگی این خطوط مسطور است:

«... وقف شرعی نمود خیر الحاج حاجی فتح الله جوزدانی یک دانگ و یک ربع از طاحونه جوان را (قریه‌ای در شش کیلومتری غرب اصفهان) که مال الاجاره صرف روشنایی و بوری و تعمیر مسجد نو چهار سوی شیرازیان بشود و صیغه جاری شد ۱۲۷۶».

۱۲. در چهار سوی ساروتقی بر یکی از

دیوارها، کتیبه‌ای نصب است که بر آن چنین نوشته شده:

«مخفی نماند که چهار دانگ از دکان

نشاسته گری جنب چهار سوق

ساروتقی با متعلقات آن به موجب

وقفنامه جداگانه وقف است بر تعزیه

داری جناب خامس آل عبا حضرت

سید الشهداء (علیه آلاف التحیه و

الثنا) و یک دانگ دیگر وقف است

بر امامزاده واجب التعظیم امامزاده

اسماعیل، هر کس تبدیل و تغییر

دهد به لعنت خدا و نفرین رسول

گرفتار شود فی غره ذیحجه الحرام

۱۲۹۸».

۱۳. در مسجد آقا میرزا محمد باقر

چهار سوقی (واقع در محله چهار

سو اصفهان) برکاشی کاری نوشته

شده «واقف کاشی محمد جعفر

عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶».

۱۴. در مسجد دروازه حسن آباد، بر

کتیبه بالای سر در مسجد نوشته

شده «توفیق یافت مشهد حسن

سلمانی (وقف کننده) دو دکان یکی

متصل به عقب ابن قبه و جنب

دروازه حسن آباد و یکی دیگر دکان

نعل بندی درب این قبه وقف مؤبد

صحیح شرعی ... ۱۳۳۷» ۴۲.

کتیبه‌های مبنی بر وقف آب در مساجد و آثار اصفهان

کتیبه‌های مبنی بر وقف آب در

مساجد اصفهان نیز وجود دارد که یکی

از مهم‌ترین آنها در مسجد امام [مسجد

شاه سابق] است که در کتیبه‌ای به این

قرار آمده است:

۱. در مسجد شاه [امام] لوح سنگی

به دست آمده که کتیبه آن این است:

«به یمن توفیق ربانی و تأیید سبحانی

در زمان دولت خاقان الاعدل الاعظم

مالک رقاب الامم مولی سلاطین عرب و

العجم السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب

بهادرخان خلد الله ملکه و سلطانه در

ملازمت شاهزاده عالمیان نور حدیقه

امن و امان ابوالنصر سلطان احمد میرزا

(فرزند نهم شاه طهماسب) بنده درگاه

امیر اصلان بن رستم سلطان الله افشار

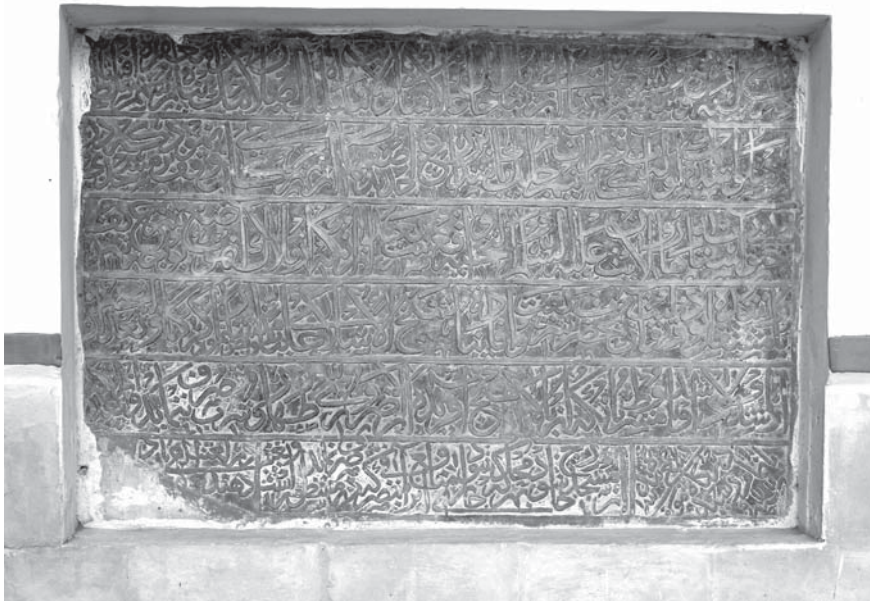
ارشلو (الله سلطان احمد میرزا از امراء

افشار) از زنده رود اصفهان حفر نهری



نموده آب مباح به مسجد جامع آورده و وقف کرد قربه الی الله تعالی بر عموم ... و کافه ناس و بر مسجد مذکوره مجری و ممر آب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظهر است آن را بلافاصله مع التوابع و اللواحق وقفاً مؤبداً مخلداً به این وجه که مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محفوظ باشند و چون از مسجد خارج شود به هر محل که جاری شود منافع آن را به مصرفی که در وقفیه مسطور است صرف نمایند و شرف نمود که با شرافت و نظارت

حضرت افادت و افاضت پناهی شیخ الاسلامی زیناً عیاً (شیخ علی منشار) منشارا خود به نفس نفیس و بعد از آن حضرت ارشد اولاد ذکور صلبی آن حضرت نسل بعد نسل و عقباً بعد عقب متولی وقف مزبوره بوده و نظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است قیام و اقدام نمایند و قبل از ورود آب به مسجد جامع مذکور احدی از بالا آب به باغات و مزروعات نبرد و به غیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای حضرت شیخ الاسلامی



لوح سنگی مسجد علی

که در بردن آب ...»^{۴۳}

۲. در ایوان شرقی مسجد علی بر لوح سنگی این کتیبه خوانده می‌شود: «در تاریخ سنه اربع و سبعین و تسعمائه عنایت ازلی شامل حال غلام شاه ولایت پناه ملک اصلان بیک بن مغفره پناه رستم سلطان افشار ارشلو شده یک لوله که قطر آن نیم چهار یک باشد به ذراع جدید اصفهان از نهر جرجی کان وقف نمود بر مسجدی که در جنوب آستانه هارون ولایت (علیه السلم و التحیه) واقع است بعد از آن که از ملاک آن موضع به وجه شرع شریف به او منتقل شده بود و تولیت آن به حضرت شریعت و افاده پناه شیخ الاسلامی علیاً منشاراً کرکیاً تفویض نمود و بعد از آن حضرت با ارشد اولاد او باشد مشروط به آن که از مسجد خارج شود به هر محلی که جاری شود منافع آن را به مصرفی که در او مسطور است صرف نماید و تغییر دهنده در لعنت الهی باشد به سعی بنده درگاه موسی به اتمام رسید سنه ۹۷۷».

۳. شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۳

هـ. ق فرح آباد اصفهان را که در دامنه کوه صفه واقع بوده بنا کرد که بنا به مندرجات کتاب تاریخ «وقایع السنین و الاعوام» زمین باغ سعادت آباد و آب آن را برای فرح آباد وقف کرد^{۴۴}.

مؤلف کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» در مواردی نیز به «سقاخانه‌های وقفی»، «سنگاب‌های وقف در اصفهان» و وقف «زیلو»، «منبر» و حتی «درخت»، «شتر» و ... اشاره داشته است.

سنگاب‌های وقف در اصفهان

مرحوم سپینتا در مورد سنگاب‌های وقفی از زمان صفویه تا دوره قاجار، مواردی را آورده که قابل توجه است و سیر تاریخی سنگاب‌ها از حیث وقف را در اصفهان مشخص می‌کند، در این مورد آمده است:

در مساجد و مدارس قدیم اصفهان سنگاب‌های فوق العاده زیبا وجود دارد که بهترین نمونه‌های هنر حجاری دوره‌های گذشته است و زیباترین آنها در مسجد شاه [امام] و مدرسه سلطانی [چهارباغ] دیده می‌شود.



انتخاب سنگ و تراش و تزیین این سنگاب‌ها از صنایع بدیع هنرمندان حجار ایرانی است، ساختن سنگاب و قرار دادن آن برای استفاده عمومی جزو نذورات و اعمال خیر بوده گاهی نیز سنگ‌های مخصوصی را برای ساختن سنگاب انتخاب می‌کرده‌اند از جمله داستانی که درباره سنگاب مسجد شاه [امام] نوشته‌اند مبنی بر این که بت هند را که محمود غزنوی از سومنات به اصفهان آورد، بعدها دو نیم کردند نیمی از آن را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر طهماسب سنگاب ساختند و سنگابی در مسجد شاه [امام] و سنگ سماقی در ازاره مسجد شاه [امام] قرار دادند^{۴۵} [البته از جهت تاریخی قابل تأمل است].

از جمله سنگاب‌های اصفهان که محل نصب و نام واقف و تاریخ حجاری آن معلوم است به شرح ذیل می‌باشد:

۱. سنگاب امامزاده اسماعیل علیه السلام، وقف کننده حاجیه شاهمر بنت حاجی میرزا علی جزی برخورداری با تاریخ

- ۱۰۴۹ ه.ق
۲. سنگاب در باشگاه افسران سابق با تاریخ ۱۰۵۶ ه.ق
۳. سنگاب مسجد حکیم، وقف کننده حاجی نصرت با تاریخ ۱۰۵۷ ه.ق
۴. سنگاب مدرسه ترک‌ها، وقف کننده صفی قلی با تاریخ ۱۰۸۱ ه.ق
۵. سنگاب مدرسه سلطانی، وقف کننده حاجی ابوالحسن اردکانی با تاریخ ۱۰۹۰ ه.ق
۶. سنگاب شاهزاده ابراهیم، وقف کننده محمد علی بن طالب با تاریخ ۱۰۹۱ ه.ق
۷. سنگاب مجلسی، وقف کننده آقازوالفقار ولد آقا نصیر، ۱۰۹۳،
۸. سنگاب مسجد امام [مسجد شاه سابق]، وقف کننده شاه سلیمان با تاریخ ۱۰۹۵ ه.ق
۹. سنگاب مسجد لبنان، وقف کننده محمدخان با تاریخ ۱۱۰۰ ه.ق
۱۰. سنگاب صفا صاحب مسجد جمعه، وقف کننده استاد امین ولد اسماعیل با تاریخ ۱۱۰۲ ه.ق
۱۱. سنگاب مسجد خوزان، وقف کننده

۱۵. سنگاب مسجد سرخی (سفره چلی)، وقف کننده محمد شفیع خیاط با تاریخ ۱۱۱۷ هـ. ق
۱۶. سنگاب مسجد مصری، وقف کننده حاجی آقا جانی و حاجی حسن با تاریخ ۱۱۲۰ هـ. ق
۱۷. سنگاب مسجد اشترجان، وقف کننده ابن غلامعلی علی داد با تاریخ ۱۲۴۴ هـ. ق
۱۸. سنگاب هارون ولایت، وقف کننده حاجی حیدر با تاریخ ۱۱۰۸ هـ. ق
۱۲. سنگاب مدرسه سلطانی، وقف کننده شاه سلطان حسین با تاریخ ۱۱۱۰ هـ. ق
۱۳. سنگاب مسجد حکیم، وقف کننده آقا رحیم ولد نظام با تاریخ ۱۱۱۴ هـ. ق
۱۴. سنگاب درب امام، وقف کننده ورثه مرحوم حاجی حیدر با تاریخ ۱۱۱۷ هـ. ق



سنگاب مدرسه امام صادق علیه السلام

- محمد حسین ابن مرحوم آقا مسیح
با تاریخ ۱۲۶۱ ه.ق
۱۹. سنگاب مسجد جارچی، سال
۱۲۶۷
۲۰. سنگاب مسجد سید، وقف کننده
حاجی کاظم قاری در سال ۱۲۴۹
۲۱. سنگاب مدرسه صدر، وقف کننده
حاجی ابراهیم فرزند محمد بیک
شیروانی در سال ۱۲۷۵
۲۲. سنگاب مسجد محله نو، وقف
کننده میرزا ابوطالب علاقه بند در
سال ۱۲۷۶
۲۳. سنگاب مسجد نو چهار سو
شیرازی‌ها، وقف کننده حاجی
فتح الله ولد مرحوم آقا عبدالرضا لر
شیروانی در سال ۱۲۸۰
۲۴. سنگاب مدرسه میرزا حسین، وقف
کننده حاجی محمد کاظم ابن حاجی
محمد مهدی قاری در سال ۱۲۷۵
۲۵. سنگاب مسجد گز، وقف کننده
حاجی محمد ابراهیم خلف میرزا
محمد بیک در سال ۱۲۷۰
۲۶. سنگاب مسجد صفا (بدون نام
وقف کننده) در سال ۱۲۹۰
۲۷. سنگاب مسجد خان، وقف کننده
استاد جواد حجار اصفهانی در سال
۱۳۰۵
۲۸. سنگاب مسجد قطیبه، وقف کننده
دختر باقر در سال ۱۳۰۷
۲۹. سنگاب مسجد رحیم خان، وقف
کننده میرزا اسدالله ولد حاجی
ابوالقاسم در سال ۱۲۹۹
۳۰. سنگاب مسجد صفا (وقف کننده
معلوم نیست) در سال ۱۳۳۲
- بخش پایانی این اثر گران سنگ
[تاریخچه اوقاف اصفهان]، تحلیلی بر
اوضاع اوقاف اصفهان به ویژه در اوایل
دوره قاجاریه است، مرحوم عبدالحسین
سپینتا در این قسمت از اثر به اوضاع
وخیم و نابسامانی که وقف اصفهان در
آن دوران بدان مبتلا بوده اشاره می‌کند
و با استناد به منابع متعدد و برخی اسناد
اوضاع را این گونه ترسیم نموده است:
- اوقاف اصفهان در زمان قاجاریه**
- در دوره قاجار نه فقط توجهی نسبت
به اوقاف اصفهان نشد و موقوفات آن
دچار وضع ناگوار گردید و موقوفه

خواران طی قریب یک قرن میدان وسیعی برای تجاوز به موقوفات پیدا کردند. به علاوه مسافرت فتحعلی شاه با عده‌ای از قشون به اصفهان که ظاهراً به منظور سرکوبی ملایر از حاجی سید محمد باقر بود، وضع اوقاف اصفهان را مغشوش ساخت.

همچنین درباره اوضاع اوقاف اصفهان در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه آمده است:

«هزار قریه و مزرعه مخروبه و معدومه و غیر مزروعی از اربابی و وقفی و خالصه در ثبت اصفهان نوشته چهارده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات اصفهان به میرزا عبدالحسین وزیر پیشکار مالیه مساعده دادند تا آنچه را بتواند نسق بگیرد و احیاء نماید یک دینارش را صرف دهات نکرد، همه را سرب و باروت خریده و با نواب‌ها و محمد علیخان همدست شده و یاغی‌گری کرد و باقی مزارع و دهات آباد اصفهان را نیز مخروبه و ارض موات کردند»^{۴۶}.

به قول جابر انصاری در عباس آباد

و مستهلک و چرخاب و صالح آباد و اطراف چهار باغ کهنه و نو سابقاً همه خانه و مساجد و مدارس و تکایا بود که در آن دوره از بین رفت».

در چنین دوره‌ای بود که یکی از فرزندان توانای اصفهان، صدر اصفهانی در شهر نیمه ویران اصفهان برپا خواست و موقوفات وسیع و اعمال خیر او در اصفهان و سایر نقاط ایران و عراق زبازد عموم شد، از آنجایی که تاریخچه‌ای مستقل و مستند از زندگی صدر در دست عموم نیست، بجاست ما در اینجا شمه‌ای از زندگی او را شرح دهیم.

امین الدوله حاجی محمد حسین خان نظام الدوله فرزند حاجی محمد علی پسر حاجی محمد رحیم متولد در سال ۱۱۷۴ هـ. ق و متوفی در ۱۲۳۹ هـ. ق در زمان فتحعلی شاه به رتبه صدارت رسید، پدرش حاجی محمد علی و جدش حاجی محمد رحیم، مباشر شهر بودند و در زمان زندیه نیز اجدادش به این سمت بوده‌اند. خود محمد حسین خان نیز اول مباشر



اصفهان بود و در اواخر زمان فتحعلی شاه به حکومت اصفهان رسیده است. پل خواجه را تعمیر کرده است و سمت بیگلربیگی اصفهان را داشته و در سال ۱۲۱۵ هـ.ق به او دستور داده شد که بین عمارت چهلستون و بهشت آیین عمارتی برای حرم بسازد و او در محل بنایی از صفویه، عمارت صدری را بنا ساخت و تخت مرصع طاوس معروف را که اینک در کاخ گلستان است و به نام طاوس، زن سوگولی فتحعلی شاه ساخته شده، حاجی محمد حسین خان در اصفهان به دستور شاه ساخت (۱۲۱۶ هـ.ق).

در سنه ۱۲۲۱ هـ.ق که میرزا شفیع صدراعظم وزیر اول شد، حاجی محمد حسین بیگلربیگی و حکمران اصفهان به تهران احضار و وزیر ثانی شد و حکومت اصفهان به پسر او عبدالله خان واگذار گردید.

در سال ۱۲۲۳ هـ.ق که میراثبات علی برای رفع تعدیات انگلیس از جانب حکومت سند به ایران آمده و متوسل شده بود، میرزا مهدی منشی

حاجی محمد حسین خان را برای رفع اختلافات به سفارت هند فرستادند (۱۲۲۴ هـ.ق).

در سال ۱۲۲۷ هـ.ق حاجی محمد حسین خان امین الدوله به دستور فتحعلی شاه در کنار رود کرج بنایی به نام سلیمانیه (بنام سلیمان میرزا) ساخت.

در سال ۱۲۲۸ هـ.ق حاجی محمد حسین خان امین الدوله لقب نظام الدوله یافت و مأمور نظم فارس و عراق شد و به شیراز رفت و پسر بزرگ او عبدالله خان که بیگلربیگی یعنی حاکم اصفهان بود به تهران احضار شد و لقب امین الدوله به او داده شد و به جای پدر، استیفای ایران به او تفویض گردید.

در سال ۱۲۳۴ هـ.ق پس از درگذشت میرزا شفیع صدر اعظم، حاجی محمد حسین خان نظام الدوله به صدارت عظمی رسید و ماده تاریخ صدارت او «وزیر اعظم» آمد، با آن که میرزا بزرگ پیشکار آذربایجان، قائم مقام صدارت میرزا شفیع بود، این موفقیت نصیب حاجی محمد حسین



آثار صدر

آثاری که صدر از خود باقی گذاشت و در کتب ثبت است به شرح ذیل می‌باشد:

۱. باروی شهر نجف در سال ۱۲۲۶ هـ. ق. ۴۸
۲. بنای روضه و صحن حضرت عباس علیه السلام و درهای مشبک نقره نجف و کربلا و قم.
۳. سه باب مدرسه در اصفهان واقع در پاقلعه، فتح آباد و بازار ۴۹
۴. مدرسه و سقاخانه در نجف
۵. تکیه و قلعه در بلوک علیای جرقریه

خان نظام الدوله شد و پسرش عبدالله خان امین الدوله متصدی مشاغل پدر گردید.

در سال ۱۲۳۹ هـ. ق حاجی محمد حسین خان صدر اعظم از اصفهان به تهران آمد و به مرض مزمن یرقان صبح چهارشنبه سیزدهم صفر ۱۲۳۹ در گذشت. جسد او را به نجف حمل کردند و در مدرسه معروف صدر که از ابنیه خود او بود دفن گردید، او را به واسطه خدمات زیاد و داد و دهش فوق العاده حاتم الصدور و معین الوزراء خوانده‌اند.^{۴۷}



باروی شهر نجف

اصفهان و روستاهایی که به اوقاف صدر مشهور است.^{۵۰}

۶. چهار باغ صدر

۷. عمارت صدری جنب چهلستون که ویران شده است.

۸. عمارت سلیمانیه کرج

۹. عمارات سلطانیه و تعمیر باغ فین کاشان

۱۰. تعمیر و تجدید نقاشی «چهار سوق نقاشی» اصفهان^{۵۱}

۱۱. تعمیر سردر مسجد جمعه و بازار جنب سقاخانه در سال ۱۲۱۸ ه.ق در اوایل جلوس محمد شاه، میرزا ابوالقاسم قائم مقام به مقام صدارت رسید به طوری که گفته می‌شود محمد شاه از زمان فتحعلی شاه با صدر رابطه خوبی نداشت و می‌گویند صدر با ولایتعهدی محمد شاه موافق نبوده و پسر دیگر فتحعلی شاه را که در شیراز حکمرانی داشت، برای این مقام بر محمدشاه ترجیح می‌داده است.^{۵۲}

صدر در مدت حکومت و وزارتش در اصفهان مقر خود را در عمارت صفویه معروف به عمارت صدری

جنب هشت بهشت قرار داده بود^{۵۳}.

صدر دارای هشت پسر و چهار دختر بوده است که پسرانش عبارت بوده‌اند از:

۱. عبدالله خان امین الدوله، ۲. میرزا عبدالحسین خان، ۳. حاجی محمد زمان خان، ۴. رضاعلی خان، ۵. محمد ابراهیم خان ناظر الدوله (داماد فتحعلی شاه و شوهر عصمت الدوله)، ۶. شکرالله خان، ۷. حاجی محمد علیخان و ۸. حیدر علیخان.

شرح حال صدر اصفهانی در خلال کتب منتظم ناصری، ناسخ التواریخ، روضه الصغای ناصری، تاریخ عضدی، یادداشت‌های محمد حسین خان اعتماد السلطنه ثبت است^{۵۴}.

در سال ۱۳۲۸ خورشیدی جمعی از افراد خانواده صدری انجمنی به نام «انجمن خاندان صدری» که اولین جلسه آن روز سه شنبه ۱۹ مهر ۱۳۲۸ خورشیدی بود در منزل آقای عبدالحسین صدری رکن الملک نبیره صدر تشکیل و اساسنامه‌ای مشتمل بر بیست و هفت ماده به نام اساسنامه

انجمن خاندان صدری تنظیم و تصویب کردند که در همان ماه چاپ شد.

در پایان این اثر نیز رونوشت وقفنامه صدر آمده است که در آن به مصارف عواید و موقوفات به ویژه به مصارف عتبات اشاره شده است و از جمله وقفیات قابل اعتنای عصر قاجاری به حساب می‌آید. ضمن این که پس از درج وقفنامه در کتاب تاریخچه اوقاف اصفهان صورتی از فهرست مساجد، مدارس قدیم و بقاع و تکایای اصفهان با درج مکان و محل آن آمده است.

نتیجه‌گیری

۱. بالندگی و شکوه فرهنگ و تمدن اسلامی و آبادانی ایران و شکل‌گیری شهرهایی بزرگ را از لابلای متون وقفی می‌توان دریافت نمود که در این رابطه کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» مرحوم عبدالحسین سپنتا تبیین قابل ملاحظه‌ای از این موضوع را در بر دارد.

۲. با تکیه بر چنین متون و منابعی به توسعه تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری به ویژه در عصر حکومت دولت

شیعی مذهب آل بویه و در شهرهایی مانند اصفهان، می‌توان پی برد چرا که وزیران نام‌آوری چون صاحب بن عباد در این موضوع اهتمام داشته و گام‌های ارزشمندی برداشته‌اند که در اثر مرحوم سپنتا بدان پرداخته شده است.

۳. هر چند دولت‌هایی چون سلاجقه بیشتر خوی نظامی‌گری داشتند اما با تمسک به برخی از موازین مربوط به دین و ارزش‌های معنوی در پیشبرد جامعه‌گامی تحول‌آفرین بودند که تمسک به وقف نیز در این زمان مشهود و معلوم است.

۴. دوران صفویه را می‌توان اوج شکوفایی جامعه و پیشرفت فرهنگ مذهبی به ویژه دانش‌های شیعی قلمداد نمود و وقف در این دوره نقش فوق‌العاده‌ای دارد که در اثر مرحوم سپنتا به این موضوع به خوبی پرداخته و نمونه‌هایی متعدد از این آثار ارایه گردیده است.

۵. اتفاقات ناگوار چون تهاجم افغان، بی‌توجهی نادر به اوقاف و هرج و مرج، وضع ناخوشایندی را برای



اوقاف ایران به ویژه اصفهان پیش آورده که علی‌رغم برخی اقدامات در ابتدای دوران قاجار توسط محمدحسین خان صدر اصفهانی، باز این موضوع ترمیم نشد.

۶. اثر مرحوم سپینتا اگرچه نام «تاریخچه اوقاف اصفهان» را دارد و با تأکید به متون وقفی درباره اصفهان است لیکن نوعی توصیف و سیری از تاریخ وقف در ایران نیز می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، ص الف.
۲. محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی در سال ۱۳۰۸ هجری، اصفهان را دارای چهارصد مسجد می‌داند.
۳. مرحوم آقای دکتر هنرفر در تألیفات کتاب «کتیبه‌های تاریخی آثار اصفهان» زحمت زیاد کشیده‌اند و کتیبه‌های وقفی مساجد و مدارس اصفهان از کتاب مزبور استفاده شده و ذیل صفحات موارد استفاده معین گردیده است.
۴. در کتیبه مسجد ملا عبدالله اصفهان.
۵. در کتیبه مدرسه شفیعیه اصفهان.
۶. مقاله «جزر و مد سیاست و اقتصاد در امپراطوری صفویه» به قلم دکتر باستانی پاریزی، مجله یغما، سال ۱۹، شماره ۱۱، ص ۵۹۳.
۷. اصفهان وری، ص ۲۲۳.
۸. محاسن اصفهان، ص ۶۳.
۹. جهت کتیبه این سر در مراجعه کنید به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۲.
۱۰. اصفهان وری، ص ۲۵۰.
۱۱. یک بررسی از هنرهای ایران، ج ۳، ص ۹۳۵ و آثار ایران، گذار، ج ۲، ص ۱۰۶.
۱۲. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۷۵.
۱۳. گنبد نظام الملک در مسجد جمعه اصفهان (۴۷۳-هـ) از آثار بسیار با عظمت نظام الملک است، نظام الملک در سال ۴۸۵ هجری به دست یکی از اسماعیلیان کشته شد و در دارالبطیخ



- اصفهان مدفون گردید.
۱۴. ذیل کتاب محاسن اصفهان، ص ۱۴۲.
۱۵. ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳.
۱۶. نصف جهان، ص ۶۰.
۱۷. شاردن، ج ۵، ص ۴۵.
۱۸. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۳۸.
۱۹. به نقل از گنجینه آثار تاریخی، ص ۸۶۳.
۲۰. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۴۰ به نقل از تذکره شاه طهماسب.
۲۱. ظاهراً سردر قیصریه بعد از ساختمان بازار آن و در سال ۱۰۲۶ ه.ق به اتمام رسید مراجعه شود به: آثار ایران، گذار، ج ۲، ص ۱۲، ترجمه فارسی و گنجینه آثار تاریخی، ص ۴۴۶.
۲۲. عالم آراء، ج ۲، صص ۷۶۱ - ۷۶۲.
۲۳. همان، ج ۲، ص ۷۶۱.
۲۴. همان.
۲۵. همان، ج ۲، ص ۷۶۰.
۲۶. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۴۴ - ۴۵.
۲۷. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۴۶ - ۴۸.
۲۸. سرجان ملکم، ص ۲۷۱.
۲۹. شاردن، ج ۷، ص ۱۶۶.
۳۰. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۲۵.
۳۱. تاریخ اصفهان وری، ص ۲۸۰.
۳۲. همان، ص ۲۶۵.
۳۳. همان، ص ۲۷۲.
۳۴. همان، ص ۲۷۸.
۳۵. همان، ص ۲۴۵.
۳۶. بخشی از گنجینه آثار ملی، ص ۳۶.
۳۷. همان، ص ۱۲۴.
۳۸. تاریخ اصفهان وری، ص ۳۰۷.
۳۹. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۵۹۰، راجع به جاهایی که نقطه گذاشته، می نویسد: سترده شده و نیز بقیه کتیبه که نصف دیگر سنگ لوح است به کلی حک شده است.
۴۰. آثار ایران، گذار، ج ۲، جزوه اول، ص ۹۴.
۴۱. همان.
۴۲. برای یافتن مطالب درباره الواح سنگی مذکور مراجعه کنید به کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان.
۴۳. دکتر هنر فر در صفحه ۱۶۳ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، می نویسد: این لوح در بهار سال ۱۳۴۰ خورشیدی ضمن لارویی از مجرای زیرزمینی مسجد جمعه اصفهان مقابل محراب گچ بری واقع در ضلع جنوبی دالان ورودی فعلی (دالان شرقی مسجد) به دست آمده و می نویسد: این لوح که هیچ وقت در نظر نبوده است و برای اولین بار از طرف مؤلف [مقصود دکتر هنر فر] در این کتاب معرفی شده و کتیبه آن منتشر می گردد.
۴۴. وقایع السنین و الاعوام، نسخه کتابخانه مجلس، ص ۶۰۷ نقل از گنجینه آثار تاریخی، ص ۷۲۴ و ۲۷۶.

۴۵. تاریخ اصفهان وری، ص ۲۲.
۴۶. همان، ص ۴۶.
۴۷. ناسخ التواریخ در گذشت صدر را ۱۲۳۸ هـ.ق ثبت کرده ولی منتظم ناصری ۱۲۳۹ هـ.ق دانسته است.
۴۸. محمد طلعت ماده تاریخ حصار نجف را «یک برج زقلعه نجف نه فلک است» گفته ۱۲۲۶ هـ.ق، طبق قراری که بین صدر اصفهانی با اعمال عثمانی در عراق گذاشته شد، اراضی بین دیوار قلعه و خانه‌های آباد نجف که بایر بود به ملکیت صدر درآمد و بعداً به نواده‌های او حاجی علی، حاجی امین، حاجی اسدالله خان پسران میرزا علی محمد خان نظام الدوله و فرزندان آنها رسید، فرهاد میرزا در کتاب «جام جم» بنای باروی نجف را در سال ۱۲۲۳ هـ.ق می‌نویسد.
۴۹. در این مدرسه علمای بزرگی مانند ملا محمد کاشی، جهانگیرخان دهقانی [قشقایی]، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملا محمد حسین فشارکی، آقا شیخ محمد خراسانی، سید محمد و سید علی نجف آبادی، سید محمد رضا خراسانی مدرس بوده‌اند. (تاریخ اصفهان وری، ص ۳۰۹). در کتاب نصف جهان، ص ۷۱، محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی در سال ۱۳۰۸ هجری می‌نویسد: «مدرسه صدر که مدرسه مرحوم حاجی محمد حسین خان صدراعظم اصفهانی می‌باشد، از روی همان مدرسه چهار باغ سلطانی بنا شده است اما یک طبقه است و
- حجرات و وسعت آنها و درست سازی مطابق با طبقه تحتانی آن مدرسه است و همچنین چهار ایوان به چهار سمت برای مسجد آن ساخته شده است اما افسوس که عمر او کفاف نکرد و نارسا گردید و مدرسه به این خوبی ناتمام بماند و با وجود این از حسن نیت او مدرسه دایر است و تمام حجرات آن طلبه نشین و بر سر آن نزاع است به خلاف سایر مدارس که اکثر حجره‌های آن خالی است.» [خوشبختانه اکنون این مدرسه تکمیل و در دو طبقه تکمیل و مورد استفاده است].
۵۰. در اساسنامه انجمن خاندان صدری در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، ص ۳ می‌نویسد: «فقط عایدات موقوفه جرقویه اصفهان متجاوز از ششصد هزار ریال آن وقت بوده است».
۵۱. چهار سو نقاشی اصفهان که متأسفانه قسمت عمده آن ویران شده است و کمی از آن باقی است، از آثار دوره صفویه و منصوب به «اسفندیار بیک» از رجال صفویست، صدر آن را تعمیر و نقاشی‌های آن را انجام داد (گنجینه آثار ملی، ص ۳۳).
۵۲. نقل قول از آقای محمد علی مشیر صدری که شخصاً از محمود امین الملک شنیده بوده است.
۵۳. تاریخ اصفهان وری، ص ۳۵۰.
۵۴. اساسنامه خاندان صدری، ص ۶.

بررسی تأثیر موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه بر اقتصاد کشور

عفت خوشنودی ۱

چکیده:

به دنبال مهاجرت امامزادگان و سادات علوی به سرزمین ایران، دین اسلام مورد علاقه و پذیرش ایرانیان قرار گرفت و با مسلمان شدن مردم ایران، علاقه آنان به امامزادگان و سادات علوی بیشتر شد تا آنجا که حتی پس از مرگ آنان، برای گرامی داشتن نام و یاد این بزرگان، بناهایی هر چند ساده بر مدفن آنها ساختند و به مرور زمان و به اهتمام دیگر معتقدان به دین، به ویژه حاکمان و وزراء و دوستداران تشیع، بناهای بزرگ تر و مجلل تری بر مرقد و مزار امامزادگان و علما بنا نمودند و با انواع هنرها و معماری ها تزیین و برای نگهداری و هزینه آنها، اموال و املاکی را وقف نمودند که این موقوفات منشأ خدمات و برکات اقتصادی بسیاری برای مردم ایران زمین و کشور ایران اسلامی گردیده و می گردد و از آنجا که در بنیان های ارزشی اسلام، اقتصاد وسیله ای است برای حیات همراه با عبودیت و وقف نیز به عنوان عنصری ارزشمند در اقتصاد جامعه اسلامی به حساب می آید لذا بر آن شدیم تا در این مقاله، ضمن اشاره به رابطه وقف با اقتصاد؛ به بررسی تأثیر موقوفات بر اقتصاد کشور و سپس به بیان کارکردهای اقتصادی موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه بپردازیم. روش ما در بررسی این موضوع اسنادی و کتابخانه ای است.

کلید واژه ها:

امامزادگان، موقوفات، کارکردهای اقتصادی وقف.

توجه به آرامگاه و آرامگاه سازی بر بقعه بزرگان، علما و امامزادگان در میان جوامع مختلف اسلامی دارای سابقه‌ای طولانی است. در ایران نیز از همان ادوار اسلامی، توجه ویژه‌ای به ساخت آرامگاه و بقعه بر مزار امامزادگان و بزرگان دین شده است. پذیرش دین اسلام و ارتباط ایرانیان با امامان معصوم علیهم‌السلام و امامزادگان و رفت و آمد و معاشرت و سکونت آنها در سرزمین ایران، باعث پیدایش تعداد زیادی امامزاده و بقعه در ایران گردید.

البته قبل از اسلام آرامگاه‌های دیگری در کشور ایران بوده که به علت وجهه غیرمذهبی که داشتند بر اثر گذشت زمان ویران و تخریب شده‌اند؛ ولی آرامگاه‌ها و بقعه امامزادگان و علما و بزرگان دین به دلیل وجهه دینی و مذهبی و احترام مردم به آنان، با گذشت زمان نه تنها تخریب نگشته بلکه روز به روز بر اهمیت آنان افزوده می‌شد. مردم ایران نسبت به این بزرگان احترام ویژه‌ای قایل بوده و آنان را مظهر لطف خداوند می‌دانسته و بسیاری از حاجات خود را نیز از آنها می‌طلبیدند. به همین منظور و همچنین بزرگداشت آنان، بناهایی را بر روی مقابر آنها می‌ساختند و حتی در برخی موارد محل قدم آنها را نیز به عنوان یادگار و تحت عنوان «قدمگاه» مورد احترام قرار داده و به عنوان اماکن مقدس از آنها حفاظت و حراست می‌نمودند و اموال و دارایی‌های خود را جهت بازسازی، مرمت، تزیین این اماکن مقدس و متبرکه «وقف» می‌نمودند.

براساس آمار ارایه شده از سوی قائم مقام سازمان اوقاف و امور خیریه ایران؛ در کشور ۸ هزار و ۵۰۰ بقعه متبرکه، وجود دارد^۲ (۸ هزار و ۵۱ باب بقعه امامزاده و ۳۳ باب بقعه پیامبران الهی و مابقی متعلق به علما و بزرگان) که در استان‌های مختلف پراکنده‌اند و در استان اصفهان تعداد این امامزادگان نسبت به سایر نقاط دیگر کشور بیشتر است که این به دلیل پایتختی آن در دوران صفویه و توجه بیشتر این خاندان به شیعیان و امامزادگان بوده است.



برخی از این بقاع و موارث جاودانه به علت ویژگی‌های خاص بنایی و زیبایی‌های آن و معماری اسلامی و تعلق آنها به امام معصوم، مورد توجه بیشتری قرار گرفته، به طوری که در برخی محلات و شهرها به عنوان قطب اقتصادی و مرکز شهر و منطقه محسوب می‌شوند. وجود امامزاده صالح علیه السلام در تجریش تهران، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری، حرم حضرت فاطمه معصومه علیه السلام در شهر مقدس قم، امامزاده احمد بن موسی علیه السلام معروف به شاه چراغ در شهر شیراز، و به عنوان یک قطب اقتصادی و مرکز مذهبی و دینی، روزانه هزاران نفر را به سوی خود جذب کرده و موجب رونق اقتصادی و شور و اشتیاق معنوی در این اماکن مقدس گردیده است، تا آنجا که بعضاً شهرسازی و شهرنشینی را تحت تأثیر قرار داده و به آن هویت و اصالت بیشتری داده است.

با توجه به تعداد زیاد امامزادگان و بقاع متبرکه در کشور ایران اسلامی و میزان قابل توجه نذورات و موقوفات اختصاصی به این مکان‌های مقدس از سوی مردم و با در نظر گرفتن این مطلب که وقف، اصلی اسلامی است که ریشه در فرهنگ و کارکرد در اقتصاد کشور دارد، ابتدا به بیان رابطه وقف با اقتصاد پرداخته و سپس تأثیر موقوفات بر اقتصاد کشور را بررسی نموده و در پایان به بیان کارکردهای اقتصادی موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه می‌پردازیم و در این خصوص پیشنهادهاتی را ارائه خواهیم داد.

رابطه وقف با اقتصاد

اگر ابعاد زندگی اجتماعی را شامل سیاست، فرهنگ و اقتصاد بدانیم. وقف، اصلی ارزشی، مذهبی و فرهنگی است که تجلی ثمرات ملموس آن در امور اقتصادی و مادی است. اصولاً وقف به معنای گذشت آگاهانه از مایملک در راه خدا و برای قرب به خداوند است، بر این اساس آنچه وقف می‌شود از مالکیت فردی خارج شده و علاوه بر خیر اخروی برای واقف، منافع و خیر جمعی حاصل از موقوفه،

باعث بهره‌مندی جمعی از بندگان خداوند از امکانات رفاهی برای زندگی بهتر می‌شود. (نظیر ساختن و وقف کردن پل، راه، درمانگاه، مدرسه و ...). در بعد خیر معنوی، به کمک تسهیلات مادی موقوفه، شعایر و ارزش‌های دینی حفظ شده و گسترش خواهد یافت. (نظیر وقف زمین و ملک برای تأمین هزینه‌ها یا برگزاری مراسم مذهبی).

پس می‌توان گفت: مهم‌ترین تأثیر وقف بر اقتصاد جوامع اسلامی است که به تبع آن باعث رشد و توسعه جوامع اسلامی در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و ... می‌شود. گسترش فرهنگ وقف، یکی از عمده‌ترین فاکتور، انهدام تراکم ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی، در شکل توزیع عادلانه ثروت، محسوب می‌شود و با درک از همین نکته، یعنی تأثیر ژرف وقف در توسعه اقتصادی است که دین مبین اسلام، برگسترش فرهنگ وقف بیش از هر چیز دیگر تأکید نموده است. ویژگی عمده وقف این است که کارکردهای اقتصادی آن تا حدود زیادی متفاوت از کارکردهای دو بخش مرسوم اقتصاد؛ بخش خصوصی و بخش دولتی است، زیرا وقف به لحاظ ارتباط موارد مصرف آن با تأمین نیازهای دولتی، مشابه نهادهای بخش دولتی است، ولی از این جهت که منابع مالی و مدیریت آن اصالتاً به عهده بخش خصوصی است، همانند نهادهای بخش خصوصی است. از این رو در اقتصاد جدید، این گونه نهادها به عنوان بخش سوم اقتصاد شناخته می‌شوند.

سنت حسنه وقف در مکتب اقتصادی اسلام دارای امتیازات ویژه‌ای است؛ زیرا اولاً در جامعه اسلامی به دلیل وجود انگیزه‌های معنوی و ایمان به جهان آخرت، زمینه بسیار مساعدی برای تثبیت این رفتار وجود دارد و ثانیاً این سنت نیکو علاوه بر این که انگیزه نیرومند و مقدسی را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به وجود می‌آورد، مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلامی یعنی توزیع عادلانه ثروت و درآمد را نیز محقق می‌سازد. ثالثاً، وقف راهبرد اقتصادی مناسبی برای تحقق

مردم سالاری دینی است و انتظار می‌رود با تقویت این نهاد، بسیاری از هزینه‌های دولتی، توسط خود مردم تأمین گردیده، و زمینه‌های حضور دولت در اقتصاد به حداقل مقدار آن کاهش یابد.

از سوی دیگر توسعه و تعالی نقش و مفهوم وقف می‌تواند به عنوان عاملی برای تحول و تکامل در اقتصاد اسلامی گردد. گذشتن و وقف کردن اموال ملموس فقط یک بعد از وقف است و آن هم بعد خرد. حال چنانچه این اصل مفهوم و عملاً توسعه یافته و بر مبنای آن هر فرد در انجام هر نوع کار و فعالیت اقتصادی همواره به آخرت بیندیشد به طور منطقی حاضر خواهد بود تا بخشی از توان، کار و درآمد خویش را در راه خدا ایثار و یا وقف نماید. به سخن دیگر، براساس انگیزش الهی انتظار می‌رود افراد برای رضا و قرب خدا، کار بهتر و بیشتر انجام داده و انتظار بهره و درآمد کمتر داشته باشند. آن‌گاه میزان منافع اقتصادی یا درآمد دریافت نشده از سوی فرد، توسط نظام وقف (به حالت خاص تعاونی اسلامی) صرف توسعه و رونق اقتصادی جامعه می‌گردد و عملاً از ایجاد شکاف‌های کلان اقتصادی جلوگیری می‌شود. در این حالت وقف می‌تواند به عنوان نظام دوم جامعه اسلامی (پس از دولت اسلامی) جایگاهی بس رفیع یافته و ایفای نقش نماید.

از آنجا که در بنیان‌های ارزشی اسلام، اقتصاد وسیله‌ای است برای حیات همراه با عبودیت، وقف نیز به عنوان عنصری ارزشی در اقتصاد جامعه اسلامی، ابزار و وسیله‌ای است برای تقرب و نزدیکی به خداوند. لذا بر پایه اصل «تناسب و سازگاری بنیان‌های هدف با وسیله تحصیل هدف» اداره اقتصادی موقوفات باید هماهنگ و هم‌جهت با نظام ارزشی واقف صورت گیرد. به عبارت دیگر، ساز و کار اداره و بهره‌ور نمودن موقوفات نمی‌تواند براساس مدل غیراسلامی تنظیم گردد. به عنوان مثال در نظامی که اساس اقتصاد آن بر استثمار یا ربا بنا شده باشد، نمی‌توان از محل موقوفات به سرمایه‌گذاری در چنین بنگاه‌های اقتصادی پرداخت (حتی اگر درآمد آن در امور ارزشی هزینه شود).



۱. بررسی تأثیر موقوفات بر اقتصاد کشور

برای توسعه و ارتقاء و کارآمدی موقوفات در اقتصاد کشور، در سه سطح می توان مطالعه، برنامه ریزی و اقدام کرد. این سطوح عبارتند از:

الف) بهره‌وری (سطح خرد و اجرایی)؛

ب) گسترش (سطح کلان)؛

ج) توسعه (سطح بنیادی).

الف) افزایش بهره‌وری از موقوفات موجود

مفهوم بهره‌وری؛ در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از: حداکثر استفاده از منابع موجود. به بیان دیگر؛ زمانی که میزان ستانده‌ها یا دریافتی‌های یک نظام بسیار بیشتر از نهاده‌ها یا ورودی‌های آن باشد میزانی از بهره‌وری اتفاق افتاده است. این مفهوم از طریق این رابطه محاسبه می‌شود: F مساوی است با درآمدهای موقوفات تقسیم بر هزینه‌های موقوفات. به طور کلی ارتقای بهره‌وری از موقوفات موجود ناظر بر این دو معناست.

بهره‌وری مادی - اقتصادی

در این حالت از طریق عملیات و برنامه‌های مدیریتی، مهندسی، اقتصادی و مانند آن، استفاده بیشتر از عوامل تولید (کار، سرمایه، مواد و انرژی) صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال اگر از زمینی که برای امامزاده یا بقاع متبرکه وقف شده، قبلاً X مقدار محصول برداشت می‌شده، در وضعیت جدید، X به اضافه یک مقدار محصول برداشت خواهد شد.

البته باید توجه داشت که در ارتقای بهره‌وری از موقوفات، نباید از روش‌ها و مکانیزم‌های مغایر با اصول و ارزش‌های اسلامی استفاده شود. به عنوان مثال، ممکن است برای حداکثر کردن سودآوری وجوه و درآمدهای موقوفات امامزادگان، خرید سهام یک شرکت تولیدی انتخاب شود، لیکن چنانچه آن شرکت در نظام مدیریتی

خویش بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی عمل نکنند در این حالت وجوه موقوفه اگر چه بهره‌وری خوبی دربر داشته است (به عنوان مثال سسی درصد سود دهی داشته است) لیکن عملاً از منابعی که به منظور تقرب الی الله اختصاص یافته است (نیت واقف) برای تثبیت و تقویت نظام استثمار و به درجاتی غیرالهی نیز استفاده شده است. حتی اگر سود حاصله از چنین سرمایه‌گذاری‌هایی برای عزاداری امام حسین علیه السلام یا گسترش و بازسازی بنای مراکز دینی استفاده شود، باز به نظر می‌رسد کار درستی صورت نگرفته است.

بهره‌وری معنوی ارزشی

در این مفهوم، از موقوفات جهت توسعه و گسترش هر چه بیشتر دین و عبودیت استفاده خواهد شد. در واقع مدیریت وقف با این پرسش مواجه است که چگونه با بهره‌گیری از موقوفات، تقیدات دینی مردم را تقویت و ارزش‌های اسلامی را گسترش دهد؟ آیا ساختن مسجد و حسینیه یا مرمت و بازسازی و تعمیر امامزاده و یا برگزاری مراسم سخنرانی یا پخش کتاب و نشریه و نظایر آن در دینی‌تر شدن جامعه و ارتقای جنبه‌های روحانی و ارزشی مردم کارآمد است؟ بدیهی است که هدف از افزایش کارکرد اقتصادی موقوفات نیز نهایتاً توسعه دین و کمک به تقویت و جاری ساختن فرامین الهی در جامعه است.

ب) گسترش فرهنگ وقف

بحث دوم در زمینه گسترش فرهنگ وقف در جامعه است که به معنای تلاش برای تشویق و ترغیب مردم نسبت به وقف کردن اموال و دارایی‌های خود است. برای تحقق این هدف، جامعه باید اطلاعات ارزشمندی از ثمرات معنوی و اخروی وقف و نیز آثار آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اعتقادی مسلمین، در اختیار داشته باشد. برای گسترش فرهنگ وقف در جامعه، اولین اقدام، توجیه فراگیر مردم نسبت به آثار معنوی و اقتصادی و فرهنگی آن است. برای این کار روحانیون، وسایل

ارتباط جمعی و نظام‌های آموزشی می‌توانند نقش برجسته‌ای را ایفا کنند. در مجموع آنچه بیش از هر چیز باعث تقویت، توسعه و ماندگاری این فرهنگ خواهد شد، ارایه مطلوب آثار دنیوی و ثمرات اخروی موقوفات به مردم است. به عنوان مثال ساختن مرکز تفریحی یا فرهنگی در یک محله فقیرنشین، تأسیس بیمارستان یا مدرسه و ... در مناطق روستایی و نشان دادن تأثیر مثبت آن بر رفاه دنیوی و اقتصادی مردم می‌تواند موجب تحریک انگیزه‌ها برای گرایش هر چه بیشتر به وقف گردد.

ج) توسعه مفهوم و کارکردهای وقف

در این حالت نه تنها بهره‌وری از موقوفات افزایش یافته و فرهنگ وقف در جامعه ترویج و گسترش خواهد یافت بلکه وقف به عنوان رکنی اساسی در اقتصاد جامعه مطرح می‌گردد.

۲. کارکردهای اقتصادی موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه

با بررسی این موضوع که موقوفات نقش مهم و تأثیرگذاری بر اقتصاد کشور دارند و به دلیل وجود امامزادگان و بقاع متبرکه زیاد در کشور ایران و به الطبع موقوفات قابل توجه اختصاص داده شده به این اماکن متبرکه از سوی مردم، به جاست تا راجع به تعدادی از کارکردهای اقتصادی این موقوفات مواردی را ذکر نماییم:

الف) اختصاص قسمتی از موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه جهت

بازسازی و عمران آنها

بخشی از هویت تاریخی هر ملتی در آثار و ابنیه با ارزش آن نهفته است. از سوی دیگر ابنیه تاریخی دارای کاربری‌های متفاوتی هستند. یکی از مهم‌ترین کاربری‌های



ابنیه قدیمی ارزشمند در ایران، اماکن مذهبی می‌باشند. بناهای تاریخی - مذهبی نیز دارای انواع گوناگونی از قبیل حسینیه‌ها، مساجد، امامزادگان، بقاع متبرکه و تکایا می‌باشند. تفاوت اساسی این ابنیه با سایر ابنیه تاریخی، آن است که امکان حذف و یا تغییر کاربری در آنها میسر نبوده و خود عامل حفظ ارزش‌های دینی آنها است. در سایر ابنیه تاریخی مانند خانه‌های تاریخی، مدارس قدیمی با ارزش و به منظور حفظ و احیاء آنها می‌توان در آنها تغییر کاربری ایجاد نموده و با تبدیل آنها به موزه و یا فضاهای دیگر، موجب بقاء آنها در محیط شهری گردید. اما ابنیه تاریخی - مذهبی و به ویژه بقاع متبرکه و امامزادگان علیهم‌السلام را به هیچ روی نمی‌توان کاربری اصلی و هویت واقعی آنها را تغییر داد. بنابراین حفاظت و مرمت این مکان‌های آسمانی و نورانی امری است همگانی و لازم. در مواردی، با همت مردم برخی از بقاع متبرکه حفاظت و تعمیر و بازسازی شده و از هیچ گونه بودجه دولتی استفاده نگردیده است. اما در این زمان که حکومت اسلامی زمام امور این اماکن متبرکه را بر عهده سازمان اوقاف و امور خیریه قرار داده است، این نهاد اسلامی می‌تواند با صرف قسمتی از موقوفات اختصاص داده شده به امامزادگان و اماکن متبرکه، جهت بازسازی و مرمت این مکان‌های مقدس اقدامات لازم را به عمل آورد.

ب) درآمد حاصل از این موقوفات می‌تواند در تخفیف آثار دفع ازدحامی نقش داشته باشد.

دفع ازدحامی زمانی اتفاق می‌افتد که دولت برای رفع کسر بودجه دست به استقراض می‌زند و با این کار موجب بالا رفتن نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. این دسته از موقوفات می‌تواند؛ با کمک به تأمین خدمات عمومی (مثل تأمین بهداشت، مسکن، ازدواج و ...)، هزینه‌های دولت را کاهش داده و نیاز دولت به استقراض را کم کند.

ج) درآمد حاصل از این موقوفات می تواند موجب کاهش قرض دولت و ازدیاد رفاه کارکنان آن شود.

موقوفات بقیع متبرکه و امامزادگان می تواند به اهداف اقتصادی دولت کمک کند و خواهد توانست در کاهش بخشی از کسری بودجه دولت ایفای نقش کند چرا که کسر بودجه یا ناشی از تقلیل درآمد یا ناشی از افزایش مخارجی است که دولت معمولاً در انجام وظایف خود مجبور به تحمل آن است و این نوع موقوفات می تواند در هر دو زمینه یاری رسان باشد. دولت با ایجاد کالاها و خدمات عمومی، از هزینه کردن برای این موارد معاف می شود. به طور مثال وقتی مدرسه یا بیمارستان از طریق این نوع موقوفات تأسیس می شود و به جامعه خدمت می رساند، در واقع دولت از هزینه های ایجاد و اداره کردن یک مدرسه یا بیمارستان معاف شده و می تواند این هزینه ها را در جای دیگر به مصرف برساند.

د) این موقوفات می توانند، به توزیع عادلانه درآمد و ثروت که از اهداف مهم کشور است، کمک کند.

امروزه با کاهش نقش دولت ها و افزایش تدریجی قدرت مردم در اقتصاد، تعداد متمکین در سطح جامعه در حال گسترش است و این نوع موقوفات می توانند بار دیگر جایگاه خود را در تأمین عدالت پیدا نموده و ثروت های کلان قشر غنی و متمکن را به جای انباشته شدن و ایجاد فاصله طبقاتی چشمگیر با قشر نیازمند و فقیر جامعه، به مسیر تولید و رشد اقتصادی برگرداند.

ه) این موقوفات می تواند اشتغال را گردد.

این نوع از موقوفات یا خود به شکل مستقیم باعث اشتغال می گردد یا درآمد حاصل از این موقوفات باعث ایجاد زمینه اشتغال برای تعداد زیادی خواهد شد که البته بستگی به نوع موقوفه و میزان درآمدهای حاصله از آن می باشد. در عادی ترین شرایط این موقوفات به نوعی باعث ایجاد اشتغال برای افرادی همچون: ناظر،

متولی، کارکنان موقوفه و کسانی که از عواید موقوفه بهره برداری می کنند؛ می شود.

و) درآمد حاصل از این موقوفات می تواند، خدمات عمومی بر زمین مانده دولت ها را پوشش دهد و به عهده بگیرد.

سازمان اوقاف در راستای اجرای نیات واقفان خیراندیش و از محل درآمد موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان می تواند سرمایه وقف را به گونه ای سازماندهی و جهت دهی کند که به عنوان یک منبع مالی بتوان از آن جهت به جریان انداختن طرح های عمرانی، فرهنگی، هنری و کلاً خدمات عمومی بر زمین مانده دولت، استفاده نمود تا از پرتو آن فقر و محرومیت را از جامعه اسلامی زدوده و تأمین رفاه عمومی استفاده کند و زمینه توسعه اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی که هدف نهایی اقتصاد اسلامی است را فراهم کند.

ز) درآمد حاصل از این موقوفات می تواند باعث جذب گردشگران داخلی و خارجی گردد.

از آنجا که سالانه بالغ بر یکصد میلیون نفر به زیارت این اماکن مقدس می روند. کشور ما با استفاده از منابع بالقوه و بالفعل موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و بهره گیری از ظرفیت های آن در توسعه گردشگری مذهبی و زیارتی خواهد توانست موجب رونق اقتصادی، افزایش سرمایه و ایجاد اشتغال شود.

پیشنهادات

جهت بالابردن کارکردهای اقتصادی و بهره وری بیشتر از موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱. رسیدگی مستمر به وضعیت موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و بررسی امکان اصلاح و مرمت ضایعات وارده به آنها جهت تأمین کارآیی و بهره وری هر چه بیشتر از آنها.
۲. بهینه سازی سیستم اداره و کنترل موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و به روز



- کردن آن.
۳. ارزیابی و سنجش درست از میزان واقعی درآمدها و عواید حاصله از موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و مشخص کردن میزان افزایش یا کاهش آن نسبت به سنوات قبل.
۴. مطالعه و بررسی امکان توسعه بهره‌وری اقتصادی از موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و فراهم کردن شرایط احراز آن و در نتیجه افزایش درآمدهای حاصله از این موقوفات.
۵. افزایش بازدهی، مهم‌ترین عامل در ارتقای بهره‌وری محسوب می‌شود هر چقدر خدمات ناشی از موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان را به حد استاندارد و احتیاجات واقعی مردم نزدیک‌تر نماییم؛ اهداف بهره‌وری دست یافتنی‌تر خواهند شد.
۶. بررسی امکان تغییر برخی از کاربری‌های خاص در موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان به منظور استفاده بهینه و مطلوب‌تر از امکانات و شرایط موجود (با فرض عدم وجود موانع فقهی و شرعی) و سوق دادن آنها به طرف نیازهای واقعی جامعه.
۷. مشخص کردن حوزه فعالیت‌هایی که موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان می‌تواند در آنها نقش داشته باشد و یا در موازات آنها قرار گیرد که این کار توسط متولیان موقوفات و سازمان اوقاف و امور خیریه انجام می‌پذیرد.
۸. متمرکز کردن خدمات ناشی از موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان در بخش‌های میانی و پایینی اجتماع به منظور تأمین احتیاجات اساسی و ضروری اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه و برقراری تعادل اقتصادی و استقرار عدالت اجتماعی در بهره‌گیری از کلیه امکانات زیستی.
۹. ارایه میزان درآمدهای حاصل از موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان در دوره‌های منظم به منظور آگاهی عموم از نتایج حاصله از عملکرد این نوع موقوفات و



آشنایی با کم و کیف فعالیت‌های مختلف آن.

۱۰. آموزش متولیان و اعضای هیأت امنای بقاع متبرکه و زیارتگاه‌ها و ایجاد فضای آگاهی‌بخش و اعتمادآفرین می‌تواند زمینه توسعه وقف و موقوفات را بهتر و بیشتر فراهم آورد.

۱۱. ارتقای سطح خدمات رسانی در موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان به موازات و متناسب با خدمات مشابه در بخش‌های دیگر و با در نظر گرفتن تمهیداتی خاص به منظور موفقیت چشمگیرتر در عرصه رقابت‌های نزدیک تجاری و اقتصادی.

۱۲. تغییر ساختار و بهینه‌سازی مدیریت اداره موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و به کارگیری روش‌های نوین مدیریتی نقش عمده‌ای در بهره‌وری و کارایی هر چه بیشتر موقوفات خواهد داشت.

۱۳. بررسی راه‌های عملی جهت کاهش هزینه‌های ناشی از بهره‌برداری (خدمات، تعمیرات فرسودگی، بازسازی و ...) موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان.

۱۴. بررسی امکان مشارکت و سرمایه‌گذاری مردم در امور مرتبط با موقوفات بقاع متبرکه و امامزادگان و بررسی کارشناسانه جهت تعیین نحوه، چگونگی و میزان این مشارکت‌ها.

از آنجا که درآمد حاصل از موقوفات امامزادگان و بقاع متبرکه فقط به اراضی و املاک مربوط به مساجد و مؤسسات دینی و فرهنگی اختصاص ندارد ولی در بین اذهان عمومی مردم این گونه جا افتاده است؛ باید از طریق رسانه‌های گروهی و یا خلق آثار ادبی و هنری این فرهنگ و پندار غلط از اذهان مردم دور شود و مردم تمامی موقوفات خود را صرفاً در راه ساخت مواردی خاص متمرکز نکنند و با توجه به نیازهای جامعه اقدام به وقف اموال خود کنند.

در گذشته به دلیل مقتضیات زمان مردم خیر موقوفات خود را بیشتر به سمت ساخت مساجد و مدارس سوق می‌دادند ولی امروزه بیشترین نیاز جوامع خصوصاً

جامعه اسلامی، تولید و اشتغال‌زایی برای نسل جوان و انجام کارهای عمرانی و اقتصادی است. به این ترتیب اگر واقفان موقوفات خود را برای کارهای عمرانی، صنعتی، کشاورزی و سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی، وقف نمایند تأثیر زیادی در رفع احتیاجات جامعه خواهد داشت.

مواردی که مردم خیر و انسان دوست می‌توانند موقوفات خود را به آنها اختصاص داده و متولیان وقف می‌توانند درآمد حاصل از موقوفات امامزادگان و اماکن متبرکه را در این راه‌ها مصرف نمایند عبارت است از:

۱. ساخت مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی برای ارایه خدمات ویژه به نوجوانان، جوانان، زوج‌های جوان و ... به منظور ایجاد یک جامعه پویا و سالم؛
۲. ساخت مراکز درمانی برای بیماران خاص که هزینه‌های نگهداری آنان در شرایط عادی از عهده بسیاری از خانواده‌ها خارج است؛
۳. ساخت مراکز علمی و آموزشی برای آموزش مهارت‌های زندگی و راه و روش خوب زیستن در دنیای پر فتنه و آشوب امروز به ویژه بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی؛
۴. ساخت مراکز نگهداری، درمان و بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و ایجاد زمینه برگشت آنان به دامن خانواده و جامعه؛
۵. ساخت مراکز نگهداری و آموزش معلولان، بیماران روانی و ...؛
۶. ساخت مراکز شبانه‌روزی نگهداری و آموزش ایتام و کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و یا فاقد سرپرست مؤثر و توانمند؛
۷. ساخت کارخانجات تولیدی؛
۸. ایجاد یا کمک به صندوق‌های قرض الحسنه؛
۹. ساخت مدرسه، کتابخانه و مراکز بهداشتی و درمانی در برخی مناطق شهری و روستایی؛
۱۰. ساخت مراکز حمایت از ازدواج آسان برای جوانان؛



۱۱. ساخت اماکن ورزشی به منظور غنی سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و رشد و تعالی آنان؛
۱۲. حمایت مالی جهت برگزاری همایش ها به منظور دادن اطلاعات و آگاهی های لازم به مسئولان و تقویت پُل ارتباطی بین نهاد وقف و مردم شهرها و روستاهای هر استان؛
۱۳. حمایت مالی جهت برگزاری همایش ها با دعوت از همه اعضای هیأت مدیره و مسئولان همه مؤسسات خیریه و سازمان های مردم نهاد مربوطه؛
۱۴. حمایت مالی جهت معرفی واقفان و تبیین آثار مثبت وقف و موقوفات هر منطقه در نشریات محلی هر استان و شهر؛
۱۵. حمایت مالی و تشویق و ترغیب دانشجویان برای انجام پایان نامه های دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در حوزه وقف؛
۱۶. حمایت مالی و تشویق دانش آموزان و دانشجویان به ویژه رشته های علوم اجتماعی برای انجام کارهای پژوهشی در حوزه وقف؛
۱۷. حمایت مالی جهت برگزاری سالیانه جشنواره وقف و تقویت فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری در این عرصه با استفاده از ابزارهای هنری، فیلم، تئاتر، داستان، سرود و ...؛
۱۸. حمایت مالی جهت ایجاد زمینه بازدید دانش آموزان و دانشجویان از مراکز درمانی، علمی، فرهنگی و آموزشی موقوفه به منظور آشنا ساختن آنها با اهمیت وقف در رفع مشکلات اقتصادی و توسعه رفاه اجتماعی؛
۱۹. حمایت مالی جهت چاپ و انتشار زندگی نامه واقفان خیراندیش به شکلی زیبا و تأثیرگذار از نظر محتوا، نوع نگارش و ... به منظور قدردانی از آنان و ایجاد انگیزه در جامعه؛
۲۰. حمایت مالی جهت برگزاری مراسم بزرگداشت واقفان در مراکز آموزشی (مدارس، دانشگاه ها و ...) و مراکز درمانی به صورت سالیانه (در مدارس

- می‌توان از همکاری انجمن اولیاء و مربیان و در دانشگاه‌ها از انجمن‌های دانشجویی کمک گرفت.)؛
۲۱. حمایت مالی جهت انجام فعالیت‌های گسترده تبلیغی از طریق نصب تابلوهای مناسب با جذابیت و با زیبایی خاص در سطح شهرها؛
۲۲. حمایت مالی جهت نصب تابلوی معرفی واقفان در مراکز و اماکن درمانی، علمی و آموزشی که از راه وقف تأسیس و اداره می‌شوند و اشاره فهرست‌وار به اهمیت هر کدام از این مراکز در افزایش سطح بهره‌وری اقتصادی و رفاه اجتماعی و خدمت به مردم؛
۲۳. احداث و یا حمایت از کارگاه‌های کوچک و بزرگ برای اشتغال جوانان؛
۲۴. پرداخت وام قرض الحسنه به کارگاه‌های تولیدی مردمی؛
۲۵. حمایت مالی از مشاغل خانگی؛
۲۶. کمک مالی جهت اعطای وام به جوانان جویای کار و ازدواج؛
۲۷. تأمین جهیزیه نو عروسان؛
۲۸. حمایت مالی از اجرای طرح رایگان پزشک خانواده برای اقشار نیازمند جامعه؛
۲۹. ساخت و راه اندازی شهرک‌های صنعتی؛
۳۰. کمک مالی به نهادهای مردمی مثل: هلال احمر، بهزیستی، شیرخوارگاه‌ها، خانه سالمندان و ...؛
۳۱. کمک مالی جهت ایجاد و احداث مکان‌های خدمات عمومی مثل: گورستان‌ها، مصلی، نمازخانه و ...؛
۳۲. ساخت بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های خیریه در مناطق محروم؛
۳۳. حمایت از تولید کنندگان محصولات داخلی، ملی و اسلامی؛
۳۴. حمایت مالی جهت برگزاری نمایشگاه‌های متعدد در کشورهای دنیا با محوریت اسلام و زندگی متعالی؛
۳۵. ساخت مراکز ورزشی کم هزینه برای قشر کم درآمد جامعه؛

۳۶. ساخت مراکز تحصیلی همچون: مدرسه، دانشگاه، دارالقرآن کریم، حوزه علمیه؛

۳۷. ساخت مدارس شبانه روزی برای کودکان بی بضاعت؛

۳۸. ساخت خوابگاه‌های دانشجویی؛

۳۹. ساخت مراکز آموزشی و تحقیقی برای فراگیری حرفه و شغل برای جوانان؛

۴۰. حمایت مالی جهت چاپ کتب اسلامی و دینی.

نتیجه گیری

وقف یکی از برترین و بادوام‌ترین مظاهر احسان و نیکوکاری به مردم و خدمت به هموعان و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی کشور است. توسعه فرهنگ وقف موجب ایجاد تعادل اقتصادی و مادی در جامعه می‌گردد و با تعادل مادی و اقتصادی زمینه فعلیت پیدا کردن توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه به وجود می‌آید و بدین ترتیب حرکت رو به رشد جامعه در مسیر تکامل مادی و معنوی آغاز می‌شود و از آن پس سرنوشت جامعه، با دستان توانمند مردم همان جامعه تغییر می‌کند و به سوی رشد و تعالی هر چه بیشتر روانه می‌گردد.

متأسفانه این نهاد با وجود برخورداری از قسمت زیاد، آن طور که شایسته است فراگیر نشده و نقش آن در ابعاد گوناگون مکتوم و مستور مانده است، به طور مثال نقش وقف در توسعه جامع کشور و سهم موقوفات در اقتصاد بدون نفت علی‌رغم اهمیت فراوان آن کمتر مورد توجه کارشناسان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. در اجرای برنامه‌های میان مدت و بلند مدت توسعه علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آنچه ذهن برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران را بیشتر به خود مشغول می‌کند، محدودیت منابع در مقابل مصارف بی حد و حصر است. در نتیجه کشورهایی در این امر موفق خواهند بود که بتوانند از تعدد و تنوع منابع مالی برخوردار باشند. در



کشور ما درآمدهای بالقوه موقوفات در صورت شناسایی کامل و بهره‌برداری بهینه می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم بخشی از نیازهای کشور را تأمین کند. این حقیقت تکلیفی بر دوش دست‌اندرکاران و مسئولان امر قرار می‌دهد که در این زمینه مطالعات و تحقیقات همه‌جانبه‌ای انجام دهند و برای رسیدن به یک راه حل علمی از طریق نهادهای ذی‌ربط اقدام کنند.

یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی که مردم مسلمان موقوفات خود را به آن اختصاص داده و می‌دهند؛ امامزادگان و اماکن متبرکه است که به حمدالله تعداد آنها در کشور ایران اسلامی بسیار زیاد است. این موقوفات منشأ خدمات فراوانی برای دولت و ملت گردیده و می‌گردد که مهم‌ترین نمود آن در بعد اقتصادی کشور است. نقش مؤثر این نوع موقوفات بر اقتصاد کشور بر کسی پوشیده نیست و همگان می‌دانند که این نوع موقوفات منشأ خدمات فراوانی برای دولت و به ویژه رفاه مردم گشته و می‌گردد. اختصاص بخش قابل توجهی از موقوفات امامزادگان و اماکن متبرکه جهت بازسازی و عمران این مکان‌های مقدس باعث جذب هزاران توریست و گردشگر در داخل و خارج کشور گردیده است که باعث درآمدزایی برای دولت و ایجاد اشتغال برای تعداد زیادی شده و همچنین این نوع موقوفات در زمینه‌های بهداشت و درمان، ایجاد مسکن، ساخت مراکز فرهنگی، ورزشی، تفریحی و... منشأ خدمات فراوانی گردیده است. باشد که با توجه خاص مسئولین به این نوع موقوفات و اطلاع‌رسانی به مردم و خیرین جهت سوق دادن موقوفات خود به نیازهای روز جامعه اسلامی، این نوع موقوفات منشأ خیرات فراوان برای کشور گردیده و کشور را به سوی تحقق اهداف عالیّه اسلامی سوق دهد. ان شاء الله.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محقق، نویسنده و کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه. (مؤلف دو کتاب در زمینه وقف با عنوان زنان واقف آثار تاریخی اصفهان، وقف در نهج البلاغه).
۲. به نقل از آقای رضایار قائم مقام سابق سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، خبرگزاری فارس، کد خبر، ۱۱۱۸۲، تاریخ انتشار، ۱۱ مرداد ۱۳۸۹.
۳. همان.

منابع:

فهرست کتب:

۱. قرآن کریم.
۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، (۱۳۳۷)، ج ۲، قم، انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول.
۳. چرا و چگونه وقف کنیم؟، علی دانش‌پور و نادر ریاحی سامانی، (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
۴. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، احمد صادقی گلدار، (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات کومه. چاپ دوم.
۵. بناهای آرامگاهی، محمد مهدی عقابی، (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ سوم.

۶. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، منصور فلامکی، (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۷. آثار ایران، آندره گدار، (۱۳۷۵)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۸. بناهای تاریخی در گذر زمان، علی مختاریان، (۱۳۸۶)، اسلامشهر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، چاپ اول.
۹. خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سوم.
۱۰. وقف سنت ماندگار، سعید معراجی، (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، چاپ دوم.
۱۱. معماری اسلامی، رابرت هیلن براند، ترجمه ایرج اعتصام، (۱۳۷۷)، تهران، انتشارات شهرداری تهران، چاپ اول.

فهرست مجلات:

۱۲. مقاله «راه‌های افزایش بهره‌وری موقوفات»، سید حسین امیدانی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲.
۱۳. مقاله «راه‌های ترویج فرهنگ وقف»، مهدی بزرگی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳.



۱۴. مقاله «نقش تشکیلات و برنامه‌ریزی در بهره‌وری موقوفات»، فضل الله حشمتی رضوی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰.
۱۵. مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، مرتضی دهقان نژاد، جلد اول، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اسفندماه ۱۳۸۰.
۱۶. مقاله «آثار اجتماعی و اقتصادی وقف»، محمد شکر خدا، روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۳۸۰/۳/۶.
۱۷. مقاله «سخنی درباره وقف»، محمد تقی سالک، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲.
۱۸. مقاله «وقف و تشکیل سرمایه در بازار مالی ایران»، حسین عبده تبریزی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی.
۱۹. مقاله «نگاهی به وقف در عرصه تحولات جدید»، اسد الله لطف عطاء، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰.
۲۰. مقاله «زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت»، حکمت الله ملاصالحی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲.

تغییر نام موقوفات از منظر اخلاق

دکتر سید حسن اسلامی

چکیده:

موقوفات به دلیل خدمات مهمی که در جهان اسلام داشته، همواره مورد توجه خاص قرار داشته است. برای حفظ و استمرار این نهاد مبارک، فقیهان و حقوق دانان به کاوش در ابعاد گوناگون آن پرداخته و به دقت احکام گوناگون آن را بیان کرده‌اند. با این حال، موقوفات کمتر از جنبه اخلاقی بررسی شده است. این مقاله با توجه به این کاستی، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که تغییر نام موقوفات، برخلاف نظر واقفان، از نظر اخلاقی چه حکمی دارد. نگارنده با تحلیل مسأله و بررسی مکاتب گوناگون اخلاقی، نتیجه گرفته است که این کار اخلاقاً درست نیست. اگر از منظر پیامدگروانه و بر اساس پیامد افعال بنگریم، تغییر نام موقوفات در ازمدت به تضعیف فرهنگ وقف می‌انجامد، پس خطا است. اگر از منظر حق‌گروانه این بحث را بکاویم، حق نداریم که برخلاف خواسته واقف عمل کنیم و خطاکاری واقف دلیلی بر سلب حق او برای حفظ نامش به شمار نمی‌رود. اگر از منظر تکلیف‌گروانه بنگریم، جامعه اسلامی مکلف است به تعهدات خود عمل نماید و حفظ نام موقوفات نیز بخشی از این تعهدات شمرده می‌شود. در صورتی که رهیافت فضیلت‌گروانه به اخلاق داشته باشیم، فضیلت اخلاقی وفای به عهد، مانع تغییر نام می‌گردد و سرانجام اگر هم از طریق تعمیم‌پذیری بخواهیم اخلاقی بودن فعلی را به کرسی بنشانیم، باز حکم به ناروا بودن تغییر نام موقوفات خواهیم داد. حاصل آن که چه مصلحت‌اندیشانه به مصالح جامعه توجه کنیم و چه تکلیف‌گرایانه، در مجموع حفظ نام موقوفات مقبول‌تر و پذیرفتنی‌تر از تغییر آنها است.

کلید واژه‌ها:

اخلاق وقف، تغییر نام موقوفات، فضیلت‌گرایی، تکلیف‌گرایی، اخلاق کاربردی، پیامدگرایی در وقف.

درآمد

موقوفه‌ها آشکار و نهان به زندگی ما شکل می‌دهند و ما را از منافع خود بهره‌مند می‌کنند. این بهره‌مندی اختصاص به قشری معین یا نسلی خاص ندارد. همه ما رهین موقوفات هستیم. در واقع، با اطمینان بالایی می‌توان گفت که هیچ ایرانی نیست که به نحوی کامش از موقوفات خنک نشده باشد و از آن در حدی بهره نگرفته باشد. در کمترین حد آن کافی است مسافری را در نظر بگیریم که در گرمای تابستان در میانه راه، کنار مسجدی توقف می‌کند. وارد آن می‌شود، سر و صورت خود را می‌شوید و کمی آب می‌نوشد. این از برکت نهادی به نام وقف است. همچنین مسافر دیگری که در پی جایی برای نماز یا اطراق می‌گردد و باز موقوفه‌ای که آماده پذیرایی از او است. این ساده‌ترین کارکرد موقوفات است و همین طور می‌توان این بحث را بسط داد و نشان داد که چه بسیار دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان و متخصصان کشور از برکت موقوفه‌ها به

جایگاه فعلی خود رسیده‌اند. حاصل آن که، موقوفه‌ها بخش ناگسستی زندگی ما هستند؛ رود پربرت وقف همیشه جریان دارد.

وقف به دلیل اهمیتی که داشته و دارد از دیرباز مورد توجه جوامع مختلف بوده است و شاهد چنین نهادی در میان فرهنگ‌های گوناگون هستیم. به دلیل خصلت و کارکرد گسترده و فرافرهنگی و فرادینی این نهاد است که بسیاری از سختگیری‌های رایج در قراردادها و عقود در این مورد دیده نمی‌شود و با آن که عملی دینی است و از مستحبات به شمار می‌رود، حتی شخص کافر هم می‌تواند اقدام به وقف کند و تدین شرط صحت آن نیست. از مجموعه احکام وقف، چه احکام فقهی و چه حقوقی و کلاً ادبیات بحث وقف، یک نکته آشکار می‌گردد؛ تأمین مصلحت عمومی.

در منابع فقهی و حقوقی همواره وقف مورد بحث قرار گرفته و می‌گیرد و ابعاد مختلف فقهی و حقوقی آن کاویده می‌شود. پس از انقلاب اسلامی

در ایران، دوباره بحث وقف زنده و جدی شد و افزون بر ابعاد فقهی و حقوقی آن، ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن به بحث گذاشته شد. با این همه، جای بحث اخلاقی و نگرش اخلاقی به این قضیه همچنان خالی است و گویی نیازی به نگاه اخلاقی به وقف نداریم. برای مثال، در مجموعه مقالات سه جلدی همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، که ۲۲-۲۳ آبان ماه سال ۱۳۸۷ در اصفهان برگزار شد، اشاره‌ای به مباحث اخلاقی وقف نشده است. عمده مقالات ارائه شده در این همایش بر محور ابعاد فرهنگی این سنت حسنه و احکام فقهی یا حقوقی آن دور می‌زند.^۱ این تلقی مسلط وجود دارد که گویی بحث وقف اساساً بحثی صرفاً فقهی، حقوقی و قضایی، و گاه اقتصادی، است و نویسندگان و پژوهندگان نیز از این منظر به این مقوله نگریسته‌اند.

در این نوشته، می‌خواهم مشخصاً از منظر اخلاقی به نهاد وقف بنگرم و تنها یک مسأله را تحلیل کنم. آیا ما، در مقام حاکم و تصمیم گیرنده، از نظر

اخلاقی حق داریم نام موقوفه‌ای را تغییر دهیم؟ اهمیت این مسأله آن جا آشکارتر می‌گردد که بعد از انقلاب در اقدامی انقلابی نام بسیاری از موقوفات تغییر یافت. این تغییر نام دلایل مختلفی داشت که یکی از آن‌ها زدودن نام‌های طاغوتی از مراکز عمومی و مدارس و خیابان‌ها بود. حال پرسش من این است که اگر کسی مدرسه‌ای احداث کرد و نام خود را بر آن مدرسه گذاشت. سپس آن را وقف دانش‌آموزان کرد و از قضا این شخص، فرد بدنامی بود. حال پس از مرگ وی یا تغییر حکومت آیا می‌توان به استناد آن که شخص واقف فردی بدنام، وابسته به رژیم گذشته، ستمگر و مانند آن بوده است، نام وی را حذف کرد و نام دیگری بر آن موقوفه (البته با حفظ کاربری) گذاشت؟

پیش از ادامه بحث لازم است که دامنه آن را کاملاً مشخص و محدود کنیم. وقف در گرو مالکیت است و تنها کسی که مالک چیزی است حق وقف آن را دارد. از این رو، اگر به فرض در رژیم گذشته کسانی اموال عمومی یا



دیگران را تصرف کرده و جزو اموال خود قرار داده باشند و سپس بخشی از آن را وقف کنند و نام خود را بر آن موقوفه بگذارند، بی‌گمان بعد از انقلاب حق داریم که نام آنان را حذف کنیم. چون که اساساً در این صورت وقفی محقق نشده است و طبق قاعده «لا وقف الا فی ملک» وقفی وجود ندارد. به تعبیر قانون مدنی: «واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است.»^۲

سخن من در جایی است که شخص وابسته به رژیم گذشته بخشی از املاک واقعی خود را وقف کرده باشد. فرض کنیم وزیر آموزش و پرورش زمان شاه، به هر دلیلی از جمله تعلقات فرهنگی، از بخشی از درآمد شخصی خود دبستانی می‌سازد، نام خود را بر آن می‌گذارد و شرط می‌کند که این دبستان با همین نام وقف آموزش و پرورش باشد. حال بعد از انقلاب وزیر آموزش و پرورش انقلابی حق دارد نام آن مدرسه را به دلیل آن که واقف از

منسوبان به رژیم شاه بوده است، عوض کند یا خیر؟

پاسخ من به این سؤال منفی است و معتقدم اگر ما باشیم و دلایل اخلاقی صرف و مصلحت عمومی، حق تغییر نام آن دبستان را نداریم حتی اگر از آن شخص متنفر باشیم و از تکرار نامش بیزار. در ادامه مقاله می‌کوشم از این مدعا دفاع کنم.

تغییر نام از منظر فقهی - حقوقی

اصل اولی و مسلم در فقه و حقوق آن است که تمام خواسته و شرایط شخص واقف، مادامی که مخالف کتاب و سنت نباشد، باید رعایت شود. فقها از مجموعه مسایل این عرصه قاعده‌ای استخراج کرده‌اند به نام «قاعده الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها.» که طبق آن باید با هر موقوفه‌ای همان گونه رفتار کرد که واقف تعیین کرده است. بنابراین هر نوع تصرفی در هر موقوفه‌ای منوط به اجازه یا رضایت واقف است. این قاعده مستند به روایات، تسالم و فتاوی‌ای فقها است.^۳ از نتایج این قاعده

آن است که تغییر وقف و عنوان یا کاربری آن جایز نیست.^۴ قانون مدنی نیز در مجموع شرایط و ترتیبات تعیین شده واقف را نافذ و درست می‌داند، مگر آن که خلاف شرع باشد. بدین ترتیب، خواست واقف از نظر فقه و حقوق محترم است و کسی حق ندارد آن را نادیده بگیرد. حفظ نام موقوفه نیز مشمول این خواست است و لذا تغییر آن خلاف خواست واقف و در نتیجه ناروا است.

تغییر نام از منظر اخلاقی

فرض کنیم که هیچ قاعده حقوقی و قانونی و فقهی در باب تغییر نام موقوفات نداشته باشیم و صرفاً بخواهیم از منظر اخلاقی حکم کنیم. باز تصور کنیم که دستور روشن اخلاقی در این میان نباشد. حال اگر کسی بپرسد که اخلاقاً تغییر نام موقوفات چه حکمی دارد؟ چه پاسخی خواهیم داد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان از چند زاویه یا دیدگاه وارد شد و در عین حال به نتیجه یکسانی رسید. متناسب با اصل

اساسی اخلاقی که انتخاب کرده‌ایم یا دیدگاهی که برگزیده‌ایم می‌توان به این پرسش پاسخ داد. من این بحث را از چند زاویه متفاوت دنبال خواهم کرد.

الف) تغییر نام از نگاه پیامدگرایی

از نظر کسانی اصل اصیل اخلاق، نتایجی است که در پی دارد. از این منظر، آن فعلی خوب است که بهترین نتایج خوب، یا کمترین نتایج بد، را در پی داشته باشد و متقابلاً آن فعلی بد است که بیشترین نتایج بد، یا کمترین نتایج خوب، را به بار آورد. برای مثال، صداقت خوب است، چون در نهایت موجب گسترش اعتماد عمومی و تسهیل زندگی اجتماعی است. از سوی دیگر، دروغ بد است، به دلیل آن که موجب بی‌اعتمادی عمومی و دشواری زندگی اجتماعی است. به این نگاه پیامدگرایی گفته می‌شود. یعنی، هیچ فعلی به خودی خود خوب یا بد نیست، بلکه نتیجه یا نتایج یک فعل است که خوبی یا بدی آن را تعیین می‌کند. البته در این جا تنها روایتی خام و ساده از



آن به دست داده شد که بتوان بحث را بهتر پیش برد.

به همین سبب دروغی که مثلاً موجب نجات جان بی‌گناهان گردد، خوب است و راستی که مایه تباهی و نابودی مردم گردد بد است.^۵

نمونه کاریست این نگرش را در ماجرای قتل زنی به تاتیانا تاراسف در یکی از ایالات آمریکا می‌توان دید. در ۲۷ اکتبر ۱۹۶۹ زنی به نام تاتیانا تاراسف^۶ به دست مردی به نام پروسنجیت پودار کشته شد. قاتل دو ماه قبل از آن به درمانگر خودش گفته بود که قصد دارد به مجرد بازگشت آن زن از سفر او را بکشد. پس از آن که این ماجرا به دادگاه کشید، بازماندگان آن زن، آن پزشک درمانگر را مقصر دانستند و از او شکایت کردند. یک قاضی درمانگر را مقصر دانست و اظهار داشت که وی موظف بوده است به نحوی آن زن را از قصد قاتل باخبر کند. قاضی دوم بر این نظر بود که کار درمانگر درست بوده است و او چنین وظیفه‌ای نداشته است و حتی

این کار بر خلاف اصل رازداری شغلی بوده است. زیرا اگر وی چنین می‌کرد، بیمار در آینده اعتماد خود را به او از دست می‌داد. قاضی اول می‌گفت که درست است در این جا اصل رازداری مخدوش می‌شد، اما چون پای قتل در میان بود، لازم بود که این کار صورت گیرد. قاضی دوم می‌گفت اگر درمانگر راز بیمارش را افشا می‌کرد، تن به مخاطره بزرگتری داده بود و نه تنها دیگر آن بیمار به او اعتماد نداشت، بلکه بیماران دیگر جامعه نیز اعتماد خود را به پزشکان و درمانگران از دست می‌دادند و از مراجعه به آنان خودداری می‌کردند و به این ترتیب این ممانعت از قتل بستر ارتکاب قتل‌های متعدد دیگری می‌شد.^۷

هرچند کسانی دیدگاه پیامدگرایی در اخلاق را به نقد گرفته‌اند، اما به نظر می‌رسد در عرصه عمومی کاربرد گسترده‌ای دارد و مثلاً شهرداری‌ها با همین تحلیل مثلاً دست به تخریب برخی منازل که در طرح افتاده است می‌زنند و نارضایتی صاحبان آن‌ها را

با رضایت گسترده و عمومی دیگران جبران می‌کند. فارغ از درستی یا نادرستی این دیدگاه، به نظر می‌رسد از این منظر به خوبی می‌توان بحث تغییر نام موقوفات را بررسی کرد.

اگر پیامدگرایانه به اخلاق بنگریم، تغییر نام موقوفات بدون رضایت و اجازه صاحبانشان خطا است. زیرا این کار باعث می‌شود که آن کسان دیگر دست به وقف نزنند و از این کار که منفعت عمومی گسترده‌ای دارد خودداری کنند. فراموش نکنیم که از مجموع روایات و احکام وقف به دست می‌آید که اصل این کار خوب است زیرا همگان از آن منتفع می‌شوند. لذا قصد تقرب و حتی دیانت واقف در آن دخیل نیست. بلکه اسلام در پی گسترش این عمل و ترویج فرهنگ وقف است. حال اگر کسی بداند آن چه که امروز وقف می‌کند، فردا دیگران نامش را عوض می‌کنند یا متولیانش را تغییر می‌دهند، ترجیح می‌دهد که دیگر این کار را نکند. دیدن حتی یک فقره از تغییر نام موقوفه‌ها و سکوت دیگران

کافی است تا بسیاری یا وقف کنندگان بالقوه نگران آینده شوند و عطای این کار را به لقایش ببخشند. ممکن است ما از آن واقف فرضی، یعنی آن وزیر منسوب به رژیم گذشته دلخوشی نداشته باشیم و کوتاه‌بینانه تصور کنیم که چه اشکالی دارد که نامش برداشته شود و از منظر پیامدگرایی بپنداریم با این کار نام نحس او را حذف کرده‌ایم. اما با همان منطق پیامدگرایانه، اما در درازمدت، می‌توان نشان داد که همین اقدام شاید ساده و بی‌اهمیت، موجب شود که صدها نفر از وقف کردن بپرهیزند. داوری در این باره نیازمند اطلاعات آماری دقیقی است. اما به نظر می‌رسد که فرهنگ وقف در جامعه ضعیف شده است و نیازمند تقویت است. حال نمی‌توان احتمال داد که شاید یکی از دلایل ضعیف شدن این فرهنگ آن است که عده‌ای از واقفان بالقوه به چشم خود دیده‌اند چگونه نام واقفان گذشته، به دلایل مختلف، از موقوفه‌ها برداشته و متولیانشان هم عوض شده‌اند؟ به احتمال قوی کسی



که می‌بیند با موقوفات گذشته آن گونه رفتار شده است، نسبت به موقوفه احتمالی خودش نیز چنین گمانه‌زنی خواهد کرد. بنابراین، اگر معتقد به نگاه پیامدگرایانه باشیم، در درازمدت تحمل نام نحس آن واقف منسوب به رژیم گذشته، نتایج بهتری خواهد داشت تا حذف نامش. زیرا واقفان فعلی خواهند دید که فلان وزیر با همه بدنامی خویش به دلیل فلان عمل خیر، یعنی همین وقف، همچنان نامش در جامعه زنده است و این بزرگ‌ترین مشوق برای ترویج و گسترش فرهنگ وقف خواهد بود.

خلاصه آن که تغییر نام موقوفات به سلب اعتماد عمومی و تضعیف وقف خواهد انجامید، پس اخلاقاً خطا است.

ب) تغییر نام موقوفات از منظر حق‌گرایی

طبق نظریه حق، هر انسانی حقوق دارد و نمی‌توان او را از همه حقوق خویش محروم کرد. حتی کسی که جرمی و خطایی، هرچند سنگین،

مرتکب می‌شود، مستحق مجازاتی متناسب با آن جرم است، اما همه حقوق وی سلب نمی‌شود. به همین سبب حتی مجرمان و قاتلان نیز از حق دادرسی، داوری، و دادگاه عادلانه برخوردارند. افزون بر آن حتی کسانی که به جرم قتل عمد قصاص می‌شوند و جانشان بی‌ارزش و خونشان هدر می‌شود، باز حقوقی دارند از جمله آن که با بدنشان رفتاری محترمانه صورت گیرد و نامشان حفظ شود. این نکته‌ای است که در فقه و حقوق به تفصیل آمده است. حضرت علی علیه السلام از این منظر به تفصیل بر ضد خوارج سود می‌جست. ایشان در خطبه‌ای خطاب به آنان گفت که چرا شما همه را به یک چوب می‌رانید و تکفیر می‌کنید؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زناکار محسن را سنگسار کرد، و خودش بر او نماز خواند و ارث او را میان فرزندانش تقسیم کرد. همچنین دست سارق را برید و زناکار غیر محسن را تازیانه زد و در عین حال سهم آنان را از بیت المال به آنها پرداخت کرد و آنان از

دیگر حقوقشان محروم نکرد.^۸ حاصل این استدلال آن است که هیچ خطایی و جرم و گناهی چنان نیست که همه حقوق شخص مجرم را کاملاً از بین ببرد. برای مثال، حتی شکنجه‌گران ساواک نیز پس از مرگ حق دارند که بدنشان کفن و دفن شود.

در واقع، اصل بر آن است که همه افراد حقوقی دارند و بی دلیل هیچ کس حق سلب آنها را ندارد. سلب هر حقی نیز نیازمند دلیل خاصی است. حال در میان ادله فقهی، حقوقی و اخلاقی باید گشت و دید که آیا دلیل خاصی وجود دارد که سلب نام واقف از موقوفه خویش را در موارد معینی مجاز شمرده باشد. به نظر می‌رسد که چنین دلیلی وجود ندارد.

حال این مسأله را با بحث خودمان تطبیق دهیم. اگر کسی خطایی کرده است، هرچند بزرگ، این خطا دلیل نمی‌شود که ما نام او را از موقوفه وی بر داریم. همان طور که وصیت چنین شخصی درباره اموالش نافذ است و همان گونه که وی حق دارد

در گورستان مسلمانان، در صورتی که مسلمان باشد، دفن شود، همان طور هم حق دارد که نامش بر موقوفه‌ای که از ملک خودش بوده است حفظ شود و خطاکاری و جرایم سنگین او دلیلی نمی‌شود که این حق سلب گردد.

ج) تغییر نام از منظر تکلیف‌گرایی

از دیدگاه تکلیف‌گرایی که کسانی مانند کانت از آن دفاع می‌کنند، برخی رفتارهای اخلاقی درستند و برخی نادرست. این درستی و نادرستی بر اساس نتایج آن رفتارها حاصل نمی‌شود، بلکه به دلیل مطابقت آنها با اصل تکلیف و قواعد خاص است. برای مثال، کشتن کودک سالم یک ساله، برای تفریح و وقت‌گذرانی خطا است و هیچ پیامد مثبتی لکه خطا بودن این فعل را نمی‌شوید و پاک نمی‌کند. فرض کنیم کسانی حاضر باشند برای دیدن کشتن این کودک بی‌گناه ده میلیارد تومان پول بدهند و فرض کنیم که با این مبلغ بتوان یک بیمارستان مجهز تأسیس کرد و با کمک آن جان ده‌ها انسان بی‌گناه

را نجات داد و بیماران را درمان کرد. با این حال، این همه پیامد مثبت، دلیل نمی‌شود که تصور کنیم می‌توان کشتن آن کودک بی‌گناه را مجاز شمرد. از این منظر، اصولاً برخی رفتارها اخلاقی و برخی غیر اخلاقی هستند. این دیدگاه نیز مدافعان نیرومند و منتقدانی دارد و برخی تصور می‌کنند که بتوان با توجه به برخی پیامدهای مثبت و مهم یک عمل غیر اخلاقی، آن را مجاز شمرد. اما مشکل اصلی آن است که ما معمولاً تصور و تلقی درستی از پیامد درازمدت رفتارهای خود نداریم. در نتیجه، انسان‌های دلسوز با همین تحلیل تن به رفتارهای غیر اخلاقی داده و در طول تاریخ جنایات بسیاری مرتکب شده‌اند. بدین ترتیب، واقع آن است این دیدگاه بسیار نیرومند است و ما نباید دچار وسوسه برخی نتایج شویم و اعمال نادرست را درست بشماریم.

باری، از این منظر نیز تغییر نام موقوفات خطا است. هنگامی که شخصی اقدام به وقف کرده است و موقوف علیهم یا جامعه یا حاکم و یا

نهاد دولت آن وقف را پذیرفته است، با این پذیرش اولاً حق ندارد دیگر عقب نشینی کند و بعد از قبول تولیت وقف آن را رد کند، ثانیاً موظف است که طبق نیت و مقصود شخص واقف عمل کند. در واقع، با این قبول تن به تعهدی داده است که باید طبق قواعد اخلاقی بدان تعهد برای همیشه پایبند بماند. هر گونه نقضی و خللی در این تعهد به بهانه برخی مصالح و پیامدها خطا و نقض اصول اولیه اخلاقی است. جامعه اخلاقی و دینی جامعه‌ای است که به تعهدات خود پایبند است و حکم قرآنی ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۹ را پاس می‌دارد. وقف نیز عقد است و مؤمنان ملزم به پاسداشت آن و شرایط آن هستند. عدم تغییر نام موقوفه هم یکی از شرایط واقف بوده است.

د) تغییر نام از منظر فضیلت‌گرایی

طبق یکی از دیدگاه‌های اخلاقی که به فضیلت‌گرایی معروف است، خوب و بد اخلاقی نه بر اساس تکلیف یا نتیجه، بلکه بر اساس فضیلت یا کمال

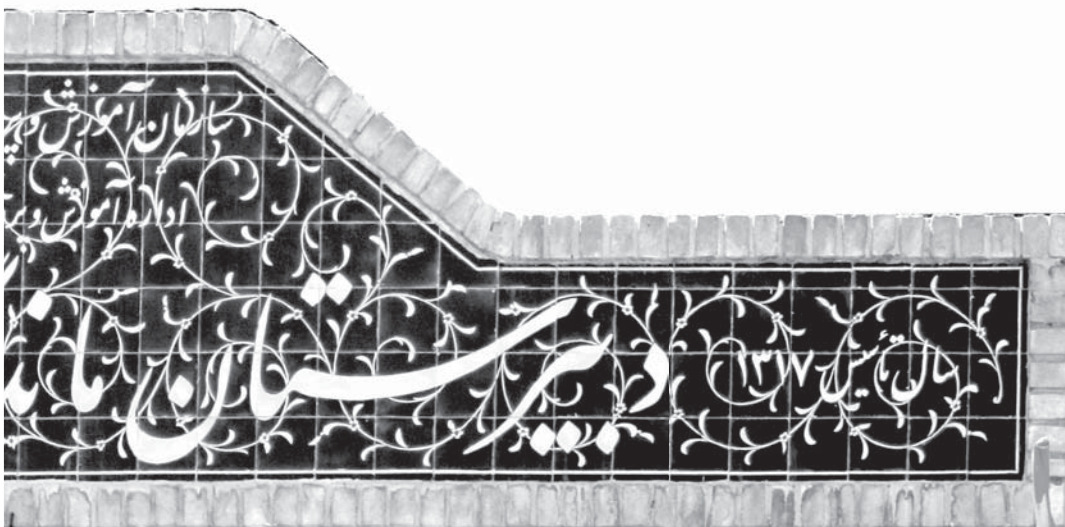
و نقص تعیین می‌شود. از این منظر، فعل خوب یا اخلاقی آن فعلی است که به کمال انسان می‌انجامد و فعل بد آن فعلی است که نقص او را در پی دارد. با این تحلیل، شجاعت، صبوری، دوراندیشی، حکمت، صفاتی خوب و فضایل اخلاقی هستند. زیرا اصولاً اینها صفات کمال به شمار می‌روند و فارغ از نتایجی که دارند ارزشمند و زیبا هستند. از سوی دیگر، شتابزدگی، بزدلی، بی‌فکری و کینه‌توزی رذایل اخلاقی هستند، زیرا باز فارغ از نتایجی که دارند اصولاً نشانه نقص و عجز انسان به شمار می‌روند.

یکی از فضایل اخلاقی هم وفای به عهد و پایبندی به تعهدات خویش است. قرآن کریم از صفاتی چون «صادق الوعد» بودن پیامبران نام می‌برد و آن‌ها را می‌ستاید. اصولاً پایبندی به تعهدات خود نشانه شخص اخلاقی و جامعه اخلاقی است. جامعه فضیلت‌مدار جامعه‌ای است که در آن همه تعهدات پذیرفته شده در چارچوب شریعت و اخلاق، حفظ

می‌شود و به دلایل مختلفی چون نفرت، مسایل شخصی، علایق حزبی و مانند آنها نقض نمی‌شود. حال از چنین جامعه اخلاقی و فضیلت‌گرا انتظار می‌رود که اگر کسی، هرچند خبیث، پلید، منفور و مانند آن، از اموال و املاک شخصی خود وقفی کرد و نام خودش را بر آن موقوفه گذاشت و طرف وقف هم پذیرفت و جامعه بر آن مهر تأیید نهاد، نباید بعد از مرگ آن شخص یا تغییر نظام سیاسی، نام آن موقوفه تغییر پیدا کند. البته نه به دلیل آن که آن شخص حق دارد یا ما مکلفیم یا مصلحت اقتضا می‌کند، بلکه صرفاً به دلیل آن که جامعه با فضیلت و افراد با فضیلت پیمان خود را نگه می‌دارند. از این منظر آن شخص لیاقت ندارد که حش یا نامش حفظ شود، اما شایستگی و فضیلت ما اقتضا می‌کند که همچنان نامش را حفظ کنیم. با ذکر دعایی که در نمازها می‌خوانیم شاید بتواند این نکته را بهتر بیان کند. خطاب به خدا می‌گوییم:

الهی عاملنا بفضلک و لا تعاملنا





و پلید، نشان‌دهنده فضیلت و ارجمندی جامعه‌ای است که با همه وجود از تعهدات خود دفاع می‌کند.

هـ) تغییر نام و قاعده تعمیم‌پذیری

یکی دیگر از راه‌های حل این مسأله تلاش در جهت یافتن قاعده‌ای است که بر اساس آن بتوان همه مسایل را حل‌گشود. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین خصیصه رفتار اخلاقی تعمیم‌پذیری آن است، یعنی آن که بتوان آن را به سادگی عمومیت داد و از همگان خواست بدان تن بدهند. برای مثال، اگر کسی پرسید آیا من

بعدلک؛ پروردگارا با فضل خودت، نه عدلت با ما رفتار کن.

ما اصولاً کاری به آن شخص فرضی فاسد و خبیث نداریم که چه استحقاقی دارد یا ندارد. سخن آن است از ما در مقام انسان‌های با فضیلت یا جامعه با فضیلت چه انتظاری می‌رود. برای مثال، اگر کسی به ما توهین کرد، هر چند حق داریم متقابلاً در مواردی توهین کنیم، اما همچنان جای این پرسش است که این عمل زیننده ما است یا خیر.

حال از این منظر هم که به بحث تغییر نام موقوفات بنگریم، دلیل موجهی برای تغییر نام آنها نمی‌یابیم. برعکس، حفظ نام موقوفات افراد فاسد



آن فرد پرسشگر خواهیم گفت که: از نظر اخلاقی خطا است که قولی بدهی و آن را بشکنی.

حال همین منطق را درباره وقف می‌توان به کار گرفت. این که در آغاز قبول کنیم که شخص خبیثی ملکی را وقف کند و سپس نامش را برداریم، در صورت تعمیم به سود هیچ کس نیست. زیرا خبیث و پلید بودن افراد امری عینی مانند رنگ پوست و کمی مانند وزن نیست. از نظر بسیاری از کسانی که نامشان از روی موقوفاتشان برداشته شده است، کسانی که اقدام به این کار کردند آدم‌های نامطلوبی به شمار می‌روند.

می‌توانم به کسی قولی بدهم و بعد آن را بشکنم؟ از او می‌خواهیم تا این آزمون ذهنی را انجام دهد: تصور کن که همه افراد هنگام قول دادن با این خیال قول بدهند که در آینده آن را بشکنند. این قول شامل قولی که به تو داده می‌شود نیز خواهد شد. یعنی تو هم قربانی این نوع نگرش خواهی شد. حال آیا می‌پذیری که قول دادن و پیمان شکستن تو به قاعده‌ای عام برای همگان تبدیل شود؟ به نظر می‌رسد که تن دادن به عمومیت این قاعده و قبول آن که همگان قول بدهند و پیمان بشکنند، به سود هیچ کس نخواهد بود. در این صورت به

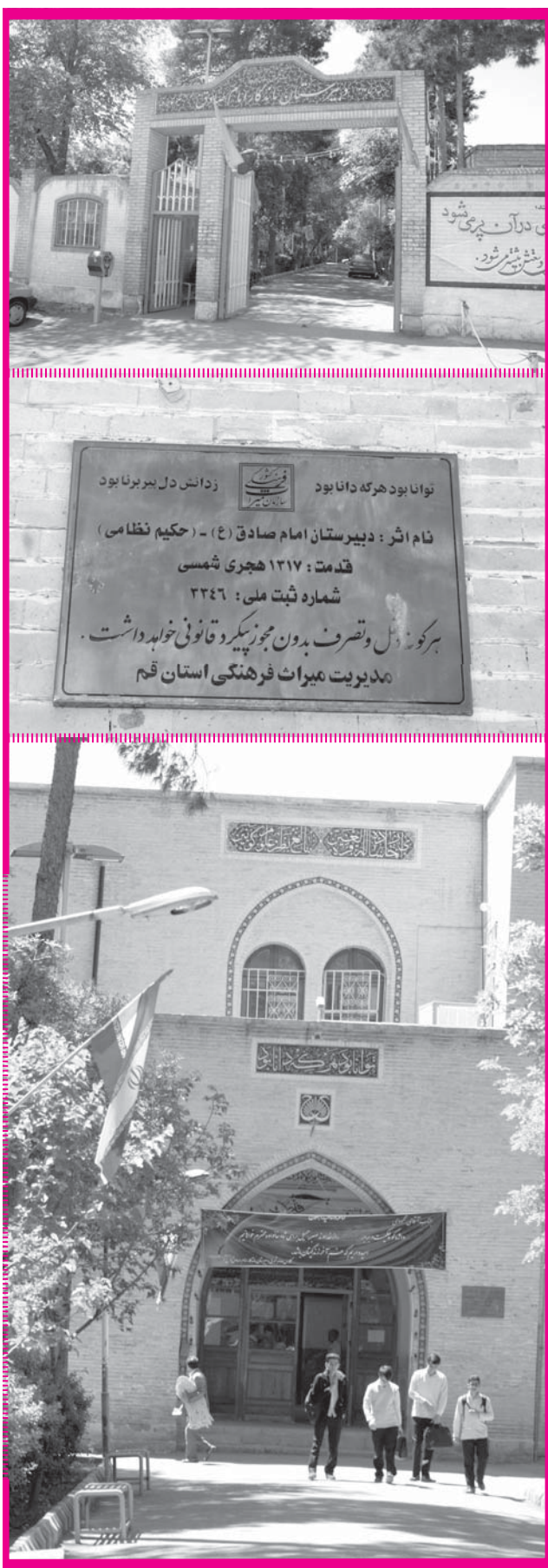
نمونه‌ای تلخ

حال در برابر این تحلیل‌های متفاوت مذکور، متأسفانه شاهد تغییر نام بسیاری از موقوفات توسط سازمان‌ها و مؤسسات بوده‌ایم که با ساده‌ترین اصول اخلاقی و دینی تعارض دارد و هیچ دلیل موجهی به سود آن وجود ندارد. برای مثال، نام «دبیرستان حکیم نظامی» که از دبیرستان‌های خوب و موفق و تاریخی شهر قم بوده است، طبق دستور مدیر کل آموزش و پرورش شهر، به «دبیرستان امام صادق (علیه السلام)» تغییر داده می‌شود. حال آن که وی مطلقاً چنین حقی نداشته است و قطعاً امام صادق (علیه السلام) نیز از کار او راضی نخواهد بود. وی با این کار نه خدمتی به گسترش فرهنگ وقف کرده است، نه امام صادق (علیه السلام) را شادمان کرده است، نه برای خود نام نیکی به جای نهاده است و نه به ارزش‌های انقلابی کمکی کرده است. جالب آن که بعد از نزدیک سی سال که از این تغییر نام می‌گذرد، هنوز جامعه فضیلت‌مدار و مردم‌متدین این دبیرستان را «حکیم نظامی»

۹۶

موقوفات

تغییر نام موقوفات از منظر اخلاق





ترتیب، در مجموع به نظر می‌رسد که دلیلی اخلاقی به سود تغییر نام موقوفات نداریم. تجربه‌های متعدد و مشهود نیز نشان می‌دهد که تغییر نام‌ها اولاً مقبولیت عام نیافته و ثانیاً زاده نوعی بی‌سلیقگی و کوتاه‌نگری نه اقدامی سنجیده بوده است. آیا زمان آن نرسیده است تا کمی درباره رفتارهای گذشته خود بازاندیشی کنیم و به جد در پی ترویج و گسترش فرهنگ وقف باشیم؟

در نتیجه از منظر پیام‌گرایی می‌توان گفت تغییر نام موقوفه‌ها در درازمدت به تضعیف فرهنگ وقف می‌انجامد، پس خطا است. همچنین از دیدگاه حق‌گرایی می‌توان گفت که ما حق سلب نام واقف را از موقوفه وی نداریم. باز از منظر تکلیف‌گرایی می‌توان ادعا کرد که ما مکلف به حفظ تعهدات خود هستیم. از منظر فضیلت‌گرایی نیز ملزم به حفظ نام واقفان هستیم و طبق اصل تعمیم‌پذیری هم نمی‌توانیم تغییر نام موقوفات را مجاز بشماریم. بدین



پی‌نوشت‌ها:

۱. مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷.
۲. قانون مدنی، ماده ۵۷.
۳. القواعد: مائه قاعده فقهیه معنأ و مدرکأ و موردأ، سید محمد کاظم مصطفوی، قم، مؤسسه النشر الاسلام، ۱۴۱۵ق.، صص ۲۹۵-۳۲۰.
۴. تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۷۵، مسأله ۶۸.
۵. برای تفصیل این بحث بنگرید: دروغ مصحلت آمیز؛ بحثی در مفهوم و گستره آن، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه و بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
6. Tatiana Tarasof.
7. Contemporary Issues in Bioethics, edited by Tom L. Beauchamp, LeRoy Walters, Jeffrey P. Kahn, Anna C. Mastroianni, seventh edition, Thomson Wadsworth, Belmont, USA, 2008, p. 4.
۸. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱۲۷، ص ۱۸۴.
۹. سوره مائده، آیه ۱.

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی؛ زنان آمل) معصومه یدالله پور^۱

چکیده:

یکی از راه‌های ظهور حیات اجتماعی زنان شهر آمل مشارکت آنها در امور خیریه از طریق وقف است. زنان در ایران اموال خود را به سمت برگزاری سنت اجتماعی و فعالیت خیریه شهری وقف می‌نمودند. از این روی وقفنامه‌ها اطلاعات ارزشمندی نسبت به انگیزه واقفان به دست می‌دهد. در شهر آمل انگیزه‌های گوناگونی برای وقف در میان بانوان وجود دارد. با مطالعه وقفنامه‌های مرتبط با زنان شهر آمل، به این نتیجه دست می‌یابیم که وقف در میان طبقات مختلف این شهر رواج دارد. هدف بسیاری از آنها ارضای روحیه دینی و کمک به دیگران است و عزاداری خامس آل عبا، امام حسین علیه السلام مهم‌ترین کاربرد وقف بوده است.

کلید واژه‌ها:

وقف، موقوفات، واقف، زنان، آمل، تعزیه.

مقدمه

در ایران زنان در عرصه وقف حضور فعالی داشتند و در آبادانی و امور خیریه شهرهای ایران نقش مهمی ایفا نمودند. کاربرد عمده موقوفات کمک به فقرا یا برنامه‌های تعزیه‌داری و از سوی دیگر مبتنی بر اهداف اقتصادی یا خصوصی، برای تضمین بقای حیات نسل‌های آتی بنیان‌گذار وقف صورت می‌گرفت. چنین موقوفه‌هایی به ما اطلاعات ارزشمندی نسبت به نیت واقفان می‌دهد از جمله این که چه مواردی در نظرشان حایز اهمیت بوده و چه چیزهایی با توجه به اهداف خیرشان ضرورت داشته است.^۲ قدمت و ویژگی‌های مذهبی شهر آمل سبب شده زنان نیکوکار آمل بخشی از اموال خود را برای امور مذهبی به خصوص عزاداری ائمه علیهم‌السلام صرف نمایند که در شناخت هویت زن ایرانی این عنصر را بایستی مدنظر قرار داد. با استنساخ اسناد مورد نظر این مهم مطالعه می‌شود.

۱۰۰

واقفان

پرسی پژوهش

زنان شهر آمل در چه حوزه‌ای اموال خود را وقف نموده‌اند؟

زنان واقف و عزاداری امام حسین علیه‌السلام

یکی از عناصر فرهنگی خاص که تأثیر شگرفی بر روی فرهنگ عمومی زنان ایران گذاشت، مسأله عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام و برپایی مجالس روضه‌خوانی بود.^۳ سوگواری برای امام حسین علیه‌السلام از مدت‌ها قبل کم و بیش به صورت پنهانی وجود داشت^۴ و با سیاست حکومت‌های محلی در ایران، تغییراتی از نظر قوت و ضعف در مسأله برپا داشتن عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام روی داد که با آمدن صفویه و تشکیل یک دولت مرکزی مقتدر و کوششی که در برگزاری عزای حسینی در داخل و خارج خانه و در مساجد، تکیه‌ها، بازار و... داشتند موجب شد تا عزاداری امام حسین علیه‌السلام به صورت یک نهاد اجتماعی درآید.^۵ در ابتدا سنت وقف به



منظور ایمان قلبی و ادای فرایض مذهبی و تکالیف شرعی یا ثواب اخروی بود. زنان متمول در جهت کمک به رفاه و آسایش مردم وقف می نمودند به همین منظور روی هریک از اوقاف لعنت نامه‌ای وجود داشت برای کسانی که به موجودی اوقاف دست درازی می کردند.^۶ در عهد قاجار شرکت زنان در مجالس عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام پر رونق شد و در بسیاری از خانه‌ها مجالس سوگواری برپا شد. در ابتدا کارکرد مجالس عزاداری تنها گریه و سوگواری بر واقعه کربلا بود و کسب اجر اخروی، نیت برای توبه از معاصی، دیدن رجال سیاسی، روحانیون و مراجع بزرگ و... به حضور زنان در این مراسم قوت می بخشید اما به تدریج به محلی برای اطلاع از معارف اسلامی، آگاهی دینی و مسایل اجتماعی و سیاسی تبدیل شد.^۷ با روی کار آمدن حکومت پهلوی، وقف در قالب بنیادهای خیریه تجلی پیدا کرد^۸ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به سه دوره بازیابی و کشف موقوفات گمشده، بازستانی موقوفات غصب شده و بازسازی موقوفات مخروبه تقسیم شد.^۹ روند تأسیس بنیادها و مراکز خیریه چه به صورت وقف و چه به صورت غیروقف که تنها هدف یا یکی از اهداف آنها درخصوص امور فرهنگی است، در جمهوری اسلامی نیز تداوم یافته است.^{۱۰}

شهر آمل به عنوان مرکز اصلی دعوت و حکمرانی علویان زید و اعقاب آنان بود^{۱۱} و حضور طولانی مدت رهبران دعوت شیعه و برپایی حکمرانی آنان در این شهر را می توان از دلایل مهم گسترش وقف در آمل دانست زیرا مذهب نقش مهمی دارد. در عهد قاجار قشرهای مختلف به وقف پرداختند و انگیزه‌های آنها هم مختلف بود، یک قشر مهم زنان بودند.^{۱۲} با بررسی اسناد به دست آمده، موقوفه‌های شهر آمل از دوره قاجار تا کنون به نام زنان نیز ثبت شده است. با توجه به این که وقف یکی از عوامل مهم توسعه نظام اجتماعی و فرهنگی ایران در عهد قاجار است^{۱۳} و به مانند دوره صفوی بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات اجرای مراسم مذهبی مانند عزاداری بوده است^{۱۴} این مهم در شهر آمل بررسی می شود.

حیات اجتماعی زنان واقف در آمل

یکی از سنت‌های بسیار تأثیرگذار ایرانی در آمل برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام است. جدول زیر نشان می‌دهد بسیاری از موقوفات زنان نیکوکار شهر آمل بدین امر اختصاص دارد و بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات مذهبی بوده است. عزاداری حضرت ابوالفضل علیه السلام، عزاداری در ماه مبارک رمضان و ختم کلام الله مجید، نمونه‌ای دیگر ازین رویکرد مذهبی به شمار می‌آید. در آمل این زنان هستند که حیاط و منازل مسکونی خود را برای این کار اختصاص می‌دهند. این برمی‌گردد به این که از دوره قاجار شرکت زنان در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام پررونق شد و در بسیاری از خانه‌ها مجالس عزاداری برپا می‌شد.

موقوفات زنان نیکوکار شهر آمل

واقف	موقوفه	مصارف وقف
بانوحاجیه سیده خیرالنسا شاهان دشتی	همگی و تمامت ده سیر از سه دانگ از کل شش دانگ قریه هارون کلا... محال دشت سر	عزاداری خامس آل عبا
بانو فخری جهان	مساحت و مقدار بیست و چهار قفیز از ملک قریه شهر کوتی	عزاخانه خامس آل عبا
بانو نرجس خاتون نوایی	مساحت ده سیر از تمامت از یک دانگ و نیم از قرای کبود کلا و صورت کلا و کرسی کلا من قرای دابوی مازندران	تعزیت داری حضرت ابا عبدالله الحسین و مخارج ترحیم و صوم و صلوة مرحومه
بانوان؛ زینب، فاطمه و حمیده (همشیره و همسر مشهدی سلیمان)	۱۸ رأس گوسفند (۱۲ رأس میش بزرگ، ۲ رأس بزرگ، ۴ رأس سالک)	عزاداری خامس آل عبا
بانو کربلاویه فاطمه مشایبی دختر میرزا سلیمان	یک دست حیاط مسکونی واقع در سرحمام حاجی علی نقی مشایبی	عزاداری خامس آل عبا، ماه رمضان و دو ختم کلام الله مجید همه ساله در ماه مبارک رمضان
فاطمه خانم والده محمد حسن مشایبی	یک باب دکان ۵۱ وصل به کوچه هراز	تعمیرات روشنایی، حصیر، اجرت خدام، مؤذن و طالبان مدرسه ۱۵



واقف	موقوفه	مصارف وقف
زهرآخانم والده مرحوم آقا غلامحسین مشایی	یک باب دکان صباغی ۲۷	تعمیرات، تعزیه داری ۱۶
بانوان؛ حاجیه بلور والده جده حاجی علی ثانی مشایی	سه دانگ مشاع از قریه آبکسر	تعمیرات، تعزیه داری ۱۷
بانو حاجیه شهربانو	یک باب دکان ۳۸ جنب درب تیمچه	تعمیرات، تعزیه داری ۱۸
بانو زهرآخانم آملی	یک قطعه ملک بیاض...	تعمیرات، روشنایی و حصیر در ماه مبارک رمضان (مسجد حاج علی کوچک)
بانو سیده فضا خاتون	یک دست حیاط مسکونی خود	عزاداری ابوالفضل العباس
بانو زینب رضایی	شش دانگ یک باب خانه	عزاداری خامس آل عبا
بانوزهرا امیر صالحی	سه ربع از یک دانگ از کل شش دانگ از قریه کارچه کلا	عزاداری حضرت سید الشهداء
بانو خاور ملاری	تمامت نیم سهم مشاع از یک سهم از چهارده سهم از سه چهارم یک دانگ مشاع از شش دانگ دهکده هلی کتی	عزاداری خامس آل عبا
بانو عذرا خاکپور	همگی و تمامت پنج دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه در آمل، انضمام چهار دانگ مشاع از شش دانگ اعیانی یک باب خانه و باغچه متصل به هم به مساحت ششصد و چهل و دو متر و چهل دسیمتر مربع، یک دانگ مشاع از شش دانگ یک باب دکان	صرف اقامه عزاداری برای مولی الموحدین حضرت علی بن ابی طالب و حضرت ابا عبدالله الحسین، پس از کسر هزینه تعمیرات
بانوان؛ سیده مریم جلالی، سیده شمس السادات جلالی، سیده مهری جلالی	شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت یک هزار و پنج متر مربع	ایجاد درمانگاه و مؤسسه درمانی

بر اساس جدول فوق بیشترین نوع مصرف موقوفات بانوان شهر آمل، عزاداری خامس آل عبا بوده است.

علاوه بر رویکرد مذهبی موقوفات، زنان شهر آمل زمینی را به منظور احداث درمانگاه وقف نمودند. از اواخر دوره قاجار تا زمان حاضر توجه بسیاری به امر

وقف جهت خدمات درمانی شده است که نشان دهنده تأثیر ارزش گذاری اجتماعی بر نوع موقوفات است.^{۱۹}

الف) استنساخ اسناد

محدوده زمانی وقفنامه‌های به دست آمده؛ قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی است که بدین صورت بازخوانی شد:

[سند شماره ۱]:

اداره اوقاف آمل و لاریجان - مورخه ۳۱ حمل ۳۰۰، ۶۳ ثبت دفتر وقفنامه‌جات گردید، عباس طاهری - بسم الله الرحمن الرحيم - غرض از تحریر آنکه حضور یافته خدارت و طهارت آداب کربلائی فاطمه خانم بنت مرحوم آقا میرزا سلیمان مشائی با اجتماع شرایط شرعی و بعد وقف صحیح شرعیه نموده همگی و تمامت ششدانگی یکدست حیاط متصرفی موروثی خود را واقعه در بلده آمل، سرحمام حاجی علی نقی مشائی که شمالاً وصل است بحیاط ورثه مرحوم آقامیرزا هدایت مشائی با کافه ملحقات شرعیه از... و فوقانی و تحتانی بدون استثنا شیء از ششدانگ برای خامس آل عبا، سرور شهدا علیه السلام که همه ساله منافع آن بعد از وضع تعمیر در مصرف عزاداری آن بزرگوار در ایام عزا و غیره سیما در شهر صیام از طعام و نان و واعظ و سبحة گو مسجد جامع آمل و نمارستاق در مجمع طائفه مشائی و دو کلام الله همه ساله در شهر صیام صرف شود. متولی هر قسمی که صلاح میدانند صرف نمایند از قرار مزبور ثواب آن مرجوع است بواقفه و والدین واقفه آقا میرزا سلیمان و کربلائی حبیبه خاتون [خاتون] و همشیره و برادرش، معصومه خانم و آقا محمد هادی و زوج واقفه کربلائی شیخ حسین و تولیت آن مادام الحیوه واقفه با خودش میباشد تومان سه قران حق التولیه واقفه میباشد بعد از واقفه تولیت آن مرجوع

۱۰۴

واقفان

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی: زنان آمل)

است بنواده های مرحومان حاجی علی مشائی و حاجی صالح مشائی که جدّ امی و ابی واقفه میباشند بشرط قابلیت که اصلح و ارشد باشند چه از طرف ذکور و اناث نسلأ بعد نسل که تومانی یکقران حق این متولی است و صیغه وقف را حضرت مستطاب حجه الاسلام آقامیرزا عبدالحسین شاهاندشتی جاری فرمودند و شرائط وقف بحصول موصول یافته مقرر اینکه این وقفنامه نسختان نوشته شده و کان الوقوع و التحریر فی چهارم مرداد ماه قدیم ۷ شهر صفر الخیر مورخه ۱۳۳۵.

بسم الله الرحمن الرحيم - قد اجريت صيغه وقف ال... المذكوره، على نهج المذكور... الحضوريه الاخباريه عن المرئءه الصالحه الواقفه المذكوره فى ثامن عشر شهر صفر الخير فى سنه ۱۳۳۵ و انا العبد الجانى على نفسه محل مهر حجه الاسلام آقا ميرزا عبدالحسين شاهاندشتى دامت... (عبدالحسين الموسوى) اعترف المرئءه الواقفه بقول العينى الموقوفه و لزوم الواقف فى شهر ربيع الاول فى سنه المذكوره و انا العبد الجانى على نفسه ايضاً محل مهر حجه الاسلام آقاى ميرزا عبدالحسين شاهاندشتى (عبدالحسين الموسوى) هر خير الاسما و قد اعترف الواقفه حسب بما فصل فى الورقه وقع القبض لدى ابوالقاسم المطلق ۴ شهر ربيع الاول ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب شريعت مدارى ميرزا ابوالقاسم مطلق مشائى لا اله الا اله الملك الحق اليمين ابوالقاسم) قد اعترف الواقفه بما رقم الورقه من وقوع الوقف و لزومه و تقاريره لدى الاحقر الخاطى فى ربيع المولود ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب شريعتمدار آخوند ملا مهدى مشائى (عبدالراجى محمد مهدى) بسم اله هو خير الاسمار و قد اعترف الواقفه المزبوره من وقوع الوقف و لزومه بما فصل فى الكتاب فى شهر ربيع المولود و أنا العبدالعاصى ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب ... شيخ محمد على سلمه الله تعالى و رب نجنى محمد على - سواد مطابق اصل است - عباس طاهرى؛

سواد مطابق با اصل است که اصل آن نزد آقا محمد حسن مشائی است،
[مهر]: دفتر اداره معارف و اوقاف آمل و لاریجان.^{۲۰}

[سند شماره ۲]:

بسم الله الرحمن الرحيم، بعد الحمد و الصلوه غرض از تحرير آنکه ورثه مرحوم
مشهدی سلیمان رئیس..... عفت ... باجی زینب همشیره او و دو نفر زوجه
او فاطمه و حمیده از روی طیب نفس و رضا طلباً لمرضات الله تعالی وقف
مؤید شرعی و حبس مخلد ملی نمود از مقدار هجده رأس گوسفند را که
قبل آن مرحوم از بابت ارث انتقال بایشان یافته بر حضرت خامس آل عبا
حضرت سیدالشهدا و علیه التحیه و الثناء که همه ساله منافع آن صرف
مخارج عزاداری آن بزرگوار شود در فصل قشلاق در قریه کلهوشت و
در فصل بیلاق در قریه مُرس بن... اصل شهر محرم الحرام و ثواب آنرا
واگذار نمودند بروح آن مرحوم و تولیت را واگذار کردیم بجناب مستطاب...
لقاب آخوند ملامحمد لیتکوهی از طایفه کلمرو بعده اولاده الذکور و نسلاً
بعد نسل در صورت قابلیت و بعد انقراض او عدم القابلیت به مردان آن
قریه و علیهم، علیهم..... الوقف و کان وقوع ذالک دویم شهر صفر المظفر
سنه یکهزار و سیصد و بیست و نه ۱۳۲۹ صورت میش بزرگ ۱۲ رأس،
بز بزرگ ۲ رأس، سالک ۴ رأس. بسم الله تعالی و الحمد قد اجريت صیغه
الوقف و تحیت بالقبول و القبض فی التاريخ انا العبد المذنب عبده اسماعیل،
سواد مطابق اصل است، [امضاء] ح طاهری.....، [مهر]: برابر با اصل اداری
است، [مهر]: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران.....؛ [مهر]: اداره
اوقاف آمل و لاریجان. [مهر: ناخوانا]

[حاشیه بالا راست]:^{۲۱}

[سند شماره ۳]:

وقف میراث جاویدان



شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲



۱۰۷



رونوشت و قفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الواقف على السرائر والمطلع على الضمائر
الصلوه و السلام على محمد وآله خير البرائر و بعد غرض از تحرير اين
ورقه و باعث بر اين صفحه آنکه توفيق رفيق و شامل حال خير مال عليه
غائبه محترمه زهرا خانم صبيه مرضيه مرحوم حاجي داداش آملی عيال
مرحوم مبرور، مشهدي اسدالله قصاب آملی گرديده برای دست‌گیری يوم
لاينفع مال و لابنون وقف مؤبد و حبس مخلد ملی نموده است همگی و
تمامت دو دانگ مشاع از کل شش‌دانگ از یک قطعه ملک بياض... متصرفی
خود را که واقعت در پايين بازار آمل نزديک بحمام اشرف که محدود
است بحدود اربعه شمالاً بدکان ابراهيم برفيانی آمل شرقاً وصل بمعبرعام
جنوباً بدکان مشهدي اسدالله قصاب غرباً بشارع عام که همه ساله از عوايد
اين دو دانگ اين ملک برداشته صرف تعميرات لازمه مسجد مشهور به
مسجد حاج علی کوچک از روشنایی و حصير صرف سبز ماه صيام همان
مسجد صرف نمايند و توليت اين وقف مادام حيوه واقف بخودش ميباشد
و بعد از ايشان... دخترش حبيبه خواتون [خاتون] توليت برقرار است نسلاً
بعد نسل، بطناً بعد بطن بحيث لايباع و لايرهن و صيغه الوقف علی... شرع
انور جاری و قبض و اقباض و تسليم و تسلیم بحصول موصول گرديده و
کان وقوع ذلک فی چهاردهم بهمن ماه قدیم يک‌هزار و سيصد و پنجاه یک
هجری قمری - ۱۳۵۱ قد جرت صيغه الوقف حسب سطر فی تاريخ لمتن اقل
الطلاب غلامحسن مشائی مهر حسن بن هادی = به شماره $\frac{181}{26/10/14}$ [۱۳]
ثبت دفتر و قفنامجات گرديد؛... فرهنگ آمل - علامه ای ، رونوشت با اصل
یکسان است.....؛ [امضا: ناخوانا] ۲۲

۱۰۸

واقفان

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی: زنان آمل)

[سند شماره ۸]

وزارت دادگستری

ثبت کل اسناد و املاک

دفترخانه اسناد رسمی درجه اول شماره ۲۱ آمل

رونوشت اداری ثبت شماره ۶۶۸۷۰ صادره از دفتر ۲۱ آمل بداره اوقاف
آمل ارسال گردید.

دفتر اسناد رسمی بیست و یک آمل، بانو زینب رضایی فرزند مرحوم حسین دارنده بشناسنامه شماره پانصد و نود و دو از آمل ساکنه آمل در خانه پلاک یک هزار و دویست و دو در دفتر حاضر گردید و بعد الحضور بمنظور جلب رضایت حضرت پروردگار عزاسمه و خشنودی احمد مختار و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین وقف مؤبد و حبس مخلص نمود همگی و تمامت شش دانگ یک بابخانه پلاک شماره دو فرعی مفروز و مجزا شده از پلاک اصلی یک هزار و دویست و دو واقع در محله پایین بازار بخش یک شهر آمل با کافه توابع و متعلقات بهر اسم و رسم را که منافع و عواید آن مادام الحیوه مشارالیها صرف مطلق خیرات که بنظر واقفه صلاح است بشود و ثواب آن عاید ذات مقدس حضرت خامس آل عبا حسین ابن علی ابن ابیطالب علیها الصلوه و السلام گردد و بعد از فوت وی در مسجد حاج علی کوچک آمل بمصرف عزاداری حضرت ابا عبدالله روحی و جسمی و ارواح العالمین له الفدا برسد و تولیت وقف در حیات واقفه با مشارالیها و پس از فوتش با امام وقت مسجد حاج علی کوچک آمل خواهد بود تعیین موقع و نحوه اقامه عزاداری با متولی خواهد بود و بعد از فوت واقفه عشر (یک دهم) عواید حق التولیه متولی است و حدود مورد وقف طبق سند مالکیت است که در صفحه سیصد و هفتاد و سه بشماره یک هزار و نهصد و نود و سه در دفتر جلد هیجدهم دفتر املاک به ثبت رسیده است و به موجب اظهار واقفه ملک مورد وقف بقبض واقف داده شد و صیغه مربوطه

دفتر اسناد رسمی



شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲



جاری گردید و برای تعیین حق الثبت بهای مورد وقف طبق سند مالکیت بیست هزار ریال است بتاریخ هشتم دی هزار و سیصد و سی و نه مطابق دهم رجب هزار و سیصد و هشتاد محل امضاء نشانه سیابه راست بانو زینب رونوشت برابر است با ثبت دفتر و صحت آن مورد تصدیق است. سردفتر ۲۱ آمل، [امضا:] ولأئی؛ شماره ۶۰۷ ثبت دفتر وقفنامجات اوقاف آمل گردید، [امضا: ناخوانا]، [مهر:] دفترخانه درجه اول شماره ۲۱، [مهر:] اداره اوقاف شهرستان آمل، ۴۱/۴/۲۷ [۱۳] ۲۳

[سند شماره ۵]:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله الواقف على الضمائر و المطلع على السرائر و الصلوه و السلام على محمد صلى اله عليه و آله بعد الحمد و الصلوه غرض از تحریر این عبارات و باعث بر تسطیر این کلمات آنست نظر بحديث شريف حضرت نبوی (ص) ان مات ابن آدم انقطع عمله كله الا من ثلاث علم ينتفع به الناس و ولد صالح و صدقه جاريتہ بهترين صدقات جاريتہ وقف است فعليها توفيق شامل حال با سعادت خدارت مآب علويته خانم سيده فضه خواتون [خاتون] گردیده بر اینکه وقف مؤبد وحبس مخلد نموده تمامی یکدست حياط مسکونی خود را واقعه در چاکسر محله شهر آمل محدود بحدود اربعه ذیل شمالاً وصل بحياط سيدحسين شرقاً متصل بکوچه معبر عام جنوباً بحياط آقا سيد اسمعيل [اسماعيل] شاهندشتی غرباً متصل بحيات آقا غلامحسين و عمو حبيب اله با ملحقات شرعيه و عرفيه بدون استثنا شی... از برای خصوص جناب ابوالفضل عليه السلام و روحی له الفدا تا اینکه منافع و عایدات حياط مزبور در ایام عاشورا و غیرها بمصرف تعزیه داری جناب ابوالفضل العباس در محله رودگر آمل مخارج شود توضیحا آنکه تولیت و مباشرت حياط موقوفه را تفویض و

راجع نموده به ... توفیق آثار مشهدی محمد یوسف رودگر آملی بعد از ایشان باولاد ذکور متولی نسلأ بعد نسل شرط القابلیه و الصلاح ثم بعد از انقراض باعلم و اصلح طایفه آملی و مشائی فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونہ و صیغه لواقف المزبور مع القبض و الاقباض علی نهج القانون الشریعه المقدسه جاری گردیده فی ۲۲ شهریور فی سنه ۱۳۱۲ جای انگشت سیده فضه

[حاشیه بالا چپ]: بسم اله تعالی قد جرت صیغه الوقف مع القبض و التصرف فی الوقف کل قبض و حرر فی المتن حرره العبدالعاصی..... فی سنه ۱۳۱۲ [سجع مهر]: امیر وحی احمد: [سجع مهر]: یا حسن الحسنی ۲۴



وقف نامه سیده فضه مخزون ملاذران آمل علامه ارشدی ۳۰۹



[سند شماره ۶:]

این سند که در صفحه ۸۲ دفتر جلد ۸۰ سردفتر	و جوهی که طبق مقررات برای تنظیم این سند دریافت شده است بشرح زیر است:
تحت شماره ۳۴۹۶۶ ثبت تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۶	نشان دادگستری جمهوری اسلامی ایران
شده است.	۸٪ عوارض شهرداری ریال
تمبر: ۱۵۰ ریال ۶۱۲۷۴۴	حق التحریر ۱۰۰۰۰۰ ریال
سری (ب/۲۰) کد ۱-۴-۰۳	بهای اوراق و قبض اقساطی... ۲۸۰۰۰ ریال
تاریخ چاپ	برگ معاملات یک برگی
محل امضای دفتریار و مهر دفترخانه، [امضاء: ناخوانا]	نوع سند: وقفنامه دفتر اسناد رسمی
	۳۴ آمل حوزه ثبتی مازندان
	جمع کل ریال
	با احراز هویت متعاملین تمام مراتب مندرج در این سند در نزد اینجانب واقع شد.
	بتاریخ؛ محل امضای سردفتر: [امضا: ناخوانا]

۱۱۲

واقفان

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی: زنان آمل)

به یمن حلول ماه شعبان المعظم ماه ولادت با سعادت سرور آزادگان حضرت ابا عبدالله الحسین و نمونه فرزاندگی و جانبازی حضرت ابوالفضل عباس و اسوه صبر و مقاومت و عبادت چهارمین اختر فروزان، برج امامت و ولایت حضرت سید الساجدین علی ابن الحسین امام زین العابدین سلام علیهم و بالآخر خجسته میلاد بقیه الله العظم منجی عالم بشریت حضرت مهدی ابن حسن العسکری روحی و اروحا فداه خانم عذرا خاکپور فرزند مرحوم محمد بشناسنامه شماره ۱۸۲ از حوزه مرکزی آمل در کاسمده متولد ۱۳۰۰ شمسی ساکنه آمل پایین بازار، کوچه رجایی منزل شخصی بموجب این سند وقف مؤبد و حبس مخلد نمود همگی و تمامت پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه پلاک ۱۰۵۹ اصلی واقع در آملی محله آمل بانضمام امتیاز برق و انشعاب آب منصوبه در آن بحدود و حقوق مذکور در سند مالکیت شماره مسلسل ۲/۱۶۶۴۸۱ ثبت شد. ذیل شماره ۲۷۴ در



صفحه ۶۲۱ دفتر جلد سوم دفتر املاک بخش مربوطه (بخش یک ثبت
 آمل) بانضمام یکدانگ مشاع از ششدانگ یک باب دکان پلاک ۱۱۹۸ اصلی
 واقع در پایین بازار بخش یک ثبت آمل دارای سند مالکیت شماره مسلسل
 ۶۱۹۴۶۳ ثبت شده ذیل شماره ۶۹۵۱ در صفحه ۷۷۴ دفتر جلد ۴۶ دفتر
 املاک بخش مربوطه و بانضمام چهار دانگ مشاع از ششدانگ اعیانی
 یکباب خانه و باغچه متصل بهم بمساحت ششصد و چهل و دو متر و
 چهل دسیمتر مربع پلاک ۱۲ فرعی از ۱۷۴ اصلی واقع در قریه کپین جزء
 دهستان لیتکوه بخش ۱ حوزه ثبتی آمل دارای سند مالکیت شماره مسلسل
 ۰۰۸۴۶۶ ثبت شده ذیل شماره ۷۷۷۴ در صفحه ۳۰۰ دفتر جلد ۴۹ دفتر
 املاک بخش مربوطه از هر یک با کافه توابع و متعلقات بهر اسم و رسم را
 که همه ساله در آمد پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه پلاک ۱۰۵۹
 اصلی و یکدانگ مشاع از ششدانگ یکباب دکان پلاک ۱۱۹۸ اصلی واقع
 است] در بخش یک آمل پس از کسر هزینه تعمیرات ملک مورد وقف در
 ایام ماه مبارک رمضان و دهه اول محرم الحرام صرف اقامه عزاداری
 برای مولدی [مولی] الموحدین حضرت علی بن ابیطالب و حضرت ابا عبدالله
 الحسین سلام الله علیهم در مسجد هدایت (مسجد حاج علی کوچک سابق)
 آمل و در آمد حاصله از چهار دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱۲ فرعی از
 ۱۷۴ اصلی بخش ۹ ثبت آمل پس از کسر هزینه تعمیرات ملک مرقوم در
 حسینییه و تکیه واقع در قریه کپین در ایام فوق الذکر بمصرف برسد رقبات
 موقوفه پس از قبض و اقباض که شرط تحقق وقف است بتصرف وقف
 درآمده تولیت رقبات مذکور مادام العمر بانوی نامبرده مفوض و مرجوع
 بخودش میباشد و بعد از درگذشت مشارالیهها بعهد عالم متقی محل و سه
 نفر از معتمدین محل میباشد مورد وقف به ثبت رسیده و منافع آن قبلاً
 بکسی واگذار نشده است. در تنظیم این سند به سه فقره پاسخ استعمال

بشماره های ۲۱۴۰۲ و ۲۱۴۰۳ و ۲۱۴۸۵ مورخ هیجدهم دیماه سال جاری ثبت اسناد آمل و نامه شماره ۹۳۹۱ مورخ هشتم دیماه سال جاری و شماره ۹۴۲۴ مورخ یازدهم دیماه سال جاری سر ممیزی مالیاتی شماره ۱۳ اداره دارائی آمل و نامه شماره ۵۸۶۰۵/۳ و ۵۸۶۰۷/۳ [ه] امسال جاری شهرداری آمل و نامه شماره ۶۰۲۹ دیماه سال جاری دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی ۲ آمل توجه گردید بر اساس نامه‌های یاد شده دارائی ارزش معاملاتی رقبات مورد وقف جمعاً به مبلغ یک میلیون و دویست و نود و سه هزار و سی و شش ریال اعلام گردید که حق الثبت متعلقه از مبلغ مذکور ۳۸۷۹۲ ریال... شماره ۳۳۹۴۲ به حساب ۶۷۷۲ ثبت نزد بانک ملی پرداخت شد و قبض حق التحریر شماره ۴۲۹۱۷۶ صادر و تسلیم گردید؛ به تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۷۲ شمسی مطابق با ۲۳ شعبان ۱۴۱۴ قمری، محل امضاء. ۲۵

تذکر: تبصره ۳ ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون ثبت - در کلیه اسناد رسمی بایستی اقامتگاه متعاملین بطور وضوح در سند قید شود. اقامتگاه متعاملین همان است که در سند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه بدفتر خانه و قبل از ابلاغ به اجرا یا نشانی صحیح و ذکر شماره پلاک محل اقامت اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجرائیه را به آنجا ابلاغ کرد اطلاع ندهند کلیه برگها و اخطاریه های اجرائی بمحلی که در سند قید شده ابلاغ میشود و متعهد نمی تواند بعد از عدم اطلاع متعذر گردد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی باو اطلاع دهند و برگ اجرائیه را به ضمیمه قبض پست سفارشی جهت ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرایی به ثبت محل ارسال دارند. هرگاه محل اقامت متعهد در سند قید نشده و یا بجهت دیگر احراز محل اقامت میسر نباشد ثبت محل موضوعی اجرائیه را بطور

اختصار یکنوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار محل یا نزدیکتر بمحل آگهی خواهد نمود.

[سند شماره ۷]:

باسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۷۶/۱۱/۲۰

الحمد لله واقف علی الضمائر و المطلاع علی السرائر و الصلوه علی محمد و آل طاهرین و اما بعد توفیقات ربانی و تأییدات سبحان شامل حال آقایان سید نادر و سید بابا و سید ناصر و سید کمال، سید عباد الله و سید جمال (نام خانوادگی همگی) جلالی و بانوان سیده مریم و سیده شمس السادات و سیده مهری (نام خانوادگی همگی) جلالی دارندگان شناسنامه ۱، ۳۰۹ و ۳۰۸ و ۴۱۰ و ۳ و ۲۷۹ و ۱۹۷۶۴ و ۳۷۱ و ۳۳۲ صادره از آمل فرزندان شادروان حاج سید نعمت جلالی و بانو بنین کریمی فرزند رحمان بشناسنامه شماره ۱۰۷۳ از حوزه آمل (عیال مرحوم [آقا] سید نعمت جلالی مطهری) گردید و در حالت صحت نفس و کمال عقل و اختیار بدون شائبه اکراه و اجبار در حالیکه جمیع اقایر شرعیه از ایشان فاقد و مسموع است وقف مؤبد و حبس مخلد نمودند شش‌دانگ یک قطعه زمین بمساحت یک هزار و پنج متر مربع بشماره پانصد و شش فرعی مفروز مجزی شده از پلاک یک اصلی واقع در قریه هارون محله جزء دهستان دشت سر بخش سه حوزه ثبتی آمل با کافه توابع و متعلقات و مستحدثات و لواحق شرعیه و عرفیه آن بهر اسم و رسم را بر شبکه بهداشت و درمان شهرستان آمل بمنظور ایجاد درمانگاه و مؤسسه درمانی تحت هر عنوان تقریباً علی الله و طلباً لمرضات الله که ثواب آن در یوماً لاینفع مالاً و لابنون الله من اتی الله بقلب سلیم عاید و نصیب بورث وقف کنندگان گردد و نیز شرط شده که مؤسسه درمانی مذکور بنام حاج سید نعمت جلالی مطهری نامگذاری شود و مالکین خلع

شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲

شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲

ید مالکانه از رقبه نموده و مورد وقف را بتصرف داده و صیغه وقف من الایجاب و القبول علی نهج شرع الرسول جاری شد به حیث صار الوقف المرقوم جازماً و لازماً قطعياً و مَنْ بدله فانما اسمه علی الذین یبدلونه بتاریخ بیستم بهمن یکهزار و سیصد و هفتاد و شش؛ [امضا: سیده شمس جلالی، [امضا: بنین کریمی، [امضا: سیده مهری جلالی، [امضا: سیده مریم جلالی مطهری، [امضا: سیده نادر جلالی، [امضا: سیده بابا جلالی، [امضا: سید ناصر جلالی، [امضا: سید عبدالله جلالی مطهری، [امضا: سید جمال جلالی] ۲۶

[سند شماره ۸]:

رونوشت وقفنامه شماره $\frac{۱۱۴}{۳۹/۱۲/۳}$ [۱۳]

شیر و خورشید - رونوشت دادگستری ثبت کل اسناد و املاک، ثبت اسناد و املاک آمل صفحه ۴۲

رونوشت وقفنامه که با اداره اوقاف آمل داده میشود شماره $\frac{۱۱۴}{۳۹/۱۲/۳}$ [۱۳] شماره ترتیب ۱۱۴ تاریخ ورود بدفتر سهم الصفر ماه هزار و سیصد و سی و نه خورشیدی برابر پنجم رمضان المبارک هزار و سیصد و هشتاد هجری قمری تاریخ ثبت برابر با..... بانو خاور ملاری فرزند آقای ابراهیم بشناسنامه شماره پنج صادره از آمل در قریه هلی کتی منزل شخصی مقابل حضرت خامس آل عبا علیه السلام نوع معامله وقف بانو خاور ملاری در این دفترخانه حاضر و بعد الحضور در حال صحت نفس و کمال عقل با علم کافی و اطلاع و الخاطر برضا و خشنودی پروردگار و تقریباً الی الله وقف مؤبد و حبس مخلد نموده است همگی و تمامت نیم سهم مشاع از یکسهم از چهارده سهم از سه چهارم یکدانگ مشاع از شش دانگ دهکده هلی کتی پلاک شماره ۶ واقع در دهستان لیتکوه بخش ۹ ثبت آمل



را که برابر پاسخ استعلامیه شماره $\frac{۲۴۳۰۴}{[۱۳] ۳۹/۱۲/۱}$ اداره ثبت آمل... میباشند و امر تولیت را مرجوع نموده است مادام العمر واقفه بخود او و بعد از حیات امر تولیت را مفوض و مرجوع نموده است با اولادان ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و پس از انقراض نسل ذکور امر تولیت را مرجوع نموده است بعلمای شهرستان آمل و عواید وقت سالیانه در ماه محرم بصرف عزاداری خامس آل عبا در یکی از تکایای بلده بالا لاریجان یا تکیه هلی کتی مصرف شود و عواید آن با نظارت آقای... مهدی مقدم بشناسنامه شماره ۴۷ صادره از آمل در قریه هلی کتی بلوک پائین خیابان (شوهر واقفه) مصرف شود و بعد از فوت ناظر آقای مهدی مهدوی فرزند روح الله اخوی زاده ناظر فعلی بنظارت تعیین شده است و برای تعیین حق الثبت برای مندرج در سند مالکیت مبلغ یکهزار و پانصد ریال تعیین شده است بتاریخ سهم الصفر... هزار و سیصد و سی و نه خورشیدی برابر پنجم رمضان المبارک هزار و سیصد و هشتاد هجری قمری محل امضاء اثر انگشت بانو خاور ملاری با احراز..... واقفه... تمام مراتب مسطوره در این ورقه در نزد اینجانب واقع شد بتاریخ متن عندلیب زاده و صیغه وقف هم..... فی الشرع جاری شد- رونوشت برابر با اصل است. دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۳ آمل؛ سردفتر جواد عندلیب زاده، محل امضاء و مهر- ثبت دفتر وقفنامجات شماره $\frac{۶۰۲}{[۱۳] ۳۹/۱۲/۷}$ ، رونوشت برابر رونوشت موجود در پرونده اوقافی است. [امضا: ناخوانا] ۲۷

[سند شماره ۹]:

الحمد لله الواقف علی الضمایر و المطلع علی السرائر و الصلوه و السلام

علی خیر خلقه و اشرف مرتبه محمد خیر الاوائل و الاواخر و علی اله اصحابه اشرف الفضایل و العشایر [الشعائر] و نظر بدلیل قاطع و برهان ساطع اینعالم فانی و این دنیای دنی را روز جزا سزائی است و نظر بمضمون الدنیا مزرعه الاخره بهر عاقل و ذی شعوری از مکلفین لازم و واجب است که در این ... زار فانی کمال حد معمول بیابد از برای خود اسباب صلاح و... فراهم کند تخم اعمال صالحه بکارد تا... بآمال عالیه میشود... که حضرت خداوندی اسباب نجات و وسیله با علورجات قرار داد، وقف میباشد. لذا توفیق رفیق و شامل حال خیر مآل عصمت و عفت مآب فخری جهان خانم زوجه مرحوم مغفور سیف اله سلطان گردیده وقف مؤبد و حبس مخلد نمود مساحت و مقدار بیست و چهار قفیز از ملک قریه شهر کوتی را که کثانی دوازده قفیز میباشد که عزاخانه خامس آل عبا حضرت...اله صرف شود تا ثواب آن در یوم لاینفع مال لابنون نصف عاید واقفه مزبوره و نصف دیگر عاید سلطان مرحوم شود، تولیت و نظارترا تفویض و واگذار نمود بولد ارجمند خود آقا سلطان ثم بولد اصغر خود آقا حسین ولده باولادهما والارشاد فالارشاد و بعد بعالم بهرستاق اعلم فالاعلم [فالاعلم] و المراد بالا آلاء نکور [باولاد نکور] من هم له مطلقاً و صیغه الوقف حسبما رقم جاری گردید و کان وقوع ذالک بتاريخ ۲۲ فروردین ماه قدیم ۱۳۱۷ لاشبهه من وقوع الوقف حسب ما رقم عبده الراجی مسیح قد اجریت صیغه الوقف وکاله عنها وصلت التولیه لاولاد ما حسبما فصل و رقم فی التاريخ المرقومه محل مهر حجه الاسلام محمد باقر. سواد مطابق اصل است. [امضا]: ح. طاهری.....[مهر]: اداره اوقاف آمل و لاریجان؛ [مهر]: اداره اوقاف آمل

[حاشیه بالا چپ]: [امضا]: ح. طاهری..... ۲۸

[سند شماره ۱۰]:

محل الصاق تمبر، بسم الله الرحمن الرحيم، صورت مفاد و مضمون بلاغت مشحون وصیت نامه که متضمن بر وقفنامه میباشد از طرف مرحوم میروره حاجیه نرجس خواتون [خاتون] بنت مرحوم رضوان مکان الحاج حاج میرزا بابای نوائی طاب ثراها مورخه بیست فوس ۹۹ (۳۰) ثبت دفتر وقفنامهجات آمل و توابع گردید کفیل اوقاف آمل لاریجان عباس طاهری محل مهر بسم الله تعالی ما رقم و سطر فی هذا الورقه حق و صواب فی ۲۴ جمادی الاول ۳۷ مهر یا حبیب الله مهر حبیب الله الموسوی ما رقمه فی هذا الورقه حق و صواب، مهر ابوالحسین مهر محمد ابن حاجی آقا اما بعد وصی مرحومه در فوق جناب خیرالحاج حاج محمدباقر نوایی زیدت توفیقاته فرزند مرحومه مرقومه اما وقف مساحت ده سیر از تمامت از یکدانگ نیم از سهمی آن مرحومه از قرای کبود کلا و صورت کلا و کرسی کلا من قرای دابوی مازندران و مرحوم مغفور خلد آشیان آیه اله فی الانام آخوند ملامحمد کاظم خراسانی نوراله تعالی مرقده الشریف صیغه وقف را جاری فرمودند و یکدانگ از آن که عبارت از چهل سیر است فیما بین ورثه اول الذکر مثل حظالانثین قسمت شود و الباقی از آن مساحت که عبارت از ده سیر است در سته هزار سیصد و بیست و دویم ۱۳۲۲ از هجرت حبس نموده که محصول و مال الاجاره آن بعد از وضع مخارجات ایام ترحیم و چلانه و سال و مخارجات حمل جنازه او بعثبات عرش درجات توسط حاج مرقوم در فوق بغایت هفده سال مناقع ملکی آنده سیر بمصرف صوم و صلوات آن مرحومه صرف شود و بعد ذالک کلمه خواهش نموده است بعد از وضع مخارجات مرقومه و انقضای مدت مزبوره ورثه و امضا و اجازه نموده که آنده سیرهم وقف شود و ثواب [آ]نرا هم واگذار بروح آن مرحومه نمایند اما تولیت وقف مرجوع شد بجناب حاج مغری الیه و بعده لاولاده الذکور نسلًا بعد نسل و اما مکان اقامت تعزیت داری حضرت ابا



عبدالله الحسین روحناه فداه در تکیه کوچک نوا متصل بتکیه بزرگ ایام عزا در عشر اول شهر محرم الحرام فمن بدله بعد فاسمه فانما اثمه علی الذین یبدلونه التحریر ذالک فی ۲۲ شهر جمادی الاول فی ۱۳۳۷ رونوشت برابر با اصل و اصل آن در نزد آقای محمد شکبیا ابراز کننده است مقابله شد؛ [امضاء: ناخوانا]؛؛ [مهر: ناخوانا]؛ [مهر: ناخوانا]، محل دو تمبر [دولت شاهنشاهی ایران، نشان شیر و خورشید و تاج، دادگستری] ۲۹

[سند شماره ۱۱]:

هو الواقف علی الضمایر و المطلع علی السرائر و بعد چون سالکان مسلک طریقت و رهروان طریق حقیقت و هدایت یافندگان..... مرضیه ایشان این بود که نفس خود را تکمیل بکمالات جلیله و تجلیل باوصاف حمیده مینمودند شاید بدین واسطه و وسائط قابل فیض وجود حضرت معبود شده دریافت نمایند سعادت... و بهترین چیزی که مورد عنایت حق... و..... که باعث شفاعت آل طریقت اولاً تولى بائمه اطهار سلام اله علیهم الملك القهار و تبری باعدائهم الذین خالدون فی النار و ثانیاً انفاق فی سبیل الله و وقف نمودن اموال است برای..... در این زمان شرافت روان توفیق شامل حال سعادت آمل علیا مخدره حاجیه سیده خیرالنساخانم..... مکان حاجی سید مهدی شاهاندشتی گردید محضاً برضا اله برضا الله و خالصاً بوجه اله که اخراجات و خرجی نماید در راه خامس آل عبا و سرور الشهدا حضرت اباعبدالله الحسین روحی و روح العالمین فداه لذا وقف صحیح مؤبد ملی و حبس صریح مخلد شرعی نموده مادامت المراه و الارض باقیه همگی و تمامت ده سیر ازین دانگ از سه دانگ از کل ششدانگ قریه هارون کلا من محال دشت سر که از بابت ارث من جانب الاب منتقل باو گردید. مع جمع لواحقه الشرعیه و توابعه العرفیه بدون وضع و انشا یافتی از آن بقدر الحصه الشایعه که همه ساله تمام محصول و مناقع آنرا بعد از



وضع ضرر اگر... شد و بعد از وضع مخارج آن ملک اگر ضرر شد حسب ما فصل فی ال... خرج و مصرف بدارد میان التفصیل مبلغ ده تومان از آن منافع در ایام علشورا چه در بیلاق، چه قشلاق در تکیه و مجلس سادات سراسر سعادات شاهاندشت که تعلق دارد به طایفه ثمن آبری و سعیدیه و پاشا صرف عزاداران خامس آل عبا شود و از اطعام و روضه خوانی و تعمیرات تکیه، فروش و آلات... عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین از قبیل طاس بزرگ و کرنا و... علم که موجب عزاست و متولی بر طبقه مختار است حسب المسطور الباقی از منافع مزبوره متولی معظمه مختار است چه در خانه خود چه یا جای دیگر چه بیلاق و چه قشلاق و چه غیر عاشورا صرف در راه سرور الشهدا نماید و تولیب آن مفوض و مرجوع است به خود واقفه مادام الحیوه و بعد باولاد ذکور... نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و در صورت تعدد اولاد مفوض است باولاد اورع العیان بالله بعد الانقراض ایشان تولیت مرجوع و واگذار است باعلم و اورع از طایفه ثمن آبری که در تکیه خودشان مصروف بدارند علی حسب المزبور و صیغه وقف باجمیع احتمالات و اقسام مزبوره علی النهج الشریعه النبویه المطهره واقع و جاری گردید. فمن بدله اله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه تغییر دهنده وقف... خدا و... رسول و ائمه هدی گرفتار خواهد شد و قفاً صحیحاً شرعياً و..... کان وقوع ذالک شهر شعبان المعظم ۱۳۱۳ محل مهر خیرالنساء. بسم الله الواقف قد اجريت صیغه الوقف و كالنافع المماه المزبوره حسب ما فصل فی الكتاب وعن الاحقر الجانی... الطلاب والشرع المستطاب فی شعبان المعظم ۱۳۱۳ محل مهر الحق مع علی اعلى مع الحق. بسم الله تعالی شأنه قد اقرت و اعترفت ال...المخدره كما رقم فيه لدى العاصی محل مهر، حسین علی موسوی و اعترفت الواقف علی حسب ما فصل فی الكتاب لدى الجانی الفانی شعبان المعظم ۱۳۱۳ محل مهر قاسم؛^{۳۰} [مهر: ناخوانا]؛ محل دو تمبر

واقفان

هویت زنان واقف در ایران (نمونه موردی: زنان آمل)

۸۰ اصل

بسم الله الرحمن الرحیم
 این واقف علی الواقف علی الوارثین علی ساری من مسکن طریقت و درود طریقت و درود یا علی بن ابی طالب علیه السلام
 بر حسب این رای بود که من خدایا کنیز کویت عبید و کنیز باوصف میرزا زین العابدین در اول و اولاً من فی ذلک وقت
 نه بدست نامیراست آفرید را در شرح چیزی که در وقت حیاتش در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً
 معلوم است که علی بن ابی طالب علیه السلام در آن وقت در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً
 برای ترکت از آن ترکتی شایسته است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 خدایا بر ما و خدایا بر ما که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 خدا را در حق می گردیم و در حق می گردیم که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً
 با او کلام می گویم که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 آن بعد از آن که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 نمی اندازیم و در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 سادست تا بدست که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 کنیم و در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 نمی روشیم که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 صرف کرده و در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 سنی را با کمالی در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 با هم در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 در وقت سرور و در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 بودی و در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 خداوند خدایا بر ما که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 بنا بر این اسلم که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً
 خدایا بر ما که در آن وقت و در آن طریقت است که اولاً اولاً اولاً اولاً اولاً

رونوشت وقف نامه حاجیه سیده خیر النساء خانم بنت حاج سید مهدی شاهان دشتی
 مازندران آمل کلاسه آرشیو ۳۵۲

[سند شماره ۱۲]:

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الواقف على الضماير و المطلاع على [ال] [سرائر و الصلوه و السلام على محمد و اله على اعدائهم العجمين و بعد حاضره گردید علیه زهرا خانم امیر صالحی دارنده شناسنامه شماره ۷۴۹۱ از آمل فرزند مرحوم میرزا احمدخان امیر صالحی آملی ساکنه آمل در حالت صحت نفس و کمال عقل عالمه عابده مختاره بدون الذکراه [بدون الاکراه] و الدجبار [والاجبار] و بعد الحضور وقف موی ید [مؤبد] و حبس مخلد شرعی نموده قرتیه [قریه] الی اله لعالی و طلباء لمرضاته مقدار و مساحت سه ربع از یک دانگ از کل ششدانگ از قریه کارچه کلا شماره پنجاه و پنج دهستان لیتکوه بالا خیابان را با کلیه متعلقات آن بقدر الحصه الشایعه از مزارع و مراتع و آنچه در پرونده و سن مالکیت واقفه مسطوره شرح داده شد بدون [استثناء شی] از آن برای عزاداری حضرت سید الشهداء علیه افضل التحیات و اثقا و اصحاب کرام او سلام اله علیهم که همه ساله عایدات و درآمد سه ربع موقوفه مزبوره بعد از وضع مالیات و مخارج محلی از شهر سازی و تنقیه نهر و سایر مصارف محلی در مصرف عزاداری حضرت سیدالشهدا در ایام عاشورا و محرم و صفر در هر کجا که متولی صلاح از تکیه و سقاخانه بیلاقا و قشلاقا و یا خانه شخصی که اختیار نماید و تولیت آنرا مفوض داشت به آقای امان اله مختاری دارنده شناسنامه شماره ۷۸۵ از آمل و بعد باولاد ذکور او نسلاً بعد نسل و در صورت نبودن ذکور باولاد اناث نسلاً بعد نسل با تقدم ذکور در هر طبقه و در صورت فقدان باولاد برادران بزرگ آقای امان اله ذکورا و اناثا بنحو مزبور با رعایت اصلحیت در تمام مراتب و طبقات و در صورت انقراض با عالم و پیرمردان حضرات طایفه اسکی و حق التولیه یک عشر از عایدات موقوفه مسطوره میباشد و صیغه الوقف کما قررت فی الشریعه جاری



گردید فصار و قفاء صحیاء شرعیاء باتحقق قرین فلایباع ولد یورث و لا یوهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه الح توضیحاً آنکه تولیت موقوفه مادام الحیوه با خود واقفه مسطور میباشد بدون حق التولیه تاریخ هیجدهم آبان یکهزار سیصد و سی و نه / ۱۳۳۹ امضاء زهرا امیر صالحی - بسم الله الرحمن الرحیم حسب الوکاله [ل] شفاهییه عن المخدره المسطوره رویت صیغه الوقف... و سطور جعل التولیه لعن... و سطور قد حصل القبوض و ضار[صار] و قفاء[وقفاً] صحیاء[صحیحاً] شرعیه فمن بدله ما سمع الح فی التاریخ المتن/ ۱۳۳۹ امضاء محمد غروی میر محمد غروی، مدیر دفتر دادگستری آمل - قجرزاده امضاء ۴۰/۳/۱۳ [۱۳]، رونوشت برابر رونوشت است؛ [مهر:] اداره اوقاف شهرستان آمل^{۳۱}

نکته: اسناد شماره ۵، ۶، ۷ به صورت وقفنامه است؛ شماره ۱، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ به صورت رونوشت از وقفنامه است؛ شماره ۱۲ به صورت رونوشت از رونوشت وقفنامه و شماره ۲ کپی از وقفنامه است؛ سند شماره ۱۲ با غلط‌های بسیار نگارشی همراه است که برخی از آن‌ها اصلاح گردید.

نتیجه

با توجه به این که موقوفات زنان نیکوکار ایرانی در زمینه‌های گوناگون بوده است، زنان شهر آمل بیشتر در حوزه اجتماعی و مذهبی اموال و دارایی‌های خود را وقف نمودند. در میان انواع مصارف موقوفات، عزاداری خامس آل عبا، امام حسین علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نوع مصارف موقوفات نشانی از ارزش‌گذاری اجتماعی بر موقوفات آن جامعه است که واقفان زن بدان توجه داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
۲. زنان واقف در تهران عهد قاجار، ص ۱۱۵
۳. بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر، ص ۱۳
۴. در زمان سلاطین آل بویه وسعت یافت. (همان)
۵. تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم تا زمان ما در تمام کشورهای جهان، صص ۲۱۳-۲۱۵
۶. گاهی اوقات برای جلوگیری از مصادره اموال توسط دولت و قوانین ارث، به دست آوردن جایگاهی مهم در امور سیاسی و سرمایه‌گذاری‌ها به مهم‌ترین امور مذهبی؛ وقف اقدام می‌نمودند (فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل، ص ۹۴).
۷. بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر، ص ۱۷
۸. وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران، ص ۱۱۶
۹. تحول نهاد وقف، ص ۳۹۹
۱۰. وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران، ص ۱۱۶
۱۱. پس از علویان، زیاریان و آل بویه- دست پرورده علویان و شیعی مذهب بودند- بر طبرستان فرمان رانند.
۱۲. زنان دوره قاجار از حقوق قابل توجه اجتماعی برخوردار نبودند اما تعداد بسیاری از موقوفات کوچک و محلی به ویژه در تهران به نام زنان ثبت شده است (جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران دوره قاجاریه، ص ۶۶۴).
۱۳. وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران، ص ۱۱۴
۱۴. تحول نهاد وقف، ص ۴۰۷
۱۵. اداره امور خیریه و اوقاف شهرستان آمل، آرشیو ۲۵۵
۱۶. همان
۱۷. همان
۱۸. همان
۱۹. وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران، ص ۱۷
۲۰. اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل، آرشیو ۷۲
۲۱. همان، آرشیو ۶۹۱
۲۲. همان، (آرشیو ذکر نشده است).
۲۳. همان، (آرشیو ذکر نشده است).
۲۴. همان، آرشیو ۳۰۹
۲۵. همان، آرشیو ۱۵۲
۲۶. همان، (آرشیو ذکر نشده است).
۲۷. همان، آرشیو ۷۷
۲۸. همان، (آرشیو ذکر نشده است).
۲۹. همان، آرشیو ۴۷۹
۳۰. همان، آرشیو ۳۵۲
۳۱. همان، آرشیو ۶۵



منابع:

۱. وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر استاد وقفی تهران، نزهت احمدی، ۱۳۸۷، قم: کومه.
۲. «تحول نهاد وقف»، نادر ریاحی سامانی، ۱۳۸۷، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۳، تهران: اسوه، صص ۳۶۹-۴۱۲.
۳. «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل»، فریبا زرین بافت شهر، ۱۳۸۴، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ پژوهان، سال اول، شماره ۳.
۴. «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر»، مفید شاطری، راضیه آرزومندان، ۱۳۹۱، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۱، صص ۵-۲۳.
۵. «وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران، دوره‌های قاجار و پهلوی»، پروانه شاه حسینی، ۱۳۷۵، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۳.
۶. تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم تا زمان ما در تمام کشورهای جهان، صالح شهرستانی، قم: عمادزاده.
۷. جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه، سید مصطفی مطبوعه چی، ۱۳۸۷، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی،
- ج ۳، تهران: اسوه، صص ۶۵۲-۶۷۶.
۸. «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، کریستف ورنر، ۱۳۸۷، ترجمه نسیم مجیدی قهرودی، فصلنامه میراث جاویدان، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۲۲.
۹. آرشیو اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل.

وقفنامه قنات حسینیه تهران

مرضیه مرتضوی

چکیده:

این وقفنامه، متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مربوط به وقف یک قنات جدیدالتأسیس توسط محمد حسین خان امیرتومان ملقب به شهاب الملک در دوره ناصرالدین شاه قاجار است که آن را بر مردم محله چال میدان و کوچه غریبان در تهران، وقف عامه نمود و پنج شرط بر استفاده از آن مصرح در وقفنامه تعیین کرد و تولیت آن را در زمان حیات با خود و پس از مرگ بر اولاد ذکورش قرار داد.

کلید واژه‌ها:

وقفنامه، قنات حسینیه تهران، محمد حسین خان امیر تومان.

بدون شک از میان اسناد و قباله‌های شرعی، وقفنامه‌ها اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارند. چرا که رقبات وقفی در این گونه اسناد که بر افراد و اماکن مختلف وقف گردیده‌اند، دارای تأثیرات مثبت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و بهداشتی در جامعه زمان خود بوده‌اند که تا زمان حاضر کارکرد خود را از دست نداده‌اند. نکته حایز اهمیت در مورد این سند این است که شامل بیشترین تعداد سجلات مطابقه‌ای و اندک سجد و وقوعی است که با مهر ناصرالدین شاه در رأس آن دال بر این مطلب است که این وقفنامه، از روی اصل آن سوادگیری شده و پس از مقابله با مهر و دست خط شهود، البته با ذکر محل مهر مبارک و عالیجاه، دارای خاصیتی مانند اصل شده و احتمالاً نسخه‌هایی از آن در دست شهود قرار داده شده است. وجود سجداتی با جملاتی چون (ذا موافق لاصله)، (این فرع مطابق با اصل معتبری است)، (مطابقه لاصله المعتبر الاصل)، (سواد مطابق اصل است) و نظایر آن بیانگر یادآوری این موضوع به آیندگان است.

متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم (شنگرف)

الحمد لله الواقف علی ضمائر العباد و العالم بسرائر... المؤمل الخیرات الجایرت لیوم المعاد والمفیض للبرکات التامات الی یوم المیعاد والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد واله شفعاء الخلق یوم دارالمعاد

مهر دایره به سجع : ناصرالدینشاه قاجار خلد الله ملکه (شنگرف) وسلطانہ السلطان

الاجل الاعظم الخاقان الاعدل الکرم مالک رقاب الامم ملک الملوک العالم

حمد (شنگرف) وثناء بی حد و عدد که واقفان مواقف ملاء اعلی و ساکنان عالم بالا از احصاء آن به ... آیند نثار بارگاه حضرت حکیمی است جله عظمه که به حکمت کامله اش املاک ضیاء عقار... را به جهت انتفاع عوام بین نوع انسان ابداع نمود و... شامله اش ... جاریه و عیون صافیہ معرفت را از برای... قلوب بندگان اختراع

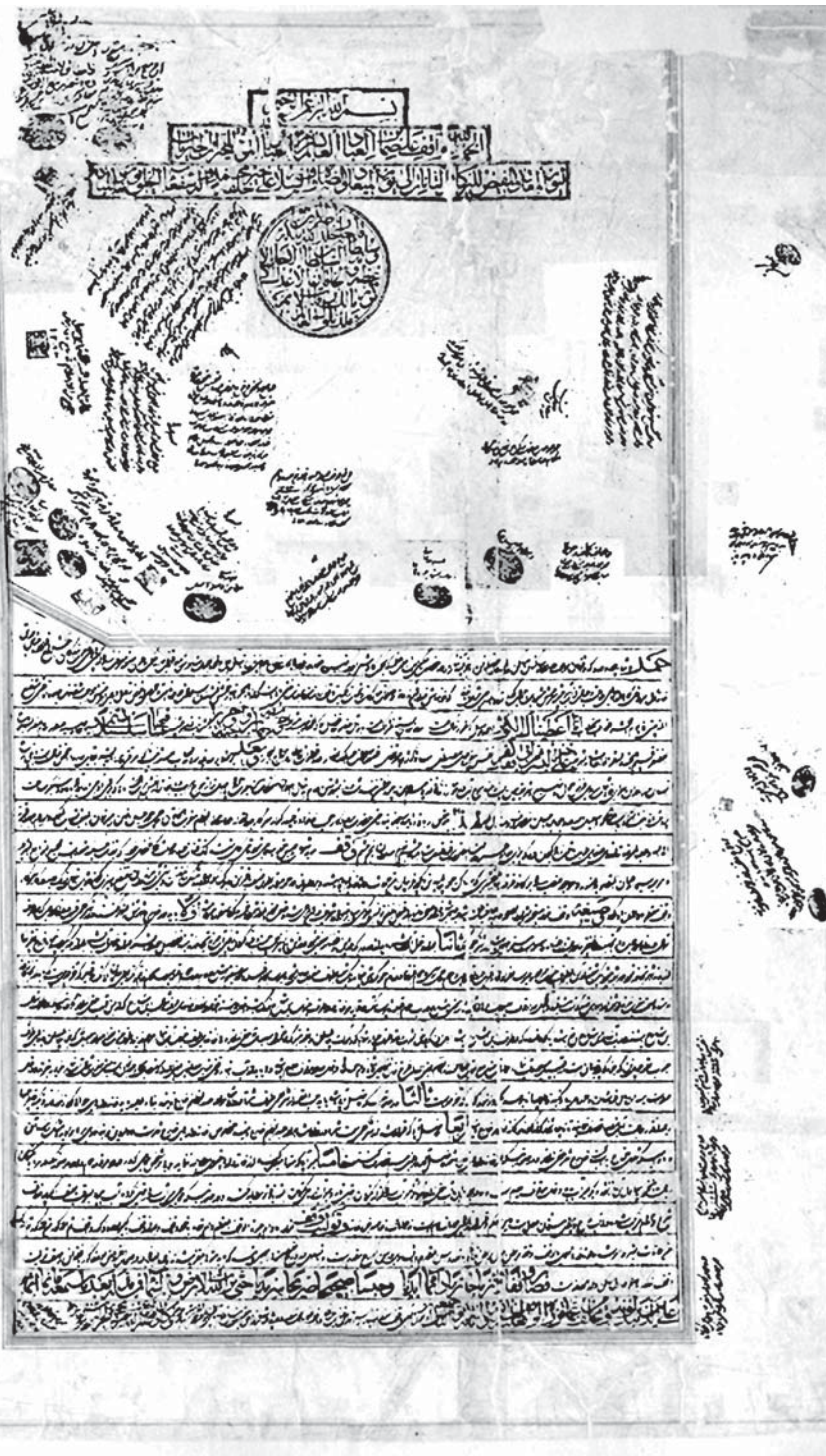


فرموده حیاض وحدایق / خانه دل هر عاقل کاملی از مجاری طاعت و عبادت از آب سرچشمه معرفتش مشروب و سیراب کرد تعالی الله زهی به تمثیل و مانند که خوانندش خدا و... ندانند و صلوات مبارکات و تحیات زاکیات وقف روضه منوره جناب ختمی مآبی است که از ماء الحیاء انهار حجتش نوشند سبب سعادت دو جهانی است و حرومی از قبض زلال ولای اهل بیتش موجب شقاوت جاودانی اعنی شفیع / المدنیین فی یوم المحشر المخاطب به خطاب انا اعطیناک الکوثر (شنگرف) احمد مرسل که خرد خاک اوست هر دو جهان بسته فتراک اوست و برآن عظیم الافضال او که مخصوصند به شریف و... به ما صبروا و جنت حریرا (شنگرف) و مشروبند از سرچشمه عیناً فیها تسمى سلسبیلأ (شنگرف) سیما علی وصیه المطهر الامام المظفر الشجاع / ... قسیم الجنة والسقر الوارث فی ید الشریف علی خیر البشر من ابی فقد کفر (شنگرف) نفس بی ... مصطفی ساقی کوثر علی مرتضی فعلیهم صلوات الله الملك الغفار عدد قطرات الامطار و امواج البحار و بعد (شنگرف) بر ضمایر صافیة اولوالالباب مستور نیست که هر آفریده را اندیشه بقای جاودانی محض خیال است و بنی نوع انسان را در این فانی ثیاب سرمدی فرض مجال و ضیع و شریف چون پست و بلند موج آب در جویبار زندگانی چون پست و بلند موج آب در جویبار زندگانی از پی هم روان و پیر و جوان مانند شب و روز به شهرستان عدم بدنبال هم دوان متکلکات این عبرت سرای پی اصل تراز موج پیراست و پی بقا تراز نقش سراب است مالی که برای آدمی ابد الابد باقی و دستگیر ساعت / ... اذا به لغت تراقی باشد آن باشد که فی سبیل الله در وجوه بر و احسان مصروف و مبذول گردد لهذا (شنگرف) به توفیق ربانی و تأیید سبحانی بنده حقیقی حضرت پروردگار محب خانواده حیدر کرار سرکار جلالتمدار عمده الامراء العظام مقرب الخاقان حاجی محمد حسین خان امیر تومان الملقب به شهاب الملك دام ایام اجلاله قربة / الی الله و طلباً لمرضاة از روی صفای طینت با نیت زیاد کردن دعاگو برای دوام عمر و دولت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه حشم خدم سلطان انجم

چشم وقف (شنگرف) مؤبد شرعی و حبس مخلد اسلامی نمود تمامی کل ششدانگ قنات جدید الاحداث ملکی مختص خود را که به قنات حسینیّه مشهور است به جمیع توابع الشرعیه والرسمیه سیما الاعیان المنصوبه المنسوبه والموجود للنصب را بر کافه فرقه اثنی عشری که ساکن محله چال میدان و کوچه غریبان من محلات دارالخلافه الباهره باشند و بر واردین دو محله مرقومه بطریق صنف یا غیر آن و بر کسانیکه ... و مشک و مانند آن دستی آب ببرند و از آن منتفع و سیراب گردند و ثواب این عمل بزرگ عاید روزگار سرکار واقف معظم و والدین او گردد و صیغه (شنگرف) وقف مزبور مجتمعه به شرایط الصحة جاوید الاحتیاطات شرعیه جاری شد و قواعد صحت و لزوم از قبض و اقباض تولیتی و حکومتی و سایر ضوابط شرعیت در آن مرعی شد و ضمن العقد المزبور شروط خمسّه مذکوره مقرر و مشروط شد اولاً (شنگرف) باید در خارج شهر شق النهر بکنند و از شتر گلوی قرب دروازه دولاب که در طرف شمال دروازه دولاب و از آنجا به دروازه ... دویست ... فاصله است مستمراً حایل باشد ... ثانیاً (شنگرف) بعد از دخول آب مزبور به شهر باید از حدودی که در این وقفنامه معین می شود و در این تاریخ بی زحمت پست و بلند کردن زمینی آب می برند تجاوز ندهند تفصیل حدود آنست که بعد از دخول آب به شهر بعد از آنکه یکصد و پنجاه ذرع تقریباً / از بدنه شهر تجاوز نمود که شعبه می شود یک شعبه از آن بطرف جنوب می رود و میرسد به قراولخانه قریب دروازه دولاب و حمام حاجی موسی و حمام فیروزآباد در تمام محله گردش می نماید و یک شعبه بطرف مغرب جاری می شود و میرسد به حمام قبله و بخط مستقیم از شارع عام درب حمام قبله می رسد به حمام خانم و تکیه لوطی علیخان الی تکیه ملا قدیر که آخر حدی است که باید از آنجا تجاوز / ندهند و به سمت مغرب نبرند از شعبه اولی به هر موضوع که آب بنشیند داخل حد موقوف علیه است ولی از شعبه ثانیه یعنی از شارع درب حمام قبله تا برسد به تکیه ملا قدیر هر خانه که در طرف جنوب این شارع بزرگ است داخل حد است تا آخر حدود به



خلاف خانه‌های طرف شمال این شارع که از این آب حقی ندارند که خانه‌هایی که در طرف شمال / این شارع باشند و درب آنها در این شارع واقع باشد یا کوچه بنده که در طرف این شارع باشد اهل آن کوچه حق الشرب دارند و طرف غربی و طرف شمال و غربی گود بزرگ چال میدان و بقعه متبرکه امامزاده اسماعیل حقی ندارند ولی خانه‌های طرف جنوب آب انبار مرحوم و زیر و طرف جنوب بقعه امامزاده اسماعیل که جزء چال میدان و بناهای طرف / جنوب بقعه چهل تن که جزء کوچه غریبان است از قبیل مسجد و آب انبار و عمارات جناب جلالت مأب عمده الوزراء الفخام امین الدوله فرخ خان غفاری کاشانی دام مجده العالی داخل حدود موقوف علیهم می‌باشد ولی باید از آب انبار وقفی جناب جلالت مأب امین الدوله که متصل به حمام مهدیخان است به سمت مغرب و شمال آب انبار مزبور نبرند و داخل / حدود است میدان مال فروشان و محله عرب‌ها و تکیه قاطرچیها تا برسد به گود زنبورکخانه که آخر حد است ثالثاً (شنگرف) در صورتیکه فاضلابی باشد باید حسب المقرر از شتر گلوی طرف شرقی دروازه شاهزاده عبدالعظیم خارج نمایند بناء الیه باید خانه وارهایی حوالی گود زنبورکخانه و تکیه قاطرچیها / زیاده از قدر حاجت آب مزبور را تصرف ننمایند تا ناچار شوند که از گود زنبورکخانه... خارج نمایند رابعاً (شنگرف) فاضلابی که قرار شد از شتر گلوی شرقی دروازه شاهزاده عبدالعظیم خارج نمایند مخصوص خانوارهای خارج شهر است و واردین بر آنها و ... برآویه و مشک و مانند آن / و مادامی که شهری محتاج به آب است خارج شهر حقی ندارند و در صورتی که از خانوارهای خارج شهر فاضلاب را ... تصرف کنند خامساً (شنگرف) میرآبی که متولی ... از خانوارها چیزی مطالبه ننماید ولی هر شخص حمامی که در حدود مرقومه حمام دارد در صورتی که در هر ماه یک تومان / ریال ۲۶ نخود یا معادل آن از نقد دیگر به میرآب بدهد داخل موقوف علیهم است والا در بردن این آب حقی ندارد مگر آنکه میرآب را به کمتر از یک تومان راضی نماید و میرآب از ماهی یک تومان البته زیاده‌تر مطالبه نکند و در صورتی که حمامی



Handwritten marginal notes on the right side of the page, providing additional commentary or corrections to the main text.



میرآب را راضی نکرده آب ببرد به سرقت یا به عنف اگر چه خلاف / شرع و حرام مرتکب شده ولی آب ... برای مسلمانان حلال است و این حکم و قرار از برای حمامات عام است نه حمامات خاصه جزء خانه و تولیت وقف (شنگرف) مزبور مادام الحیاء الواقف المعظم دام بقاه با خود واقف و بعد از واقف با کبیر اولاد ذکور واقف ثم الذکور من الذکور ثم الذکور / من الاناث به شرط الرشد والوثاقه فی العمل با توقف و تقدم بطن اول بر بطن ثانی و با ... سن مقدم و با تساوی در سن اورع مقدم است و با تساوی در ورع به قرعه متولی را معین نمایند که باید متولی یک نفر باشد نه زیاده والعیاذ بالله در صورت انقراض اولاد ذکور یا فقدان وصف تولیت / وقف مذکور به اعلم عادل ساکن دارالخلافه است فصار وفقاً لازماً جازماً دائماً ابدياً و حبساً صحیحاً صریحاً سرمدیاً حتی یرث الله الارض والسماء فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمأ / علی الذین یدلونہ و تخلف من عمأ قرره الواقف وعلیه العنة الله و ملائکته والناس اجمعین و به عون الهی واقف معظم آسیایی بر سر نهر این قنات می سازد و وقف می نماید به جهت تنقیه و لارویی قنات مزبور و حق معتبری از منافع آسیا برای متولی غیر خود قرار میدهد به شرح و قفنامچه علیحده و کان وقوع المراتب فی ۱۹ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۳ محل مهر سرکار عظمت مدار مقرب الخاقان حاجی محمد حسین خان شهاب الملک دام اقباله واقف مزبور

سجلات سمت چپ از بالا

۱. این فرع مطابق با اصل معتبری است که مشحون و مزین است به دستخط مبارک و مزین است به خاتم علمای اعلام کثره الله امثالهم و کمال صحت و اعتبار... فی ۳ شهر ... ۱۲۸۴ سجع مهر: عبده زین العابدین بن ابوالقاسم حسنی الحسینی (سجل مطابقه ای)
۲. بسم الله تعالی شانہ عزیز - اصل این ورقه مشحون [ناخوانا] ذا مطابقه لاصله المعبر متناو... فی ۲۳ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۴ مقابله شد بین [ناخوانا] صحیح

- است. سجع مهر: عبده سيد مرتضى ابن حسين الحسينى؟ (سجل مطابقيه اى)
٣. هو الله تعالى - قد قبول مع اصله المعتبر المسجل المحتوم به خط وخاتم . به خط مجتهدين اعلام فوجدا مطابقين - مهر مربع كاملا ناخوانا (سجل مطابقيه اى)
٤. هو الله تعالى - قد وقع صيغه وقف ال... مستغنيه عن التوصيف والتجديد بتوابعها على كافيه الشيعة الاثني عشرية المشتمله على التفاصيل والشروط مفصله بالنيه الى الموقوف عليهم والمتولى النظر فى الوقف بتوكيل من الواقف زيد اجلاله مع رعايت غايت الاحتياط فى صحه الوقف ولزومه وحصول الاقباض والقبض الشرعى ... من الله سبحانه وتعالى ان يجعل ثمره هذا الخير الباقي استدامه دولت سلطانن سلطان السلاطين العالم اطال الله ظلال الرأفة على رؤس الانام به حق محمد واله السادة كرام فى ١٩ شهر ذىحجه الحرام سنه ١٢٨٣ (سجل وقوعى)
٥. مطابق لاصله المعتبر المشتمل على ... جميع من الاعلام فى تابع ما فى ال... ١٢٨٤ - مهر مربع با سجع : العبد الاثم ابوالقاسم ١٢٧٦ (سجل مطابقيه اى)
٦. مطابق لاصله المعتبر حرره ٣ ربيع الثانى ١٢٨٤ مهر بيضى با سجع : المحتاج الى ربه الغنى على الاعلى؟ (سجل مطابقيه اى)
٧. هو الله تعالى شاناه مطابق لاصله المعتبر حرره ربيع الثانى مهر مربع ناخوانا (سجل مطابقيه اى)
٨. الظاهر مطالعه هذه الورقه به ورقه اخرى مسجله و مشهوره به مهر جميع من اعيان العلماء و غيرهم ... النعل بالنعل وانفده بانفده حرره مهر بيضى با سجع : يا هادى المضلين - مهر بيضى: عبده محمد بن محمد جعفر (سجل مطابقيه اى)
٩. بسم الله تعالى - قد وقع الوقف المسطور الجامع لجميع الشرايط الصحه من القباض والقبض وغيرهما والتزامات المسطوره مع التفصيل المسطور لدى فى ١٩ شهر ذىحجه الحرام سنه ١٢٨٣ محل خط شريف و مهر منيف جناب شريعتما ب عمده الفقهاء زبده ال.... وقدوة المجتهدين ملجأ الاسلام والمسلمين سركار آقاى حاجى ملا هادى مدرس طهرانى زيد فضله العالى (سجل وقوعى)

۱۰. هو مطابقه لاصله المعتبر الاصيل حرره ۴ ربیع الثانی ۱۲۸۴ مهر مربع با سجع :
الراجی الی الله محمد حسن (سجل مطابقه ای)
۱۱. بسمه تعالی ذا واصله سیان حرره الراجی عفو ربه مهر مربع با سجع: عبده
الراجی جعفر بن (سجل مطابقه ای)
۱۲. بسم الله تعالی مطابقه لاصله الاصيل مهر بیضی با سجع: عبده الراجی محمد
علی (سجل مطابقه ای)
۱۳. بسم الله تعالی ذا واصله سیان حرره الجانی مهر بیضی با سجع: محمد باقر بن
محمد امین (سجل مطابقه ای)
۱۴. ذا مطابق لاصله حرره مهر بیضی با سجع: الحق مع علی ومع اعلی؟ (سجل
مطابقه ای)
۱۵. وقع ما فيه كما فيه حرره محل خط و مهر جناب مستطاب حقایق اداب فضایل
ماب الحاج ملا اسدالله کاشانی (سجل وقوعی)
۱۶. محل مهر جناب جلالت ماب شوکت و مجدت نصاب زبده الامراء والکرام
عباسقلی خان ... الملک دام اقباله
۱۷. محل صحه مبارک اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی جلالت امید گاه؟ روحنا
فداه اطال الله طلال فيه علی رؤس الانام محمد واله
۱۸. سواد مطابق اصل است. مهر بیضی با سجع : الراجی محمد جعفر بن محمد
صادق (سجل مطابقه ای)
۱۹. هو- بر وقف صحیح شرعی نمود مقرب الخاقان حاجی شهاب الملک قنات
مزبوره مفصله ذیل را مرضات الله به جهت حصول دعای خیر بر بقای دولت
روزافزون اینجناب استحضار دارم محل خط شریف و مهر جناب جلالت ماب
...الرفعه والعظمه والاجلال...الوزراء العظام سرکار جلالتمدار یمین الدوله زید
اجلاله العالی و محل مهر سرکار عظمت و رفعت اقتدار شوکت و مجدت نصاب
موتمن السلطان آقا میرزا محمد هاشم خان امین خلوت دام اقباله

هامش راست از پایین

۱. قد وقع ما فيه كما فيه لدى اقل حاج على نقى كاشانى محل خط و مهر عاليجناب حاجى على نقى تاجر كاشانى (سجل وقوعى)
۲. قد وقع الوقف المرقوم به ما رقم فيه لدى انا اقل الحاج موسى طهرانى فى ۱۹ شهر ذى الحجه سنه ۱۲۸۳ محل خط و مهر عاليجناب محامد ادات حاجى موسى تاجر كتاب فروش طهرانى (سجل وقوعى)
۳. اقل الحاج والسادات هاشم الحسينى طهرانى ۲۱ ذیحجه سنه ۱۲۸۳ محل مهر و خط حاجى سيد هاشم طهرانى
۴. بر وقوع وقف مزبور به نحو مسطور در متن شهادت دارم صحيح است وخلافى ندارد محل خط و مهر عاليجنابان معلى جايگاهان عزت و سعادت همراهان زبده الانتباهان صفر عليخان و حاج محمد ابراهيم خان واقف مزبور دام اقباله . مهر بيضى: ناخوانا (سجل وقوعى)
۵. سواد مطابق اصل است محل مهر ...

- درگاه صادق... واقف - مهر بيضى :
- هو الوعهه صادق (سجل مطابقيه اى)
۶. انا شاهد على ذلك محل مهر و خط جناب شوكت و مجدت نصاب جناب مقرب الخاقان آقا محمد ناصر خان ظهير الدوله دام اقباله العالى (سجل شهودى)
۷. الامر كما رقم - مهر بيضى : الراجى على الحسينى

منابع:

۱. شرح رجال، مهدى بامداد، ج ۳، تهران، زوار، ۱۳۷۸.
۲. سرگذشت تهران، حسين شهيدى مازندراني، تهران، دنيا، ۱۳۸۴.
۳. دانشنامه آزاد ويكى پديا.

مجموعه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و موقوفات آن

مهدی بختیاری^۱

چکیده:

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، ملقب به سید الکریم با کنیه ابوالقاسم می باشد که نسب وی با چهار واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد.

در مجموعه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، دو مقبره دیگر، به نام بقعه امامزاده حمزه علیه السلام و بقعه امامزاده طاهر علیه السلام، وجود دارد. این مکان مقدس از گذشته تا امروزه مورد توجه اهالی و زائرین و پادشاهان بوده است و در دوره های مختلف تعمیرات یا بناهای الحاقی به آن افزوده شده است. در این مقاله ابتدا به معرفی بخش های مختلف این مجموعه از لحاظ هنر و معماری و سپس به بررسی موقوفات آن پرداخته می شود.

کلید واژه ها:

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، شهر ری، امامزاده حمزه علیه السلام، امامزاده طاهر علیه السلام، موقوفات.



حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و امامزاده حمزه و امام زاده طاهر علیهما السلام

مقدمه

شهر معتبر در اقلیم شرق اسلام به شمار می‌رفت تا جایی که نویسنده کتاب احسن التقاسیم آن را عروس شهرها و سکه جهان اسلام نامیده است. ری پس از فراز و نشیب‌های فراوانی که در طول تاریخ پشت سر گذاشت در سال ۶۱۷ هـ.ق توسط مغولان به طور کامل تخریب شده است. هر چند از زمان صفویه به بعد این شهر بزرگ، جمعیتی را در خود دید و رونق گرفت اما هرگز به عظمت گذشته خود دست نیافت.^۴

منطقه ری در جنوب شهر تهران و در منطقه ۲۰ شهرداری تهران قرار دارد و در ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی واقع شده است.^۲ قدمت تاریخی این منطقه به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و نام ری در کتب تاریخی به صورت «راگس»، «گرغه»، «رگا»، «رغ»، «رک» و «ری» ذکر شده است.^۳ در دوره اسلامی، ری یکی از سه

جده مادری وی لبابه از بنی هاشم و دختر عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب است. لبابه ابتدا همسر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بود که پس از شهادت ایشان به همسری زید بن امام حسن علیه السلام در آمد و از وی حسن الامیر به دنیا آمد.^۵

تاریخچه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام

بنای اولیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، در مسجد شجره ری، در بدو وفات آن

این منطقه دارای آثار تاریخی و مذهبی بسیاری است که مهم‌ترین آن مجموعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌باشد که در این مقاله مورد مطالعه و پژوهش قرار داده شده است.

شجره طیبه حضرت عبدالعظیم علیه السلام

نسب حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چهار واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می‌شود: حضرت عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن الامیر بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام.



حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و امامزاده حمزه و امام زاده طاهر علیهم السلام تصویر قدیمی

حضرت، ساخته شده است، زیرا اکثر مورخان وجود مزاری را در سنه ۲۵۲ هـ.ق در ری ثبت نموده‌اند.

نخستین ساختمان بقعه در نیمه دوم قرن سوم هجری توسط محمد بن زید داعی علوی تعمیر اساسی یافت و درگاه این بنا نخست به امر پادشاهان آل بویه و سپس به همت مجدالملک قمی وزیر برکیارق در فواصل ۴۸۰ تا ۴۹۰ هـ.ق آذین بندی گردیده است. در سال ۱۳۴۷ هـ.ق هنگام تعمیر و تزیین رواق شمالی آستان، آثار سردر قدیمی با کتیبه‌های کوفی بسیار شیوا و آجرکاری‌های بسیار زیبای دوره سلجوقی در جوانب سردر کنونی پدیدار گردید و کتیبه آن به نام سید شمس الدین محمد الملک مشی الدوله ابوالفضل اسعد بن موسی نمودار شد. می‌توان گفت: ساخت بنای حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام از سال ۲۵۲ هـ.ق شروع و در دوره‌های بعد به خصوص سلجوقی، صفوی، قاجار و در دوره جمهوری مقدس اسلامی الحاقاتی به آن افزوده شده است.

توصیف معماری

مجموعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام از بخش‌های گوناگون تشکیل گردیده که به توصیف هر یک از آنها می‌پردازیم:

صحن‌های حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام

حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام دارای سه صحن می‌باشد:

الف) صحن بزرگ: این صحن در قسمت شمالی حرم مطهر قرار دارد و امروزه محل تردد و ورود زائران می‌باشد. این صحن در زمان ناصرالدین شاه بنا شده و از طرف شمال به بازار و از جنوب به حرم و از طرف غرب به باغ طوطی و صحن غربی راه دارد.

ب) صحن باغ طوطی: محل این صحن قبلاً مدرسه دینیه بوده و طلاب علوم دینی در آن تحصیل می‌کرده‌اند. بانی مدرسه محمد ابراهیم امین السلطان بوده است. این مدرسه در تاریخ ۱۲۹۹ قمری دایر بوده و کتابخانه هم داشته که در سال‌های بعد مدرسه تعطیل

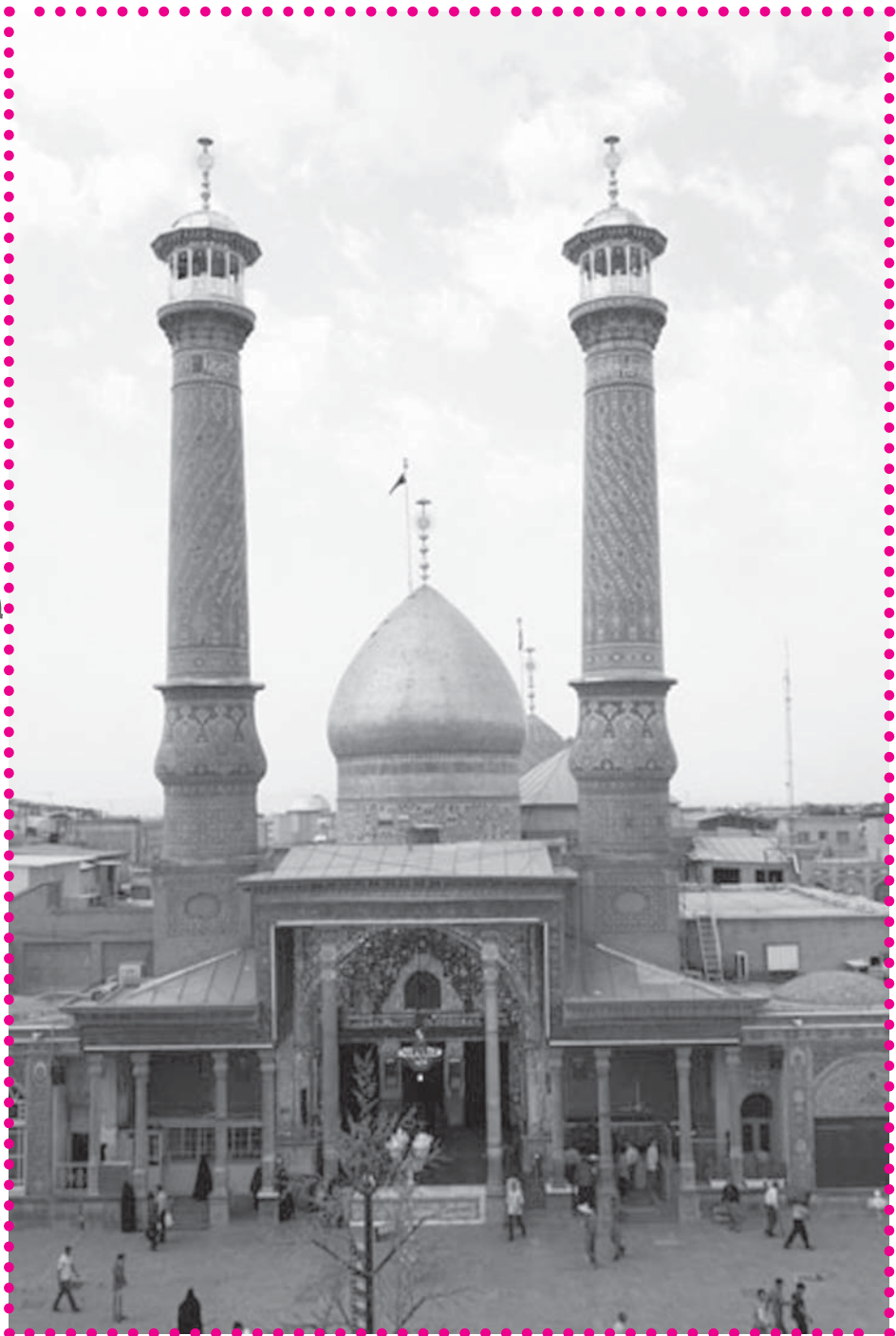
وقف میراث جاویدان



شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲



۱۴۱



صحن شمالی (عتیق)

می‌گردد و حجره‌های آن تبدیل به مقبره می‌شود.

ج) صحن غربی: این صحن به دلیل قرار گرفتن قبر ناصر الدین شاه قاجار در این صحن، در گذشته به نام صحن ناصری مشهور بود ولی اکنون به نام صحن آیت الله کاشانی نام‌گذاری شده است.

ایوان شمالی و مناره های آن

این ایوان در زمان قاجاریه توسط میرزا آقاخان نوری، صدر اعظم معروف، بنا شده و دارای تزیینات آینه کاری می‌باشد. ارتفاع تقریبی ایوان ۱۲/۵ متر و دارای ۱۰ ستون سنگی کنده کاری شده می‌باشد.

در دو طرف ایوان شمالی، دو مناره زیبا به ارتفاع ۲۴ متر با تزیینات کاشی کاری زیبا مزین شده است.

رواق های حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام

حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام به جهت مدفون بودن دو امامزاده (امامزاده حمزه و امامزاده طاهر علیه السلام)

در مجاورت آن، دارای رواق‌ها و راهروهای متعددی است که به صورت زیبا با آینه کاری، گچ‌بری و کاشی کاری مزین گشته است.

رواق شرقی حرم، در زمان صفویه در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی در سال ۹۴۴ ه.ق ساخته شده است. رواق شمالی بین حرم مطهر و ایوان شمالی قرار دارد و اکنون راه ورودی حرم می‌باشد.

در بخش غربی حرم، رواق بزرگی



راهرو های اتصال حرمین شریفین

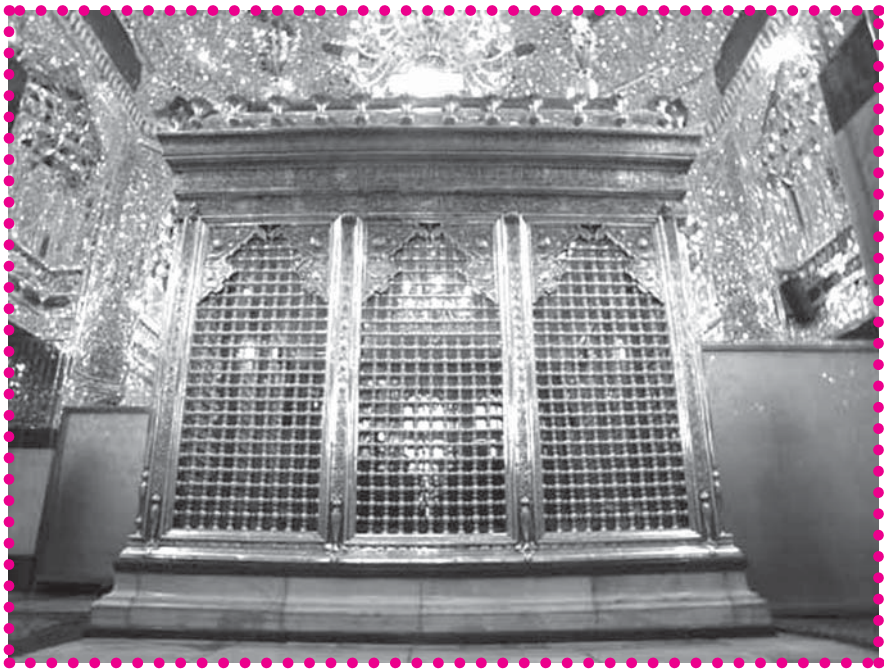
ارتفاع گنبد از سطح بام ۱۴ متر می باشد که در زمان ناصر الدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۰ هـ.ق طلاکاری گردیده و از ۱۳۰۰۰ خشت طلا استفاده شده است.

چند بیت از اشعار شمس الشعرا
سروش با خط طلائی بسیار زیبا به
مضمون زیر در آن نقش بسته است:
تبارک الله در عهد دولت سلطان
فراشته است سروین به گنبد گردان
قویم دولت اسلام ناصرالدین شاه

قرار دارد که راه دسترسی به حرم امامزاده حمزه علیه السلام می باشد و دارای تزیینات آینه کاری می باشد.

گنبد حضرت عبدالعظیم علیه السلام

گنبد حرم بر طبق اسناد و مدارک تاریخی در سال ۵۱۵ هـ.ق ساخته شده است. این گنبد در زمان محمد بن زید داعی بنا شده و در دوره آل بویه و سلجوقیان تعمیراتی در آن صورت گرفته است.



ضریح حضرت عبدالعظیم علیه السلام

ابوالمظفر خورشید خسروان جهان...
هزار و دو صد و هفتاد رفته از هجرت
فزوده گشت از این قبه قیمت و زروکان

ضریح و صندوق حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام

ضریحی که امروزه بر روی قبر آن
حضرت قرار دارد در زمان فتحعلی
شاه ساخته شده و تاریخ نصب آن به
سال ۱۲۲۲ ه.ق می باشد. این ضریح
در زمان ناصرالدین شاه قاجار مرمت
شده و یک بار دیگر در سال ۱۳۲۰

خورشیدی به دستور تولیت آستانه
تعویض گردید.

در حاشیه بالای ضریح کتیبه ای به
خط ثلث با مضمون سوره الرحمن
و حاشیه آن با اشعار فارسی به خط
نستعلیق تزیین یافته است. نام فتحعلی
شاه در ضلع غربی ضریح و نام
ناصرالدین شاه در وسط ضلع شمالی به
چشم می خورد. همچنین نام صنعتگران
در چهار گوشه حاشیه پایینی فوق الذکر
بدین قرار ذکر گردیده است: «عمل



صندوق مضع حضرت عبدالعظیم علیه السلام

استاد محمد زرگرباشی تعمیر حاجی محمد مهدی زرگر و ولدان خیر الحاج آقا بزرگ زرگر نبیره استاد ملک محمد رشتی کتبه رضا قلی به سرکاری میرزا رضا قلیخان تفرشی».

صندوق حضرت عبدالعظیم علیه السلام علاوه بر جنبه تیمن آن، یکی از آثار تاریخی بسیار نفیس می باشد. طول این صندوق ۲/۵۸ متر و عرض آن ۱/۵ متر و ارتفاع آن ۱/۲۰ متر می باشد. در اطراف صندوق کتیبه‌هایی از آیات قرآنی، احادیث و همچنین زیارتنامه‌ای شیوا و صلوات کبیر با خط نوشته شده است.

دو کتیبه به خط نسخ مربوط به دوره ایلخانی بر روی صندوق فوق به چشم می خورد. مطابق کتیبه‌های فوق معلوم می شود، خواجه نجم الدین محمد که از وزرای عهد خود به شمار می رفته است، در سال ۷۲۵ هـ.ق مصادف با پادشاهی سلطان ابو سعید خان ایلخانی، بانی بقعه و صندوق مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام شده است.^۶

موقوفات آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام

آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در طول قرون دارای موقوفاتی بوده که افراد خیر و علاقه مند، درآمد آن را اختصاص به صرف انجام امور آستان نمودند که موارد مصرف هرکدام به نوبه خود توسط واقفین در وقفنامه‌ها ذکر گردیده است. انجام عمل خیر وقف، پس از وفات محدث علیم، حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام شروع گردیده است و اولین آن باغی است، که عبدالجبار و برادرش بعد از دفن آن حضرت وقف نمودند.

به طور اجمال موقوفات آستان به دو دسته تقسیم می گردد:

الف) موقوفاتی که از ابتدای دفن حضرت تا زمان شاه طهماسب صفوی وقف گردیده است.

ب) اقلامی که در زمان شاه طهماسب صفوی تا عهد قاجاریه به موقوفات قبلی اضافه شده است.

لازم به ذکر است، از مجموع موقوفات قدیم و جدید فعلاً بیش از



هشت مورد آن در تصرف آستان مقدس نمی باشد که عبارتند از: الیمان، علایین، ده خیر، سینک، هوسنه، خلایزیر، مافتان و خورایین. بقیه آنها یا به غارت رفته و یا در سه دوره تاریخی مورد تجاوز قرار گرفته است.

ابتدا به دستور نادرشاه افشار، موقوفات جهت اداره قشون، جمعی خالصه دولتی گردید. سپس در زمان پهلوی اول در راستای مخالفتی که وی با علما داشته و اکثر آنان متولیان موقوفات بودند، املاک موقوفه را منظم به خالصجات نموده و اغلب آنها را به ثمن به خس به ایادی خود فروخت. آخرین بار نیز پس از اصلاحات ارضی دوران حکومت محمدرضا شاه، موقوفات باقی مانده با اقساط ده ساله به طور رسمی به مستأجرین فروخته شد، که پس از انقلاب اسلامی، به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسناد آنها باطل اعلان گردیده و موقوفات به جایگاه اصلی خود بازگشت.

الف) موقوفات آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام تا قرن دهم

اولین مدرک موجود از موقوفات آستان تا قرن دهم استشهادیه زمان شاه طهماسب است و اسامی مندرج در آن استشهادیه سال ۹۶۱ هـ.ق که به تأیید عده‌ای از علما و بزرگان ری رسیده و شاه طهماسب صفوی آن را تأیید نمود و ۱۶ موقوفه در آن ذکر گردیده است و به قرار زیر است:

۱. مزرعه علایین: در بلوک (منطقه) غار ری، از راه فرعی عراق عجم یکی از مهم ترین مزارع و موقوفات حضرتی است که از کهن ترین آبادی های ری بوده و از نهر چشمه علی آبیاری می شده است و تمام شش دانگ آن را سید شرف الدین حسین وقف نموده ولی پس از مدتی، سه دانگ آن را متصرف گردیدند که شخصی معروف به دُر سلطان بنت علی پس از اثبات وقفیت آن، تولیتش را به اولاد سید شرف الدین قبل الذکر داده که وی درآمد دو سوم آن را صرف آستان مزبور، خدام، حفاظ،

مؤذن نموده و یک سوم عواید آن را به عنوان حق التولیه مصرف نماید، بدین معنی که ملک متعلق به موقوفه ولی درآمد یک سوم آن حق التولیه. قرن‌ها بدین منوال بوده تا احفاد تولیت قبلی آن یک دانگ را به نام خویش ثبت داده که از جمع شش دانگ وقفی آستان خارج و اکنون نیز پنج دانگ از مزرعه علایین موقوفه آستان می‌باشد و آن یک دانگ مالکین دیگری دارد در صورتی که در استشهادیه سال ۹۶۱ که به تأیید شاه طهماسب رسیده، تمامی شش دانگ مزرعه علایین موقوفه است و مدرک آن نیز موجود می‌باشد.

۲. مبارک آباد: در اسناد موجود مزرعه خیرآباد یا مبارک آباد این گونه آمده: «مزرعه ای است که بقعه در آن واقع می‌باشد و طغرل نامی آن را وقف بر آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام نمود». پس از وقف، نام آن مزرعه از مبارک آباد به خیرآباد تبدیل گردید. تا آنجا که قرائن نشان می‌دهد، موقعیت این موقوفه از شمال محدود است به

انتهای حسین آباد فعلی، از جنوب به بهشتی و عمادآور، از شرق انتهای ظهیرآباد و علایین و از غرب به ابتدای ولی آباد فعلی. به طور یقین حسین آباد به بهشتی، ظهیرآباد و علایین به ولی آباد متصل نبوده، در میان این چهار جهت، حلقه اتصالی وجود داشته و آن، خیرآبادی است که بقعه در آن واقع است. این مزرعه از ابتدای وقف شامل تاکستان‌ها و باغات میوه و سبزی بوده و خوشبختانه ضمن آن که هنوز باقی مانده آن، به صورت باغ است، دو دلیل دیگر نیز برای اثبات این مدعا وجود دارد:

الف) طوماری که سال ۹۵۰ هـ.ق مسوولین وقت آستان، تقاضاهایی از شاه طهماسب صفوی نمودند که یکی از آنها تعمیر دیوار چهارصد جریب از باغات آستان (باغات خیرآباد) با اعتبار مشخصی که وی موافقت ننموده است.

ب) دلیل دیگر نقشه یک دوهزارم ری فعلی است و در آن کاملاً مشهود

است که منطقه وسیع اطراف بقعه متشکل از باغاتی است که در خیرآباد واقع بوده و پس از باغات، مزارع غلات شروع می‌شود که آنها همگی در آبادی‌های ظهیرآباد، علایین، حسین آباد، بهشتی، عمادآور و ولی آباد قرار دارند.

۳. مزرعه مافتان: در بلوک (منطقه) غار ری که امروز مافتون نامیده می‌شود، جزو بلوک شرقی است و در مجاورت کهریزک قرار دارد و به علت احداث پالایشگاه و بهشت زهرا در مجاورت آن، به شهر متصل گردیده است. و این نصف شش دانگ را خواجه امیرقباد و نصف دیگر را امیر فولاد قیا وقف نموده‌اند.

۴. مزرعه ایرین: در بلوک (منطقه) غار ری از راه فرعی عراق عجم در ۲۵ کیلومتری جنوب تهران معروف به ایرین چیچکلسو واقع است که از شش دانگ، یک چهارم را سید شرف الدین حسین و سه چهارم دیگر را کیا ابوالقاسم بن کیا جمال الدین تهرانی بر آستانه وقف

نموده‌اند.

۵. مزرعه بی بی مریم: در بلوک (منطقه) غار شرقی که یازده کیلومتر با شهرری فاصله دارد واقع می‌باشد، که از کل شش دانگ، یک سوم را امیرقباد وقف آستانه نموده و دو سوم محصول آن به مستحقان و در راه ماندگان برسد. این مزرعه هم اکنون موجود بوده، البته نه جزء موقوفات آستان.

۶. مزرعه سیدعبدالله ایض: که اکنون به کلی در محدوده شهرری واقع شده است و همان بلوک (منطقه) غار ری می‌باشد. از کل شش دانگ، نصف آن را میرغیاث الدین محمود میرکمال وقف نمود که یک سوم آن را متولیان متصرف شوند و باقی به فقرا و مستمندان و صادرین و واردین برسد. و این مزرعه نیز از وسعت زیادی برخوردار است که اغلب املاک مسکونی و مؤسسات فرهنگی پشت امامزاده عبدالله متعلق به همین موقوفه می‌باشد.

۷. مزرعه عین آباد: بهنام ری، بهنام یا



ضریح امامزاده طاهر علیه السلام

مذکور را پیرعلی به کلی وقف کرده و شرط نموده یک پنجم آن را تولیت تصرف نماید و باقی را بعد از خرج قنات‌ها و مسایل زراعتی، در آستانه به مصرف فقرا و مستمندان برسانند. ۸. مزرعه استرووه: از بلوک (منطقه)

بهنان دهستان معتبری بود در شرق ری که شامل شصت ده که ورامین یکی از آنها به شمار می‌رفت. امروز از این دهستان، تنها دهکده‌ای به نام بهنام سوخته باقی مانده که جزو بلوک خوار است. شش دانگ مزرعه



ضریح امامزاده حمزه عليه السلام

ضروریات آستانه برسد.
 ۹. یک قطعه باغچه: واقع در وسفناز
 غار که جزء بلوک (قطعه) غار غربی
 است که در جنوب غربی تهران،
 بیرون دروازه، سر راه ساوه متصل به
 شهر بود و اکنون به کلی جزو شهر
 تهران شده است. به هر صورت
 مالکیت ارضی آن جزء موقوفات
 آستان می باشد که در تصرف دیگران
 است. کل شش دانگ آن را حسین
 خان روملو وقف نمود که یک سوم

سیورقرج که بین خوار و دماوند قرار
 داشته و از بزرگ ترین دهستان های
 ری که شامل نود ده بوده است
 که قوه، شندر، ایوان کیف از آن
 جمله بوده است. امروز از آن مزارع
 و دهات، تنها نام ایوان کیف باقی
 مانده و استروهه یا آبروهه هم وجود
 ندارد. کل شش دانگ مزرعه مذکور
 را نواب خلیفه شاهقلی مهرداد وقف
 نموده که یک سوم محصول آن به
 تولیت تعلق دارد و باقی به مصرف

آن مخصوص متولیان و باقی مانده را صرف ضروریات آستانه نمایند.

۱۰. مزرعه آبه: مشهور به ده خیر که جزء بلوک (منطقه) غار شرقی شهر ری و در اراضی ری باستان قرار دارد که تپه میل از آثار ساسانیان در جنوب آن قرار دارد و الان به شهر ری متصل و از معتبرترین موقوفات آستانه است. از شش دانگ مزرعه مذکور، دو دانگ سید شرف الدین حسین وقف نموده و دوسوم محصول آن را صرف ضروریات آستان و بعد از آن به خرج زائرین برسانند و اکنون نیز این موقوفه در تصرف آستان می باشد.

۱۱. مزرعه بند کردان شهریار: که در مجاورت شهر کرج و در سمت غرب آن قرار دارد و به مرور زمان از تصرف وقف خارج شده و بعد از انقلاب اسلامی به آسایشگاه معلولین کهریزک بخشیده شد و قسمتی از اراضی آن را صاحبان به منظور ایجاد یک شهرک صنعتی خریداری کرده اند. از شش دانگ آن دو دانگ آن را

فولاد قیا وقف نموده است.

۱۲. مزرعه شرقی معروف به مزرعه شاهی (چشمه شاهی): از دهات غار غربی است و در شمال ده اندرمان قرار داشت که اکنون اراضی آن به تأسیسات حرم مطهر امام خمینی (رحمت الله علیه) اختصاص یافته است. و کل شش دانگ آن را سید شرف الدین حسین وقف نموده است.

۱۳. مزرعه هوسنه بهنام ری: که از دهستان بهنام باقی مانده و هنوز در تصرف آستانه است. از شش دانگ آن سه دانگش را سید شرف الدین حسین وقف نموده است.

۱۴. مزرعه جلال آباد: واقع در غار ری که محلش معلوم نمی باشد. که از تمام شش دانگ، یک سوم آن را غازی خان تکلو وقف نموده است و باقی آن که چهار دانگ است واقفش مشخص نیست.

۱۵. مزرعه دز: واقع در بلوک (منطقه) غار، در کتابها از دز نام برده نشده، ولی در جنوب ری، آبادی



وسیعی به نام دزآه وجود داشته که اولین منزل بعد از ری به سوی قم بوده و چون این منطقه جزء بلوک (منطقه) غار غربی بوده، بعید نیست که این موضع همان مزرعه دز بوده باشد، که از شش دانگ، دو دانگ آن را سید شرف الدین حسین وقف نموده است.

۱۶. مزرعه سینک: سینک یک مزرعه کوچک در شهریار است که هنوز در تصرف آستانه است.

ب) نام و مشخصات موقوفاتی که بعد از ۹۶۱ هـ. ق وقف آستان مقدس شده، عبارتند از:

۱. مزرعه طاحونه دولاب؛ که شاه سلطان حسین صفوی در سفری که از تهران می گذشت، آن را خریده و وقف امامزاده حمزه علیه السلام نموده است (در جنوب غربی تهران).

۲. قریه ویمکرد؛ در غار ری.

۳. مزرعه محمود آباد شهریار؛ شش دانگ آن وقف شده است.

۴. مزرعه واریز آغاج؛ در بلوک غار

ری که شش دانگ می باشد.

۵. مزارع اسلکه؛ در غار ری، شش دانگ می باشد.

۶. زرگنده؛ در غار ری، شش دانگ می باشد.

۷. چهار هرز (چاله هرز)؛ در غار ری که شش دانگ می باشد.

۸. بالغ آباد؛ در غار ری که شش دانگ می باشد.

۹. نعمت آباد؛ که در جنوب غربی تهران سر راه ساوه (منطقه ۱۹) می باشد.

۱۰. مزرعه خوراذیل (خلایزیر بعدی)؛ با سرزمین های اطراف و قنات ها و نهرها و باغات و غیره که در بلوک (منطقه) غار در جنوب غربی تهران بعد از نعمت آباد سر راه ساوه می باشد که از شش دانگ، (سه و یک چهارم) دانگ مشاعی آن را خانم زینب بیگم، دختر شاه طهماسب صفوی وقف نموده است.

۱۱. روستای مرده آباد شهریار؛ که همان مرد آباد است. شش دانگ آن را شاه عباس اوّل در مقابل نذری



نیست. علت از دست رفتن این موقوفات که بین سال‌های ۱۱۴۰ و ۱۲۶۰ هجری قمری (طی ۱۲۰ سال) یعنی آغاز سلطنت نادرشاه تا اواسط

پادشاهی قاجاریه به وقوع پیوسته، اجمالاً به شرح ذیل است:

هرج و مرج پس از قتل نادرشاه و تاخت و تاز مدعیان مختلف تاج و تخت مانند ابراهیم خان افشار، آزاد خان افغان، علیمراد خان بختیاری، کریم خان زند و آقا محمد خان قاجار، در نواحی ری که همه موقوفات آستان در آن قرار داشت و حکومت ثابتی هم که متولیان را در وصول عواید موقوفه از متجاوزان و مستأجران و مباشران محلی حمایت کند، وجود نداشت.

برخی از موقوفات (قریه زرگنده) توسط پادشاهان نالایق و دست نشانده بیگانه قاجار به بیگانگان بخشیده شده است. برخی دیگر که از زمان نادر شاه به نام خالصه در دفاتر دیوانی ثبت شده بود، در زمان پهلوی اول همراه با دیگر دهات خالصه به مزایده فروخته شدند.^۷

که برای بهبود خود از بیماری در تهران نموده بود وقف، و درآمد آن را صرف اطعام و روشنایی آستانه نمود.

۱۲. کاروانسرای معروف به شاه عباس؛ که در ضلع غربی خیابان اصلی شهر، بین دروازه قاجاری و بازار واقع شده بود که واقف بنای آن شاه عباس اول بوده و امروزه به عنوان انبار کسبه بازار استفاده می‌گردد.

۱۳. یک بنگاه از ۲۴ بنگاه آب قنات مقصودآباد؛ که امیرسلیمان خان وقف نموده است.

۱۴. شش دانگ قنات مهدی آباد؛ که میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلی شاه وقف نموده است.

۱۵. کلیه بازار قدیم؛ که بنا به مندرجات سند مالکیت موجود، عرصه آن متعلق به آستان و اعیانی آنها دارای مالک بوده است.

علل از دست رفتن موقوفات

همان طور که ذکر گردید، اکنون بیش از هشت رقبه در تصرف آستان

پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. امامزادگان ری، ص ۶۰.
۳. ری باستان، ص ۶۷.
۴. معرفی جاذبه های گردشگری، تاریخی، طبیعی و صنایع دستی استان تهران، ص ۱۰۸.
۵. امامزادگان ری، ص ۷۰.
۶. همان، صص ۳۰۵ - ۳۱۹.
۷. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، ج ۲، صص ۲۹۳ - ۳۰۶.

منابع:

۱. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، جمعی از فضلا و نویسندگان. ج ۲، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۲.
۲. امامزادگان ری، محمد مهدی فقیه محمدی جلالی، ج اول، قم: موسسه فرهنگی انتشارات گرگان، ۱۳۷۹.
۳. معرفی جاذبه های گردشگری، تاریخی، طبیعی و صنایع دستی استان تهران، تهیه و نشر: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران، تهران: ۱۳۹۱.
۴. ری باستان، حسن کریمان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵.
۵. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.

امامزاده اسماعیل علیه السلام (همدان)

زهرا پور شعبانیان^۲

چکیده:

در دوران صفویه با اشاعه مذهب تشیع در نظام ارزشی و نگرشی ایرانیان، بناهای مذهبی، آرامگاه‌سازی و احترام به بزرگان و معصومین علیهم‌السلام از اهمیت والایی در محیط مذهبی برخوردار شده، آرامگاه و بقاع مقدس در نسج جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده و بقاع متبرکه هر شهر بخشی از هویت دینی آن شهر را تشکیل داده است. نمونه‌ایی از این بینش شیعی، آرامگاه‌های مذهبی همدان در دوران صفویه است.

فرضیه بنیادین این پژوهش، بررسی آرامگاه امامزاده اسماعیل علیه‌السلام در همدان به عنوان بخشی از هویت دینی جامعه در دوران صفویه است. امر مهمی که پژوهشگران را در احیا ارزش‌های معنوی جامعه یاری می‌رساند.

کلید واژه‌ها:

صفویه، همدان، امامزاده اسماعیل علیه‌السلام.

مقدمه

بناهای مذهبی، آرامگاه‌سازی و احترام به بزرگان و معصومین علیهم‌السلام به عنوان سمبل خواسته‌های سیاسی و مذهبی تشیع مطرح هستند که نقش عمده‌ای در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا می‌کرده‌اند. این نگرش منجر به آن گردیده بود که این گونه بناها از اهمیت والایی در محیط مذهبی برخوردار باشند^۳ و از آنجایی که عمدتاً پیروان تشیع به این بینش مفتخر بودند، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حداقل بینش شیعه در دوام، تقویت و توسعه بقاع متبرکه و فرهنگ آرامگاه‌سازی از نقش اصلی و اساسی برخوردار بوده است^۴، آرامگاه و بقاع مقدس در نسج جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده، و در اجتماع ایران دارای برتری خاص خود می‌باشند همانند توجه به آستان قدس رضوی و حرم حضرت معصومه علیها‌السلام و هزاران امامزاده دیگر.^۵ بزرگ‌ترین بقاع متبرکه کشور آنهایی هستند که از آغاز ظهورشان مراکز آیین تشیع بوده‌اند.^۶ با ظهور دولت صفوی و قدرت گرفتن مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی، سعی وافر در توسعه، مرمت و بازسازی مقابر امامزاده‌ها، علما و مقدسین صورت گرفت، به طوری که تعدادی از آنها به صورت مجموعه‌هایی بزرگ و معتبر با پشتوانه مالی فراوان درآمدند.^۷ بقعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان^۸، حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام در مشهد^۹ و بقعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل^{۱۰} تنها سه نمونه در میان بسیاری از این قبیل بناها می‌باشند. هیچ یک از شاهان صفویه در آرامگاه‌های مناسب و باشکوه که بدین منظور ساخته شده باشد دفن نشدند^{۱۱}، شاهان صفوی ترجیح می‌دادند که در جوار اماکن متبرکه به خاک سپرده شوند و این مطلب نشانگر علاقه و احترام فراوان آنان به امامزادگان و در نتیجه توسعه و گسترش بناهای آرامگاهی بود. در این دوره سبک معماری قدیم ایران تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح بناها، جای خود را باز کرد.^{۱۲} همچنین استفاده از خطاطی و خوشنویسی با مضامین دینی روی کاشی در آرایش بناهای

مذهبی عمومیت یافت و بناهای متعددی با خطوط ثلث، نسخ و نستعلیق و خطوط دیگر تزیین، رونق فراوان یافت.^{۱۳} در نهایت می‌توان چنین گفت که در دوره صفوی زیارتگاه‌ها جنبه غالب معماری مذهبی بود. این امر مخصوصاً در مورد مجموعه‌های بزرگ و حتی امامزاده‌های مجزا هم صادق بود؛ هر دو نوع این ابنیه مراکز زیارتی برشمرده می‌شدند. صفویان در معماری مذهبی بیشتر از مساجد، از آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌ها حمایت به عمل آوردند. پذیرش و توسعه تشیع با سنت دیرینه تجلیل از ائمه علیهم‌السلام می‌توانست در مقام مذهب ملی این نوع تحول و دگرگونی را بیشتر از پیش جاودانه سازد.^{۱۴} در این مقاله سعی شده نمونه‌ایی از این بناهای متبرکه تحت عنوان امامزاده اسماعیل علیه‌السلام در همدان مورد بررسی قرار گیرد.

۱. موقعیت مکانی امامزاده اسماعیل علیه‌السلام

بنای تاریخی امامزاده اسماعیل علیه‌السلام در سمت شمال غرب شهر همدان و در انتهای خیابان باباطاهر و در حد فاصل میداین امامزاده عبدالله علیه‌السلام و فلسطین، در مجاورت مسجد تاریخی حاج کلبعلی قرار گرفته است. مرحوم مصطفوی در تبیین موقعیت مکانی بنا در کتاب خویش چنین نگاشته است:

خیابان باباطاهر را که تا پایان طی نمایید دست چپ به یکی از گورستان‌های معتبر شهر همدان می‌رسند و از محوطه گورستان مزبور بقعه آجری با گنبدی که اخیراً روی آن را به سیمان اندود نموده‌اند در سمت شمال گورستان نمودار می‌باشد.^{۱۵}

از گفته‌های مصطفوی و شرح معماری که درباره آن سخن گفته خواهد شد؛ این طور می‌توان نتیجه گرفت که بنای مزبور در جوار قبرستانی واقع بوده است.

۲. پیشینه تاریخی امامزاده اسماعیل علیه السلام

به علت تعمیرات و مرمت‌های پی‌درپی که در ساختمان بنا به انجام رسیده، هم‌اکنون هیچ کتیبه‌ای که بیانگر تاریخ ساخت بنا یا نام بانی باشد، موجود نیست. بر طبق متون تاریخی بقعه امامزاده اسماعیل علیه السلام، در اواخر قرن نهم و دهم هجری مزار معتبری بوده است. بقعه مزبور، بر اثر تهاجم افغان‌ها یا احتمالاً عثمانی خراب شده است، بر حسب ماده تاریخ بنای بقعه (شیعیان را باب فتح) در دوره شاه سلطان حسین صفوی در سال (۱۱۳۵ هجری)، آن را تجدید بنا و مرمت کرده‌اند.^{۱۶}

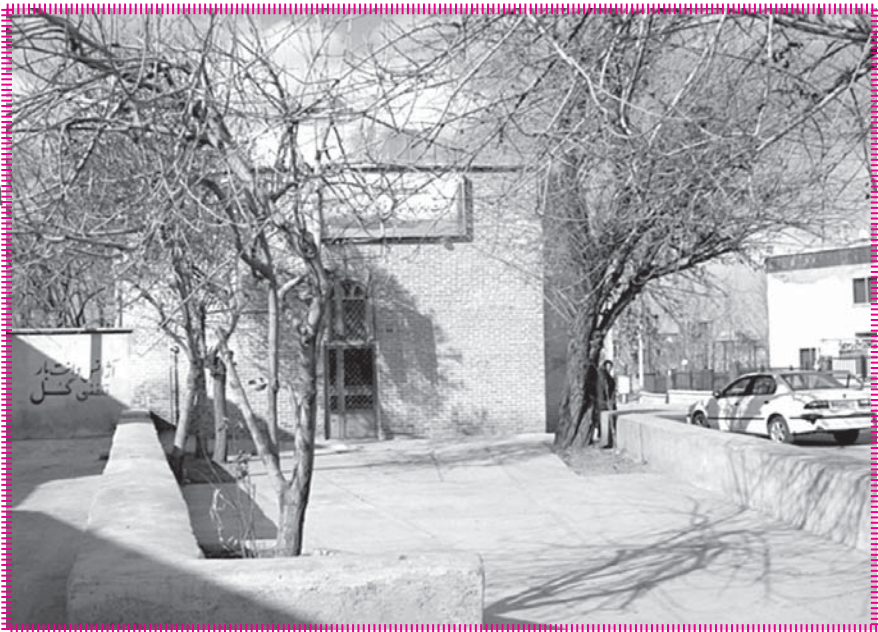
۳. ماهیت مزار شناختی

درباره شناخت نسب فرد مدفون در مزار نیز، به مانند غالب آرامگاه‌های همدان، تاکنون نتیجه قطعی در میان صاحب‌نظران حاصل نشده است. برخی از محققان معتقدند که مزار مزبور، خاک جای یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام می‌باشد. سنگ مزار، ایشان را فرزند بلافضل موسی بن جعفر علیه السلام معرفی می‌نماید. برخی دیگر ایشان را از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌دانند.^{۱۷} شیخ آقا بزرگ تهرانی، در ذکر «حیرانی» قمی شاعر و پسرش «ضمیری» همدانی گوید که وی از ندیمان سلطان یعقوب ترکمان آق‌قویونلو (۸۹۶ هجری) بوده و چون در کاشان قاضی شهر را هجو کرد، ناچار بگریخت و به همدان آمد و در آن شهر کدخدا شد، که هم در آنجا به سال (۹۰۳ هجری) بمرد. فرزندش ضمیری نیز از شاعران عهد شاه طهماسب بود که در همدان زندگی می‌کرد و همانجا درگذشت پس او را در امامزاده «اسماعیل» آن شهر دفن کردند.^{۱۸}

۴. تحلیل معماری

این بقعه به نام امامزاده اسماعیل علیه السلام خوانده می‌شود و ساختمان آن اجمالاً بنای مربعی است که ضلع غربی آن برجستگی و قسمت محدبی به صورت نیم استوانه

دارد (طرح ۱) و گنبد نسبتاً موزونی بر فراز این بنای مربع استوار بوده و بنای مذکور اکنون فاقد گنبد می‌باشد. به گفته متولی بقعه در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، بقعه دارای گنبد موزونی بوده و این گنبد دو طبقه بوده که اهالی از طبقه بالای آن جهت به امانت گذاشتن جنازه افراد متوفی استفاده می‌کردند و گویا در جریان جنگ تحمیلی گنبد مذکور دچار آسیب شده است و بعد از جنگ تحمیلی کلاً گنبد را برداشته و در حال حاضر بقعه دارای گنبدی به صورت دایره‌ای با ارتفاع کم می‌باشد که روی آن را با پوشش ایزولاسیون نقره‌ای پوشانده‌اند. (طرح ۲-۳-۴-۵)



تصویر شماره ۱: بقعه امامزاده اسماعیل همدان

ورودی امامزاده اسماعیل؛ مدخل اصلی بقعه، در ضلع شمالی است. عرض درب ورودی بنا یک متر و ارتفاع آن دو متر می‌باشد یک برجستگی نیم استوانه‌ای شکل در قسمت جنوب مشاهده می‌شود که این برجستگی به دلیل وجود طاق‌نما یا صفه‌ای می‌باشد که در داخل بنا تعبیه شده است (تصویر ۲).



تصویر شماره ۲: مدخل ورودی بقعه امامزاده اسماعیل همدان

صحن امامزاده اسماعیل؛ بقعه مزبور به علت قرارگیری در فضای قبرستان دارای محوطه وسیعی بوده ولی در حال حاضر این محوطه محدود به حیاط کوچکی در جبهه جلویی بنا شده است (تصویر ۱). بنای امامزاده اسماعیل علیه السلام بر نقشه مربع شکل ساخته شده با این تفاوت که در گوشه‌ها به صورت پخ درآمده و نقشه بنا به هشت ضلعی مبدل شده است. طول خارجی هر ضلع متفاوت از دیگر اضلاع می‌باشد، طول ضلع شرقی که مدخل امامزاده نیز در آن قرار گرفته $۶/۳۰$ متر می‌باشد. حرم اصلی بنا به شکل مربع و به طول شمالی - جنوبی $۵/۳۰$ متر و عرض شرقی - غربی $۵/۲۰$ متر می‌باشد در چهار طرف حرم داخلی بنا چهار شاه‌نشین یا صفه به عرض ۳ متر و عمق $۱/۸۰$ متر ساخته شده است که با تعبیه این صفه‌ها فضای بیشتری در داخل بنا ایجاد شده است.^{۱۹}

ضریح؛ ضریح چوبی با خانه‌بندی مربع ساده به طول $۲/۵۰$ متر و عرض ۱ متر و ارتفاع کمتر از $۱/۵۰$ ، به سبک ضریح‌های زمان شاه طهماسب اول در وسط حرم قرار دارد و درون آن، صورت قبر ساده‌ای با گچ ساخته‌اند که مانند اکثر بقاع

متبرکه قدیمی، در زیر بنا سردابی وجود دارد که قبر اصلی در کف سرداب قرار گرفته است.^{۲۰} (تصویر ۳-۴)

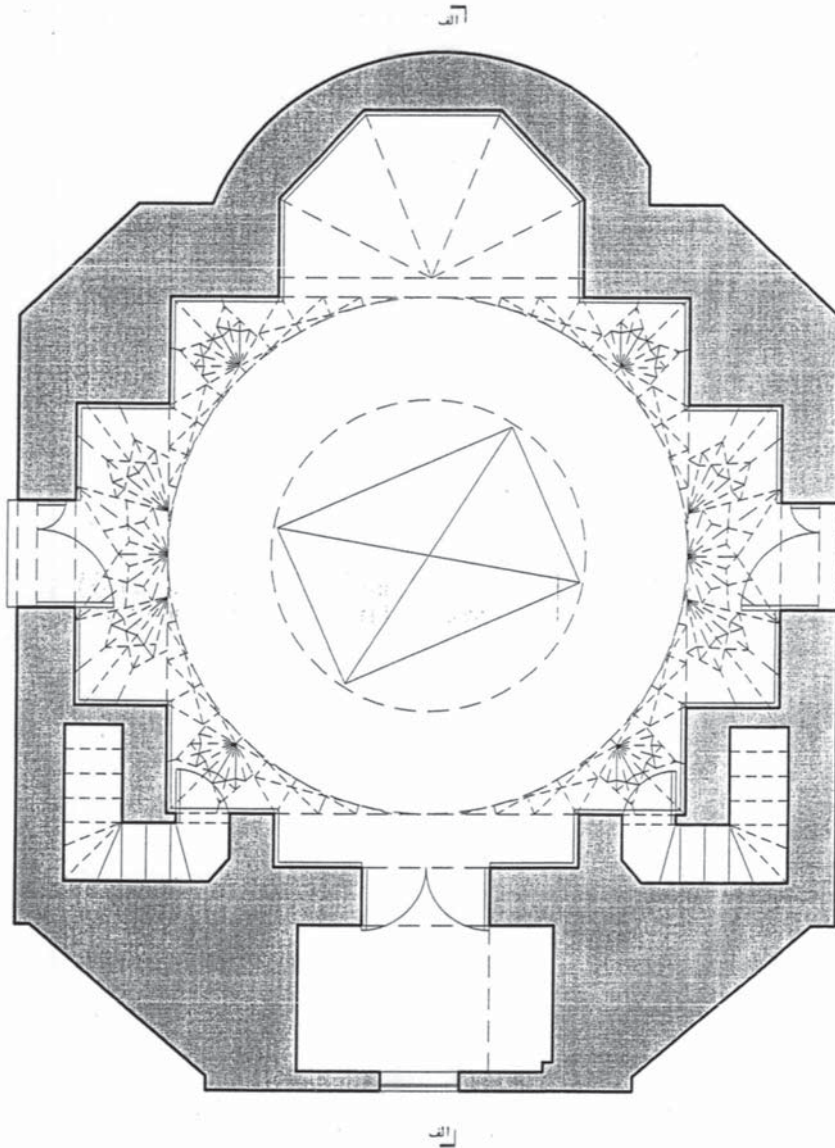


تصویر شماره ۳: ضریح چوبی بقعه امامزاده اسماعیل همدان

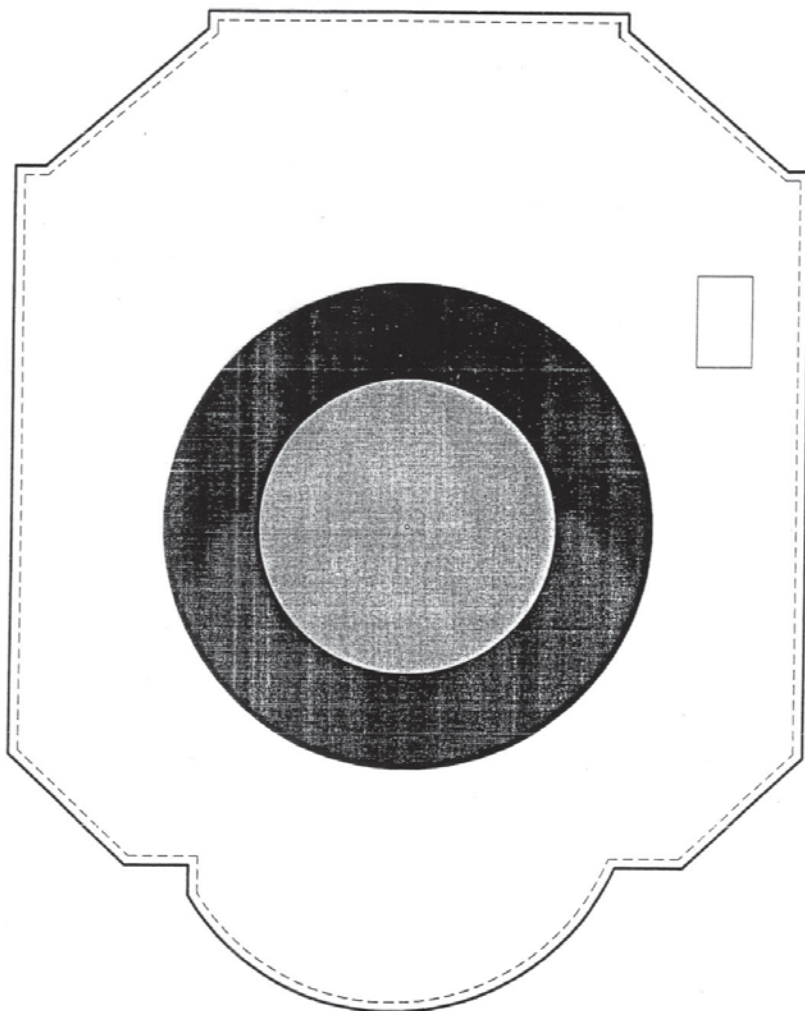


تصویر شماره ۴: قبر داخل ضریح چوبی بقعه امامزاده اسماعیل همدان

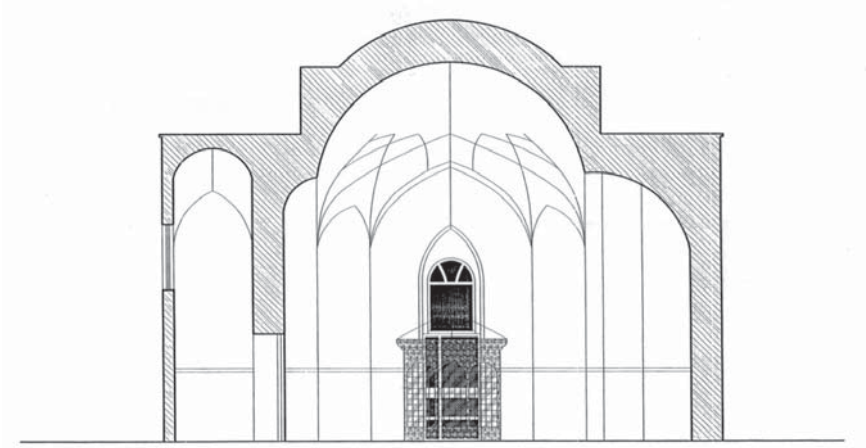




طرح شماره ۱: طبقه همکف امامزاده اسماعیل همدان



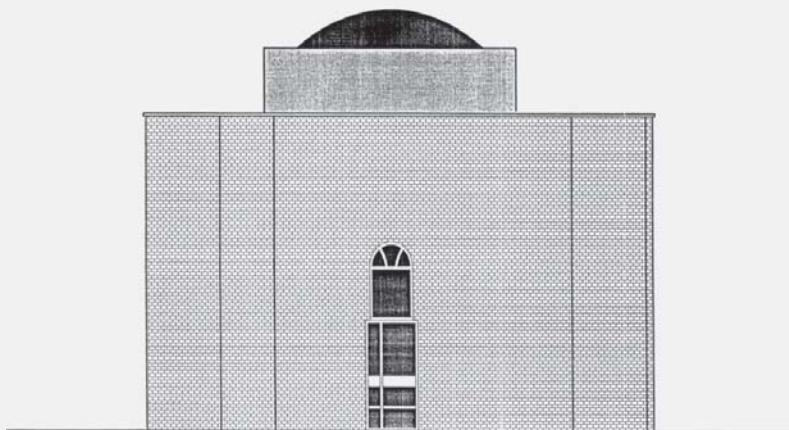
طرح شماره ۲: بام امامزاده اسماعیل همدان



طرح شماره ۳: برش الف - امامزاده اسماعیل همدان



طرح شماره ۴: نمای جنوبی بقعه امامزاده اسماعیل همدان



طرح شماره ۵: نمای شرقی بقعه امامزاده اسماعیل همدان

پی‌نوشت‌ها:

۱. بنای امامزاده اسماعیل در تاریخ ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۸۰ به شماره ۵۰۴۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.
۲. دانشجو دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۳. معماری ایران دوره اسلامی، ص ۶۱.
۴. فصلنامه اثر، شماره ۳۸-۳۹، ص ۳۲۵.
۵. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، ص ۱۹۴.
۶. معماری ایران دوره اسلامی، ص ۶۱.
۷. فصلنامه اثر، شماره ۳۸-۳۹، صص ۳۲۷-۳۲۵.
۸. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۱۷۴.
۹. همان، ص ۱۷۱.
۱۰. همان، ص ۱۶۶.
۱۱. معماری ایران دوره اسلامی، ص ۷۸.
۱۲. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۱۰۵.
۱۳. همان.
۱۴. معماری ایران در دوره صفویان، ص ۴۷۹.
۱۵. هگمتانه (در آثار تاریخی همدان)، ص ۳۲۵.
۱۶. همدان دروازه تاریخ، ص ۲۱۶.
۱۷. فصلنامه میراث جاویدان، شماره ۵۲، ص ۴۸.
۱۸. دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۶۴.
۱۹. دایرةالمعارف بناهای آرامگاهی، ج ۲ (۱۳۷۶)، صص ۲۳۵-۲۳۷.
۲۰. همان (۱۳۷۴)، ص ۱۰۴.

منابع:

۱. هویت شهر(نگاهی به هویت شهر تهران)، مصطفی بهزادفر، نشر شهر(۱۳۸۶).
 ۲. همدان دروازه تاریخ، علی جهانپور، انتشارات سپهر دانش(۱۳۸۷).
 ۳. دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۲(بناهای آرامگاهی)، گردآوری و تدوین کاظم ملازاده و مریم محمدی، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی ایران در دوره اسلامی، انتشارات حوزه هنری (چاپ ۱۳۷۴ و چاپ ۱۳۷۶).
 ۴. دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، تهران(۱۳۶۲).
 ۵. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی، محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، چاپ نهم: ۱۳۸۶.
 ۶. هگمتانه(در آثار تاریخی همدان)، سید محمدتقی مصطفوی، انتشارات نامشخص(۱۳۳۲).
 ۷. معماری ایران در دوره صفویان، رابرت هیلن براند، ترجمه یعقوب آژند، گردآورنده احسان یار شاطر، پژوهش دانشگاه کمبریج، تهران، انتشارات جامی(۱۳۸۰).
 ۸. معماری ایران دوره اسلامی، رابرت هیلن براند، گردآورنده محمدیوسف
- کیانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، چاپ پنجم(۱۳۸۶).
۹. «بناهای آرامگاهی همدان در دوره اسلامی»، رضا نظری ارشد، فصلنامه اثر، شماره ۳۸-۳۹، صص ۳۲۴-۳۴۵.
۱۰. «مزارات تاریخی همدان(۲)»، پرویز اذکایی، فصلنامه میراث جاویدان، شماره ۵۲.

پیوند عالی در مصر جدید

دکتر ابراهیم بیومی خانم
ترجمه: حسین علیتیان

چکیده:

مشکلات آموزش عالی در پروسه دگرگونی‌های سیاسی و اصلاحات اقتصادی و خواست‌های جامعه علمی در بیشتر کشورهای اسلامی روبه‌وخامت گذاشته است. این مشکلات همچنین تحت تأثیر تحولات تکنولوژیک، سیاست جهانی شدن و عدم تعادل نیروهای سنتی در سطح بین‌الملل، بحران‌زا شده است. پرسش اساسی که ما در پی پاسخ‌بدان هستیم این است که: چرا نقش و سهم نهاد وقف در حمایت از آموزش عالی در مصر جدید، به قهقرا گراییده است؟ و چگونه می‌توان نقش مؤثر وقف در حل مشکلاتی که آموزش عالی به طور کلی و آموزش دانشگاهی به طور خاص با آن مواجه است را احیا کرد؟

کلید واژه‌ها:

وقف، آموزش عالی، مصر جدید، موقوفات دانشگاه قاهره.

ابعاد بحران آموزش عالی در مصر و دیگر کشورهای همسان با شرایط مصر، اهمیت پی جویی برای پاسخ یا پاسخ‌هایی غیر کلیشه‌ای به این پرسش که: چرا نقش و سهم نهاد وقف در حمایت از آموزش عالی در مصر جدید، به قهقرا گراییده را تأیید می‌نماید. این در حالیست که راهبردهای گذشته‌ای که در مدیریت و سرمایه‌گذاری آموزش عالی، تنها بر دولت تکیه می‌زد، در رسیدن به میزان معقولی از ظرفیت‌های جذبی برای کارگزاران آموزش عالی به ناکامی رسید چنان‌که در زمینه ارایه سبکی مطلوب از آموزش عالی با شکست روبرو شد. علی‌رغم کمیت زیاد دانشگاه‌های مصر (۱۳ دانشگاه دولتی، ۸ دانشگاه فرعی، ۶ دانشگاه خصوصی، جمعاً ۲۷ دانشگاه) و نیز تعداد زیاد دانشجویان این دانشگاه‌ها (۲/۵ میلیون دانشجو) باید گفت که قدرت کارگزاران آموزش عالی در جذب دانشجو همچنان پایین بوده است. زیرا آمار دانشجویان موجود مصر (در سنین ۱۸-۲۳ سال)

به‌طور شناور نسبت ۲۲٪ و ۳۰٪ را نشان می‌دهد در حالی که این نسبت در سطح جهانی ۵۰٪ می‌باشد. به لحاظ کیفی نیز دلایل زیادی به کاهش و افت مواد و مقررات آموزشی و شیوه‌های تدریس و پیوند دانشگاه با واقعیت‌ها و بازار کار، در زمانی که انتظار پیشرفت و ترقی می‌رود اشاره داشته‌اند. این افت و کاهش کیفی در زمینه لوازم و تجهیزات عملی و آموزشی از جمله کتابخانه‌های پیشرفته، آزمایشگاه‌های نوین، کارگاه‌ها، مراکز اسناد و اطلاعات و منابع سرمایه‌گذاری آموزش عالی در داخل و خارج مصر و کلیه ابزارهای دانش و مهارتی برای دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی مشاهده می‌شود... این ضعف به‌طور عمده ناشی از دو دلیل می‌باشد: یکی ناتوانی حکومت در ایجاد اعتماد بخشی‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به دلایل زیاد و نامعلوم از طرفی و عقب نشانیدن وقف در زمینه آموزش عالی و توقف مشارکت آن در این سرمایه‌گذاری از

سوی دیگر می‌باشد.

مشکل ناتوانی حکومت در تأمین مالی آموزش عالی در کشور مصر خلاصه نمی‌شود بلکه این مشکل، جهانی است. گزارش‌های بانک جهانی در خلال سیاست‌های پیشرفت و اصلاح اقتصادی درباره این معضل سخن گفته‌اند. این گزارش‌ها تأکید دارند که گشودن باب سرمایه‌گذاری ویژه در آموزش عالی راه برون رفت از این مشکل خواهد بود. اما در این مجال، رویکردهای دیگری شامل حکومتی و غیر حکومتی حل مشکل را در به‌کارگیری تمامی انواع مشارکت حکومتی و مردمی در کنار مشارکت بخش خصوصی در این زمینه می‌بیند. تمامی تحولات رایج در زمینه‌های مختلف پیشرفت و مشارکت‌های گوناگون می‌رساند که گزینه‌های یک‌جانبه در دوره‌های گذشته، بی‌فایده بوده است و تکیه یک‌جانبه به یکی از عناصر سه‌گانه «دولت، بازار، جامعه مدنی» بدون دیگری امکان‌پذیر نخواهد بود چه این عناصر هر یک نقشی مهم

و مؤثر را در چارچوب مشارکت‌های همه‌جانبه ایفای کنند. دولت، بازار و جامعه مدنی هر یک به دیگری، اتکاداشته و بی‌نیاز از هم نبوده‌اند...

با تأمل در جزر و مدهایی که مشارکت جامعه مدنی در آموزش عالی مصر به خود دیده، روشن می‌شود که عقب‌نشینی جامعه مدنی و عدم مشارکت آن در آموزش عالی یکی از نتایج تحول در پیوند جامعه با دولت بوده است. پیوندی که طی چند مرحله رخ داد که مرحله اول آن در پروسه انتقال از شیوه حکومت سنتی به مدرن از دوره محمدعلی پاشا حادث گردید در این دوره بار آموزش عالی که در حکومت قبلی بر دوش نیروهای مدنی (که بر پایه نظام اوقاف شکل یافته) بود به حکومت جدید واگذار شد و سهم اندکی نیز به مشارکت عناصر محلی اختصاص یافت اما این سهم نسبت به دوره قبل بسیار اندک بود. مرحله دوم تغییرات، مربوط است به انتقال از شیوه دولت لیبرالی به نظام سلطنتی که حاشیه آزادی‌های اقتصادی و سیاسی



جامعه مدنی را بر هم ریخت... و مرحله سوم این تحولات به اقتصاد بازار و تعدد احزاب مربوط می شود که در فرض خود بر این است که جامعه مدنی در آموزش عالی مشارکت فعال داشته، زمینه های پیشرفت و حمایت مالی آن را فراهم نماید. اما این فرض با گذشت بیش از ربع قرن از آغاز این تحولات، جامه عمل نپوشیده است. از میان منابع متعددی که در تأمین برنامه ها و طرح های عام المنفعه سهم داشته، نظام وقف است که مورد تحقیق ما به طور ویژه قرار می گیرد. بدین اعتبار که وقف منبعی مهم از منابع ذاتی ای بوده که با کارسازی مشارکت آن در پشتیبانی و تحول بخشی به آموزش عالی چنان که تحولات به وقوع پیوسته آموزش عالی مصدر پیوند جامعه با دولت را یاد کردیم بهره مندی از آن میسر می گردد. هم اکنون جوامع اروپایی و آمریکایی شاهد تحولات سهمگینی در بخش آموزش عالی به مدد مشارکت های جامعه مدنی از طریق مؤسسات خیریه

و انجمن هایی که در فراهم سازی منابع مالی بر نهادهای مشابه اوقاف اسلامی تکیه کرده، بوده است.

دلایل تأکید و تمرکز ما بر نهاد وقف و ضرورت تجدیدنظر در مشارکت وقف در آموزش عالی و دیگر زمینه های جامعه بدین قرار هستند:

۱. وقف بدین لحاظ که منبعی ذاتی برای تأمین مالی بوده و دارای ویژگی استمرار و استقلال بوده از دیگر عناصر ممتاز می شود. هرگونه موفقیت و یا راهبرد اصلاحی و پیشبردی در این زمینه، از این ویژگی ها مستغنی نیستند. زیرا دست کم استقلال مالی دانشگاه ها یکی از ابعاد استقلال آنها به شمار می رود.

۲. وقف دارای میراثی تاریخی و عتیق در زمینه سطوح مختلف آموزشی بوده و بهره مندی از این میراث و گسترش و تحول آن متناسب با دستاوردهای عینی معاصر امکان پذیر است. استفاده از تجارب معاصر برخی از کشورهای اسلامی

اول: معانی تاریخی و اجتماعی مفاهیم و اصطلاحات

۱. دانشگاه

مؤسسه اصلی آموزش قدیم و جدید عالی. مفهوم دانشگاه در اصطلاح امروزی عبارت است از مؤسسه‌ای عمومی برای آموزش عالی که در آن تمامی علوم نظری، عملی یا دست‌کم تعدادی از علوم مختلف در آن تدریس می‌شود و دانشجویانی از شهرها یا کشورهای مختلف به آن راه می‌یابند...^۲

این مفهوم، طی مراحل طولانی تاریخی تغییراتی داشته است. همچنین میان پژوهشگران در آغازین مراحل شکل‌گیری دانشگاه‌ها در دنیا اختلاف نظر بوده که آیا در کشورهای مشرق عربی و اسلامی شکل یافته و یا در کشورهای غربی اروپایی؟

پاره‌ای براینند که دانشگاه‌ها در یونان باستان شکل گرفته از جمله مورخ آمریکایی Walden در کتابش (دانشگاه‌های یونان باستان). اما بیشتر

مانند ترکیه، ایران و مالزی به اضافه تجارب مدرن کشورهای اروپایی و آمریکایی مؤثر خواهد بود.

۳. در مصر چندین فراخوان برای تشکیل انجمنی بنیادین در راستای تأسیس دانشگاه جدید ملی ارایه شد که تا زمان نگارش این مقاله موفق به انجام نشده است. یکی از این فراخوان‌ها، دعوت برای تأسیس دانشگاه ملی مصر به مناسبت صدمین سال آغاز فراخوان تأسیس نخستین دانشگاه مصر (سال ۱۹۰۶م) بود که افتتاح آن به طور رسمی در ۱۹۰۸ به وقوع پیوست. در این پروژه، وقف یکی از مهم‌ترین منابع مالی آن دیده شده که تفصیل آن را در ادامه خواهم آورد. پروژه دیگر به نام وقف مصري عامر جروب بود که به منظور تأسیس دانشگاه ملی وقفی با مشارکت یکی از دانشگاه‌های آمریکایی در سال ۲۰۰۵م ارایه شد....

دانشمندان معاصر معتقدند که یونانیان باستان فاقد آکادمی‌های آموزشی مطابق با مفهوم متعارف آن از دانشگاه بوده‌اند...^۳.

به نظر می‌رسد واژه دانشگاه از قرن سیزده میلادی در اروپا کاربرد یافت و در قرن هیجدهم به‌طور وسیع شایع شد. در بادی امر واژه «آکادمی عمومی» (Studium General)^۴ به کار می‌رفت. کلمه «عمومی» می‌رساند که این‌گونه آکادمی‌ها بر روی تمامی مسیحیان در اروپا باز بوده و مدارکی که در پایان رایه می‌دادند مجوزی برای تدریس در همان کشور یا دیگر کشورها به‌شمار می‌رفته است... .

در مورد کشورهای مشرق عربی و اسلامی، منابعی مانند کتاب «آکادمی‌های علوم عرب و اساتید آن» اثر وستفالد که در سال ۱۸۷۳ انتشار یافت و دیگر منابع معتبری همچون پژوهش جورج مقدسی تحت عنوان: «رعاة العلم ومؤسساته فی القرن الخامس الهجری»^۵ همگی اشاره دارند که ظهور دانشگاه‌ها در مشرق،

دست‌کم دو قرن زودتر از اروپا رخ داده است. برای نمونه جامع ازهر شریف که جوهر صقلی در سال ۹۷۰م تأسیس کرد به سرعت به مؤسسه‌ای جامع برای تدریس تمامی دانش‌ها و معارف تبدیل یافت.^۶ پس از آن مدرسه نظامیه در بغداد که آن را نظام الملک وزیر الب ارسلان سلجوقی در سال ۱۰۶۷م تأسیس نمود.^۷ علی‌رغم ارتباط ازهر و مدارس نظامیه با شخصیت‌های حکومتی باید گفت که تأمین مالی آنها در اساس بر درآمد موقوفات آنها استوار بوده است... .

باید گفت ارتباط دانشگاه‌ها از زمان تأسیس خود در شرق اسلامی و غرب اروپایی با جامعه بیشتر از دولت بوده و اوقاف و امور خیریه سهم زیادی از استقلال و آزادی اندیشه و پیشرفت همه‌جانبه را در آن داشته‌اند. در سایه دولت سنتی، تصور وجود آموزش بدون مؤسسه وقف و کمک‌های خیریه، ناممکن بود. اما با ظهور دولت جدید، آموزش در سطوح گوناگونش یکی از مهم‌ترین ابزار دولت در اجرای

اختلاط قومی و هویت مشترک به شمار می‌رفت لذا نهاد آموزش از دست جامعه مدنی خارج و به دولت واگذار شد که همواره بر مدیریت و تأمین هزینه‌های آن از بودجه عمومی اصرار داشته تا حق نظارت و سیطره بر آن را محفوظ بدارد. و این چیزی است که به‌طور واضح در مصر در خلال جریان تأسیس حکومت جدید از دوره محمدعلی پاشا محقق گردید.

۲. وقف:

وقف در اصطلاح شرعی آن صدقه جاری مستمری است که هدف از آن استمرار ثواب و قرب الهی از طریق مداومت در انفاق، نیکوکاری و خیرات و منافع عموم با انواع و زمینه‌های متفاوت آن است...

از گذر فعالیت‌های اجتماعی وقف و به فضل اجتهادات فقهی که این فعالیت‌ها را در طول تاریخ و در عرصه عالم اسلامی، همراهی و یاری می‌نمود، شخصیتی متمایز از نظام وقف تبلور یافت که در درون اجتماع اسلامی به

عنوان نظامی فرعی با ویژگی دوام و مرتبط با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، روان‌شناختی، اخلاقی و حتی ابداعی مطرح گردید. از این رو می‌توان نظام وقف را کثیر الارتباط با دیگر عناصر و ساختارهای اجتماعی دانست. نظامی که در درون خود، چند نقشی بوده و فقه الوقف به مفهوم کلی آن عبارت از ترجمان و شرح تفصیلی بخشی اساسی از مفهوم «سیاست مدنی» از دیدگاه اسلامی می‌باشد. دیدگاهی که «سیاست» را تدبیر امور معیشتی به‌منظور برآورد کردن مصالح دنیوی و در نتیجه رسیدن به رستگاری اخروی قلمداد می‌کند.

شناسنامه تاریخی اجتماعی نظام وقف اشاره دارد که این نظام، به مثابه ستونی استوار برای بنای مؤسسه‌های اجتماعی و پشتوانه‌ای مهم برای خدمات عمومی شامل زیارتی، آموزشی، درمانی، مددکاری اجتماعی، فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و نمادین بوده است. همین شناسنامه حکایت از آن دارد که نظام وقف، دارای جایگاهی



کاربرد و زیربنایی در ساختار تنظیمات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی بوده و تجلی نقش اساسی آن در همیاری جامعه و حکومت در «سازندگی مشترک» به وقوع پیوسته است.^۸ از این رو رویارویی جدی میان مردم و حکومت در تجربه کشورهای عربی اسلامی به شکلی که در جوامع اروپایی بوده، به انجام نرسیده است. از مهم ترین دستاوردهای فقه در بنای نظام وقف، پایه ریزی ستون های مؤثر آن از طریق نهادینه کردن اندیشه و ایده «صدقه جاری» و همچنین بیان احکام مربوط به اجریات و برنامه های مشخص شده برای این ایده در بطن اجتماع بوده است... .

از مهم ترین نکاتی که در این زمینه وجود دارد وجود (تعادل و توازن تاریخی) میان موج گرایی نظری و عملی به جامعه مدنی و موج گرایی قابل توجه به نظام وقف و منظومه عمل داوطلبانه یا خیرخواهانه به ویژه در کشورهای عربی اسلامی بوده است... با وجود تعادل تاریخی میان این دو

موج^۹ و تمرکز نخبگان فکری فرهنگی و سیاسی جوامع ما در جامعه مدنی باید گفت این نخبگان در کشاکش موضوعات مدنی خیلی دیر به اهمیت نظام وقف و نقش آن در تأسیس شبکه ای وسیع و متنوع از مؤسسات و فعالیت های محلی در زمینه های مؤثر اجتماعی و حمایت عمومی از دولت، پی بردند. شاید دلیل اصلی این موضوع تفوق مفهومی از «جامعه مدنی» برگرفته از منبع معرفتی تاریخی غرب باشد که یکی از کاربردهای این مفهوم، آن را با «جامعه دینی» در تناقض قرار می دهد. از این رو ره یابی به این مفهوم منجر به غفلت از عناصر ارزشمند، بنیادین و اصیل این جامعه همچون مؤسسات وقفی و در رأس آن مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف آن می شود... .

دوم: نظام وقف و آموزش در دولت قدیم و جدید مصر

فرضیه اصلی در اینجا این است که پرداختن به آموزش با سطوح مختلف آن یکی از مسوولیت های جامعه - و

نه دولت قدیم - بوده است و حمایت مالی از امور آموزشی، با انجام اقدامات خصوصی و شخصی و اساساً از طریق نظام وقف به عمل می‌رسید. صیغه‌های وقف در طول تاریخ می‌رساند که بیشترین شرایط را برای استقرار مؤسسات آموزشی به‌طور مستمر و بدون تأثیرپذیری از بحران‌ها و دگرگونی‌های به‌وجود آمده با ویژگی استقلال در تحقیق و آزادی اندیشه، فراهم نموده است...

در سایه دولت قدیم، برخوردارهای آن چنانی میان دولت و دانشگاه به وجود نیامد.^{۱۰} دولت حاکم تا آغاز عصر جدید وظیفه خود را در امور سیاسی و دفاعی منحصر می‌دانست و در چارچوب «دولت نگهبان» یا غیر مداخله‌گر به تدبیر امور می‌پرداخت.

اگر چنانچه به تاریخ مشارکت فعال جامعه محلی یا مدنی بازگردیم مشاهده می‌نماییم که آموزش بیشترین اهمیت را در جدول امور اوقاف حایز بوده است. مطالعات متعدد گذشته بر جایگاه پیشرفته‌ای که علوم طب، هندسه،

نجوم، فیزیک و جبر در حوزه تلاش مؤسسان وقف که در راستای ترقی علوم و جامعه در کنار دیگر علوم و ادبیات و فلسفه داشته تأکید ورزیده‌اند.

تجارب مشابه برای پی‌ریزی دولت جدید در کشورهای عربی و اسلامی که مصر از سال‌های آغازین قرن نوزدهم سبقت‌دار آن شد معلوم می‌دارد که راهبردهای تأسیس این دولت جدید خود را ملزم به بازگشتی دقیق به اوضاع نظام میراثی وقف و نقش‌ها و کارکردهای آن به‌ویژه در سایه حکومت سنتی می‌دانست. در مقدمه این کارکرد، نقش وقف در حمایت از آموزش و مؤسسات و مدارس عالی و مشابه آن موردنظر بود. در پرتو همین گرایش و براساس خواست‌های جدید، سه رویکرد در مورد وقف و مؤسسات آن به منصفه ظهور رسید:

رویکرد اول که هدفش پیوند مداوم با نظام وقف و صیانت از نقش آن در زمینه آموزش بود که همراه با پاره‌ای اصلاحات جزئی به منظور تأثیرگذاری و کاربرد بهتر آن بوده است.



رویکرد دوم: تعامل میان نیروهای اجتماعی و جریان‌های سیاسی بود که از پرتو آن قوانین ویژه گروه‌ها و مؤسسات محلی جدید و تعیین ارتباطات آن با اوقاف و خیریه و ارائه خدمات آموزشی در قالبی جدا از سیاق سنتی گذشته (مثل انجمن خیریه اسلامی (مصر)، وقف کنفرانس اسلامی مصر (۱۹۱۹) و انجمن مساعی مشکور مصر) ایجاد شد.

رویکرد سوم: که هدفش ساماندهی نظام وقف و گنجاندن میراث وقف در سیستم دولت و بروکراسی حکومتی بود. اوقافی که بخشی از آن برای آموزش عالی اختصاص یافته بود. این رویکرد جز در موارد اندکی مانند تونس که دو سال پس از استقلال خود به این وضعیت دست یافت شکل نگرفت. به گونه‌ای که ساختمان‌های متبوعه دانشگاه زیتونه و اوقاف مربوط به ساختمان متبوعه دانشگاه جدید ملی انتقال یافت و دست کم ۲۰/۰۰۰ سند، کتاب و نسخه موقوفه بر جامع زیتونه به کتابخانه ملی تونس منتقل شد.^{۱۱}

در پایان این پروسه، دو رویکرد اول و دوم به صورت ممزوج، حاکم شد به طوری که پاره‌ای کوشش‌های اصلاح طلبانه جزئی برای محافظت از حمایت آموزشی از جامعه مدنی از طریق اوقاف تا حد امکان به انجام رسید. در کنار این کوشش‌ها، قوانین تازه‌ای برای فعالیت‌های اجتماعی وضع شد که سیمای مؤسسات و انجمن‌هایی را به سبک امروزی درآورده و قوانین دست و پاگیری که مانع از کمک‌های وقفی در حمایت از برنامه‌ها و طرح‌های اجتماعی می‌شد، رها گردید.

مشارکت جامعه در حوزه آموزش عالی همزمان با جریان شکل‌گیری دولت جدید، به تدریج به قهقرا گرایید. مصر در این حالت، مراحل ذیل را طی کرد:

الف) مرحله آغازین انتقال به دولت جدید، که عمده قرن نوزدهم را تا قبل از جنگ جهانی اول دربر گرفت. در این مرحله، حمایت وقف از آموزش عالی، به دانشگاه

ازهر رسید و برخی گروه‌های علمی اعزامی به خارج، به‌ویژه پس از شکل‌گیری انجمن‌ها در آغاز دهه آخر قرن نوزده، مورد حمایت مالی اوقاف قرار گرفتند. مهم‌ترین سهم اوقاف در این دوره در تأسیس دانشگاه مصر تجلی یافت که شرح آن خواهد آمد.

ب) مرحله لیبرالی از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲، در این مرحله جامعه مدنی به‌طور کل پیشرفته شد اما نقش آن در آموزش عالی نسبت به قبل کم‌رنگ گردید.^{۱۲} چرا که مرحله قبلی شاهد تأسیس دانشگاه مصر با مشارکت‌های مؤثری توسط نیروهای محلی بوده و استمرار آن را نظام وقف، ضمانت می‌نمود. اما در این دوره و در ۱۹۲۵ دانشگاه به حکومت، ضمیمه شد. قبلاً در تاریخ ۱۹۲۳/۱۲/۱۲ تمامی مایملک دانشگاه از منقول و غیر منقول براساس ضوابطی، به وزارت معارف واگذار شده بود. یکی از بارزترین این ضوابط آن بود که: «وزارت

معارف، برای احترام به شروط برخی از واقفان، پول نقد دانشگاه را که حدود چهل و شش هزار جنیه می‌شد صرف ساختمان‌سازی کند». ^{۱۳} پس از آن بودجه دانشگاه به بودجه دولت الحاق یافت و دولت ملزم به تأمین منابع مالی آن شد. از آن پس به بعد وقفیاتی که به سود دانشگاه و آموزش عالی تمام شود جز تعداد اندکی به وجود نیامد.

ج) مرحله انقلاب سوسیالیستی که در ژوئیه آغاز و تا حدود سال ۱۹۷۰ ادامه یافت. در این دوره، حرکت‌های محلی، تحلیل یافته و دولت برای ارایه خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی پیش‌گام شد. در این برهه شاهد سلسله‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده با هدف ادغام تمامی فعالیت‌های جامعه مدنی و دستگاه‌های اجرایی آن در دولت و در چارچوب سیاست بسیج عمومی به‌منظور دست‌یابی به اهداف سوسیالیستی هستیم. اولین قربانی این تحول، نظام وقف بود^{۱۴}



که نقش آن در میدان آموزش عالی پنهان گردید چنان که دیگر عوامل مشارکتی که برآمده از منابع دیگر مردمی بود محو شدند.

د) مرحله انتقال به نظام بازار و پلورالیزم سیاسی که با سیاست باز در نیمه دهه هفتاد آغاز و تاکنون به طور مستمر ادامه یافته است. در این مرحله چنین مقرر شده که نشاط و تحرک به مؤسسات غیرانتفاعی مدنی جهت تقویت و پیشرفت آموزش عالی بازگردد. اما موج کنونی در تأسیس دانشگاه‌های خصوصی سودده که دست‌اندرکاران آن از شرایط حاکم بر پروسه تحول به سوی اقتصاد بازار بهره جویند، بی‌اختیار و افسار گسیخته بوده است زیرا بخش‌های خصوصی، بازار آموزش را وسیع، اغواگر و سودده یافته و در نتیجه آن، پول‌ها در برنامه‌های آموزشی عالی از مردم گرفته می‌شد و به دست افراد می‌رسید در حالی که بخش‌های خصوصی، پیش از این پول را از افراد جلب می‌کرد و از

طریق همان طرح‌های آموزشی در کالبد اجتماع بازگشت و توزیع می‌نمود.

نتیجه آن که، ساختار دولت جدید مصر، تأثیراتی منفی در وظایف جامعه مدنی به‌ویژه در جنبه میراث نظام وقف به بار آورد و بیشترین تغییرات رخ داده، پیامد نگرش‌های کوتاه‌بینانه دولت جدید نسبت به آموزش و ضرورت سیطره کامل دولت بر این نهاد بوده است. تفکر بنیادین در تأسیس دولت جدید همانا تکیه بر مؤسسات و انجمن‌های جدید بوده بدون آن که کوششی جدی در پیوند آنها با نظام وقف صورت گیرد و بدون آن که خود نظام وقف و دیگر منابع سودده ذاتی، پیراسته گردیده؛ نقش آن در متن جامعه مدنی، آموزش و به‌ویژه آموزش عالی فعال گردد.

سوم: تحولات رخ داده در پیوند وقف با آموزش عالی (از استقلال تا رکود)

ارتباط اوقاف با آموزش عالی همزمان با تحولات پدید آمده در

پیوند مردم با دولت و انتقال از شیوه کهن موروثی به شیوه نوین، با درجات گوناگونی دگرگون شد. قاعده ساری در پیوند وقف با آموزش این بود که هرگاه دولت جدید پیشرفتی می‌کرد و گامی به جلو می‌گذاشت، وقف در حمایت از آموزش چندین گام به عقب باز می‌گشت تا جایی که سرچشمه‌های آن خشکید و میراث و ماترک آن از حوزه باز اجتماع به درون بروکراسی

تنگ حکومتی انتقال یافت. در ادامه نگاهی تحلیلی به سیر این تحولات در دو قرن گذشته انداخته و آثار آن را در «جامع ازهر و دانشگاه آن» و «دانشگاه جدید مصر» جستجو می‌کنیم.

۱. اوقاف دانشگاه جامع ازهر:

تسلط محمدعلی پاشا بر اوقاف الازهر و قرار دادن آن در زیرمجموعه



مسجد و مجموعه دانشگاهی الازهر قاهره

دولت، اولین گام دولت جدید مصر در تغییر مسیر پیوند اوقاف با ریشه‌دارترین مؤسسه آموزش عالی مصر یعنی ازهر شریف به‌شمار می‌آید. اقدامات محمدعلی، بخشی از سیاست عمومی او برای پوشش قرار دادن تمامی منابع دولت در راستای برنامه‌های تجددخواهانه‌اش بود. وی تلاش نمود تا تمامی اراضی مصر را در چارچوبه اقداماتش، ضبط نماید تا ریشه‌های نظام قدیمی را که ممالیک پایه‌گذارش بوده از بین ببرد. او تمامی خواسته‌هایش را در حالی محقق ساخت که تلاش علما در دفاع از استقلالیت ازهر و در محافظت از اوقاف آن و خارج کردن آن اوقاف از سیطره حکومت، ناکام مانده بود. محمدعلی پس از آن، سیاست تنگ‌نظری در هزینه‌کرد ازهر و علمای آن را در پیش گرفت حال آن‌که تمامی همت او صرف آموزش نوین و اعزام گروه‌های علمی به اروپا نه با هدف محور آموزش سنتی ازهر بلکه به قصد تسریع در طرح‌های تجددخواهانه در

بنای دولت جدید می‌شد... مردم در قبال سیاست محمدعلی پاشا، سیاست موازی دیگری که ضد سیاست او نبوده اتخاذ کرده که در نتیجه، بقای نظام وقف و عدم تماس و دخالت محمدعلی در اصل وجودی آن را در پی داشت. محور این سیاست، اهتمام و توجه به ازهر، نه فقط به عنوان مرکز سنتی آموزش و سبیل فرهنگ اصیل اسلامی بلکه به اعتبار نقش بزرگ آن در حفظ پیوند میان جامعه و دستگاه حاکم از جهتی و نقش بسیجی جهادی آن در مقابله با دشمنان بیرونی از جهت دیگر بود.

این نقش به‌طور واضح در هدایت مقاومت مردمی به هنگام حمله فرانسه سپس در خلال اشغال مصر توسط بریتانیا در سال ۱۸۸۲ و انقلاب مردمی در ۱۹۱۹ نمایان شد.

نمونه‌های بسیاری از اوقافی که در نیمه اول قرن نوزدهم تأسیس یافت وجود دارد.^{۱۵} شاید اوقاف سید عمر مکرم که آن را در خلال سال‌های ۱۲۲۴-۱۲۳۵ هـ / ۱۸۰۹-۱۸۲۰ م به



مسجد الازهر



دانشگاه الازهر قاهره

وجود آورد بهترین نمونه برای درستی دلایل ما در این بحث باشد... .

در سال ۱۲۲۴هـ/ ۱۸۰۹م محمدعلی پس از آن که اراضی اوقافی را در پرداخت مالیات به حکومت هم‌رده دیگر اراضی قرار داده بود، به دمیاط تبعید شد. در همین سال عمر مکرم اقدام به تأسیس اولین موقوفه خود بر «دانشجویان جامع ازهر» نمود به شرط آن که سود آن به اولاد موقوفه (طبقه به طبقه و نسل اندر نسل) رسیده مادام که جزء دانشجویان جامع ازهر بوده و اگر انقراض یافتند: «سود موقوفه به دانشجویان اصیلی که در جوار جامع، در رواق فویه ساکن اند برسد.» و بعد از آن عاید «دانشیان ساکن در رواق مذکور» گردد.^{۱۶}

در سال ۱۲۲۷هـ/ ۱۸۱۲م عمر مکرم تعدادی از زمین‌های خود در قاهره را وقف نموده، مشروط بر این که منافع آن: «بر فقهای سید فویه که در ازهر به‌طور جمعی یا فردی درس می‌خوانند به‌طور مساوی تا ابد هزینه شود»^{۱۷}. در سال ۱۲۳۵هـ/ ۱۸۲۰م سه موقوفه از

میان دارایی‌های خود در قاهره و اسیوط را مقرر داشت و در آن شرط نمود که منافع آن برای دانشیان ازهر مصرف شود این وقف شامل «مجاوران رواق صعایده و رواق سادات فشنیه» بوده که خرید سالیانه ۵۰۰۱۶ نان و توزیع روزانه میان آنها و همچنین ۱۰۰۰ قرش رومی جهت «سادات مجاور در رواق صعایده» هزینه شود...^{۱۸} در نتیجه این اقدامات، بیشترین اوقاف عمر مکرم، بر ازهر شریف و دانشمندان و دانشجویان آن وقف گردید. وی ضرب المثل و الگویی برای دیگر واقفان بر ازهر به‌ویژه ثروتمندان و توان‌گران شد.

خلاصه آن که بی‌توجهی محمدعلی به ازهر منجر به اقدام مردمی به تأسیس موقوفه‌هایی تازه برای ازهر شد و موقوفات عمر مکرم به عنوان رهبری مردمی و دارای نفوذ عمیق اجتماعی سنبلی برای این اقدام اجتماعی گردید. از آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم و همزمان با سیر تصاعدی ایجاد موقوفه‌های تازه، الازهر و به تبع آن مؤسسات دینی بیشترین بهره را از

عایدات این موقوفات بردند. همچنین ملاحظه می‌شود که وقف بر ازهر در این دوره به اوج خود رسید چنان که اوج وقف بر مکتب‌خانه‌ها را نیز شاهدیم. این دوره از ربع آخر قرن نوزدهم تا ربع اول قرن بیستم به طول انجامید.

آنچه جلب توجه می‌کند این است که واقفان موقوفه‌های جدید به نفع ازهر پس از مرگ محمدعلی، از اعضای خانواده او به‌ویژه از زنان بوده‌اند. ۱۹ از جمله دختر او امیره زینب که موقوفه بزرگی را در سال ۱۲۶۶ه/۱۸۶۰م مقرر نمود که شامل اراضی زراعی به مساحت ۱۰۲۹۹ فدان^{۲۰} به مدیریت استان دقهلویه می‌شد و در وقفنامه مقرر گردید که عواید آن صرف کارهای متعدد خیریه از جمله «حقوق و هزینه نان علمای حنفی ازهر»^{۲۱} شود که میزان آن ۳۳۵۳ جنیه براساس درآمدهای وقفی در سال ۱۹۴۰-۱۹۴۱ می‌شد. این مبلغ تا پایان دهه پنجاه میلادی تغییر زیادی نکرد اما در دهه شصت به ۷۶۳۱ جنیه رسید و در سال ۱۹۸۱ به ۱۷۰۰۰ و در سال

۱۹۹۰ به ۲۷۰۰۰ جنیه بالغ گردید.^{۲۲} افزایش میزان اقبال به تأسیس موقوفات جدید در اثر صدور لایحه سعیدیه در سال ۱۸۵۸م باعث افزایش میزان بهره‌مندی ازهر از این عایدات گردید... همچنین ملاکان بزرگ نیز در موقوفات مقرر بر ازهر مشارکت کردند از جمله: تمامی موقوفات حسن پاشا سری، محمد پاشا سلطان، فریده هانم جرکس، احمد پاشا شریف، عائشه صدیقه ذهنی، احمد پاشا منشاوی، احمد پاشا بدرآوی، قطب بک قرشی و حاج موسی علی و بسیاری دیگر.

اما عموم مردم در اواخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم، به وقف اراضی کشاورزی بر ازهر پرداختند. یعنی زمانی که دایره دارایی‌های کشاورزی نسبتاً وسعت یافت. برای نمونه به موقوفه حاج عبده سلامه (مزارعی از راستای کوم النور از توابع دقهلویه) می‌توان اشاره کرد که آن را در سال ۱۳۰۸ه/۱۸۹۱م تأسیس و مساحت آن ۸۶ فدان و چهار سهم بود و از این مقدار عایدات ۵۵ فدان و ۱۲ قیراط و





دانشکده شریعت الازهر - قاهره

است. نسبت موقوفات عموم مردم ۶۶/۲٪ نسبت به آمار کلی موقوفات ازهر می‌باشد که براساس آمارهای رسمی مربوط به نیمه دوم قرن بیستم، ۹/۷٪ از کل درآمدهای ازهر را در سال تشکیل می‌داده است. برعکس این وضعیت را در تعداد موقوفه‌های وزرا و کارمندان بلندپایه دولت مشاهده می‌کنیم چرا که تعداد آن موقوفه‌ها فقط ۴٪ بوده و ۹٪ از کل سود سالیانه را به خود اختصاص داده بود. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که علی‌رغم

۴ سهم را برای «هفت استاد از دانشیان و مدرسان ازهر و مدرسان سادات شافعیه و مجاوران رواق ابن معمر و شیوخ رؤسای آن...» هزینه گردد. مابقی زمین‌های موقوفه نیز جهت فقرا و مساکین و دیگر خیرات مصرف شود...

با بررسی موقوفات هریک از گروه‌های مختلف اجتماعی بر ازهر به این نتیجه رسیدیم که موقوفات ملاکین بزرگ با بیشترین نسبت یعنی ۴۳٪ از درآمدهای اوقاف ازهر سهم داشته

پایین بودن نسبت تعداد موقوفات زنان (۲۹/۵٪) در مقایسه با تعداد موقوفات مردان (۷۰/۵٪)، نسبت سهم موقوفات زنان در کل درآمدهای سال، ۴۷/۷۵٪ بوده و این تقریباً برابر با نسبت سهم درآمد موقوفات مردان (۵۲/۲۵٪) می‌باشد...

حاصل بررسی حرکت وقف بر ازهر در خلال قرن نوزده تا حدود نیمه قرن بیستم آن است که دانشگاه ازهر به بزرگ‌ترین مؤسسه وقفی در مصر تبدیل شد و موقوفات آن دارای ویژگی «غلبه گرایش عدم تمرکز» در دو سطح بوده: یکی سطح تخصیص سود به بخش‌های مختلف ازهر و دوم، سطح مدیریت بر اعیان موقوفات. هر دو سطح توسط شیوخ ازهر یا وزارت اوقاف، یا دیوان پادشاهی اوقاف و یا افراد، اداره می‌شد. همچنین صاحب اصلی تعیین تخصیص سود در سطح اول و تعیین مدیریت آن در سطح دوم، همان مؤسس وقف یا واقف بوده است که شروط وقف را در وقفنامه تعیین می‌نمود...

نکته‌ای که جلب توجه می‌کند آن است که ویژگی عدم تمرکز و استقلال نظام وقف در تاریخ مصر جدید از میزان دخالت دولت در دو زمینه اجتماعی و اقتصادی بسیار تأثیرپذیر بوده است. هرگاه میزان دخالت و ورود دولت زیاد شد، دو جنبه: عدم تمرکز و استقلالیت نظام اوقاف کاهش یافت و بالعکس. از این روی گرایش دولت جدید مصر به سوی دولت مداخله‌گرانه کامل ضرورتاً به فرو انداختن استقلالیت سیاست مردمی اوقاف از جهتی و ضعف اجتماع در مواجهه با دولت از سوی دیگر منجر شده است. به‌ویژه آن که این مداخله همراه با گرایش شدید به تمرکز قدرت اداری و سیاسی به گونه‌ای که به‌طور کامل در انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ رخ داد، شد. که در پی آن جنبه عدم تمرکز اوقاف از میان رفته و در نظام سیاسی ادغام گردید و وزارت اوقاف به موجب قانون ۲۴۷ سال ۱۹۵۳ و اصلاحات بعدی آن، ناظر تمامی امور اوقاف و از جمله اوقاف ازهر گردید. ۲۳



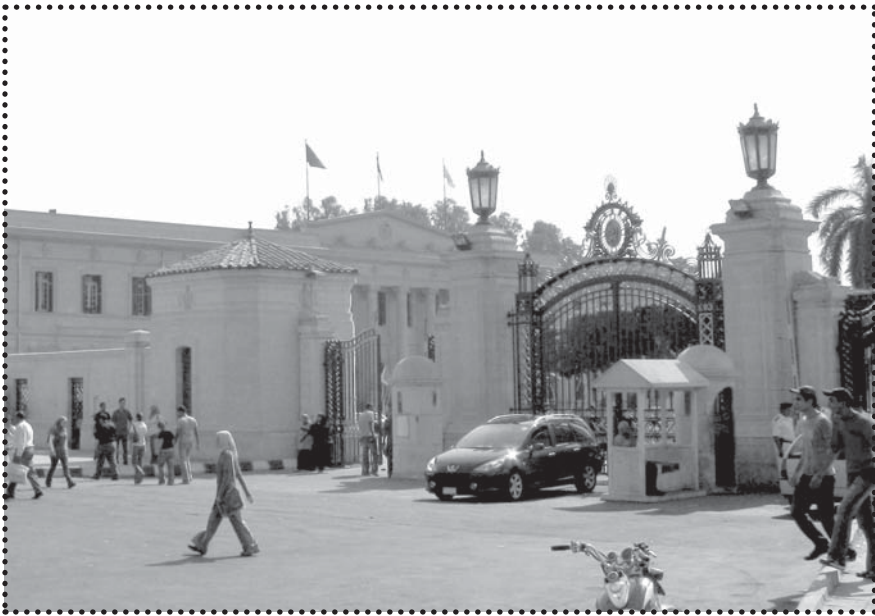
پس از ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۵۲ م به ندرت شاهد وقفی جدید بر ازهر و دانشجویان و مدرسان آن هستیم... اما پس از ۱۹۵۲ نه تنها هیچ موقوفه جدیدی برای ازهر مقرر نگردید بلکه تمامی میراث موقوفه آن در اختیار و مدیریت دولت جدید قرار گرفت و زنجیری آهنین اطراف آن کشیده شد چنان که دانشگاه مصر از زمان استیلای حکومت آن در نیمه قرن بیستم بدان شرایط دچار گردید. از این روی در طول بیش از نیم قرن (۱۹۵۲-۲۰۱۱) هیچ موقوفه‌ای بر ازهر تأسیس نیافت مگر موقوفه مستشار محمد شوقی فنجری که حصه‌ای را برای پاره‌ای از دانشجویان ازهر وقف نمود.

۲. موقوفات دانشگاه قاهره

اندیشه تأسیس دانشگاه عالی از اواخر قرن نوزدهم در میان مصریان شکل گرفت. ۲۴ و این فکر در آغاز قرن بیستم جامه عمل پوشید. طرح تأسیس دانشگاه به نوبه خود در آن زمان، یکی از نشانه‌های بیداری

مردمی و اجتماعی در مخالفت با سیاست اشغال بریتانیا که مبتنی بر ممانعت از نشر آموزش و مخالفت صریح با تأسیس دانشگاه در مصر بود به شمار می‌رفت. برخی از ملاکین بزرگ هم متوجه تأسیس دانشگاه شدند در رأس آنها مصطفی بک کامل غمراوی (از اعیان بنی‌سویف و از خیرین معروف و موسسین موقوفات خیریه خود و خانواده‌اش) بود که پیشنهاد تأسیس دانشگاه را به‌طور رسمی در اکتبر ۱۹۰۶ ارائه و با پرداخت ۵۰۰ جنیه حق ثبت آن را گرفت. به دنبال آن جلسه‌ای در منزل سعد زغلول برگزار و حاضران با پرداخت مبلغ ۴۵۸۵ جنیه در تأسیس آن سهم شدند.

سهام‌داران در تاریخ ۱۹۰۸/۵/۲۰ برای بار دوم به ریاست امیر احمد فؤاد در دفتر اداره اوقاف جمع شده و نام (دانشگاه مصر) را انتخاب کردند. ۲۵ اداره اوقاف نیز مصوب نمود که سالیانه مبلغ ۵۰۰۰ جنیه به دانشگاه کمک کند حال آن که مصوبه دولت برای کمک



یکی از ورودی های دانشگاه قاهره

سالیانه فقط مبلغ ۲۰۰۰ جنیه بوده است. از آن پس کمک‌ها و موقوفه‌ها پی در پی ادامه داشت. آغاز آن، موقوفه مصطفی بک غمراوی و برخی از بزرگان خاندان محمدعلی پاشا و در رأس آنها خانم امیره فاطمه اسماعیل بود که زمینی در دقهلیه به مساحت ۷۶۴ فدان وقف نمود تا منافع آن جهت دانشگاه مصرف شود. همچنین زمینی به مساحت ۶ فدان در بولاق و معادل ۱۸ هزار جنیه جواهرات ویژه برای تأسیسات و ساختمان‌های دانشگاه

تقدیم کرد. در سال ۱۹۱۴ اراضی موقوفه دانشگاه به ۱۰۲۸ فدان رسید که درآمد سالیانه آن در آن برهه ۸ هزار جنیه می‌شد.^{۲۶}

پس از آن تاریخ، ارزش موقوفات جامعه افزایش چندانی نداشت به‌ویژه بعد از تحویل آن به دانشگاه امیریه در ۱۹۲۵. دولت کمک‌های خود را از محل بودجه عمومی خود ارایه می‌داد و سیاست‌های آموزشی خود را بر آن تعیین می‌نمود. از نوع وقف نادری که پس از آن و قبل از ۱۹۵۲ به نفع دانشگاه

مصر مقرر گردید، وقف محمد توفیق نسیم (نخست وزیر) بود که در سال ۱۹۳۴ به وجود آمد که در آن شرط کرد که «سود یک فدان، صرف دانشجویان فارغ التحصیل ممتاز از دانشکده حقوق دانشگاه مصر» شود.

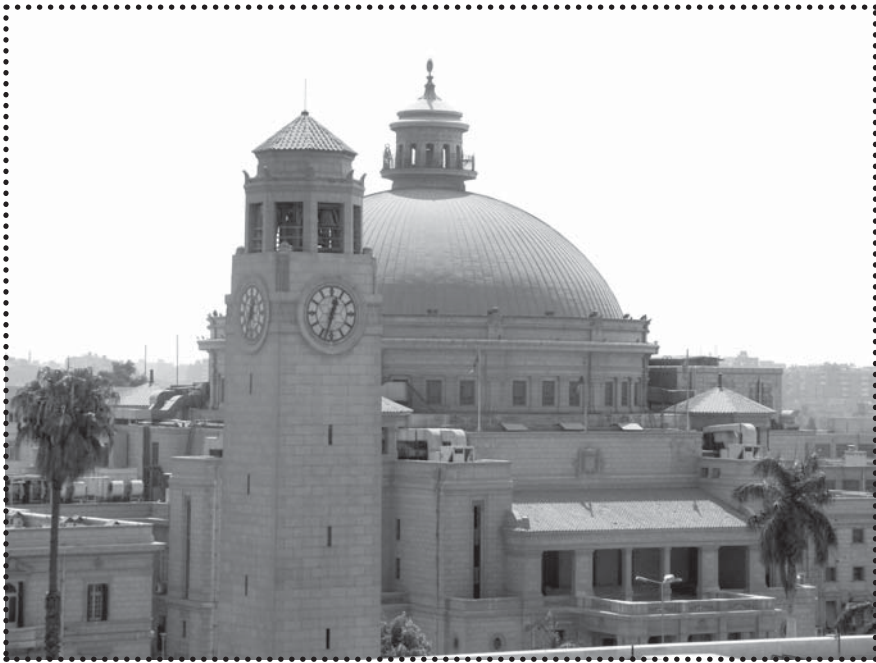
از پایان مرحله اصلاحات سوسیالیستی تاکنون صرفاً دو موقوفه بردانشگاه قاهره تأسیس شد؛ اول موقوفه دکتر محمد عبدالله حسن در سال ۱۹۷۶ برای دانشکده دارالعلوم (شامل زمینی به مساحت ۵ فدان و ۱۹ قیراط و ۱۹ سهم)^{۲۷} و دوم موقوفه محمد شوقی فنجری است که بدان خواهیم پرداخت.

باید به تلاش دیگر مردمی در راستای کمک به دانشگاه قاهره در قالب مساعدت‌ها و ارایه جوایزی برای تشویق دانشجویان و ساخت بناهای دانشگاه اشاره کنیم. از جمله ساختمان عظیمی که خانواده دکتر عیوطی برای دانشکده بازرگانی و... تأسیس کردند. همه این کمک‌ها در دو دهه آخر قرن بیستم به انجام رسید.

موقوفه مستشار فنجری بر دانشگاه‌های قاهره و ازهر

در سال ۱۹۹۱ مستشار فنجری شروع به واگذاری موقوفه‌ای به نفع دانشجویان دانشکده‌های حقوق، ادبیات، اطلاع‌رسانی و علوم دانشگاه قاهره نمود. موقوفه عبارت بود از برگ‌های سهام سرمایه‌گذاری بانک ملی (مجموعه ب) به قیمت کلی ۷۵۰/۰۰۰ (سه چهارم میلیون جنية) در سال ۲۰۰۳ براساس وقفنامه صادر شده در ژانویه ۲۰۰۳ توسط دفتر اسناد رسمی اهرام. براساس ابلاغیه بانک ملی این موقوفه، سالانه مبلغ ۹۵/۰۰۰ جنية سود داشته و معاف از مالیات می‌باشد.^{۲۸}

در آغاز تأسیس این موقوفه، فنجری شرط کرده بود که سود حاصله به دو بخش تقسیم شود؛ بخش اول برای مساعدت به دانشجویان نیازمند در دانشکده‌های فوق‌الذکر به کار رود و بخش دوم شامل کمک هزینه تحصیلی دانشجویان برای اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا از دانشکده‌های



گنبد و برج ساعت دانشگاه قاهره

حقوق شود. بخش اول این شرط با موفقیت به انجام رسید اما بخش دوم پس از حمایت مالی سه دانشجوی فوق لیسانس و سه دانشجوی دکترا متوقف گردید. به نظر می رسد شروط خاص واقف در موضوعات پایان نامه های مشمول کمک، دلیل اصلی این توقف بوده است.^{۲۹}

سود حاصل از اوراق (۹۵/۰۰۰ جنیه) به قرار ذیل توزیع می گردد:

- * دانشکده دارالعلوم ۳۰۰۰ جنیه در ماه؛
- * دانشکده حقوق ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- * دانشکده اطلاع رسانی ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- * دانشکده ادبیات ۱۰۰۰ جنیه در ماه؛
- * دانشکده علوم ۱۰۰۰ جنیه در ماه.

روند هزینه کرد سود این موقوفه برای دانشجویان در دانشکده های یاد شده

بر پایه اساسنامه‌ای که هیأت عالی امور وقف در ۱۹۹۶ به ریاست دکتر مفید شهاب (ریاست وقت دانشگاه) و با عضویت واقف، رؤسای دانشکده‌های مشمول، رئیس هیأت مدیره و مشاور حقوقی دانشگاه ترتیب داده ادامه دارد. مهم‌ترین بندهای این اساسنامه بدین قرارند:

۱. ضرورت اطلاع‌رسانی لازم (در مورد کمک‌های مالی مصوب) در تمامی دانشکده‌های مربوطه در آغاز و پایان هر ترم.

۲. یکسان‌سازی مساعدت‌های مالی برای تمامی دانشجویان بهره‌مند در پنج دانشکده یاد شده به گونه‌ای که ماهیانه ۲۵ جنیه برای هر دانشکده هزینه شود و سالانه ۲۸۰ دانشجو از آن بهره‌جویند. از این آمار تعداد ۱۲۰ نفر از دانشکده دارالعلوم و از هر چهار دانشکده دیگر ۴۰ دانشجو مشمول خدمات واقع شوند.

۳. مشمولین وقف در این دانشکده‌ها موظفند نسبت به اخذ تعهد اخلاقی از دانشجویان بهره‌مند، مبنی بر ارایه

کمک مالی به صندوق اجتماعی (رفاه) پس از فارغ التحصیلی و بهبود شرایط مالی برای کمک به دیگر دانشجویان نیازمند، اقدام نماید.

۴. رئیس دانشگاه به عنوان ناظر وقف موظف است دستور دهد که دانشجویان استفاده‌کننده از ترم‌های تابستانه از آغاز شروع ترم برای هزینه‌های پیش‌بینی نشده از کمک‌های مالی بهره‌مند شوند. مساعدت مالی در پایان ماه ژوئن هر سال برای دانشجویان سال چهارم به پایان می‌رسد.

۵. هر سه یا حداکثر پنج سال دانشکده اطلاع‌رسانی موظف است نسبت به اجرای نظرسنجی برای شناخت نظرات و پیشنهادات دانشجویان مشمول طرح، و به منظور بهینه‌سازی طرح و تحقق اهداف موقوفه، اقدام نماید.^{۳۰}

آمار تعداد دانشجویان بهره‌مند از کمک‌های وقفی (موقوفه فنجری) در دانشگاه قاهره از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲



سال	دانشکده	حقوق	ادبیات	اطلاع رسانی	دارالعلوم	جمع کل
۱۹۹۳		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۴		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۵		۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۷۰
۱۹۹۶		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۱۹۹۷		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۱۹۹۸		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۱۹۹۹		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۲۰۰۰		۴۰	۲۰	۴۰	۱۲۰	۲۲۰
۲۰۰۱		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
۲۰۰۲		۴۰	۴۰	۴۰	۱۲۰	۲۴۰
جمع کل		۳۴۰	۲۹۰	۳۴۰	۹۰۰	۱۸۷۰

منبع: راهنمای موقوفه فنجری، ص ۴۱.

نتیجه گیری

آنچه در پایان این مقال برآیند این است که متولیان امور آموزشی عالی در مصر همواره از درک اهمیت وقف در حمایت و پشتیبانی و پیشرفت آموزش عالی و استقلال بخشی آن به دور بوده اند. بسیاری از دلایل بر لزوم فعال سازی و کاربست وقف به شیوه ها و اشکال نوین در مشارکت بر حل مشکلات و پیشبرد آموزش

عالی وجود دارند.

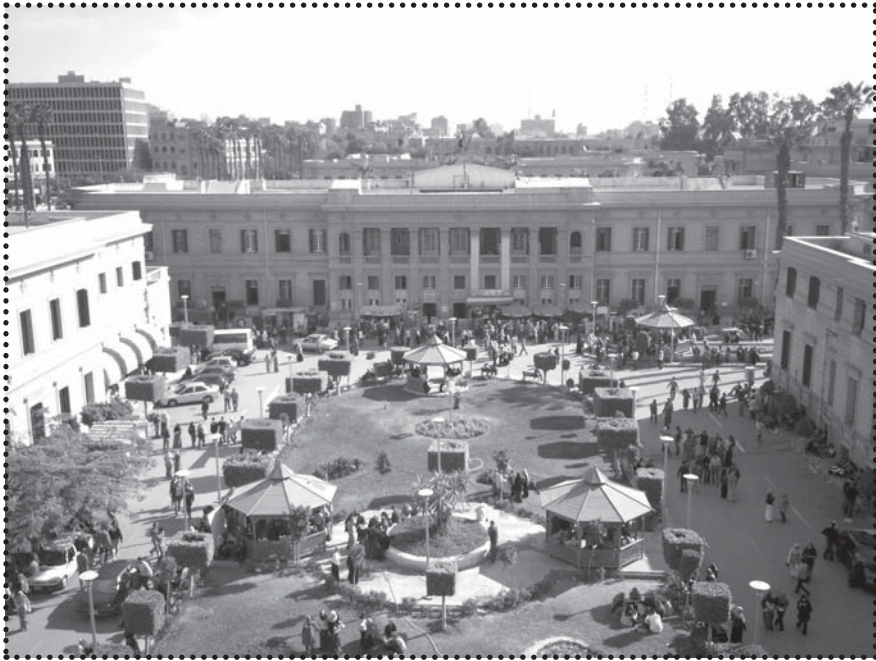
ارایه خدمات آموزشی تا مراحل تکمیلی آن یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه مدنی از طریق نظام وقف در قالب شیوه سنتی دولت می‌باشد اما پروسه شکل‌گیری این خدمات در سایه دولت جدید به دلیل سیر قهقرایی آن به از بین بردن بسیاری از منابع خودجوش آموزشی و در طلیعه آن، نظام وقف منتهی شده است. مشارکت بخش خصوصی جامعه نیز در این زمینه، کورکورانه عمل کرده است. علاوه بر آن این مشارکت بر فلسفه بازار و نه اقتصاد اجتماعی که هدف سابقش شرکت در منافع عمومی بوده، بنا شده است.

شاید از مهم‌ترین دلایلی که تمرکز جامعه مدنی را از منظر اقتصاد اجتماعی بر بخش آموزش عالی ضرورت می‌بخشد، تجارب جهانی است مبنی بر این که سرمایه‌گذاری در دانش و معرفت، از طرفی یکی از مهم‌ترین ابزار موفقیت اجتماعی بوده و پیشرفت جامعه و حل مشکلات آن را از سوی

دیگر به دنبال خواهد داشت و مهم‌تر آن که تحول به سوی نظام بازار، توجه و اهتمام بیشتری را به عرصه آموزش از منظر رهیافت‌های جامعه‌شناختی مطالبه می‌کند.

اشاره می‌کنیم که در اینجا ضرورت ایجاد سازگاری و همبستگی فعال میان سه نیروی انسانی که در هر اجتماعی رخ می‌نماید وجود دارد: روح یا عاطفه، عقل و مصلحت‌اندیشی. سه نیرویی که روش‌ها و الگوهای مشابه آن در نظام اجتماعی با هدف تکریم برابرسازی‌های فرصت‌ها یا عدالت اجتماعی متولد می‌شوند. عدالتی که سرسازش و پیشرفت اجتماع بوده و ضمانت حقوق و وظایف اجرایی هر دولت و آزادی انتخاب در سطح بازار و محافظت از هویت و هستی ملی در سطوح اجتماعی و محلی به‌شمار می‌آید.

همچنین ما الگوی وقف و اهمیت کاربست آن را در زمینه آموزش از دو منظر تاریخی و معاصر بررسی‌شده و دوباره تأکید می‌کنیم که دلایلی محکم



فضای داخلی دانشگاه قاهره

اشاره می‌کند که این نظام پی در پی در درون خود واجد عوامل ماندگاری و امکان مدرنیزه شدن و فعال‌سازی به‌ویژه در زمینه آموزش است. این دلایل صرفاً در الگوی دانشگاه مصر یا نمونه وقف فنجری خلاصه نمی‌شود. زیرا هم‌اکنون تجارب مهم‌تر و موفق‌تر در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته با تکیه بر ویژگی‌های گوناگون اندیشه وقف یا همان Endowment & Trust آزموده شده‌اند. علاوه بر آن پاره‌ای از این تجارب در برخی کشورهای

اسلامی مانند: ترکیه، ایران و مالزی به مرحله اجرا گذاشته شده است. افزون بر آن همین دولت نسبت به تجمیع نیروها و همکاری‌ها برای ورود و مشارکت در عرصه‌هایی که قبلاً در انحصار خود آورده، پس از احساس سنگینی کار و عدم توانایی در مدیریت انفرادی آن، اقدام نمود. چون لغو بخش خصوصی بر کار عمومی و داوطلبانه، پیامدهای منفی به بار آورده و در شرایط کنونی عاقلانه و موردپسند نخواهد بود.

اعتباربخشی دوباره به نظام وقف و گشودن دست آن برای همکاری در زندگی مردم و پشتیبانی و پیشبرد آموزش عالی، ارزش دارد. زیرا این کار، مایه برپایی ستونی استوار و توانمند از امکانات ذاتی مردمی خواهد شد اما این سخن به معنای بازگرداندن دستاورد سنتی وقف به شیوه کلاسیک گذشته نخواهد بود. بلکه این موضوع، کوشش‌ها و اجتهادات نوین فقهی و نوآوری‌های تازه‌ای را در رویه برنامه‌ریزی، مدیریت و سرمایه‌گذاری و انجام اصلاحات مواد حقوقی که متضمن یک پارچه‌سازی فعالیت‌های وقفی و سوق و هدایت آنها در مجال آموزش عالی باشد، خواهان است.

دوباره کار عملی که شرایط رایج را هم ملحوظ بدارد می‌گوییم مطالعات نظام وقف که مبین میراث گذشته‌اش در زمینه آموزش عالی است، الگویی هدایتی را تشکیل می‌دهد که همراه با دیگر کوشش‌ها، در بنای جامعه حقیقی مدنی مشارکت می‌کند. سرآغاز و شروع به کار در میدان عمل مربوط به

محافل و انجمن‌های شهری و آکادمیک و نهادهای حکومتی زیربط بوده سپس طراحی الگویی برای آزمایش میدانی توسط یکی از دانشگاه‌ها قبل از انجام اصلاحات قانونی بر پاره‌ای از قوانین و در رأس آن قانون وقف، قانون احزاب و گروه‌های محلی و قانون دانشگاه‌ها ضروری است. قانون احزاب و گروه‌ها چارچوب موقتی برای مانند این آزمایش خواهد بود و این از طریق تشویق بر تشکیل انجمن‌های وقفی با هدف مشارکت در حل مشکلات آموزش عالی و کمک به پیشبرد کمی و کیفی آن و سپس مرحله تعمیم خواهد بود. این موضوع به تلاشی بسیار در تمامی زمینه‌ها نیازمند است.

پی نوشت‌ها:

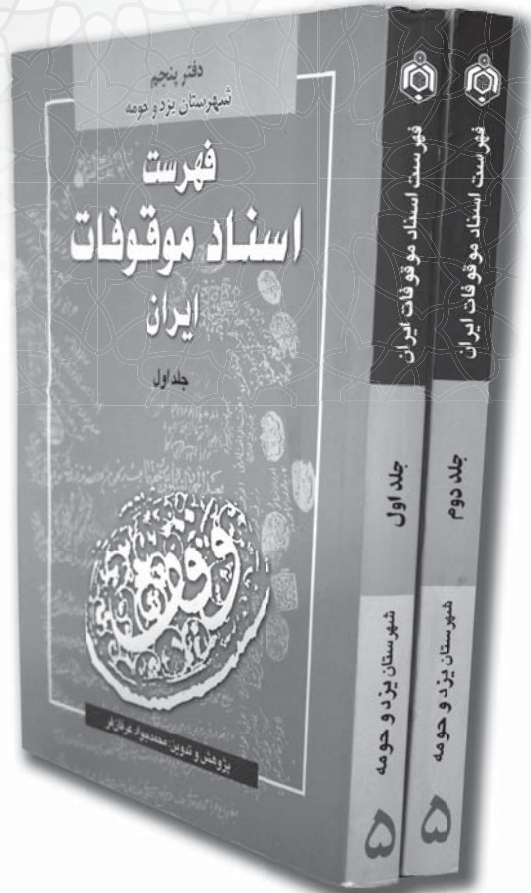
۱. این مقاله ترجمه ای است از: تحولات العلاقة بين الاوقاف والتعليم العالي في مصر الحديثه، الدكتور ابراهيم البيومي غانم، مجلة اوقاف، العدد ۲۰ السنه الحادى عشره، مايو ۲۰۱۱م.
۲. كامل عياد، ماهى الجامعه؟ مجلة الابحاث تصورها الجامعة الامريكىة فى بيروت السنه ۸، الجزء ۲، حزيران / يونيو ۱۹۵۵، ص ۱۸۲.
۳. همان، ص ۱۸۱.
۴. همان، ص ۱۸۳.
۵. جورج المقدسى، مؤسسات العلم الاسلامىة فى بغداد فى القرن الخامس الهجرى (الحادى عشر)، ترجمه احسان عباس، مجلة الابحاث، السنه ۱۴، الجزء ۳، ايلول / سبتمبر ۱۹۶۱، ص ۲۸۶.
۶. وزارة الاوقاف وشئون الازهر، الازهر: تاريخه وتطوره (القاهرة: وزارة الاوقاف، ۱۳۸۳ هـ / ۱۹۶۴).
۷. فؤاد افرام البستاني، الجامعة فى العالم العربى: نشأتها وتطورها، مجلة الابحاث، السنه ۸، الجزء ۲، حزيران / يونيو ۱۹۵۵، صص ۱۹۷-۱۹۹.
۸. ابراهيم البيومي غانم، الاوقاف والسياسة فى مصر (القاهرة: دار الشروق، ۱۹۹۸)، صص ۷۱-۷۳.
۹. برابى تفصيل پيرامون دو موج ياد شده ر.ك: ابراهى البيومي غانم، نحو تفعيل نظام الوقف فى توثيق علاقته المجتمع بالدوله، مجلة المستقبل العربى، بيروت، العدد ۲۶۶، ۲۰۰۱/۴، صص ۳۹-۴۰.
۱۰. مدارس نظاميه بهترين نمونه برابى نشان از ورود قدرت جهت پشتيابنى مالى دانشمندان است. برابى تفصيل ر.ك: البستاني، همان، ص ۱۹۹.
۱۱. عبدالوهاب بن حفيظ، نحو مقاربه مستقبله و جديده للوقف التعليمى: من ثقافة الاخذ الرىعى إلى الاقتصاد الاجتماعى، المجتمع التونسى نموذجاً (جستارى انتشار نايافته، ۲۰۰۱)، ص ۵۹.
۱۲. برابى آگاهى از جزييات وضعيت اوقاف مصر در خلال دوره مذکور نگر: غانم، الاوقاف والسياسة، همان، صص ۹۸-۱۰۹.
۱۳. جامعة القاهرة: نبذه تاريخيه، مقاله انتشار يافته در اينترنت: www.Cu.edu.eg/Arabic/General/2520Info.
۱۴. غانم، الاوقاف والسياسة، همان، صص ۴۵۸-۴۹۹.
۱۵. پيرامون تأسيس مدارس جديد توسط محمدعلى و سياست كلى او در اين زمينه نگر: انور عبدالملك، نهضة مصر... م س ذ، صص ۱۵۵-۱۶۳؛ احمد عزت عبدالكريم، تاريخ التعليم فى عصر محمدعلى (القاهرة: ۱۹۳۸).
۱۶. نگر: «اشهاد بوقف السيد عمر مكرم نقيب الاشراف» مورخ فى ۱۱ جمادى الاول ۱۲۲۴هـ (ارشيف الشهر العقارى بالقاهرة: سجلات محكمة الباب العالى



- بمصر، مسلسلۀ رقم ۳۴۱ ماده ۱۶۳، ص ۷۴.
۱۷. وقفنامه عمر مكرم، نوشته شده به تاریخ ۵ رجب ۱۲۲۷هـ در محکمه باب عالی (سجلات وزارت الاوقاف: سجل رقم ۱ / قدیم، مسلسلۀ رقم ۳۴).
۱۸. وقفنامه اول در تاریخ آغاز ربیع الثانی ۱۲۳۵ در محکمه باب عالی نوشته شده و جزء اسناد وزارت اوقاف (شماره ۳ / اهلی ب) به ثبت رسیده و وقفنامه دوم در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۲۳۵، در همان جا نگارش یافته و جزء اسناد وزارت اوقاف (شماره ۳۵ / قدیم، مسلسلۀ ۲۵۸۵) به ثبت رسیده است. وقفنامه سوم نیز در تاریخ ۱۵ شوال ۱۲۳۵ در همان جا نگارش یافته است. (شماره ۳۲ / قدیم، مسلسلۀ ۱۸۳۷).
۱۹. شش تن از این زنان را شناسایی کردم شامل: بمباقدن، شیوه نازهانم، جمیه هانم، البرنسیه، فاطمه، فاطمه برلنتی از سادات خانواده.
۲۰. یک فدان تقریباً معادل ۴۲۰۰ مترمربع است. (مترجم)
۲۱. وقفنامه زینب هانم، کریمه محمدعلی پاشا به تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۷۷هـ در محکمه قانونی مصر تحریر یافته (سجلات وزارت الاوقاف: سجل رقم ۴ / قدیم، مسلسلۀ رقم ۲۹۲).
۲۲. پیوست بودجه دانشگاه ازهر سال ۱۹۴۰/۱۹۴۱ (دارالوثائق القومیه بالقاهره: محافظ الازهر الشریف، محفظة رقم ۴۵).
۲۳. متن قانون و اصلاحات آن را در: قوانین الوقف والقوانين المتعلقة بها، م س ذ، ص ۹۴ و ۹۷ ملاحظه فرمایید...).
۲۴. دونالدرید، جامعه القاهرة والمستشرقون، مجلة الثقافة العالمیه (الکویت: العدد ۳۸، السنة السابعة ۱۹۸۸) صص ۸-۹؛ تاریخ انشاء الجامعه المصریه، مجلة الهلال، الجزء الثامن، السنة ۲۲، ۱/۵/۱۹۱۴، ص ۵۶۴.
۲۵. احمد لطفی سید در خاطراتش آورده که نام دانشگاه مصر را در آن جلسه بر آن نهادند ر.ک: احمد لطفی السید، قصه حیاتی (القاهره: دارالهلال ۱۹۹۲) صص ۱۹۱-۱۹۲.
۲۶. غانم، همان، ص ۲۶۴.
۲۷. همان، ص ۲۷۰.
۲۸. دلیل وقفیه المستشار الدكتور محمد شوقی الفنجری خلال احدى عشرة سنة ۱۹۹۱-۲۰۰۲، لصالح طلبه جامعه القاهرة (ب. ت ب. ن)، صص ۲۸-۳۴.
۲۹. برای تفصیل پیرامون تجربه حمایت از دانشجویان تحصیلات تکمیلی توسط موقوفه فنجری ر.ک: غانم، همان، صص ۲۷۱-۲۷۳.
۳۰. دلیل وقفیه الفنجری، صص ۳۲-۳۴.

معرفا کتاب فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر پنجم: شهرستان یزد و حومه

سید امیرحسین کامرانی راد



اسناد و مدارک موقوفات از معتبرترین و اصیل‌ترین منابع تحقیقی برای تاریخ اجتماعی و سیاسی به شمار می‌روند. در استان یزد تعداد قابل توجهی از این مدارک آرشیوی وجود دارد که تاکنون مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته‌اند. بررسی اولیه این اسناد حاکی از دست و دلبازی و بلند نظری مردمان دوره‌های مختلف است که یا اهل این منطقه از کشور بوده‌اند یا روزگار آنها را به اینجا کشانده بود. آنها آگاهانه و با اشراف کامل، درآمد حاصل از موقوفات را به مصارفی اختصاص داده‌اند که نیاز روزگارشان بوده است. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و توجه روزافزون به میراث پربار اسلامی، اهتمام به طبقه بندی و نشر آثار مکتوب فرونی یافته است. در همین راستا سازمان اوقاف و امور خیریه نیز در دهه اخیر بر آن شد تا اسناد موجود را از لابه لای پرونده‌های جاری موقوفات بیرون آورد و در اختیار پژوهشگران قرار دهد تا هر یک، بنا به ذهن خلاق خود به بررسی و تحلیل

آنها بنشینند.

علاوه بر آن که می‌توان این اسناد را به عنوان یک منبع دست اول به تنهایی مورد کنکاش قرار داد، همچنین می‌شود از آنها به عنوان یک منبع غنی و مکمل در ساز و کار و نتیجه بخشی تحقیقات، بهره برد.

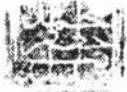
این کتاب که پنجمین دفتر از «فهرست اسناد موقوفات ایران» در دو جلد است، حاوی یک هزار و سیصد و سی و هفت وقفنامه و مدارک وقف شهرستان یزد از دیرباز تا امروز است که گردآوری و تدوین آن، دو سال زمان برده است. این کار ارزشمند، بر اساس دو همایش مربوط به ساماندهی اسناد وقفی در ساری و تهران و دستورالعمل‌های سازمان ابلاغی از دفتر اسناد و شناسایی موقوفات به انجام رسیده است.

اسناد و مدارک وقف از چند دهه اخیر همواره مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی بوده است. آنها یا تحقیقی کلی انجام داده‌اند از قبیل: عبدالوهاب طراز، مؤلف کتابچه

هکلی دفعه پنجم

مرکز الوقف علی بن ابي طالب
المؤمن بالله محمد وآل محمد

ابو اسحاق محمد



رضایت
مطلوبه

۱۲۲۴

مخالفه

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

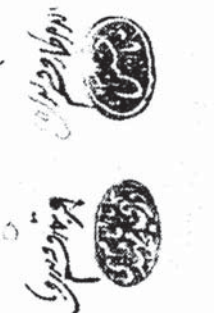
مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

Handwritten signature and notes on the right side of the page.



Handwritten signature and notes at the bottom right of the page.

وقف میراث جاویداران

شماره ۸۴ زمستان ۱۳۹۲

موقوفات یزد^۲ و طرب، مؤلف جامع جعفری^۳ و استاد ایرج افشار، مؤلف مجموعه یادگارهای یزد^۴ و محمد رضا تصدیقی با یادگار ماندگار^۵ و برخی نیز جزیبی نگری کرده‌اند از قبیل: نوبوآکی کندو، مؤلف مقاله «پیشینه اجتماعی و اقتصادی خوانین یزد»^۶ و محمد جواد عرفان‌فر، مؤلف مقاله «گزیده‌ای از مصارف خواندنی در متون وقفنامه‌های استان یزد»^۷.

در طول سی و پنج ساله گذشته، رشد موقوفات نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چشمگیر بوده است و مصارف نیز دچار تحول شده‌اند.

اسناد موقوفات شهر یزد و حومه آن که در این کتاب فهرست وار آمده، در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان یزد نگهداری می‌شوند و حدود بیست و سه فقره از آنها مربوط به پیش از دوره قاجار، ششصد فقره مربوط به دوره قاجار، سیصد و پانزده فقره مربوط به دوره پهلوی و حدود سیصد و شصت و نه فقره مربوط به دوره حکومت مقدس جمهوری اسلامی است.

لازم به ذکر این که:

۱. در مواردی که شخص یا اشخاص، خود برای تنظیم سند اقدام کرده‌اند: ابتدا نام و شهرت آنها و به دنبال آن نام و شهرت پدر یا همسر ذکر شده است.

۲. در مواردی که تنظیم سند به وصی سپرده شده است: ابتدا نام و شهرت وصی، سپس نام و شهرت موصی درج گردیده است.

۳. در مواردی که تنظیم سند به وکیل سپرده شده است:

ابتدا نام و شهرت وکیل و به دنبال آن نام و شهرت موکل آورده شده است.

۴. در مواردی که یک شخص چند وقفنامه یا حبس‌نامه دارد، هر سند به طور مستقل معرفی شده است.

۵. در مواردی که نام شخص مشخص نیست، به جای آن خط تیره (-) کشیده شده است اما سایر اطلاعات، مطابق معمول در سطر بعد ارایه شده است.

۶. در مواردی که وقف یا حبس گروهی است، اسامی به ترتیب الفبا



آمده است.

۷. برخی از اسناد دارای چند وقفنامه است که توسط یک شخص یا افراد مختلف وقف گردیده که برای آنان هویت مستقل و به عبارتی یک وقفنامه فردی در نظر گرفته شده است. این قبیل از وقفنامه‌ها در ضمن فهرست چنین معرفی شده‌اند: وقفنامه (در حاشیه یا ادامه سند ردیف...)

۸. اسنادی که نسخه‌ای از آن در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه وجود داشته است، در ضمن فهرست در محل درج شماره پرونده با قید آرشیو معرفی شده و شماره سند نیز مقابل آن آمده است.

از ویژگی‌های این مجموعه ارزشمند، نمایه اماکن موقوفه و موقوف‌علیه و نمایه القاب، نسبت‌ها و مشاغل می‌باشد و در پایان هم برگزیده تصاویر برخی از موقوفات شهرستان یزد آمده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پژوهش و تدوین: محمد جواد عرفان‌فر.
۲. فرهنگ ایران زمین، به کوشش ایرج افشار (۱۳۴۱).
۳. جامع جعفری، محمد جعفر نائینی طرب، به کوشش ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی (۱۳۵۳).
۴. تهران، انتشارات نیک‌روشن (۱۳۴۸) - (۱۳۵۰).
۵. اداره کل اوقاف و امور خیریه استان یزد (۱۳۸۰).
۶. فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲۹، صص ۷۳-۸۲.
۷. فصلنامه فرهنگ یزد، ش ۳۰، صص ۲۸-۴۵.



چکیده عربی

المخلصات العربيه

چکیده انگلیسی

English Abstract



ملحات من تاريخ الوقف في إيران - أصفهان بوجه خاص (بالتركيز على كتاب عبدالحسين سبنتا)

محمد حسين رياحي

ملخص

بالنظر إلى المسار التاريخي للوقف في إيران الإسلامية ولا سيما فتراته اللاحقة يمكن التعرف على دور هذه المؤسسة القيمة في تطوير الثقافة والحضارة الإسلامية. كان المغفور له عبدالحسين سبنتا من الذين حاولوا طيلة نصف قرن أن يعد تقريراً عن الوقف في إيران الإسلامية ولا سيما أصفهان وما عرض عليه من تطورات. فقام بتدوين كتاب يخص هذا الموضوع. ولقد تطورت الدراسات عن الوقف اليوم، لكنها لم تقلل من أهمية عمل المرحوم سبنتا في كتابه تاريخه أوقاف أصفهان [= تاريخ أوقاف أصفهان]؛ فإنها تعد خطوة هامة في تبين أهمية الوقف في تاريخ الحضارة الإسلامية وخاصة أصفهان.

الكلمات المفتاحية:

الوقف، إيران، أصفهان، عبدالحسين سبنتا

دراسة تأثير أوقاف الأولياء والأماكن المشتركة على اقتصاد البلاد

عفت خشنودي

ملخص

كان حب الإيرانيين للأولياء من ذراري الرسول والأنمة (ع) جعلهم يأوونهم عند مهاجرتهم إلى إيران ويبجلونهم، وقد تجلّت هذه المحبة وهذا التعظيم أن يبنيوا مراقد لهم بعد وفاتهم وإن كانت بشكل مباه بسيط. لكنه وبمرور الزمان واهتمام الحكام والوزراء ومحبي مدرسة التشيع بتعظيم الأولياء بنيت مراقد أكثر عظمة وفخامة على قبورهم، ثم وقف الخيرون أموالاً وعقاراً لحفظ هذه المراقد وصيانتها مما أصبحت مصدر خدمات وبركات اقتصادية لشعب الإيراني وإيران. وتقوم المقالة بدراسة الصلة بين الوقف والاقتصاد، ومن ثم تأثير

الأوقاف على اقتصاد البلاد؛ ثم تتطرق إلى الأداء الاقتصادي لأوقاف الأولياء والأماكن الشريفة. علماً بأن المقالة استفادت من الوثائق والمكاتب.

الكلمات المفتاحية:

الأولياء، الأوقاف، الأداء الاقتصادي للوقف

تغيير اسم الأوقاف من منظار الأخلاق

الدكتور سيدحسن إسلامي

ملخص

إن مؤسسة الوقف كانت ولا تزال في معرض الاهتمام وذلك لأثاره الهامة على العالم الإسلامي. فقام الفقهاء وخبراء القانون بالدراسة في شتى أبعادها وبيان أحكامها المختلفة بغية حفظها واستمراريتها، لكن المنحى الأخلاقي للأوقاف لم يأخذ حقه من الدراسة. تنوي هذه المقالة لملء هذا الفراغ أن يجيب عن السؤال التالي: ما حكم تغيير اسم الأوقاف خلافاً لرأي الواقفين من وجهة نظر الأخلاق؟ وقد توصل المؤلف بدراسة مختلف المذاهب الخلقية أن هذا العمل ليس بصحيح أخلاقاً. فلو نظرنا إليه من منظار «مذهب الغاية الأخلاقية»، فإن تغيير اسم الأوقاف سيؤدي في النهاية إلى تضييف ثقافة الوقف؛ فهذا يكون هذا العمل خاطئاً. ولودرنا هذا الأمر من وجهة نظر «مذهب الحقية الأخلاقي»، فلا يحق لنا أن نعمل خلافاً لما نواه الواقف، وليس ذنبه سبباً لسلب حقه في الاحتفاظ باسمه. ولو تأملنا في الموضوع من منظور «مذهب الالتزامية الأخلاقي»، فعلى المجتمع الإسلامي أن ينفذ التزاماته ويعد الاحتفاظ بالموقوفات جزء من الالتزامات. ولو نظرنا إلى «مذهب الفضيلة الأخلاقي»، فتحول الفضيلة الخلقية الوفاء بالعهد دون هذا التغيير. وأخيراً لو أردنا أن نجعل هذا العمل أخلاقياً باستخدام التعميم، نحكم أيضاً بلا أخلاقيته. والنتيجة أنه لو نظرنا إلى مصالح المجتمع بنظرة قائمة على المصلحة أو برؤية قائمة على الالتزام يكون الاحتفاظ باسم الموقوفات أحسن وأكثر قبولاً للنفس من تغييره.



الكلمات المفتاحية:

أخلاقيات الوقف، تغيير اسم الأوقاف، مذهب الفضيلة الأخلاقي، مذهب الالتزامية الأخلاقي، الأخلاق البراعماتي، مذهب الغاية الأخلاقي

هوية النساء الواقفات في إيران - نساء مدينة أمل كنموذج

معصومه يد الله بور

ملخص

من إحدى طرق تأدية النساء في مدينة أمل الدور البارز في حياتهن الاجتماعية مشاركتهن في المجتمع عبر الوقف. وهناك غير واحد من سندات الوقف تطلعننا على معلومات قيمة في هذا المجال. ووفقاً لها، فإن هناك دواعي مختلفة لاهتمام النساء بمؤسسة الوقف من أبرزها تلبية الروحية الدينية ومساعدة الآخرين. وأما أهم توظيف الوقف، فكان في إقامة مجالس التأبين للإمام الحسين (ع) والمسرح العزائي له.

الكلمات المفتاحية:

الوقف، الأوقاف، الواقفات، أمل، المسرح العزائي

سند وقف لقناة حسينية في طهران

مرضية مرتضوي

ملخص

هناك في مكتبة جامعة طهران المركزية سند وقف يخص قناة حديثة الإنشاء بيد محمد حسين خان أمير تومان الملقب بشهاب الملك في أيام حكم ناصر الدين شاه القاجاري، وقفه لاستفادة سكان حيّ جال ميدان وزقاق غريبان في مدينة طهران. ووضع محمد حسين خان خمسة شروط للاستفادة من القناة وجعل تولي الوقف لنفسه أيام حياته وأولاده الذكور بعد وفاته.

الكلمات المفتاحية:

سند الوقف، قناة حسينية في طهران، محمد حسين خان شهاب الملك

مجموعة بنايات الولي عبدالعظيم الحسيني وأوقافه

مهدي بختياري

ملخص

إن الولي عبدالعظيم الحسيني (ع) الملقب بالسيد الكريم والمكنى بأبي القاسم يرجع نسبه إلى الإمام الحسن المجتبي (ع) بأربعة وسائط. وهناك مرقدان آخران في هذه المجموعة أحدهما للولي حمزة والآخر للولي طاهر (ع).

كان مرقد الولي عبدالعظيم موضع اهتمام السكان والزوار والملوك منذ قديم الزمان لحد الآن، وقد رُمّم في الفترات المختلفة أو أضيفت إليه بنايات.

تقوم المقالة أولاً بتعريف الأقسام المختلفة لهذه المجموعة من الناحية الفنية والعمارية، ثم تدرس أوقافها.

الكلمات المفتاحية:

الولي عبدالعظيم الحسيني، مدينة ري، الولي حمزة، الولي طاهر، الأوقاف

الولي إسماعيل (في همدان)

زهرا بور شعبانيان

ملخص

إن للأبنية الدينية والمراقد التي تُنشأ على قبور الأولياء والأنمة المعصومين (ع) كرمز لمتطلبات السياسية والدينية للشعبة دوراً هاماً في الحياة السياسية والاجتماعية والاقتصادية للمجتمع. ففي الفترة الصفوية وبعد رواج مدرسة أهل البيت (ع) في منظومة القيم الإيرانية أصبحت لهذه الأبنية مكانة مرموقة في الأوساط الدينية؛ حيث ترسخت



المراقد والأماكن المقدسة في نسيج المجتمع والثقافة الإيرانية، وكوّنت هوية دينية للمدينة التي تقع الأبنية فيها. من هذه الأماكن المراقد الدينية التي بنيت في الفترة الصفوية في مدينة همدان.

تحاول المقالة أن تدرس مرقد الولي إسماعيل في همدان كجزء من الهوية الدينية في المجتمع في العصر الصفوي مما تساعد الباحثين في إحياء القيم الروحية للمجتمع.
الكلمات المفتاحية:

الصفوية، همدان، الولي إسماعيل

صلة الوقف بالتعليم العالي في مصر الحديثة

الدكتور إبراهيم بيومي غانم

ترجمة حسين علينقيان

ملخص

لقد تفاقمت مشاكل التعليم العالي في كثير من البلدان الإسلامية في خضم التطورات السياسية والإصلاحات الاقتصادية ومتطلبات الأوساط العلمية. وقد أصبحت المشاكل مصدر أزمة بسبب التطورات التقنية وسياسة العولمة وعدم التوازن للجزء التقليدي للمجتمعات على المستوى الدولي. إن السؤال الرئيسي الذي نحن بصدد الإجابة عنه هو: لماذا انحسر دور مؤسسة الوقف في دعم التعليم العالي في مصر الحديثة؟ وكيف يمكن إحياء الدور المؤثر للوقف في حل مشاكل يعانيها التعليم العالي بوجه عام والتعليم الأكاديمي بوجه خاص؟

الكلمات المفتاحية:

الوقف، التعليم العالي، مصر الحديثة، أوقاف جامعة القاهرة

تعريف بكتاب فهرست أسناد موقوفات إيران المجلد الخامس : مدينة يزد وضواحيها

سيد أميرحسين كامراني راد

ملخص

إن سندات الوقف والوثائق الوقفية من أهم وأقدم مصادر لدراسة التاريخ الاجتماعي والسياسية لأي مجتمع. وهناك عدد كثير من المصادر فيما يتعلق بالوقف في محافظة يزد لم تتعرض للدراسة والتحقيق لحد الآن.

يحتوي هذا الكتاب، وهو في مجلدين، على ١٣٣٧ سند وقف ووثيقة وقفية لمدينة يزد منذ قديم الزمان إلى زماننا الراهن. وقد استغرق جمع هذا الكم الهائل من الوثائق سنتين كاملتين.

يجتفب بهذه الوثائق في دائرة الأوقاف والشؤون الخيرية بمحافظة يزد. يرجع ما يقارب ٢٣ عدداً منها إلى فترة ما قبل القاجارية، وتاريخ ٦٠٠ منها يرجع إلى الحقبة القاجارية، وتتعلق ٣١٥ عدداً منها بالعصر البهلوي، ويخص ٣٦٩ عدداً منها زمان الجمهورية الإسلامية. وقد أعدت للكتاب فهرس قيمة مثل: فهرس الأوقاف والموقوف عليهم. كذلك فيه مسرد للألقاب والعلاقات النسبية والمهن. ويضم الكتاب ملحقاً يتناول عدة صور من أوقاف مدينة يزد.

الكلمات المفتاحية:

أوقاف إيران، يزد، الوثائق الوقفية، سندات الوقف

فهرست اسناد موقوفات ایران



شماره ٨٤ زمستان ١٣٩٢



Historical review of Waqf in Isfahan- Iran due to Abdolhossein Sepanta's writings

Mohammad Hossein Riahi

Abstract

Waqf historical transition in Islamic Republic of Iran as a favorable age shows the effect of this valuable foundation on development of Islamic culture and civilization. Abdolhossein Sepanta is one of the oldest leaders in providing considerable materials and documents in Waqf description in Iran specially in Isfahan. However compare with ancient times, Waqf researches have changed, but Sepanta's research in "Awqaf history in Isfahan" is an important development in Islamic civilization history in Iran, especially Isfahan.

Key words: Waqf, Iran, Isfahan, Abdolhossein Sepanta.

The effect of holy shrines on economic

Effat Khoshnoodi

Abstract

Following the immigration of Imams, their family and Sadat Alavi to Iran, Iranian converted to Islam and became interested in holy shrine and Sadat Alavi so that they built simple structures on their tombs to respect their memories. During the time, Muslims, specially governors, ministers and other people interested in Shiism built larger and luxurious structures on their tombs and used different architectures and arts for them. Also, to paying the protection costs, they endowed properties and estates to provide services and economic benefits to Iran and Iranian.

Since in Islamic living economic and devotion are important and

Waqf is a valuable factor in Islamic society economy, this paper deals with the relationship between Waqf and economic, the effects of endowments on economic and economic functions of holy shrines. The study was on the basis of document and library.

Key words: holy shrine, endowments, Waqf economic functions.

Rename endowments from a moral point of view

Sayyed Hassan Islami

Abstract

Because of the important services of endowments in Islamic world, it has always attracted special attention. To support of Waqf foundation, Islamic jurisconsults have studied and reviewed its different dimensions. But from a moral point of view the endowments have not investigated. The aim of this paper is to study of the morality judgment of benefactors. The analysis and study of different moral ideologies shows that rename of endowments is not morally true.

According to result orientation, endowment rename weakens the Waqf culture in the long time, so it is not true. In authority orientation, we don't have authority to act against the benefactor desires and his/ her mistake shouldn't divest his/ her name preservation authority. In task orientation point of view, it is necessary for Islamic society to fulfill its obligations and maintain the name of endowments. In virtue realistic perspective, keeping promises prevents changing name of endowments. Also, generalizing perspective in morality functions doesn't confirm it. Totally, due to political and duty perspective, maintaining the name of endowment is more acceptable than change of them.

Key words: Waqf morality, changing the name of endowments, virtue- oriented, task- oriented, applied moral, outcome- oriented in Waqf.

Female benefactor identity in Iran (a case study; Amol women)

Masomeh Yadollahpoor

Abstract

One of the social life expression methods for Amol women is their participation in charitable affairs by using Waqf. Iranian women have endowed their properties in charitable and social activities. So, deed of endowments can provide valuable information about benefactors motivations. In Amol, there is different motivations for women in Waqf. The study of deeds of endowment show that social classes have tended to Waqf with the aim of religious spirit satisfaction and helping others. One of the most important of Waqf application has been mourning for Imam Hossein (greeting to him).

Key words: Waqf, endowments, benefactors, women, Amol, Ta'aziye.

Deed of endowment for Tehran Hosseinieh Qanat

Marzieh Mortazavi

Abstract

The mentioned deed of endowment is belonged to Tehran university library and is about endow of newly built qanat by Mohammad Hossein Khan Amir Toman, called the Shahab al- molk in Naser al- din Shah Qajar era. It has been endowed for people of Chal- meidan neighborhood and Qariban alley in Tehran in five conditions. The custodianship in his life and after that was in charge of him and his son, respectively.

Key words: ded of endowment, Tehran Hosseinieh Qanat, Mohammad Hossein Khan Shahab al- molk.

Hazrat Abdol azim Hassani (PBUH) collection and its endowments

Mahdi Bakhtyari

Abstract

Hazrat Abdolazim Hassani , Abolqasem (PBUH) is a fifth generation descendant of Hasan ibn Ali (PBUH).

In Hazrat Abdolazim Hassani (PBUH) collection, there are two other holy shrines, Imamzadeh Hamzah and Imamzadeh Taher (PBUH).

During the time, the mentioned holy shrine has been considered by pilgrims and governors and the its old structure has been repaired or renewed.

This paper deals with introducing different parts of holy shrine collection in art and architecture perspective, then its endowments is studied.

Key words: Hazrat Abdolazim Hassani (PBUH), Rey city, Imamzadeh Hamzah (PBUH), Imamzadh Taher (PBUH), endowments.

Emamzadeh Esmail (Hamedan)

Zahra Poorshabanian

Abstract

Religious structures, construction of holy shrine and respect to Imams (PBUH) and their innocent family are symbols of Shitte political and religious tendencies so it has effect on political, social and economical position of society. In Safavid era and due to Shitte ideology, these structures are important in religious environment, society and Iranian culture. Holy shrines can organize society religion identity. A sample of Shitte perspective is religious holy shrines in Hamedan in Safavid era.

The main hypothesis in this research is study of Emamzadeh Es-



mail (PBUH) in Hamedan which provide a part of religious identity in Safavid era. This study helps to researchers to renew the society spiritual values.

Key words: Safavid, Hamedan, Emam zadeh Esmail (PBUH).

The relationship between Waqf and higher education in modern Egypt

Ebrahim Biomi Qanem

Translation: Hossein Alinaqian

Abstract

In political and economic reforms process and according to scientific societies needs, higher education problems has been worse. Technological changes, globalization policy and inequality between traditional powers in the international field are critical factors. This research is on the basis of this question: why does the role of Waqf foundation in support of higher education in modern Egypt is retrograded? How does the Waqf solve higher education problems and renews it?

Key words: Waqf, higher education, modern Egypt, Qahereh university endowments.

Introducing " The list of endowed properties documents in Iran", the fifth chapter: Yazd and its suburbs

Sayyed Amir Hossein Kamranirad

Endowments properties documents are the most valuable research resources in social and political societies. There are considerable old documents in Yazd which are not analyzed.

This book is fifth chapter of “ The list of endowed properties

documents in Iran” provided in two copies includes 1337 ancient deeds of endowment in Yazd and is collected during two years.

In these days, these documents are kept in Awqaf and charity organization of Yazd. Twenty three deeds of endowment are related to before Qajar, six hundred deeds are related to Qajar, 315 deeds are related to Pahlavi and 369 deeds are related to Islamic republic of Iran eras. One of the important specifications of this collection is considering indexes of endowed properties, titles, relations and jobs. At the end, some of selected materials and picture of some of endowments in Yazd are provided.

Key words: Iran endowments, Yazd, endowed documents, deeds of endowment.

وقتِ حیرتِ ہوا
وقتِ حیرتِ ہوا
وقتِ حیرتِ ہوا

کجا